

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه صنعتی خریف
پژوهشگاه مهندسی



سیاست‌نامه علم و فناوری

فصلنامه

دوره ۱۴ / شماره ۴ / زمستان ۱۴۰۳

شماره پیاپی: ۴۹

پروانه انتشار فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری در تاریخ ۱۳۸۷/۰۲/۲۳، به شماره ثبت ۱۲۴/۸۹۱، از سوی معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردیده است.

امتیاز این نشریه در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور و براساس نامه شماره ۳/۱۸/۱۳۷۱۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۸ مدیرکل پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعطا شده است. از تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ براساس آیین‌نامه نشریات علمی، ابلاغ شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تحت عنوان نشریه علمی سیاست‌نامه علم و فناوری فعالیت می‌نماید و در ارزیابی سال ۱۴۰۲ رتبه ب را کسب نموده است.

شماره پیاپی ۱ تا ۸ این فصلنامه پیش‌تر با عنوان «نامه سیاست علم و فناوری» منتشر شده است.

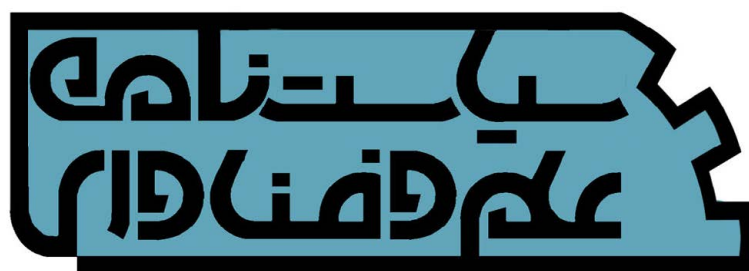


نشانی: تهران، خیابان آزادی، خیابان شهید حبیب‌الله، خیابان شهید قاسمی، کوچه گلستان، پلاک ۷، پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف.

کدپستی: ۱۴۵۹۹۹۳۵۹۹

تلفکس: ۶۶۰۶۵۱۳۹-۶۶۰۶۵۱۴۰

وبسایت: stpl.ristip.sharif.ir



دوره ۱۴ | شماره ۴ | زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه صنعتی شریف - پژوهشکده سیاست گذاری

مدیرمسئول: علی ملکی، دانشگاه صنعتی شریف

سردبیر: دکتر کیومرث اشترینان، دانشگاه تهران

هیئت تحریریه:

سید سپهر قاضی نوری، دانشگاه تربیت مدرس

محمدحسین رحمتی، دانشگاه صنعتی شریف

محمدتقی عیسائی، دانشگاه صنعتی شریف

عباس ملکی، دانشگاه صنعتی شریف

حمیدرضا ملک محمدی، دانشگاه تهران

حسین سالارآملی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مدیر علمی و اجرایی: نجم الدین یزدی

مدیر داخلی: نینا شاددلی

ویراستار: عاطفه صادقی

طراح جلد: نعیمه رجبی

صفحه آرا: لیلا اثنا عشری

مقالات ارسالی به فصلنامه باید براساس شیوه نامه نگارش مقالات در وبسایت فصلنامه تهیه و از طریق سامانه به صورت الکترونیکی ارسال شوند.
فصلنامه در اصلاح محتوایی و یا ویراستاری عناوین و متن مقالات آزاد است.
مسئولیت محتوای مقالات مندرج در سیاست نامه علم و فناوری بر عهده نویسندگان است.

فهرست



۵	◀ طراحی مدل مفهومی نوآوری اجتماعی در سازمان های مردم نهاد با رویکرد گراند تئوری سمیرا لقمان استرکی
۲۲	◀ طراحی نگاشت فازی عوامل مؤثر بر بهره برداری اثربخش فین تک در مؤسسات مالی علی حسنونند، محسن عارف نژاد
۳۶	◀ شناسایی عوامل مؤثر بر تعاملات ذی نفعان در فرایند سیاست گذاری علم و فناوری حسین نصیری
۵۳	◀ شناسایی ویژگی های مدل کسب و کار مؤثر بر مقیاس پذیری کسب و کارها در ایران کمال سخدری، بهزاد صادقی
۷۱	◀ بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی نهادهای میانجی دانشگاه و صنعت (مورد مطالعه: مجموعه مسابقات ره نشان بنیاد ملی نخبگان) بهاره آروین، امیرحسین داوری
۸۸	◀ بررسی سیر تاریخی اثرگذاری برنامه ریزی فضایی بر سیاست گذاری های صنعتی در کشورهای منتخب صنعتی و ایران اسماعیل ملک اخلاق، احمد نیازاده، سعید شادمان
۱۰۶	◀ شیوه نامه نگارش مقالات در نشریه سیاست نامه علم و فناوری



فصلنامه

سیاست‌نامه علم و فناوری

دوره ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

صفحات ۲۱-۵

طراحی مدل مفهومی نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد با رویکرد گراندتئوری

 20.1001.1.24767220.1403.14.4.1.6

سمیرا لقمان استرکی^۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد اصلی نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد و ارائه مدل با استفاده از راهبرد گراندتئوری است. روش این تحقیق از نظر نتیجه در دسته تحقیقات کاربردی - توسعه‌ای، از نظر هدف جز تحقیقات اکتشافی و از حیث روش در زمره تحقیقات کیفی مبتنی بر راهبرد گراندتئوری است. ابزار جمع‌آوری داده‌های تحقیق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه نوآوری اجتماعی و مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد است. برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. پس از پیاده‌سازی و تحلیل مصاحبه‌ها، کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) انجام شد. نتایج نشان داد که نوآوری اجتماعی سمن‌ها توسط شرایط علی (کار گروهی، اعتمادسازی فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی و تفکر سیستمی)، دلایل زمینه‌ای (سیاست‌گذاری، نگرش‌ها و سرمایه‌گذاری)، عوامل مداخله‌گر (قانونی، سیاسی، سازمانی و منابع مالی)، مقوله محوری (نوآوری اجتماعی سمن‌ها)، راهبردها (حمایتی، آموزش و توانمندسازی، ارتباطات، مشارکتی و مدیریتی) و پیامدهای (توسعه سمن‌ها، تحول اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی) تحقق می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که مدل پژوهش از سطح خوبی برخوردار است.

واژگان کلیدی: نوآوری اجتماعی، سازمان مردم‌نهاد، گراندتئوری، سیاست‌گذاری اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۸ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ آبان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۷ آبان ۱۴۰۳

مقدمه

نوآوری اجتماعی مفهومی است که در دهه‌های اخیر توسعه یافته است و همچنان موضوعی برای جست‌وجو و گفت‌وگو در نشریات علمی محسوب می‌شود (Galatti and Baruque-Ramos, 2022; Hermundsdottir and Aspelund, 2022; Lee et al., 2021; Lombardi, 2020). تفسیرهای متنوعی از نوآوری اجتماعی وجود دارد (Phil-), Pelka and Terstriep, 2016; (lips and Lee, 2015; Ramani, 2017; Tsai, 2015). نوآوری‌های اجتماعی به اندیشه‌ها، نهادها یا شیوه‌های کاری تازه‌ای اشاره دارد که در مقایسه با رویکردهای موجود، به شکل مؤثرتری به نیازهای اجتماعی رسیدگی می‌کند (Social Inno- vation Europe, 2012) و الگویی نوین از روش‌های اجتماعی برای حل مسائل اجتماعی با بازیگران جدید فراهم می‌کند (Howaldt and Schwarz, 2021). نوآوری‌های اجتماعی نقش مهمی در پرداختن به انواع مختلف مسائل اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مردم ایفا می‌کنند (Kluvankov, 2021) و در پاسخ به حل مسائل و نیازهای اجتماعی، راه‌حل‌های نوآورانه و جدیدی ارائه می‌دهند که در مقایسه با راه‌حل‌های قبلی، مؤثرتر، کارآمدتر و یا حتی عادلانه‌تر هستند (Chitsazian and Sade- ghikia, 2019). نوآوری‌های اجتماعی بازیگران متعددی دارند. با این‌که بازیگران مختلفی مانند بخش دولتی، بخش خصوصی، جامعه مدنی و یا ترکیبی از آن‌ها می‌توانند نوآوری‌های اجتماعی را راهبری کنند، (Michellini, 2012) اما این نوآوری‌ها عمدتاً از سوی سازمان‌هایی انجام می‌شوند که اهداف اجتماعی را در اولویت خود قرار داده‌اند (Mulgan, 2006). نوآوری‌های اجتماعی که از سوی این بازیگران تحقق می‌یابد، ماهیتی بشردوستانه و نوع‌دوستانه دارند (Schmidpeter and Os- burg, 2013). خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد از مهم‌ترین بازیگران نوآوری‌های اجتماعی به شمار می‌روند (Chitsazian and Sade ghikia, 2019). در واقع سیاست‌گذاران، نهادهای غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسه‌های خیریه و کارآفرینان در سرتاسر دنیا، توجه فزاینده‌ای به نوآوری اجتماعی به مثابه ابزاری برای پرداختن به مشکلات مختلف، از فقر و بی‌خانمانی گرفته تا تخریب محیط‌زیست، نشان داده‌اند (Karimi et al., 2019). سازمان‌های مردم‌نهاد به‌طور مسالمت‌آمیز از روش‌های مختلف در سیاست عمومی تأثیر می‌گذارند. نقش این سازمان‌ها تعارض با مسئولان امور دولتی نیست، بلکه نقش آن مشاوره به‌منظور خدمت‌رسانی به عموم جامعه است (Geoffroy and Alain, 2010). بنابراین، مشارکت اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد اطلاعات مفیدی را برای سیاست‌گذاران اجتماعی فراهم می‌کند و همچنین به شناسایی علت مشکلات نیز کمک می‌کند (Leskinen, 2004). به این ترتیب، ابزاری برای قاعده‌مند کردن

رفتارهای محیط خواهد بود و به تبع آن، امکان سیاست‌گذاری اجتماعی یا برنامه‌ریزی فرایندهای اجتماعی منطبق با نیازها را فراهم خواهد کرد (Moeinian et al., 2023).

بررسی و مطالعه ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که با وجود مطالعات مختلف درباره نوآوری اجتماعی، الگو یا مدل جامعی وجود ندارد که بتواند تمامی ابعاد و مؤلفه‌های این حوزه را به‌درستی ترسیم کند و آن را بررسی نماید. از سوی دیگر، پژوهش‌های موجود نیز گاهی نتایج متناقضی ارائه داده‌اند. بنابراین، ارزیابی و پر کردن این خلأ علمی، اساسی‌ترین مسئله این پژوهش است. نوآوری مطالعه حاضر در این است که با وجود توسعه نوآوری اجتماعی و کاربردهای آن در سازمان‌ها و نهادهای مختلف، ابعاد جدیدی مطالعه و بررسی شده است که در پژوهش‌های قبلی به آن پرداخته نشده بود. به همین دلیل، شناخت الگو و مدل جامع نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد، عوامل تأثیرگذار بر آن، طرح راهبردهای استخراج‌شده از این عوامل و همچنین شناسایی عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدهای نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد ضروری است. بنابراین، با توجه به موارد فوق، پرسش‌های اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود: مدل مفهومی نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد چگونه است؟ مؤلفه‌ها و ابعاد اصلی تشکیل‌دهنده این مدل کدام‌اند؟

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حوزه نوآوری اجتماعی، مسائل پیچیده اجتماعی و نیازهای برطرف‌نشده از طریق فعالیت‌ها و خدمات جدید است که ارزش اجتماعی را افزایش می‌دهد (Dayson, 2017). نوآوری اجتماعی راهکاری مبتکرانه برای حل مشکلات اجتماعی است که به‌جای افراد، برای کل جامعه ارزش و منفعت خلق می‌کند (Schmit, 2015). همچنین، فرایندی است که منجر به تغییرات بنیادی در سطوح خرد، میانی و کلان جامعه می‌شود (Spadafora and Rappasini, 2024). تعریف نوآوری اجتماعی به‌مثابه یک فرایند، ذاتاً مفهومی بحث‌برانگیز است (Neary Dave, 2015) و هیچ تعریف واحدی که به‌طور گسترده برای نوآوری اجتماعی پذیرفته شده باشد، وجود ندارد. با این حال، تلاش‌های متعددی برای ارتقای وضوح مفهومی آن صورت گرفته است (Szijar- to, 2018). نوآوری اجتماعی شامل مفهوم‌های جدیدی است که به محصولات، خدمات و مدل‌های جدید مربوط می‌شود و به‌طور هم‌زمان نیازهای اجتماعی را مؤثرتر از جایگزین‌ها برآورد می‌کند و همکاری‌ها و روابط اجتماعی جدی را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، نوآوری‌هایی هستند که هم برای جامعه مطلوب‌اند و هم ظرفیت جامعه را برای عمل افزایش می‌دهند (Murray et al, 2010). به عبارت دیگر، نوآوری اجتماعی ایده‌ای است که

سرمایه‌گذاری برای جلب مشارکت، توانایی مدیریت، توانایی شبکه‌سازی، توانایی سیاست‌گذاری کلی، زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی لازم، وجود سازمان‌های توانمند قانونی برای رفع مشکلات اجرایی، تسهیل هماهنگی‌ها، کنترل، مهار و کاهش آثار بحران به‌مثابه هشت عامل اصلی در نوآوری اجتماعی مبتنی بر مشارکت دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد شناسایی شدند. محبوبی، شریعت‌پناهی و تقی‌زاده (2023) ابهام در اهداف، ضعف در همکاری نیروهای داوطلب سمن، محدودیت حوزه فعالیت، ضعف مدیریتی، آگاهی، دانش و تخصص ناکافی در حوزه خانواده‌های در معرض آسیب و ناآشنایی با مختصات کار مشارکتی اعضا را از مهم‌ترین چالش‌های درون‌سازمانی سمن‌ها می‌دانند. از سوی دیگر، برخی از چالش‌های برون‌سازمانی که مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را در قبال خانواده‌های در معرض آسیب تحت تأثیر قرار می‌دهد، شامل تلقی خیریه‌ای از سمن‌ها، اعتماد پایین مردم به سمن‌ها، مشارکت پایین زنان در امور داوطلبانه در حوزه آسیب، ضعف شبکه‌سازی در سمن‌ها، تلقی سیاسی از فعالیت سمن‌های حوزه آسیب، ضعف حضور در عرصه سیاست‌گذاری، نبود رویکرد یکپارچه در تعامل سمن‌ها با دولت و کاستی در شفافیت ساختار قانونی سمن‌ها است.

سعدآبادی و همکاران (2021) تحقیقی با عنوان به‌کارگیری نوآوری اجتماعی برای بهبود عملکرد مؤسسات خیریه ارائه داده‌اند. این پژوهش به روش اقدام‌پژوهی و تفکر سیستمی و با هدف افزایش اثربخشی و بهره‌وری عملکرد سازمان‌های خیریه از طریق نوآوری اجتماعی انجام شد. نتایج بررسی پیشنهادی آن‌ها در دو قالب راه‌حل‌های فوری و بنیادی ارائه گردید. راه‌حل‌های فوری شامل همکاری و جذب سرمایه جمعی و راه‌حل‌های بنیادی شامل بهبود وضعیت اقتصادی، تخصص خرده‌وام‌ها، نوآوری مقرون‌به‌صرفه و نوآوری همگانی است.

چیت‌سازیان و صادقی‌کیا (2019) با استفاده از روش تحلیل مضمون به شناسایی ابعاد مشارکت مردمی در نوآوری‌های اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مضامین فراگیر آگاه‌سازی، تقویت هویت و انسجام اجتماعی جامعه، تسهیل و جذاب‌سازی مشارکت داوطلبانه، یادگیری و مهارت‌افزایی، اعتمادسازی و بهبود تعامل و ارتباط کنشگران اصلی به‌منزله ابعاد اصلی مشارکت مردمی در نوآوری‌های اجتماعی شناسایی شده‌اند.

کریستینا و گزا (2024) در مطالعه‌ای با عنوان ابتکارات نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد مجارستان به این نتیجه دست رسیده‌اند که مشکلات پیش‌روی منطقه (مهاجرت، سالمندی، بیکاری و نابرابری‌های آموزشی) نیازمند شناسایی دقیق نیازهای محلی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری است. یکی از ابزارهای این ابتکارات، نوآوری اجتماعی و حمایت از تلاش‌های نوآوری

نتیجه‌اش به مصلحت عموم است (Niazi et al., 2023). طبق تعریف سازمان جهانی توسعه و همکاری‌های اقتصادی، نوآوری اجتماعی به‌دنبال یافتن پاسخ‌های جدید برای مسائل و مشکلات اجتماعی است. نوآوری اجتماعی در زمینه‌های مختلف، همچون آموزش و پرورش (Iqbal and Piwovar-Sulej, 2022; Riv-ers et al., 2015)، مراقبت‌های بهداشتی (Ahmed et al., 2021; Husebø et al., 2020)، محیط‌زیست (Galatti and Baroque-Ramos, 2021; al., 2021)، اشتغال (Szymanska, 2021; Kapoor), یکپارچگی اجتماعی (Weerakkody, 2018; Campopiano and Bassani, 2022; Hermundsdot-tir and Aspelund, 2022; Jaeger-Erben et al., 2015) گسترش یافته است. این حوزه به مسائل پیچیده اجتماعی و نیازهای برآورده‌نشده از طریق فعالیت‌ها و خدمات نوین که ارزش اجتماعی را افزایش می‌دهند، پرداخته و از سوی سیاست‌گذاران دولتی راه‌حلی برای خلق و آزمایش خدمات جدید تلقی می‌شود (Daykhes, 2017). در این میان، سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از محیط‌های پویا برای ایجاد نوآوری اجتماعی به شمار می‌آیند. سازمان مردم‌نهاد که به اختصار «سمن» نامیده می‌شود، سازمانی است با شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی که به‌منظور فعالیت‌های داوطلبانه با گرایش‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و بشردوستانه فعالیت می‌کند. این سازمان بر اساس قانونمندی و اساسنامه مدون، ضمن رعایت چهارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی آن، به فعالیت خود ادامه می‌دهد (Karami et al., 2019). به عبارت دیگر، سازمان مردم‌نهاد اصطلاحی متفاوت از بخش خصوصی و دولتی است و ماهیتی داوطلبانه و غیرسیاسی دارد. در واقع بر اساس سه مؤلفه اساسی غیردولتی بودن، غیرانتفاعی بودن و داوطلبانه بودن، می‌توان تعریفی از سازمان‌های مردم‌نهاد ارائه داد که با اهداف مشخص و آشکار پیرامون نیازهای اجتماعی مشترک گرد آمده‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل مردمی بودن به سرعت نیازهای برآورده‌نشده را در سطح جامعه شناسایی می‌کنند و این سرعت، آن‌ها را قادر می‌سازد تا سریع‌تر معضلات را برطرف کنند (Park and Yoon, 2022). سازمان‌های مردم‌نهاد واسطه مطالبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی میان دولت و مردم و همچنین عامل نوآوری و تغییر هستند.

در ادامه، مهم‌ترین فعالیت‌های پژوهشی مرتبط با نوآوری اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد، بررسی و تحلیل می‌شوند. معینیان و همکاران (2022) مطالعه‌ای با هدف کنترل بحران کوید-۱۹ با تأکید بر نوآوری‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت مردمی در سازمان‌های مردم‌نهاد انجام دادند. بر اساس یافته‌های پژوهش، مقوله‌های اثربخشی مشارکت‌های مردمی،

در این حوزه ارائه نشده است. بنابراین، با توجه به اهمیت نوآوری اجتماعی در سازمان‌ها و شناخت ابعاد مختلف آن، پژوهش حاضر انجام شده است.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای - کاربردی است؛ زیرا از یک سو به بررسی نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد می‌پردازد و از سوی دیگر، نتایج آن می‌تواند در جهت ارتقای نوآوری اجتماعی سمن‌ها استفاده شود و الهام‌بخش سایر سازمان‌های اجتماعی نیز باشد. این پژوهش از لحاظ رویکرد اکتشافی است و شیوه انجام آن نیز ماهیتی کیفی دارد. در این تحقیق، از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین استفاده شده است که بر شناسایی شرایط علی، دلایل زمینه‌ای، مقوله محوری، عوامل مداخله‌گر، راهبردها، پیامدها و ارتباط بین آن‌ها مبتنی است. جامعه آماری این پژوهش مدیران و متخصصان سمن‌ها، کارشناسان و سایر خبرگان آگاه به حوزه نوآوری اجتماعی در کلان‌شهر تهران هستند. روش نمونه‌گیری نیز به صورت هدفمند و همراه با روش گلوله‌برفی انجام شده است و این فرایند تا دستیابی به اشباع نظری، یعنی زمانی که داده جدیدی به یافته‌های قبلی اضافه نشود، ادامه یافته است. در این پژوهش، تعداد ۱۰ مصاحبه انجام شده است که متوسط زمان مصاحبه‌ها بین ۵۰ تا ۹۰ دقیقه بوده است. در جدول شماره ۱، توصیف جمعیت‌شناختی نمونه‌های موردنظر آورده شده است. بر اساس این جدول، بیشتر خبرگان مصاحبه‌شونده دارای سمت اجرایی بودند و بیشتر افراد مدرک دکتری داشتند. همچنین، بانوان ۴ نفر و آقایان ۶ نفر از خبرگان مصاحبه‌شونده را تشکیل دادند. بیشتر خبرگان (۶ نفر از ۱۰ نفر) مصاحبه‌شونده، دارای بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت حرفه‌ای در حوزه مرتبط با پژوهش بوده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی مصاحبه‌ها، از روش تحلیل محتوا مبتنی بر فرایند کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، براساس رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. بدین منظور، در گام نخست به هر عبارت یا جمله مهم موجود در مصاحبه‌ها، یک مفهوم اختصاص داده شد که به آن کدگذاری باز می‌گویند. در مرحله بعد با بررسی دقیق ابعاد مختلف مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده و کشف ارتباط و پیوند بین آن‌ها، کدگذاری محوری انجام شد. در ادامه، طی فرایندهای لازم، مقوله‌های پالایش شده کدگذاری انتخابی شدند، ابعاد و مؤلفه‌های پژوهش و روابط میان آن‌ها شناسایی شدند و در قالب مدل مفهومی پژوهش ترسیم گردیدند. از میان ابعاد کشف شده یکی از این عناصر به منزله مقوله محوری تعیین شد و سایر مقوله‌ها در نقش شرایط علی، دلایل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر،

اجتماعی است. بازیگران کلیدی در فرایند نوآوری اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که نوآوری اجتماعی را در درجه اول یک مأموریت می‌بینند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که شناسایی ذی‌نفعان در فرایند نوآوری اجتماعی، نقش ارتباطات (اطلاعات)، برنامه‌ریزی منابع مالی و نظام مراقبت اجتماعی محلی از اهمیت بالایی برخوردار است.

نتایج تحقیق باتزین و ترستریپ (2023) در بررسی بازیگران و نقش‌های نوآوری اجتماعی نشان داد که بازیگران متعددی مانند سازمان‌های غیرانتفاعی و مردم‌نهاد، بخش دولتی، شرکت‌های خصوصی و... در نوآوری اجتماعی نقش دارند. از میان این بازیگران، سازمان‌های مردم‌نهاد با ۴۶/۴ درصد در رتبه اول قرار دارند و سهم بیشتری در نوآوری اجتماعی در برابر سایر نهادها دارند.

زاجدا و همکاران (2020) تحقیقی باهدف ارائه ابزاری برای سنجش میزان اجرای نوآوری‌های اجتماعی محصول‌محور در سازمان‌های مردم‌نهاد انجام داده‌اند و در نهایت مدلی را پیشنهاد کردند که از طریق آن امکان ارزیابی کمی فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم می‌گردد.

بیو و همکاران (2012) در پژوهشی به بررسی نوآوری اجتماعی در مدیریت سازمان‌های مردم‌نهاد پرداختند. پرسش اصلی این پژوهش این بود که جنبه‌های اصلی نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد چیست و چگونه این رویکرد می‌تواند برای این سازمان‌ها ایجاد ارزش کند؟ یافته‌ها نشان داد که جنبه‌های اصلی نوآوری اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد با عواملی همچون شکست بخش عمومی و بازار، همبستگی انسانی، نیاز به توانمندسازی جمعی، نوع بازاری که سازمان‌های مردم‌نهاد در آن خدمت می‌کنند، نیاز به مشروعیت سازمانی، کمبود سهام، هدف اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد و نحوه عملکرد ضمنی آن‌ها، ظرفیت مالی ذی‌نفعان سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره تعیین می‌شود.

لانگ (2012) در تحقیقی با عنوان پاسخگویی سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه مدنی و حوزه عمومی‌شان به بررسی این موضوع می‌پردازد که سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای جهان سوم به طور فزاینده‌ای به وسایل بالقوه‌ای در خدمت ایدئولوژی تبدیل شده‌اند. در پایان نتیجه می‌گیرد که دیدگاه‌های مدرن رادیکال برای اصلاح پاسخگویی در توضیح مشکلات تحقیقات تجاری مفید هستند، اما برای بررسی نقاط قوت و محدودیت سمن‌ها و اصلاح در حوزه مدنی و اجتماعی، می‌توانند توسعه یابند.

بررسی‌های انجام شده در پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در زمینه نوآوری اجتماعی سمن‌ها، پژوهش‌هایی در داخل و خارج کشور انجام شده است، اما تاکنون مدل جامع و روشنی

جدول ۱: مشخصات خبرگی

کد	جنسیت	تحصیلات	سابقه	سمت
خبره ۱	زن	کارشناسی ارشد	۱۱ سال	کارآفرین اجتماعی
خبره ۲	مرد	دکتری	۱۰ سال	مدرس و محقق دانشگاه
خبره ۳	مرد	دکتری	۱۴ سال	خبره صنعت
خبره ۴	مرد	کارشناسی ارشد	۱۱ سال	مدیر سمن
خبره ۵	زن	کارشناسی ارشد	۹ سال	مدیر سمن
خبره ۶	زن	دکتری	۷ سال	مدیر سمن
خبره ۷	مرد	دکتری	۱۲ سال	نوآور اجتماعی - سازمانی
خبره ۸	مرد	کارشناسی	۱۳ سال	مدیر سمن
خبره ۹	زن	دکتری	۸ سال	نوآور اجتماعی-سازمانی
خبره ۱۰	مرد	دکتری	۱۵ سال	مدیر سمن

انجام شد که این مراحل شامل مطالعه و جمع آوری داده های اولیه، انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته با خبرگان، کدگذاری داده ها برای دستیابی به مفاهیم، مؤلفه ها و ابعاد؛ شناسایی مؤلفه های جدید و برقراری و شناسایی روابط بین مؤلفه ها و ابعاد است. در این راستا، ۳ نوع کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) صورت گرفت. سپس، از داده های به دست آمده از مصاحبه شونده ها ۱۱۲ مفهوم (کدگذاری باز) استخراج شد که در مرحله بعد، با استفاده از کدگذاری محوری، این مفاهیم در قالب ۱۹ مقوله فرعی قرار گرفتند که شامل کار گروهی و تیمی، اعتمادسازی، فرهنگ سازی و آگاهی بخشی، تفکر سیستمی، سیاست گذاری، نگرش ها، سرمایه گذاری، قانونی، سیاسی، سازمانی، منابع مالی، حمایتی، آموزش و توانمندسازی، ارتباطات، مشارکتی، مدیریتی، توسعه سمن ها، تحول اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی هستند. در نهایت، این ۱۹ مقوله نیز در قالب پنج مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی) قرار گرفتند.

۳-۱. کدگذاری باز

در کدگذاری باز، پژوهشگر با ذهنی باز به نام گذاری مفاهیم می پردازد و محدودیتی برای تعداد کدها قائل نمی شود. هدف از کدگذاری باز، تجزیه مجموعه داده های گردآوری شده به

راهبردها و پیامدها در مدل جای گذاری شدند.

برای بررسی صحت و تأیید روایی در این پژوهش از چهار معیار اعتبار، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تأیید پذیری لینکلن و کوبا استفاده شد (Guba and Lincoln, 2005). برای سنجش پایایی ابزار پژوهش حاضر از ضریب کایای کوهن استفاده شده است. براین اساس، از ۳ نفر از خبرگان حوزه گردشگری سلامت درخواست شد که در مورد مدل ارائه شده و ابعاد مختلف آن در حوزه های مداخله گر، زمینه ای، علی، پیامدها و راهبردها و نیز مقوله اصلی، در یک رتبه سه درجه ای (ضعیف، متوسط، خوب) به هر یک از ابعاد و اجزای آن امتیاز دهند و نظرات خود را در مورد روایی این مورد اعلام کنند. در نهایت، مقدار شاخص کاپای به دست آمده از آزمون کاپا برابر است با ۰/۷۹۹۵ (بالتر از ۰/۶۰) که در سطح توافق معتبر قرار گرفته است. لذا با توجه به آزمون (۰/۷۹۹۵) و سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ می توان ادعا کرد که پایایی مدل تأیید می شود.

۳. یافته ها (تحلیل داده های پژوهش)

در این پژوهش مراحل رویکرد گراندتئوری^۱ در چهار مرحله

1. Grounded theory

کوچک‌ترین اجزای مفهومی ممکن است. کدگذاری باز شامل سه مرحله است. در مرحله اول، برای بررسی عمیق منابع اطلاعاتی پژوهش، کدهای اولیه شناسایی می‌شود و این کدها در مراحل بعدی و پس از تحلیل، ابتدا در قالب مفاهیم طبقه‌بندی می‌شوند و سپس این مفاهیم در قالب مقوله‌ها

دسته‌بندی می‌گردند. در این پژوهش، در مرحله کدگذاری باز از مجموع ۱۰ مصاحبه انجام شده، ۱۱۲ کد توصیفی استخراج شده است. کدگذاری باز حاصل از یک نمونه مصاحبه، در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: نمونه کدگذاری باز

کدهای باز	متن مصاحبه
بهبود دانش حرفه‌ای و تخصصی سمن‌ها در حوزه‌های مختلف	نبود دانش حرفه‌ای در مورد سمن‌ها در ایران یکی از خلأهای بزرگ است؛ بنابراین، از طریق راهبردهای آموزشی می‌توان در حوزه‌های مختلف تولید محتوا کرد و در نتیجه، دانش تخصصی و حرفه‌ای سمن‌ها را ارتقا داد.
برگزاری کارگاه‌های مهارتی	سمن‌ها و خیرین می‌توانند با همکاری سازمان‌های دیگر، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مختلف را برگزار کنند.
توانمندسازی فردی و اجتماعی	برای پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی، ما باید از طریق شیوه‌های آموزشی و انگیزشی افراد را آماده کنیم و تغییرات مطلوبی را هم در سطح فردی و هم اجتماعی در آن‌ها ایجاد کنیم.

۲-۳- کدگذاری محوری

پس از انجام کدگذاری باز، در کدگذاری محوری، محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها مشخص می‌شود و در مرحله بعدی، کدگذاری حول این محورها انجام می‌گردد. نظریه، تحت کنترل یک چهارچوب مشخص ساخته می‌شود. این چهارچوب کمک می‌کند تا ارتباط سایر طبقات با طبقه محوری در این موارد گنجانده شود: زمینه، علل، شرایط مداخله‌گر و راهبردها و پیامدها. در کدگذاری محوری، مبانی و پایه‌های کدگذاری انتخابی پی‌ریزی می‌شود. در جدول ۳، نمونه کدگذاری محوری نمایش داده شده است.

جدول ۳: نمونه کدگذاری محوری

کدهای باز	متن مصاحبه
آموزش و توانمندسازی	بهبود دانش حرفه‌ای و تخصصی سمن‌ها در حوزه‌های مختلف
	برگزاری کارگاه‌های مهارتی
	توانمندسازی فردی و اجتماعی

۳-۳- کدگذاری انتخابی

اولین گام در کدگذاری انتخابی تشریح خط اصلی داستان است. گام دوم ربط‌دادن مقوله‌های تکمیلی حول مقوله محوری با استفاده از یک مدل است. در مرحله بعد، هر یک از مقوله‌ها باید

به ابعادشان مرتبط شوند. گام چهارم به تأیید رساندن آن روابط با استفاده از داده هاست. آخرین مرحله تکمیل مقوله هایی است که نیاز به اصلاح و یا بسط و گسترش دارند؛ بنابراین، در این مرحله مقوله ها بهبود می یابند و در قالب یک نظریه منسجم یکپارچه می شوند. همچنین، مقوله ها و مفاهیمی که نیازمند بازنگری و بهبود بودند، اصلاح شدند که اجزای اصلی مدل نوآوری اجتماعی در سمن ها را تشکیل می دهند. این مقوله ها، در جدول ۴، نمایش داده شده است.

جدول ۴: نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی

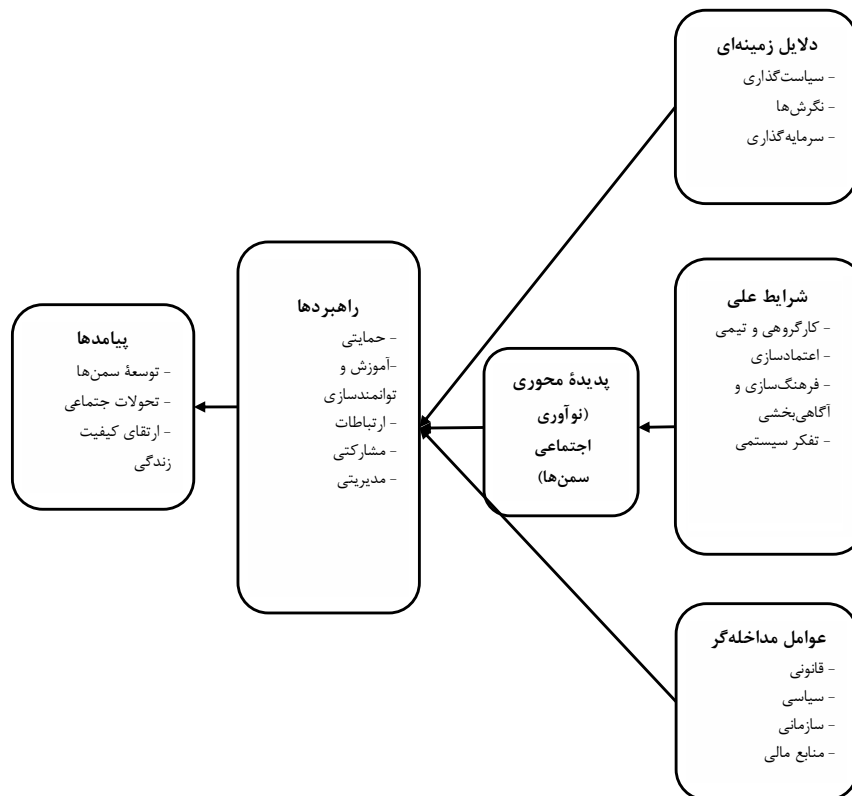
مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدها
شرایط علی	فرهنگ سازی و آگاهی بخشی	آگاهی مردم از حوزه فعالیت سمن ها
		آگاهی مردم به موقعیت نیازمندان و همدلی با آن ها
		توسعه آگاهی و اطلاع رسانی اجتماعی
		ترویج فرهنگ اراده گرایی و کمک های خیریه
		توسعه فرهنگ همدلی و مشارکت در جامعه
		استفاده از فضای مجازی برای اطلاع رسانی عمومی
		تبلیغات
		برندسازی نوآوری اجتماعی
	اعتماد سازی	ارائه مشخصات جامع طرح های نوآوری اجتماعی به عموم
		ارائه گزارش از رسیدگی به نیازها از سوی سمن ها
		شفافیت
		پاسخگویی
		مقاعدسازی مردم
		مسئولیت پذیری اجتماعی سمن ها
	کار گروهی و تیمی	همکاری مؤثر نیروهای داوطلب در سمن ها
		تصمیم گیری های تیمی در انجام امور سمن ها
		تقویت و ترویج روحیه انقلابی و تحول گرایی
		ایجاد انگیزه و اعتقاد برای رشد از طریق کار تیمی در سمن
	تفکر سیستمی	نگاه سیستمی و کل گرایانه به مسائل و مشکلات درون سمن ها
		توسعه رویکرد فرایند محوری برای شناسایی و حل مسائل
		استفاده از تفکر خلاق برای حل مسائل
		رویکرد نقادانه به مشکلات

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدها
عوامل مداخله‌گر	قانونی	نبود قوانین هدفمند در این حوزه
		نبود ضمانت اجرایی قوانین این حوزه
		پراکندگی قوانین این حوزه
		نبود قوانین حامی فعالیت سمن‌ها
		فقدان شفافیت ساختار قانونی سمن‌ها
		نبود ساختارهای حقوقی برای رسیدگی به شکایات
	سیاسی	تلقی سیاسی از فعالیت سمن‌ها
		بهره‌برداری سیاسی از سمن‌ها
		رویکرد سیاسی در تصمیم‌گیری سمن‌ها
		نبود ثبات سیاسی در برخورد با سمن‌ها
		مداخله مستقیم حاکمیت و تصدی‌گری سمن‌ها
		ابهام در اهداف و حوزه عمل سمن‌ها
	سازمانی	نبود جایگاه رسمی در ساختار اجتماعی
		نبود دانش حرفه‌ای در سمن‌ها
		فقدان فرهنگ سازمانی حامی نوآوری اجتماعی
		فقدان شبکه‌ای منسجم از نقش‌های سازمانی حوزه نوآوری اجتماعی در سمن‌ها
		نبود پویایی و چابکی سمن‌ها
		موازی‌کاری سمن‌ها با دستگاه‌های ذی‌ربط
		وجود قوانین و رویه‌های سازمانی دست‌وپاگیر
		تکثر سازمان‌های ذی‌ربط در امور اجتماعی
		پروkrاسی سازمانی
		بودجه محدود و ناپایدار سمن‌ها
شرایط زمینه‌ای	منابع مالی	وابستگی مالی و ضابطه‌ای سمن‌ها
		سوءاستفاده از منابع مالی اهدایی
		استفاده از منابع اهدایی برای مصارف غیرضروری سمن‌ها
		انتلاف منابع مالی به دلیل بهره‌وری کمتر
		ناتوانی نوآوران برای دریافت مجوزهای لازم برای تأمین اعتبار نوآوری
		فراهم‌سازی امکان حضور سمن‌ها در عرصه سیاست‌گذاری
	سیاست‌گذاری	تصویب سیاست‌های مرتبط با چابک‌سازی سمن‌ها
		تصویب سیاست‌های مالی دولت در حمایت از فعالیت سمن‌ها
		امکان مشارکت سمن‌ها در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی
		اولویت به بحث‌های اجتماعی در گفتمان کلان
	نگرش‌ها	ایجاد نگرش مثبت برای همکاری با سمن‌ها و امور خیرخواهانه
		تأکید بر اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی
		تأکید بر هویت و دیدگاه اخلاقی به فعالیت اجتماعی سمن‌ها
		سطح تحصیلات و آگاهی افراد جامعه
	سرمایه‌گذاری	تشکیل گروه سرمایه‌گذاری
		تشویق سرمایه‌گذاری جمعی در امور خیرخواهانه
		تشویق بخش خصوصی برای حمایت از سمن‌ها
		سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه برای معرفی طرح‌های اجتماعی و فعالیت‌های سمن‌ها

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدها
راهبردها	حمایتی	تسهیل فرایند تأسیس و صدور مجوز فعالیت سمن‌ها
		حمایت مالی دولت از سمن‌ها
		حمایت‌های حقوقی از سمن‌ها
		حمایت مالی دولت به شکل بسته‌های تشویقی
		حمایت‌های آموزشی با اتکا به متخصصان حوزه نوآوری اجتماعی
	ارتباطاتی	بهبود ارتباط میان سمن‌ها و نهادهای ذی‌ربط
		بهبود تعامل میان سمن‌ها با عموم مردم
		بهبود تعامل میان سمن‌ها با نهادهای ذی‌ربط
		تسهیل ارتباط و همکاری سمن‌ها با سازمان‌های هم‌عرض (مساجد، خیریه‌ها و..)
		ایجاد رویکرد یکپارچه در تعامل سمن‌ها با دولت
		شناسایی و ارتباط جامعه هدف با نوآور اجتماعی و سمن‌ها
		ایجاد شبکه‌های تعاملی میان نوآوران اجتماعی
		ارتباط و همکاری فعال سمن‌ها با کارآفرینان اجتماعی
		تعاملات برون‌سازمانی سمن‌ها با بخش دولتی، خصوصی، تعاونی و..
		همکاری سمن‌ها با مراکز معتبر جهانی فعال در نوآوری اجتماعی
	مشارکتی	بهبود مشارکت مردم در امور داوطلبانه
		تشویق بانوان به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی
		جذاب کردن مشارکت
		تسهیل مشارکت برای عموم
		انسجام اجتماعی
		ارائه گزارش از مشارکت‌های الگوهای مردمی (سلبریتی‌ها و..)
		هم‌آفرینی اجتماعی
	آموزش و توانمندسازی	بهبود دانش حرفه‌ای و تخصصی سمن‌ها در حوزه‌های مختلف
		برگزاری کارگاه‌های مهارتی
	مدیریتی	توانمندسازی فردی و اجتماعی
		تأکید سمن‌ها بر چشم‌انداز، مأموریت و اهداف مبتنی بر نوآوری اجتماعی
		برنامه‌ریزی عملیاتی برای تحقق راهبردها
		اجرای اثربخش راهبردها و اهداف تعیین‌شده
		به‌کارگیری تجارب مدیریتی فعالان این حوزه
		به‌کارگیری مدیریت استعداد
		تقویت تعهد اجتماعی مدیران
		سبک رهبری سمن‌ها متناسب با نوآوری اجتماعی
		ایجاد ظرفیت لازم برای حمایت و اجرایی کردن ایده‌ها

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدها
پیامدها	تحول اجتماعی	تغییر در ساختار فرهنگی
		تغییر در ساختار اجتماعی
		بهبود تعاملات اجتماعی
		تحول باورها و ارزش‌های اجتماعی
	ارتقای کیفیت زندگی	رفع فقر و محرومیت‌زدایی
		بهبود خدمات حمایتی اجتماعی
		بهبود کیفیت زندگی مردم
		رفاه عمومی
	توسعه سمن‌ها	تقویت آرمان‌های مطلوب جامعه
		توسعه پایدار جامعه
		ارتقای کمیت و کیفیت سمن‌ها
		اثربخشی اجتماعی سمن‌ها
		کارایی اجتماعی سمن‌ها
		بهبود عملکرد سمن‌ها
		افزایش مشارکت سمن‌ها در امور داوطلبانه
		بهره‌برداری بیشتر از فرصت‌های اجتماعی
		توسعه خدمات و برنامه‌های سمن‌ها مبتنی بر نیاز جامعه

بعد از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، بر اساس ارتباط موجود میان آن‌ها و بر اساس پارادایم نظام‌مند گراندتئوری، مقوله‌های محوری هر بخش، به شکلی نظام‌مند به مقوله‌های دیگر مرتبط شده است و روابط در یک چهارچوب کلی شفاف گردیده است. بر اساس این روابط، مدل پژوهش حاضر ترسیم شد که این مدل روایتگر مدل نوآوری اجتماعی سمن‌ها است. مدل پارادایمی پژوهش در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱: مدل نهایی پارادایم، کدگذاری نوآوری اجتماعی سمن‌ها (منبع: یافته‌های محقق)

۴. بحث و نتیجه‌گیری

نوآوری اجتماعی موضوع جدیدی است که بیان می‌کند سازمان‌ها همواره در تلاش‌اند تا راه‌حل‌های جدیدی برای نیازهای اجتماعی بیابند. از این‌رو، بخشی از جذابیت نوآوری اجتماعی ناشی از این واقعیت است که می‌تواند به‌منزله «چتری» برای حل و فصل مشکلات اجتماعی به‌شیوهٔ خلاقانه و مثبت باشد (Mobini De-). (hkordi and Koshtar Harandi, 2015).

نتایج حاصل از این پژوهش شامل شناسایی عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای نوآوری اجتماعی در سمن‌ها است که در قالب مدل پارادایمی ارائه شده است. عوامل علی شامل ۴ مقوله کارگروهی و تیمی، اعتمادسازی، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی و تفکر سیستمی بودند. در این پژوهش، چیت‌سازیان و صادقی‌کیا (2019) به دو بعد آگاه‌سازی و اعتمادسازی به‌منزله عوامل اصلی مشارکت مردمی در نوآوری اجتماعی اشاره کرده‌اند که با نتایج پژوهش حاضر نیز هم‌راستا است. در پژوهش شریعت‌پناهی و تقی‌زاده (2023) از ناآشنایی با مختصات کار مشارکتی اعضا و اعتماد پایین مردم که یکی از مشکلات سمن‌ها بوده‌اند نام برده‌اند که با یافته‌های پژوهش حاضر نیز همخوانی دارد. از طرفی هیچ‌یک از محققان قبلی

به بعد تفکر سیستمی نپرداخته‌اند و پژوهش حاضر در این بعد دارای نوآوری است. عوامل مداخله‌گر نیز شامل ۵ مقوله قانونی، سیاسی، سازمانی و منابع مالی بودند. در پژوهش شریعت‌پناهی و تقی‌زاده کاستی در شفافیت ساختار قانونی سمن‌ها یکی از عوامل مداخله‌گر شناسایی شده است که با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. کریستینا و گزا (2024) به اهمیت نقش برنامه‌ریزی منابع مالی اشاره کرده‌اند که با نتایج این پژوهش نیز همخوانی دارد. محققان قبلی به برخی از ابعاد همچون عوامل سیاسی و سازمانی نپرداخته‌اند و پژوهش حاضر در این ابعاد دارای نوآوری است. عوامل زمینه‌ای نیز شامل سیاست‌گذاری، نگرش‌ها و سرمایه‌گذاری هستند. در پژوهش معینیان و همکاران (2022) و سعدآبادی و همکاران (2021) به سرمایه‌گذاری برای جلب مشارکت به‌منزله یکی از عوامل اصلی نوآوری اجتماعی سمن‌ها اشاره شده است. همچنین در پژوهش شریعت‌پناهی و تقی‌زاده (2023) به عامل سیاست‌گذاری اشاره شده است که همسو با یافته‌های این پژوهش است. از طرفی محققان به بعد نگرش نپرداخته‌اند و پژوهش حاضر در این بعد دارای نوآوری است. در این پژوهش راهبردها شامل ۵ مقوله بودند: حمایتی، آموزش و توانمندسازی، ارتباطات، مشارکتی و مدیریتی. پژوهش

مدیران سمن‌های موفق برای انتقال تجربه‌ها به دانشجویان و علاقه‌مندان بهره‌برداری کرد. همکاری سمن‌ها با مؤسسه‌ها و مراکز معتبر فعال جهانی در نوآوری اجتماعی، زمینه‌ساز رشد و موفقیت نوآوری اجتماعی خواهد بود. ایجاد شبکه‌ای منسجم، فعال و پویا از نقش‌های مختلف تأثیرگذار در حوزه نوآوری اجتماعی، به هم‌افزایی جریان نوآوری اجتماعی منجر می‌شود و ساختار مردمی توسعه‌یافته به رشد بیشتر نوآوری اجتماعی در سمن‌ها را رقم می‌زند. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به نبود امکان مصاحبه با برخی از مدیران و یا محدودیت‌های زمانی در مصاحبه با برخی مدیران اشاره کرد. همچنین به دلیل ماهیت و ساختار ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد، تعمیم‌پذیری این مدل به سایر سازمان‌های اجتماعی، نیازمند پژوهش و تحقیق دوباره است؛ بنابراین، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا به بررسی مدل و آزمون آن در سازمان‌های اجتماعی دیگر بپردازند تا مدل مذکور در یک فرایند تدریجی علمی به بلوغ نسبی برسد.

حاضر در بعد مشارکت با یافته‌های معینان و همکاران (2022)، چیت‌سازیان و صادقی‌کیا (2019)، کریستینا و گزا (2024) هم‌راستا است. همچنین معینان و همکاران (2022) و کریستینا و گزا (2024) به بعد ارتباطات اشاره کرده‌اند که همسو با نتایج این پژوهش است. در پژوهش چیت‌سازیان و صادقی‌کیا (2019) به یادگیری و مهارت‌افزایی به‌منزله عامل اصلی مشارکت مردمی اشاره شده است که با یافته‌های این پژوهش همسو است. در بعد مدیریتی نیز این پژوهش با یافته‌های شریعت‌پناهی و تقی‌زاده (2023) و معینان و همکاران (2022) همخوانی دارد. در نهایت، پیامدها در این پژوهش شامل توسعه سمن‌ها، تحول اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی است که در هیچ‌یک از مطالعات پیشین به آن اشاره نشده است و مطالعه حاضر در این ابعاد نیز دارای نوآوری است. با توجه به مطالب فوق و بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود تا سیاست‌هایی در راستای تقویت و تسهیل فعالیت سمن‌ها و حضور مؤثر آن‌ها در عرصه سیاست‌گذاری، در اسناد بالادستی تدوین گردد. همچنین به‌منظور اثربخشی بیشتر مشارکت‌های اجتماعی، همسویی سیاست‌های سایر سازمان‌های اجرایی با اهداف سمن‌ها و همکاری با آن‌ها الزامی شود. همچنین نهادهایی از طرف دولت برای تسهیل ارتباط با سمن‌ها ایجاد شود. پیشنهاد می‌شود قوانین حمایتی در راستای تقویت و تسهیل مشارکت‌های مردمی از طرف مراجع قانون‌گذاری وضع گردد. در بعد سازمانی نیز پیشنهاد می‌شود با شبکه‌سازی و تقویت همکاری و تعامل با دیگر نهادهای اجتماعی، بنیادهای خیریه و مراکز کارآفرینی اجتماعی، به رفتار فرانتش و نگاه به منابع و سرمایه انسانی در اکوسیستم دانشگاهی توجه شود. در این راستا، می‌توان از مشارکت سازمان‌های خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان استفاده کرد. یکی از راهکارهای اجرایی، ایجاد شرکت‌ها و مجموعه‌های دانش‌بنیان مردم‌نهاد است. از طریق این شرکت‌ها کار نوآورانه با استفاده از بسیج مردمی و مشارکت حداکثری مردم و با حداکثر اثر اجتماعی انجام می‌شود. راهکار بعدی، بسترسازی دانش‌بنیان برای نهضت تولید مردمی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد است. برای مثال، سمن‌ها می‌توانند زیرساخت‌های لازم را برای کمک به شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد کنند و آن را در اختیار مردم قرار دهند و این‌گونه با ورود مردم، سرمایه و نیروی کار تأمین می‌شود. بنابراین، لازم است به مراکز رشد و خلق فرصت‌های کارآفرینانه دانش‌بنیان در حوزه‌های اجتماعی توجه بیشتری شود.

پیشنهاد می‌گردد در بعد آموزشی، با کیفیت‌بخشی به آموزش‌های نوین، آموزش مسئله‌محور و متناسب با نیازهای جامعه، به خلق ارزش‌های اجتماعی در اکوسیستم نوآوری و کارآفرینی دانشگاهی پرداخته شود؛ بدین منظور، می‌توان از ظرفیت استادان مجرب سایر دانشگاه‌ها و همچنین دعوت از

- (Eds.). The Sage handbook of qualitative research (3rd ed., pp. 191–215). Sage Publications Ltd.
- Haskell, L., Bonnedahl, K. J., and Stål, H. I. (2021). "Social Innovation Related to Ecological Crises: A Systematic Literature Review and a Research Agenda for Strong Sustainability". *Journal of Cleaner Production*, 325 (3), p. 129316. doi:10.1016/j.jclepro.2021.12931.
- Hermundsdottir, F., and Aspelund, A. (2022). "Competitive Sustainable Manufacturing - Sustainability Strategies, Environmental and Social Innovations, and Their Effects on Firm Performance". *Journal of Cleaner Production*, 370, p. 133474. doi:10.1016/j.jclepro.2022.133474.
- Howaldt, J., and Schwarz, M. (2021). "Social Innovation and Social Change". In *A Research Agenda for Social Innovation*, pp. 39-57. Edward Elgar Publishing.
- Husebø, A. M. L., Storm, M., Ødegård, A., Wegener, C., Aakjær, M., Pedersen, A. L., Østergaard, M. B. and Willumsen, E. (2021). "Exploring Social Innovation (SI) Within the Research Contexts of Higher Education, Healthcare, and Welfare Services-a Scoping Review". *Nordic Journal of Social Research*, 12(1), pp. 72–110, doi:10.7577/njsr.3455.
- Iqbal, Q., and Piwovar-Sulej, K. (2022). "Sustainable Leadership in Higher Education Institutions: Social Innovation as a Mechanism". *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 23(8), pp. 1–20. doi:10.1108/IJSHE-04-2021-0162.
- Jaeger-Erben, M., Rückert-John, J., Schafer, M. (2015). "Sustainable Consumption Through Social Innovation: a Typology of Innovations for Sustainable Consumption Practices". *Journal of Cleaner Production*, 108, pp. 784–798. doi:10.1016/j.jclepro.2015.07.042.
- Kapoor, K., Weerakkody, V., and Schroeder, A. (2018). "Social Innovations for Social Cohesion in Western Europe: Success Dimensions for Lifelong Learning and Education". *Innovation the European Journal of Social Science Research*, 31(2), pp. 1-15. doi:10.1080/13511610.2017.1419336.
- Karami, M., Sokhakian, M. A., and Farhadi, P. (2019). Ahmed, J. U., Gazi, M. A., Iqbal, R., Islam, Q. T., and Talukder, N. (2020). "Value Co-creation Through Social Innovation in Healthcare: A Case of WE CARE Solar". *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 16(4), pp. 341-357. doi:10.1108/WJEMSD03-2020-0024.
- Bibu, N., Lisetchi, M., and Sala, D. (2012). "Beyond the obvious: Social Innovation in the NGO Management". Proceedings of the 6th International Management Conference, Approaches in Organisational Management.
- Butzin, A., Terstriep, J. (2023). "Actors and roles in social innovation". *The Social Innovation Landscape-Global Trends*, pp. 78-81. Available in: <https://www.socialinnovationatlas.net>
- Campopiano, G., and Bassani, G. (2020). "Social Innovation: Learning from Social Cooperatives in the Italian Context". *Journal of Cleaner Production*, 291(3), p. 125253. doi:10.1016/j.jclepro.2020.125253.
- Chitsazian, A. R., and Sadeghikia, M. A. (2019). "Public Participation in Social Innovation". *Innovation Management Journal*. 8(1), pp. 1-20. {In Persian}
- Dayson, C. (2017). "Evaluating Social Innovations and Their Contribution to Social Value: The Benefits of A'blended Value'approach". *Policy and Politics*, 45(3), pp. 395-411.
- Galatti, L.G., and Baroque-Ramos, J. (2022). "Circular Economy Indicators for Measuring Social Innovation in the Brazilian Textile and Fashion Industry". *Journal of Cleaner Production*, 363, p. 132485. doi:10.1016/j.jclepro.2022.132485.
- Geoffroy, V., and Alain, R. (2010). "Strategies Used by International NGOs to Influence Public Policy. Urgence Rehabilitation Development". 2010, Newsletter N°5. pp. 6–8. Available in: <https://www.urdu.org/en/review-hem/strategies-used-by-international-ngos-to-influence-public-policy/>
- Guba, E. G., and Lincoln, Y. S. (2005). *Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences*. In N. K. Denzin and Y. S. Lincoln

- “Investigating and Evaluating the Performance of Various NGOs in Iran”. *A Quarterly Journal of the Macroand Strategic Policies*, 7(27), pp. 427-499. doi: 10.32598/JMSP.7.3.8. {In Persian}
- Karimi, T., Karimi, A., Sadabadi, A. A., and Ramezani, S. (2020). “A Framework for Social Innovation Evaluation at Macro Level Using Meta Synthesis Method”. *Journal of Entrepreneurship Development*, 13(1), pp. 61-79. doi: 10.22059/JED.2020.290947.653159. {In Persian}
- Kluevankov, T. Nijnik, M., Spacek, M., Sarkki, S., Perlik, M., Lukesch, R., Melnykovich, M., Valero Lopez, D., ' and Brnkalakova, S. (2021). “Social Innovation for Sustainability Transformation and its Diverging Development Paths in Marginalised Rural Areas”. *Sociologin Ruralis*, 61(2), pp. 344-371, doi:10.1111/soru.12337.
- Krisztina, V., Géza, T. (2024). “Social Innovation Initiatives of NGOs in a Hungarian Disadvantaged Area”. *Észak-magyarországi Stratégiai Füzetek*, 21(1), pp. 115-126. doi:10.32976/stratfuz.2024.9.
- Lang, S. (2012). “NGOs, Civil Society, and the Public Sphere. Cambridge: Cambridge University Press”. doi:10.1017/CBO9781139177146
- Lang, S. (2012). “NGOs, civil society, and the public sphere. Cambridge: Cambridge University Press”. doi:10.1017/CBO9781139177146.
- Lee, E. K. M., Lee, H., Kee, C. H., Kwan, C. H., and Ng, C. H. (2021). “Social Impact Measurement in Incremental Social Innovation”. *Journal of Social Entrepreneurship*, 12(1), pp. 69-86.
- Leskinen, L.A. (2004). “Purposes and Challenges of Public Participation in Regional and Local Forestry in Finland”. *All UNF Research*, 6(6), pp. 605-618. Available in: https://digit.alcom.mons.usu.edu/unf_research/14.
- Lombardi, M., Lopolito, A., Andriano, A.M., Prosperi, M., Stasi, A., and Iannuzzi, E. (2020). “Network Impact of Social Innovation Initiatives in Marginalized Rural Communities”. *Social Netw.* 63, pp.11-20. doi:10.1016/j.socnet.2020.04.001.
- Michellini, L. (2012). *Social Innovation and New Business Models: Creating Shared Value in Low-Income Markets*. Springer Science and Business Media.
- Mobini Dehkordi, A., and Keshtkar Heranki, M. (2015). “Social Innovation: An Exploration of Conceptualization Based on the Content Analysis of Definitions”. *Innovation management journal*, 4(2), pp. 115-134. {In Persian}
- Moeinean, M., Khamseh, A., and Ghazavi, M. (2023). “COVID-19 Crisis Control with Emphasis on Social Innovation Based on Public Participation”. *Journal of Emergency Management*, 11(1), pp. 28-39. {In Persian}
- Mulgan, G. (2006). “The Process of Social Innovation”. *Innovations*, 1(2), pp. 145-162.
- Neary Dave, B. U., Jagger Carol (2015). “Social Innovations Promoting Active and Healthy Ageing”. Available in: <https://cordis.europa.eu/project/id/306058/reporting>
- Niazi, M., Farhadian, A., Khalaji, A., and Khoshbayerani Arani, F. (2023). “The Process of Producing Social Entrepreneurial Initiatives Applying the Grounded Theory”. *Education and Management of Entrepreneurship Journal*, 2 (2), pp. 97-14. doi: 10.22126/EME.2023.9409.1040. {In Persian}
- Osburg, T. (2013). “Social innovation to drive corporate sustainability”. In *Social innovation: Solutions for a sustainable future*, pp. 13-22. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg. doi:10.1007/978-3-642-36540-9_2.
- Park, E. S., and Yoon, D. K. (2022). “The value of NGOs in Disaster Management and Governance in South Korea and Japan”. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 69, p. 102739.
- Pelka, B., and Terstriep, J. (2016). “Mapping Social Innovation Maps: the State of Research Practice Across Europe”. *European Public Social Innovation Review*, 1, pp 3-16. doi:10.31637/epsir.16-1.1.
- Phillips, P., and Lee, H., Ghobadian, A., O'Regan, N. and James, P. (2015). “Social Innovation and Social Entrepreneurship: A Systematic Review”. Group Organ. *Management*, 40(3), pp. 428-461. doi:10.1177/1059601114560063. Organization.
- Ramani, S.V., SadreGhazi, S., and Gupta, S. (2017). “Catalysing Innovation for Social Impact: The

- Role of Social Enterprises in the Indian Sanitation Sector". *Technology Forecast Social Change*, 121, pp. 216–227. doi:10.1016/j.techfore.2016.10.015.
- Rivers, B.A., Armellini, A., Maxwell, R., Allen, S. and Durkin, C. (2015). "Social Innovation Education: Towards a Framework for Learning Design". *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 5(4), pp. 383–400. doi:10.1108/HESWBL-04-2015-0026.
- Sadabadi, A.A., Aramipour, N., and Mahmoudi, S.M. (2021). "Applying Social Innovation to Improve the Effectiveness of Charities (Case Study: Salam Bar Arezoo Charity)". *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Science*, 17(2), pp. 191-222. doi: 10.22067/social.2021.69641.1029. {In Persian}
- Schmitt, J. (2014). "Social Innovation for Business Success: Shared Value in the Apparel Industry". *Springer Science & Business Media*. doi:10.1007/978-3-658-05461-8
- Sharyat Panahi, N.S., and Mohammad Taghizadeh, M. (2023). "Qualitative Study of the Challenges of the Participation of Non-governmental Organizations (NGOs) in Realizing Social Support for Vulnerable Families: Tehran City". *Women in Development and Policies*, 21(3), pp. 763-779. doi: 10.22059/JWDP.2022.350968.1008273. {In Persian}
- Social Innovation Europe, (2012). "Financing Social Impact: Funding Social Innovation in Europe Mapping the Way Forward". Available in: <https://ec.europa.eu/newsroom/growth/items/45582/en>
- Spadafora, M., and Rapaccin, M. (2024). "Bridging the gap Between Servitization and Social Innovation". *Journal of Cleaner Production*, 452(3), p. 142178. doi:10.1016/j.jclepro.2024.142178.
- Szijarto, B., Milley, P., Svensson, K., and Cousins, J. B. (2018). "On the Evaluation of Social Innovations and Social Enterprises: Recognizing and Integrating Two Solitudes in the Empirical Knowledge Base". *Evaluation and Program Planning*, 66, pp. 20-32.
- Szymanska, A. I. (2021). "The Importance of the Sharing Economy in Improving the Quality of Life and Social Integration of Local Communities on the Example of Virtual Groups". *Land*, 10(7), p. 754. doi:10.3390/land10070754.
- Tsai, K. C. (2015). "Assessing a Chinese Version of the Runco Ideational Behavior Scale". *Social Behavior and Personality an International Journal*, 43(7), pp. 1111-1122. doi:10.2224/sbp.2015.43.7.1111.
- Zajds, K. K., Pasikowski, S., and Kretek-Kamińska, A. (2020). "The Implementation of Grassroots Product-oriented Social Innovations by Non-governmental Organisations: Proposal of a Measurement Tool". *The European Association for the Advancement of the Social Sciences*, 36(2), pp. 301-315. doi: 10.1080/13511610.2020.1742668.



Designing a Conceptual Model of Social Innovation in Non-governmental Organizations With a Ground Theory Approach

Samira loghman Estarki¹

Abstract

The main goal of this research is to identify the main social strategy and components in non-governmental organizations and to present a model using grand theory. Research methodology in terms of outcome is categorized as applied-development research, in terms of objective as exploratory research, and in terms of method as qualitative research based on grounded theory. The research data collection tool is a semi-structured in-depth interview with social innovation experts and managers of non-governmental organizations, and the content analysis method was used to analyze the research data. The results showed that the social innovation of cooperatives is achieved through causal conditions (group and team work, trust building, cultural development and awareness, and systemic thinking), background factors (policies, attitudes, and investments), intervention factors (Legal, Political, Organizational, and Financial resources), central concept (Social innovation of Cooperatives), Strategies (Supportive, Training and Empowerment, Communication, Participatory, and Managerial), and Outcomes (Cooperative development, Social transformation, and Improvement of quality of life). The results indicate that the research model is at an acceptable level.

Keywords: Social innovation, Non-governmental organization, Grounded theory, Social policy

1. PhD in management (system), faculty of management and accounting, Tehran University, Qom, Iran. (Correspond Author); S.loghmanestarki@gmail.com

نقش‌نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش‌نامه

پدیدآورنده	سمیرا لقمان استرکی
	نویسنده مسئول
نگارش متن	نگارش متن اصلی، بازنگری کلی بر اساس نظر داوران
ویرایش متن و ...	ویرایش متن و پاسخ به کامنت‌ها
طراحی / مفهوم‌پردازی	طراحی و مفهوم‌پردازی
گردآوری داده	گردآوری داده‌ها
تحلیل / تفسیر داده	تحلیل و تفسیر داده‌ها
سایر نقش‌ها	بازبینی و پاسخ دآوری

ب) اعلام تعارض منافع

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پزوهانه، گرنت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرنت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

نویسنده مسئول: سمیرا لقمان استرکی

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

طراحی نگاشت فازی عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در مؤسسات مالی

 20.1001.1.24767220.1403.14.4.2.7

علی حسنونند^۱

محسن عارف‌نژاد^۲

چکیده

با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی تمامی ابعاد زندگی بشر تحت‌تأثیر قرار گرفته است و حوزه اقتصاد نیز از این قاعده مستثنا نیست. با توسعه فناوری‌های جدید مانند فین‌تک نحوه دسترسی مصرف‌کنندگان به امور مالی دستخوش تغییر شده است و این تغییرات با وجود همه‌گیری کرونا سرعت بیشتری نیز به خود گرفته است. هدف از این تحقیق طراحی مدل عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در مؤسسات مالی با استفاده از نگاشت فازی بوده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نوع توصیفی - پیمایشی است. روش جمع‌آوری داده‌ها آمیخته بود که در مرحله اول داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان جمع‌آوری شدند و در مرحله دوم محاسبات مناسب با استفاده از مراحل روش نقشه نگاشت فازی انجام شد. پس از شناسایی عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در مؤسسات مالی از طریق مصاحبه با خبرگان (کارشناسان حوزه فناوری مؤسسات مالی و بانک‌ها)، در مرحله بعد، اعضای نمونه که ۳۳ نفر از کارشناسان حوزه فناوری در مؤسسات مالی و بانک‌ها بودند به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و هدفمند انتخاب شدند. طبق نتایج به‌دست‌آمده عواملی مانند سهولت استفاده کاربران، راه‌اندازی سازوکارهای نظارت برای جلب اعتماد، آموزش و فرهنگ‌سازی پذیرش فناوری، پشتیبانی سریع و در دسترس و به‌کارگیری مدیران خلاق و نوآور در بهره‌برداری اثربخش فین‌تک مؤثر هستند.

واژگان کلیدی: فناوری‌های مالی، مؤسسات مالی، فازی، ایران

تاریخ پذیرش: ۵ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۵ مهر ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۲ مرداد ۱۴۰۳

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول): hasanvand.al@lu.ac.ir

۲. دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

مقدمه

می‌دانند زیرا که تمایل به سرمایه‌گذاری فین‌تک با سرعت فراوانی در حال رشد است (Sarraf and Rahimi, 2023). براساس گزارش KPMG در سال ۲۰۲۱ سرمایه‌گذاری جهانی فین‌تک به ۹۴/۷ میلیارد دلار رسیده که با تطابق آن با ارزش سال ۲۰۰۸، به میزان ۹۴ درصد افزایش یافته است (Nguyen and Dang, 2022).

نوآوری‌های فین‌تک که در بسیاری از جنبه‌های مالی از قبیل مدیریت سرمایه‌گذاری، تأمین مالی خرده‌فروشی، بیمه، پرداخت‌های عمده‌فروشی، افزایش سرمایه سهام و تأمین اعتبار ظهور می‌کنند، افزون بر ارتقای نوآوری‌ها و تحولات بانک‌ها در خدمات سنتی با آن‌ها رقابت هم می‌کند (An and Rau, 2021; Panos and Wilson, 2020; Luo et al., 2022; Murinde et al., 2022).

اکنون فین‌تک (فناوری‌های مالی) کل صنعت مالی را متحول کرده است و این قابلیت را دارد که علاوه بر اصول برخی از محصولات مالی، ویژگی‌های اساسی سیستم مالی را نیز تغییر دهد. فین‌تک نقش مهمی به‌مثابه واسطه‌ای مالی برای جامعه و فعالیت‌های روزمره مردم در جهان ایفا می‌کند. محبوبیت فین‌تک‌ها باعث پدید آمدن فضای رقابتی جدیدی میان مؤسسات مالی شده است، زیرا فین‌تک‌ها الزامات بوروکراتیک را کاسته‌اند و مؤسسات مالی راحت‌تر، کارآمدتر و سریع‌تر خدمات ارائه می‌دهند (Bagheri, 2023). با توجه به گسترش مؤسسات مالی به سمت فناوری‌های جدید در جهان لازم است برای همسوس شدن با رشد جهانی و همگام شدن با محصولات ارائه‌شده شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، شناختی درباره عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در مؤسسات مالی داشته باشیم.

نگاشت فازی برخلاف روش‌های قدیمی که به داده‌های دقیق نیاز دارند، با استفاده از منطق فازی می‌تواند داده‌های غیردقیق و کیفی را نیز تحلیل کند. این ویژگی فازی‌سازی را به انتخابی مناسب برای مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده تبدیل می‌کند. در مسائل پیچیده، نگاشت فازی می‌تواند از طریق دسته‌بندی و تفسیر داده‌ها به شکلی که نزدیک به استدلال انسانی باشد، به تحلیل بهتر کمک کند. این ویژگی برای تصمیم‌گیری در سیستم‌های انسانی یا اقتصادی مفید است. روش نگاشت فازی به سبب انعطاف‌پذیری‌اش در برخورد با انواع مسائل از ساده تا پیچیده به‌مثابه روشی چندمنظوره شناخته می‌شود، در نتیجه این پژوهش با هدف طراحی مدل عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در مؤسسات مالی با رویکرد نگاشت فازی انجام شده است.

۱. مبانی نظری

با پیشرفت فناوری‌های مالی الکترونیکی و تلفن همراه برای

در عصر سومین انقلاب فناوری، فناوری دیجیتال مانند کلان‌داده و محاسبات ابری، به سرعت در حال رشد و گسترش است. فین‌تک که از ادغام امور مالی و فناوری سرچشمه می‌گیرد، زمانی پدیدار شد که نیاز به یکپارچگی پویا به وجود آمد. ظهور و توسعه فناوری مالی تأثیر بسزایی در مؤسسات مالی دارد. فین‌تک محدودیت‌های زمانی و مکانی را شکسته است و مؤسسات مالی را قادر می‌سازد تا مشتریان بیشتری در ابعاد بزرگ‌تری داشته باشند. خدمات برخط و ربات‌های هوشمندی که به وسیله فناوری مالی پدید آمده‌اند، جایگزین نیروی کار سنتی شده‌اند و هزینه‌ها را کاهش داده‌اند. فین‌تک می‌تواند آگاهی نوآورانه مؤسسات مالی را افزایش دهد، به استعداد‌های نوآورانه اهمیت دهد و دائماً برای تولید محصولات و خدمات جدید نوآوری خلق کند. ارتباط بین فناوری مالی و مؤسسات مالی ارتباطی جایگزین نیست، بلکه مکمل است (Sarraf and Rahimi, 2023). شرکت‌های فین‌تک اعتماد، شفافیت و فناوری ارائه می‌دهند. این شرکت‌ها می‌توانند کار و خدمات را با هزینه پایین‌تر به شیوه‌ای شفاف‌تر از طریق رابط کاربری آسان ارائه دهند (Chishti and Barberis, 2016; Sarraf and Rahimi, 2023).

امروزه صنعت خدمات مالی و بانکی با تحولات گسترده‌ای در زمینه فناوری مواجه شده است. فناوری مالی یا فین‌تک به یکی از مهم‌ترین عوامل دگرگون‌ساز در بخش‌های گوناگون اقتصادی و مالی تبدیل شده است. این فناوری شامل مجموعه‌ای از نوآوری‌ها و ابزارهای دیجیتال است که خدمات مالی را با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، بلاک‌چین، داده‌های بزرگ و یادگیری ماشینی بهبود می‌بخشد. رشد سریع فین‌تک علاوه بر آنکه مشکلات برای مؤسسات مالی به‌ویژه بانک‌های سنتی پدید آورده است، فرصت‌های عظیمی برای نوآوری، افزایش شفافیت، کارایی و دسترسی به خدمات مالی و بانکی نیز فراهم آورده است. با وجود این، بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در بسیاری از کشورها به‌ویژه در اقتصادهای در حال رشد با چالش‌های متعددی مواجه شده است. این چالش‌ها می‌توانند از جنبه‌های گوناگونی در موفقیت و کارایی فین‌تک تأثیر بگذارند. در این تحقیق تلاش شده است تا با بررسی دقیق این عوامل و ارائه مدلی جامع به تصمیم‌گیران و مدیران کمک کند تا از فرصت‌های فین‌تک به بهترین شکل بهره‌برداری کنند و بر مشکلات آن غلبه کنند. بهره‌برداری اثربخش فین‌تک به شناخت صحیح این عوامل و تعامل میان آن‌ها نیازمند است که بتواند نوآوری‌های مالی را با سرعت بیشتری در جامعه نهادینه کند و مزایای مهمی را همچون کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی، و گسترش دسترسی به خدمات مالی برای اقشار گوناگون جامعه فراهم سازد. بسیاری از تحلیلگران آینده صنعت بانکداری را در گرو رشد فین‌تک‌ها

کسب‌وکارهای نوپا در حوزه فناوری‌های نوین مالی در ایران، شناسایی، درک و پیش‌بینی رفتار افراد و نیز تشویق آن‌ها در پذیرش و استفاده از این فناوری‌ها، برای توسعه پایدار و مزیت رقابتی و همچنین رفاه اجتماعی امری ضروری است. در نتیجه فین‌تک‌ها و کسب‌وکارهای مالی هستند که باعث تغییرات گسترده در این صنعت شده‌اند.

مینونی‌فرد (2023) در پژوهشی با عنوان «فناوری‌های مالی (فین‌تک) بهره‌گیری از توان نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در ارائه خدمات مالی نوین (نوآورانه)» چهارچوب کلی از فناوری‌های مزبور، روش‌های نظارتی متداول در کشورهای دیگر و پیشنهادهایی درخصوص نظارت‌های فین‌تک و ارزهای دیجیتال را ارائه کرده است.

نتایج پژوهش رمزبازی و همکاران (2023) که «چالش‌های پیش روی توسعه مدل‌های کسب‌وکار فین‌تک (مرور سیستماتیک ادبیات)» را بررسی کرده‌اند حاکی از آن است که هرچند گسترش فین‌تک‌ها مزایای فراوانی برای جوامع کنونی به همراه دارد، اما به علت نوظهور بودن صنعت، گسترش آن با موانع مهمی مواجه شده است که شناخت چالش‌ها را برای غلبه بر آنان الزامی می‌سازد. براین اساس، چالش‌های نظارتی ناشی از ضعف عملکردی نهادهای حاکم و فقدان قوانین متناسب با محیط فناوری، مسبب اصلی بسیاری از مسائل اخلاقی همچون تقلب و کلاهبرداری است که ضعف زیرساخت‌های فناوری و ماهیت فنی آنان، آسیب‌پذیری اجزای پلتفرم‌ها را در مقابل حملات سایبری تشدید کرده است و تأمین امنیت داده‌های شخصی کاربران را مختل می‌کند که در نتیجه، جلب اعتماد مشتریان و سرمایه‌گذاران را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر موانع موجود در محیط کسب‌وکار همچون رقابت با بانک‌ها و کمبود نیروی انسانی کارآمد، فرایند راه‌اندازی پایگاه‌های جلب مشتری و جذب سرمایه‌گذاران را با مشکل مواجه ساخته است و تأمین مالی و کسب درآمد این پلتفرم‌ها را دشوار کرده است. به عبارتی، چالش‌های ناشی از عوامل نظارتی در نهایت به مشکلات مالی و تأمین منابع سرمایه‌ای ختم شده‌اند و عاقبت ناکامی و انحطاط را برای این شرکت‌ها به دنبال دارند.

مومینوند و همکاران (2022) موضوعی با عنوان «ارائه چهارچوبی برای شناسایی پیشران‌های مؤثر روی آینده صنعت بانکداری با تأکید بر نقش فناوری مالی» مطالعه کردند. براساس یافته‌های این پژوهش پیشران‌های یکپارچگی و همگونی قوانین و استانداردهای توسعه فعالیت فناوری مالی، رشد کسب‌وکارهای نوپای بانکی، تغییر سلاقی نسل‌های جدید در مورد خدمات بانکی و عملکرد پارک‌های فناوری و مراکز رشد در تسریع ورود نوآوری به فضای کسب‌وکار بیشترین اولویت را داشتند. طبق یافته‌های مهری‌نژاد و خجسته باقرزاده (2022) در

شرکت‌های مالی، نوآوری فین‌تک پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ با ترکیب مالی الکترونیکی، فناوری‌های اینترنتی، خدمات شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ ظهور کرد. شرکت‌های نوپای فین‌تک با خدمات شخصی منحصربه‌فرد، راه‌حل‌های مبتنی بر داده، فرهنگ نوآورانه و سازمانی چابک خود را از بنگاه‌های مالی سنتی متمایز کردند. در حالی که فین‌تک درکل تهدیدی برای شرکت‌های مالی سنتی محسوب می‌شود، اما فرصت‌های فراوانی را برای این شرکت‌ها برای دستیابی به مزیت رقابتی در رقابت با رقبای فراهم می‌کند. در اغلب شرکت‌های بزرگ مالی به تدریج اهمیت فین‌تک پذیرفته شده است و در حال گسترش راهبردهایی برای رقابت، هم‌زیستی و همکاری با کسب‌وکارهای نوپای فین‌تک هستند (Boot et al., 2020, p. 105).

فین‌تک نوواژه و تلخیصی از دو کلمه «فناوری» و «مالی» است (Moradi et al., 2020) که ارتباط فناوری‌های مدرن مانند اینترنت همراه و رایانش ابری را با فعالیت‌های مالی معمولی مانند وام‌دهی و پرداخت توصیف می‌کند و به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که از فناوری برای فعالیت در خارج از مدل‌های کسب‌وکار سنتی مالی بهره می‌جویند و به دنبال تغییر نحوه ارائه این خدمات با استفاده از ارتباطات اینترنتی و پردازش خودکار اطلاعات هستند (Milian et al., 2019).

در هیئت ثبات مالی^۱ فین‌تک در قالب نوآوری مالی مبتنی بر فناوری تعریف شد که می‌تواند محصولات، خدمات، فرایندها یا مدل‌های کسب‌وکار جدیدی تولید کند و به‌طور چشمگیری در بازار مالی فعلی و مؤسسات خدمات مالی تأثیر بگذارد. به‌رغم تکامل و آثار سرایت سریع ناشی از همه‌گیری کرونا در دسامبر ۲۰۱۹ صنعت فین‌تک به رشد سریع خود ادامه داده است (Conlon et al., 2020; Corbet et al., 2022) و با تغییر در مدل‌های کسب‌وکار سنتی و نوآوری در خدمات و محصولات مالی مستقیماً در صنعت خدمات مالی مانند بانک‌ها و بیمه‌ها تأثیر گذاشته است، در حالی که محیط بازار رقابتی را نیز تغییر می‌دهد (Navaretti et al., 2018; Thakor, 2020; Corbet et al., 2022; Murinde et al., 2022).

۱-۱. پیشینه پژوهش

در ادامه به برخی پژوهش‌های انجام‌گرفته راجع به موضوع تحقیق اشاره شده است.

باقری (2023) در «بررسی فین‌تک بر صنعت بانک» به این نتایج دست یافت که با توجه به جهشی که جهان در استفاده از نوآوری‌ها در زمینه فناوری مالی داشته است و ظرفیت بالقوه آن در پیشبرد اهداف حسابداری و حسابرسی و نیز شکل‌گیری

خدمات نوین بانکی از دیگر عوامل مؤثر بر ارتباط میان بانک‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات فناورانه مالی است، زیرا نسل‌های جوان عادت‌های مصرفی بسیار متفاوت از نسل‌های قبل خود دارند. آن‌ها رشد کرده‌اند و به دسترسی به راه‌حل‌های سفارشی و متناسب با نیازهای خود تمایل نشان می‌دهند و این مطلب با رویکرد بازاریابی انبوه و یکپارچه بانک‌ها و مؤسسات مالی سنتی در تضاد است.

نوئن و دنگ^۵ (2022) در مطالعه‌ای «تأثیر توسعه فین‌تک در ثبات مالی در بازاری درحال ظهور» را بررسی کردند. برطبق این مطالعه که با استفاده از داده‌های ۳۷ بانک تجاری در ویتنام در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ انجام شد، توسعه فین‌تک در ثبات مالی تأثیر منفی گذاشته است و نظم بازار می‌تواند این تأثیر را کاهش دهد. بااین‌حال، براساس تجزیه و تحلیل ناهمگونی، تأثیر منفی توسعه فین‌تک در ثبات مالی زمانی قوی‌تر است که درجه ثبات مالی پایین باشد و نقش نظم بازار نیز در چنین شرایطی مهم‌تر می‌شود. همچنین مصداقی دیگر، تأثیر منفی فین‌تک در ثبات مالی و نقش نظم بازار در کاهش چنین تأثیری، زمانی قوی‌تر می‌شود که بانک‌ها مالکیت دولتی بالاتری داشته باشند و زمانی که بانک‌ها مالکیت خارجی بیشتری داشته باشند، این تأثیر ضعیف‌تر می‌شود.

دنگ^۶ و همکاران (2021) با هدف بررسی «تأثیر محصولات فینتک در کارایی عملیاتی و رفتار ریسک‌پذیر بانکها» مطالعه‌ای را انجام دادند. در این مطالعه از رویکرد تحقیق کمی با جمع‌آوری داده‌های ثانویه از گزارش‌های سالانه پنجاه بانک تجاری از کشورهای درحال ظهور، یعنی چین، هند، پاکستان و بنگلادش طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ استفاده شد. در این پژوهش از داده‌های تابلویی برای تحلیل مسیر و ساختار استفاده شد. طبق نتایج محصول فین‌تک با افزایش کارایی عملیاتی بانک، عملکرد ریسک‌پذیری بانک را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن است که کارایی عملیاتی ارتباط بین محصولات فین‌تک و رفتار ریسک‌پذیری بانک را در کشورهای نوظهور میانجی‌گری می‌کند.

زروچا^۷ (2016) در مطالعه خود در مورد «فین‌تک‌ها و بانکداری» نشان داد که اغلب امور به سیستم‌های عامل دیجیتال و تلفن‌های همراه منتقل شده‌اند به‌طوری‌که اکنون شاهد انفجار اطلاعاتی به‌وسیله رسانه‌های اجتماعی هستیم و این دگرگونی در طول زمان ادامه دارد. زیرساخت‌های فناوری جدید مانند شبکه ملی، پهنای باند، دسترسی به تلفن همراه، اینترنت و شبکه‌های

پژوهش «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری بانک‌ها در بستر فین‌تک» وضعیت اعتباری مشتری، ملاحظات حقوقی و مخاطرات عملیاتی بانک در اولویت اول تا سوم قرار گرفته‌اند. همچنین ریسک مباشرت و ریسک مالکیت در اولویت آخر قرار گرفته‌اند.

زورقی و مشهورالحسینی (2021) در پژوهش خود با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت فین‌تک‌ها در ایران (عوامل اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اقتصادی)» به این نتایج دست یافتند که از عوامل فرهنگی و اجتماعی، فرهنگ کار گروهی و تخصص و خلاقیت بیشترین تأثیر را در توسعه فین‌تک‌ها دارند و از عوامل سیاسی و اقتصادی، امنیت و حریم خصوصی، ثبات اقتصادی و سیاسی مهم‌ترین عوامل برای توسعه فین‌تک‌ها هستند.

محمدعلی‌پور و همکاران (2019) پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل حیاتی موفقیت کسب‌وکارهای نوپای مالی (مورد مطالعه شرکت‌های نوپای مالی در استان تهران)» را بررسی کردند. طبق نتایج این پژوهش عوامل بازاریابی و فروش، قوانین و رگولاتری، عوامل مرتبط با اکوسیستم فین‌تک، عوامل رهبری، توانایی سازمانی و ابزارهای مدیریتی و دیگر موارد مطلوبیت کافی دارند و به نظر می‌رسد عوامل مطرح‌شده از عوامل حیاتی مؤثر برای موفقیت کسب‌وکارهای نوپای مالی هستند.

تنگ^۱ و همکاران (2024) در پژوهشی با عنوان «فین‌تک، تنوع‌بخشی بانکی و نقدشوندگی: شواهدی از چین» دریافتند که توسعه فین‌تک باعث کاهش نقدینگی بانکی و کمک به افزایش تنوع بانکی می‌شود. آن‌ها این ارتباط را ناهمگن تعریف کردند. علاوه بر این، شیوع همه‌گیری کرونا اثر بازدارنده فین‌تک را بر شکل‌گیری نقدینگی بانکی افزایش داده و در نتیجه تأثیر آن در تنوع بانکی را تضعیف کرده است.

هودلا^۲ (2023) در مطالعه خود این مسئله را بررسی کرده است که آیا «رشد فین‌تک و اعتبارات بزرگ فناوری می‌تواند با تغییرات در نابرابری درآمد» مرتبط باشد یا خیر. بدین منظور، از پانلی غنی متشکل از ۷۸ کشور در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۹ استفاده کرده است. نتایج وی حاکی از آن بود که افزایش فین‌تک و اعتبارات فناوری بزرگ درواقع با کاهش نابرابری درآمد همراه است. بااین‌حال، این نتیجه تا حدی ناخواسته فقط در کشورهایی ظاهر می‌شود که از قبل سطح بالایی از فراگیری مالی^۳ دارند.

کویی و وو^۴ (2016) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رشد جمعیت و ورود نسل جدید به بازار مصرف‌کنندگان

1. Tang

2. Hodula

3. Financial Inclusion

4. Cui and Wu

5. Nguyen and Dang

6. Deng

7. Zerucha

مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در بانک‌ها بررسی نشده است که در این تحقیق با استفاده از روش نگاشت فازی این عوامل در نظر گرفته می‌شوند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نوع توصیفی - پیمایشی است. روش جمع‌آوری داده‌ها آمیخته بود که در مرحله اول داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان جمع‌آوری شدند و در مرحله دوم محاسبات مناسب با استفاده از مراحل روش نقشه‌نگاشت فازی انجام شدند. روش نقشه‌نگاشت فازی روشی است که با تجزیه و تحلیل شاخص‌های مرکزیت، مهم‌ترین ابعاد مفهومی را شناسایی می‌کند، سپس تمامی ارتباطات متغیرهای بین آن‌ها را از طریق روابط علی بررسی می‌کند.

پس از شناسایی عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در مؤسسات مالی از طریق مصاحبه با خبرگان (کارشناسان حوزه فناوری در مؤسسات مالی و بانک‌ها)، در مرحله بعد، اعضای نمونه که ۳۳ نفر از کارشناسان حوزه فناوری در مؤسسات مالی و بانک‌ها بودند به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و هدفمند انتخاب شدند و این عوامل در قالب ماتریس مقایسه زوجی در اختیار آن‌ها قرار گرفت. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که به پرسش‌نامه‌ها در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) امتیاز دهند.

اجتماعی در شکل‌گیری و توسعه ارتباط بانک‌ها و خدمات فناورانه تأثیر چشمگیری دارند.

طبق تحقیقات انجام‌شده در زمینه فناوری‌های مالی (فین‌تک) این فناوری‌ها تأثیرات عمده‌ای در صنعت بانکداری و کسب‌وکارهای مالی داشته‌اند. فین‌تک‌ها با تسهیل ارائه خدمات نوین و نوآورانه در حوزه مالی، تغییرات گسترده‌ای را در صنعت بانکداری باعث شده‌اند و تأثیر مهمی در رشد و توسعه پایدار اقتصاد داشته‌اند. با این حال، گسترش این فناوری‌ها با مشکلاتی مواجه بوده است. ضعف زیرساخت‌های فناورانه، نبود قوانین مناسب و مشکلات امنیتی از موانع اصلی توسعه فین‌تک‌ها به شمار می‌روند. این موانع علاوه بر آنکه در امنیت داده‌های کاربران و اعتماد به این فناوری‌ها تأثیر می‌گذارند، فرایند جذب سرمایه‌گذاران و توسعه پایگاه مشتریان را نیز دشوار می‌سازند. از سوی دیگر، رشد فناوری‌های مالی به تغییرات عمده‌ای در ساختار بانکی، کاهش نقدینگی و تنوع در فعالیت‌های بانک‌ها منجر شده است. همچنین، افزایش رقابت با بانک‌های سنتی و کمبود نیروی انسانی متخصص از دیگر دشواری‌های پیش روی توسعه فین‌تک‌ها بوده است. براساس پژوهش‌ها عواملی همچون یکپارچگی قوانین، رشد کسب‌وکارهای نوپا، تغییرات نسلی در نیازهای بانکی و فرهنگ کار گروهی در موفقیت این کسب‌وکارهای نوپا اهمیت بسیاری دارند. در نهایت، توسعه فین‌تک‌ها می‌تواند تأثیرات متعددی در ساختار اقتصادی و توزیع درآمد در جوامع گوناگون داشته باشد. در تحقیقات گذشته عوامل

جدول ۱: مشخصات اعضای نمونه

جنسیت	تعداد	تحصیلات	تعداد	سابقه کاری	تعداد
مرد	۲۳	کارشناسی	۶	۵-۱۰	۱۱
		کارشناسی ارشد	۲۱	۱۱-۱۵	۱۶
زن	۱۰	دکتری	۶	بالای ۱۵ سال	۶

با توجه به اینکه اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها عبارات کلامی بود، با استفاده از اعداد فازی مثلثی معادل مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای به اعداد فازی تبدیل شدند (جدول ۲).

جدول ۲: اعداد فازی برای شدت اثرگذاری شاخص‌ها بر یکدیگر

متغیرهای زبانی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
اعداد فازی	(۰/۷۵، ۱/۱)	(۰/۵، ۰/۷۵، ۱)	(۰/۲۵، ۰/۵، ۰/۷۵)	(۰، ۰/۲۵، ۰/۵)	(۰، ۰، ۰/۲۵)

پس از تبدیل عبارات کلامی به اعداد فازی (رابطه ۱)، ماتریس تصمیم فازی شکل گرفت. از آنجایی که اعداد فازی اعداد مبهم و تحلیل‌نشده هستند، باید به اعداد قابل تحلیل تبدیل شوند. بنابراین اعداد فازی با استفاده از روش میانگین‌گیری فازی (رابطه ۲ و ۳) به اعداد قطعی تبدیل می‌شوند، به عبارت دیگر، فازی‌زدایی انجام می‌شود (Arefnezhad and Mousavi, 2022).

$$A = (a_l^{(i)}, a_m^{(i)}, a_u^{(i)}) \quad i = 1, 2, 3, \dots, n \quad \text{رابطه ۱}$$

$$A = \frac{\sum_{i=1}^n (a_l^{(i)}, a_m^{(i)}, a_u^{(i)})}{n} \quad \text{رابطه ۲}$$

$$W = \frac{m_l + 2m_m + m_u}{4} \quad \text{رابطه ۳}$$

پس از فازی‌زدایی (تبدیل اعداد فازی به اعداد قطعی) ماتریس تصمیم فازی‌زدایی شکل می‌گیرد، سپس توان تأثیرگذاری (رابطه ۴)، ظرفیت تأثیرپذیری (رابطه ۵) و در نهایت شاخص محوری

$$Out_{(C_i)} = \sum_{k=1}^n W_{ik} \quad \text{رابطه ۴}$$

$$In_{(C_i)} = \sum_{k=1}^n W_{ki} \quad \text{رابطه ۵}$$

$$Cen_{(C_i)} = In_{(C_i)} + Out_{(C_i)} \quad \text{رابطه ۶}$$

و در نهایت برای تأیید اعتبار، از معیارهای اعتباربخشی کیفیت لینکلن و گوبا استفاده شد.

۳. یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و انجام کدگذاری باز ۲۳ عامل شناسایی شدند (جدول ۳).

جدول ۳: عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک

ردیف	عوامل	ردیف	عوامل
C1	راه‌اندازی سازوکارهای نظارتی برای جلب اعتماد	C13	برقراری فضای رقابتی در بین فین‌تک‌ها
C2	(Regtech) برقراری سیستم فناوری انطباق با قوانین	C14	برقراری ارتباط بین‌المللی برای ارتقای فین‌تک‌ها
C3	برقراری سیستم احراز هویت بدون رمز	C15	ارائه تسهیلات به شرکت‌های فعال فین‌تک
C4	آموزش و فرهنگ‌سازی پذیرش فناوری فین‌تک	C16	برگزاری جلسات بارش فکری به منظور ارتقای کارایی فین‌تک‌ها
C5	برنامه‌ریزی مالی مناسب برای کنترل هزینه‌ها	C17	کشف نیازهای بازار
C6	کاربرد مستمر یادگیری ماشینی در فین‌تک	C18	به‌کارگیری مدیران خلاق و نوآور
C7	سهولت استفاده کاربران	C19	داشتن راهبرد و چشم‌انداز
C8	چندزبانه‌بودن	C20	تبلیغات و بازاریابی
C9	سازگاری با سیستم‌عامل‌های گوناگون	C21	داشتن قابلیت اصلاح و ارزیابی
C10	پشتیبانی سریع و در دسترس	C22	جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی
C11	دسترسی به‌صورت آنلاین و آفلاین	C23	کاهش تعارض سیستم‌های سنتی و فین‌تک
C12	برقراری ارتباط بین پایگاه‌های فین‌تک مختلف		

با توجه به ماهیت عوامل بهره‌برداری اثربخش فین‌تک، عوامل در پنج دسته طبقه‌بندی و در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴: دسته‌بندی عوامل بهره‌برداری اثربخش فین‌تک

طبقه	عوامل
۱. نظارت، قوانین و تنظیمات	راه‌اندازی سازوکارهای نظارتی برای جلب اعتماد
	(Regtech) برقراری سیستم فناوری انطباق با قوانین
	برقراری سیستم احراز هویت بدون رمز
	کاهش تعارض سیستم‌های سنتی و فین‌تک
	کاربرد مستمر یادگیری ماشینی در فین‌تک
۲. فناوری و نوآوری	سازگاری با سیستم‌عامل‌های گوناگون
	چندزبانه‌بودن
	دسترسی به‌صورت آنلاین و آفلاین
	داشتن قابلیت اصلاح و ارزیابی
	برقراری ارتباط بین پایگاه‌های فین‌تک مختلف
۳. بازار و رشد کسب‌وکار	برقراری فضای رقابتی در بین فین‌تک‌ها
	کشف نیازهای بازار
	تبلیغات و بازاریابی
	جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی
	ارائه تسهیلات به شرکت‌های فعال فین‌تک
۴. مدیریت و رهبری	برقراری ارتباط بین‌المللی برای ارتقای فین‌تک‌ها
	به‌کارگیری مدیران خلاق و نوآور
	داشتن راهبرد و چشم‌انداز
	برنامه‌ریزی مالی مناسب برای کنترل هزینه‌ها
	برگزاری جلسات بارش فکری برای ارتقای کارایی فین‌تک‌ها
۵. تعامل و تجربه کاربری	سهولت استفاده کاربران
	پشتیبانی سریع و در دسترس
	آموزش و فرهنگ‌سازی پذیرش فناوری فین‌تک

تصمیم‌سازی تشکیل شد. سپس به‌منظور راحتی در تحلیل و انجام محاسبات، اعداد فازی با استفاده از روش میانگین فازی به اعداد قطعی تبدیل شدند و فازی‌زدایی انجام شد و در نهایت ماتریس فازی‌زدایی‌شده که ماتریسی 23×23 است، تشکیل شد (جدول ۵). به‌سبب اینکه ترجیح هر عامل بر خودش در ماتریس مقایسات زوجی ثابت است، بنابراین درایه‌های روی قطر اصلی مقدار ثابتی دارند و در نظر گرفته نمی‌شوند.

پس از شناسایی عوامل، به‌منظور مشخص‌شدن اثر هر یک از عوامل بر یکدیگر، پرسش‌نامه‌ای ۲۳‌متغیره در قالب ماتریس مقایسات زوجی طراحی شد و در اختیار ۳۳ نفر از خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها درخواست شد که براساس طیف ۵‌تایی لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) به هر یک از این عوامل مقیاس بدهند و ترجیح هر عامل افقی را به هر عامل عمودی بسنجند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، عبارات کلامی با استفاده از طیف فازی به اعداد فازی تبدیل شدند و ماتریس

جدول ۵: ماتریس روابط فازی

	w1	w2	w3	w4	w5	w6	w7	w8	w9	w10	w11	w12	w13	w14	w15	w16	w17	w18	w19	w20	w21	w22	w23
w1	0	0/54	0/57	0/56	0/53	0/87	0/57	0/83	0/7	0/85	0/72	0/71	0/89	0/56	0/72	0/58	0/85	0/52	0/38	0/53	0/7	0/57	0/38
w2	0/34	0	0/3	0/85	0/76	0/5	0/57	0/82	0/57	0/82	0/58	0/38	0/22	0/37	0/56	0/59	0/57	0/87	0/81	0/4	0/56	0/38	0/57
w3	0/84	0/71	0	0/34	0/54	0/66	0/4	0/82	0/69	0/84	0/84	0/73	0/75	0/54	0/71	0/54	0/72	0/84	0/58	0/49	0/82	0/84	0/84
w4	0/57	0/73	0/49	0	0/57	0/62	0/78	0/69	0/53	0/87	0/83	0/55	0/37	0/24	0/35	0/35	0/52	0/83	0/86	0/56	0/54	0/57	0/22
w5	0/36	0/56	0/5	0/68	0	0/54	0/57	0/53	0/24	0/81	0/81	0/58	0/57	0/82	0/69	0/71	0/83	0/75	0/49	0/57	0/53	0/18	0/4
w6	0/7	0/72	0/9	0/74	0/59	0	0/35	0/86	0/89	0/57	0/58	0/56	0/32	0/17	0/37	0/57	0/39	0/89	0/84	0/74	0/59	0/36	0/86
w7	0/37	0/96	0/58	0/85	0/58	0/55	0	0/89	0/56	0/54	0/57	0/89	0/77	0/7	0/55	0/48	0/52	0/35	0/88	0/71	0/58	0/36	0/53
w8	0/38	0/76	0/88	0/86	0/57	0/57	0/55	0	0/58	0/4	0/37	0/56	0/71	0/57	0/55	0/39	0/59	0/83	0/69	0/35	0/35	0/57	0/77
w9	0/86	0/57	0/57	0/73	0/86	0/56	0/59	0/86	0	0/73	0/55	0/89	0/76	0/86	0/56	0/58	0/58	0/57	0/58	0/55	0/36	0/85	0/71
w10	0/73	0/38	0/36	0/78	0/73	0/57	0/38	0/31	0/71	0	0/57	0/75	0/55	0/57	0/86	0/36	0/36	0/59	0/36	0/54	0/74	0/57	0/36
w11	0/88	0/83	0/85	0/36	0/57	0/38	0/56	0/57	0/78	0/55	0	0/7	0/59	0/57	0/36	0/9	0/9	0/87	0/53	0/73	0/85	0/84	0/73
w12	0/89	0/87	0/58	0/54	0/41	0/54	0/59	0/58	0/52	0/54	0/35	0	0/56	0/75	0/48	0/73	0/72	0/53	0/38	0/89	0/59	0/56	0/6
w13	0/57	0/84	0/7	0/77	0/55	0/39	0/36	0/36	0/72	0/34	0/4	0/4	0	0/89	0/57	0/89	0/55	0/58	0/89	0/5	0/59	0/82	0/77
w14	0/89	0/7	0/84	0/87	0/56	0/38	0/75	0/58	0/57	0/72	0/84	0/54	0/75	0	0/54	0/55	0/24	0/24	0/4	0/59	0/7	0/57	0/85
w15	0/57	0/54	0/53	0/89	0/86	0/73	0/7	0/39	0/89	0/86	0/52	0/84	0/85	0/57	0	0/58	0/57	0/58	0/89	0/56	0/58	0/37	0/55
w16	0/57	0/57	0/57	0/58	0/85	0/83	0/54	0/74	0/87	0/72	0/57	0/73	0/57	0/39	0/55	0	0/75	0/85	0/72	0/72	0/4	0/35	0/57
w17	0/87	0/89	0/4	0/84	0/54	0/89	0/86	0/53	0/84	0/86	0/57	0/57	0/56	0/38	0/83	0/78	0	0/58	0/34	0/37	0/75	0/54	0/73
w18	0/57	0/55	0/75	0/71	0/55	0/55	0/57	0/72	0/78	0/71	0/55	0/63	0/89	0/9	0/58	0/54	0/89	0	0/73	0/57	0/57	0/26	0/51
w19	0/53	0/58	0/86	0/55	0/59	0/57	0/38	0/55	0/36	0/55	0/57	0/56	0/51	0/89	0/35	0/59	0/89	0/7	0	0/57	0/58	0/54	0/76
w20	0/57	0/56	0/51	0/54	0/58	0/57	0/74	0/84	0/75	0/57	0/9	0/59	0/85	0/88	0/72	0/84	0/84	0/57	0/59	0	0/77	0/84	0/87
w21	0/54	0/57	0/88	0/88	0/58	0/37	0/87	0/87	0/56	0/56	0/55	0/36	0/84	0/57	0/78	0/89	0/72	0/53	0/57	0/75	0	0/56	0/58
w22	0/58	0/56	0/72	0/32	0/9	0/55	0/58	0/55	0/36	0/36	0/58	0/57	0/57	0/52	0/56	0/85	0/87	0/85	0/56	0/36	0/53	0	0/53
w23	0/56	0/59	0/54	0/56	0/75	0/85	0/57	0/86	0/82	0/5	0/85	0/58	0/7	0/52	0/39	0/36	0/39	0/57	0/58	0/59	0/59	0/22	0

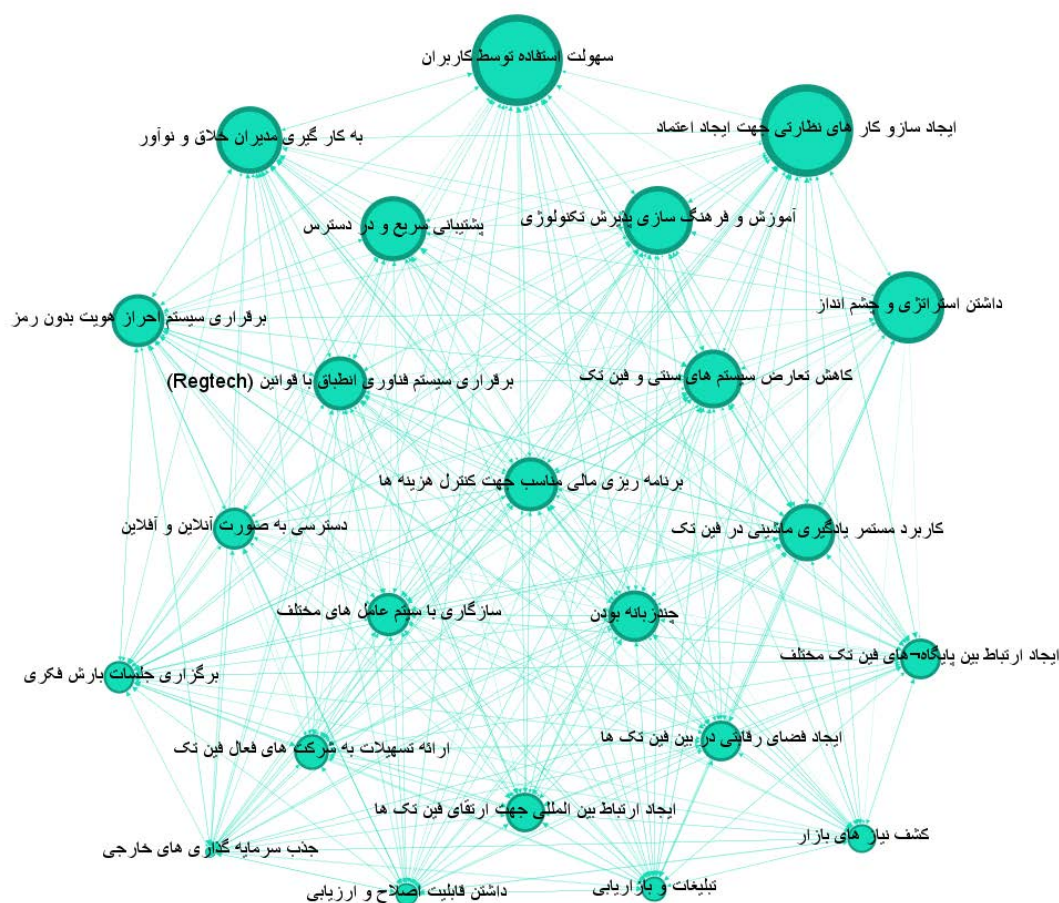
جدول ۶: ظرفیت تأثیرپذیری، توان تأثیرگذاری و شاخص مرکزی

Centrality	Outdegree	Indegree	
27/87	14/13	13/74	کاهش تعارض سیستم‌های سنتی و فین‌تک
26/97	12/39	14/58	دسترسی به‌صورت آنلاین و آفلاین
28/96	15/08	13/88	راه‌اندازی سازوکارهای نظارتی برای جلب اعتماد
27/52	12/72	14/8	چندزبانه‌بودن
26/74	12/72	14/02	برقراری ارتباط بین‌المللی برای ارتقای فین‌تک‌ها
26/6	13/56	13/04	تبلیغات و بازاریابی
26/6	13/77	12/83	کشف نیازهای بازار
27/6	12/85	14/75	برقراری سیستم احراز هویت بدون رمز
29/02	14/73	14/29	سهولت استفاده کاربران
26/4	12/13	14/27	داشتن قابلیت اصلاح و ارزیابی
28/57	14/9	13/67	پشتیبانی سریع و در دسترس
26/87	13/2	13/67	برقراری فضای رقابتی در بین فین‌تک‌ها
27/6	13/45	14/15	کاربرد مستمر یادگیری ماشینی در فین‌تک
26/9	13/67	13/23	ارتباط بین پایگاه‌های فین‌تک مختلف
27/05	14/42	12/63	سازگاری با سیستم‌عامل‌های گوناگون شکل‌دهی
27/66	14/01	13/65	برنامه‌ریزی مالی مناسب برای کنترل هزینه‌ها
28/78	14/52	14/26	آموزش و فرهنگ‌سازی پذیرش فناوری فین‌تک
28/57	14/08	14/49	به‌کارگیری مدیران خلاق و نوآور
26/68	13/03	13/65	ارائه تسهیلات به شرکت‌های فعال فین‌تک
28/13	15/49	12/64	داشتن راهبرد و چشم‌انداز
27/65	14/38	13/27	برقراری سیستم فناوری انطباق با قوانین (Regtech)
24/55	12/83	11/72	جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی
26/63	12/94	13/69	برگزاری جلسات بارش فکری برای ارتقای کارایی فین‌تک‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، ترکیب فناوری و امور مالی که اغلب از آن به‌صورت فین‌تک یاد می‌شود، صنعت بانکداری و مالی را با سرعتی بی‌سابقه متحول کرده است. اهمیت فین‌تک در بخش بانکی و مؤسسات مالی را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا راه‌حل‌های نوآورانه‌ای را معرفی می‌کند که کارایی، دسترسی و تجربه مشتری را افزایش می‌دهد. این تحقیق با هدف طراحی مدل عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک در مؤسسات مالی با استفاده از نگاشت فازی انجام شد که نتایج به‌دست‌آمده حاکی از این بود که عواملی مانند سهولت استفاده کاربران، راه‌اندازی سازوکارهای نظارت برای جلب اعتماد، آموزش و فرهنگ‌سازی پذیرش فناوری، پشتیبانی سریع و در دسترس و به‌کارگیری مدیران

همان‌طور که در نمودار ۱ نیز مشخص شده است، عامل سهولت استفاده کاربر که در رأس شکل و با دایره بزرگ‌تر و پررنگ‌تر نشان داده است، در قالب مهم‌ترین عامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک شناسایی شده است. به‌ترتیب اهمیت، عوامل با دایره‌های بزرگ‌تر و پررنگ‌تر نشان داده شده‌اند و همان‌طور که مشخص است هرچه از رأس شکل به سمت پایین برویم، دایره‌ها کوچک‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌شوند که نشان‌دهنده میزان اهمیت عوامل است. با توجه به نمودار علی (نمودار ۱) و همچنین جدول دسته‌بندی عوامل (جدول ۴) مشخص شد که عوامل تعامل و تجربه کاری بیشترین تأثیر را در بهره‌برداری اثربخش فین‌تک دارند و پس از آن عوامل مدیریت و رهبری، نظارت و قوانین و تنظیمات بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک تأثیر دارند.



نمودار ۱: روابط علی عوامل مؤثر بر بهره‌برداری اثربخش فین‌تک

وسیع‌تری از محصولات و خدمات مالی متناسب با نیازهایشان ارائه می‌شود. امنیت سایبری و حریم خصوصی داده‌ها اجزای جدایی‌ناپذیر صنعت بانکداری هستند و فین‌تک تأثیر مهمی در تقویت این جنبه‌ها دارد. راه‌حل‌های فین‌تک با ادغام روش‌های رمزگذاری پیشرفته، احراز هویت بیومتریک و تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی، امنیت تراکنش‌های مالی را تقویت کرده است و از اطلاعات حساس مشتری محافظت می‌کند. در نتیجه نمی‌توان اهمیت فین‌تک را در صنعت بانکداری و مالی نادیده گرفت. توانایی آن در افزایش کارایی، دسترسی، نوآوری و امنیت، شیوه عملکرد بانک‌ها و خدمات‌رسانی به مشتریان خود را تغییر می‌دهد. همان‌طور که فناوری به رشد خود ادامه می‌دهد، مشارکت بین فین‌تک و بانکداری احتمالاً راه‌حل‌های نوآورانه‌تری را به همراه خواهد داشت و جایگاه فین‌تک را به مثابه سنگ بنای چشم‌انداز مالی مدرن بیشتر مستحکم می‌کند.

به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی خود را در زمینه عوامل مؤثر بر بهره‌وری فین‌تک در مؤسسات مالی را با روش‌هایی مانند تحلیل داده‌بنیاد و تحلیل مضمون انجام دهند.

ایجاد سازو کار های نظارتی جهت ایجاد اعتماد

آموزش و فرهنگ سازی پذیرش تکنولوژی

داشتن استراتژی و چشم انداز

کاهش تعارض سیستم های سنتی و فین تک

برنامه ریزی مالی مناسب جهت کنترل هزینه ها

کاربرد مستمر یادگیری ماشین در فین تک

ایجاد ارتباط بین پایگاه های فین تک مختلف

کشف نیاز های بازار

تبلیغات و بازاریابی

داشتن قابلیت اصلاح و ارزیابی

جذب سرمایه گذاری های خارجی

ارائه تسهیلات به شرکت های فعال فین تک

برگزاری جلسات بارش فکری

سازگاری با سیستم عامل های مختلف

دسترسی به صورت آنلاین و آفلاین

برقراری سیستم احراز هویت بدون رمز

پشتیبانی سریع و دل دسترسی

به کار گیری مدیران خلاق و نوآور

سهولت استفاده توسط کاربران

این رابطه همزیستی بین امور مالی و فناوری (فین‌تک)، شیوه عملکرد بانک‌ها و تعامل با مشتریان خود را تغییر می‌دهد. یکی از علل اصلی اهمیت فین‌تک در بانکداری و مؤسسات مالی، توانایی آن در ساده‌سازی فرایندها و کاهش هزینه‌های عملیاتی است. سیستمی‌شدن وظایفی مانند ورود مشتری، پردازش تراکنش و نظارت بر انطباق، علاوه بر تسریع فرایندها، خطر خطا را نیز به حداقل می‌رساند. این موضوع به خدمات سریع‌تر و دقیق‌تر منجر می‌شود و منابع انسانی را برای تمرکز بر فعالیت‌های پیچیده‌تر و فناوری‌آزموده می‌کند. با راه‌حل‌های فین‌تک مانند برنامه‌های بانکداری تلفن همراه و کیف پول‌های دیجیتال بدون توجه به موقعیت مکانی یا سابقه اعتباری، دسترسی راحت به خدمات مالی فراهم می‌شود. این فراگیری علاوه بر آنکه به افراد قدرت می‌دهد، با وارد کردن جمعیت‌هایی به سیستم مالی رسمی که قبلاً به حاشیه رانده شده‌اند، رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. همچنین، ظهور فین‌تک باعث رقابت و نوآوری در بخش بانکی شده است. این رقابت به نفع مصرف‌کنندگان است که طیف

- Credit and Income Inequality". *Finance Research Letters*, 51(103387), pp. 1-20.
- Luo, S., Sun, Y., and Zhou, R. (2022). "Can Fintech Innovation Promote Household Consumption? Evidence from China Family Panel Studies". *International Review of Financial Analysis*, 82, p.102137.
- Mehrinejad, S., and Khojaste Bagherzadeh, M. S. (2022). "Identifying and Prioritizing Factors Affecting the Credit Risk of Banks in the Context of Fintech". *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, (87), pp. 446-467 . {in Persian}
- Milian, E. Z., Spinola, M. M., and Carvalho, M. M. (2019). "Fintechs: A Literature Review and Research Agenda". *Electronic Commerce Research and Applications*, 34, pp. 1-21.
- MinouiFard, M. (2023). "Financial Technologies (Fintech) Using the Power of Software and Hardware in Providing New (Innovative) Financial Services". *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, (88), pp. 440-464. {in Persian}
- Mohammad Alipour, E., Gaini, A., and Ahmadvand, M. (2019). "Identifying and Prioritizing Critical Factors for the Success of Start-up Financial Businesses (Case Study of Start-up Financial Companies in Tehran Province)". *3rd Industrial Engineering, Economics and Management Conference*, <https://civilica.com/doc/1163319>. {in Persian}
- Moradi, S., Naderi, N., and Delangizan, S. (2020). "Analyzing Fintech Startups Development Process in Iran". *Journal of Entrepreneurship Development*, 13(1), pp. 121-140. {in Persian}
- Moumivand, B., Gholami Jamkarani, R., Maleki, M. H., and Jahangirnia, H. (2022). "A Framework for Identifying the Drivers Affecting the Future of the Banking Industry with Emphasis on the Role of Financial Technology". *Financial Economics*, 16(61), pp. 175-194. {in Persian}
- Murinde, V., Rizopoulos, E., and Zachariadis, M. (2022). "The Impact of the FinTech Revolution on the Future of Banking: Opportunities and Risks". *Int. Rev. Financ. Anal.*, 81, pp. 102103.
- An, J., and Rau, R. (2021). "Finance, Technology and Disruption". *The European Journal of Finance*, 27(4-5), pp. 334-345.
- Arefnezhad, M., and Mousavi, M. (2022). "Fuzzy Cognitive Mapping Factors Affecting Knowledge Hooser in the Organization (Case Study: Lorestan University)". *Scientific Journal of Strategic Management of Organizational Knowledge*, 5(4), pp. 47-74. {in Persian}
- Bagheri, A. (2023). "Investigating Fintech on the Banking Industry". *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, (88), pp.1366-1376. {in Persian}
- Boot, A., Hoffmann, P., Laeven, L., and Ratnovski, L. (2020). *The old and the new of fintech*. Europe.
- Chishti, S., and Barberis, J. (2016). *The Fintech Book: The Financial Technology Handbook for Investors, Entrepreneurs and Visionaries*. John Wiley & Sons.
- Conlon, T., Corbet, S., and McGee, R. J. (2020). "Are Cryptocurrencies a Safe Haven for Equity Markets? An International Perspective from the COVID-19 Pandemic". *Res. Int. Bus. Finance*, 54, p. 101248.
- Corbet, S., Hou, Y., Hu, Y., and Oxley, L. (2022). "Financial Contagion Among COVID-19 Concept-related Stocks in China". *Appl. Econ*, 54 (21), pp. 2439-2452.
- Corbet, S., Hou, Y.G., Hu, Y., and Oxley, L. (2022). "The Influence of the COVID-19 Pandemic on the Hedging Functionality of Chinese Financial Markets". *Res. Int. Bus. Finance*, 59, pp. 101510.
- Cui, A. S., and Wu, F. (2016). "Utilizing Customer Knowledge in Innovation: Antecedents and Impact of Customer Involvement on New Product Performance". *Journal of the Academy of Marketing Science*, 44(4), pp. 516-538.
- Deng, L., Lv, Y., Liu, Y., and Zhao, Y. (2021). "Impact of Fintech on Bank Risk-Taking: Evidence from China". *Risks*, 9, pp. 1-27.
- Hodula, M. (2023). "Fintech Credit, Big Tech

- Murinde, V., Rizopoulos, E., and Zachariadis, M. (2022). "The Impact of the FinTech Revolution on the Future of Banking: Opportunities and Risks". *International Review of Financial Analysis*, 81, p. 102103.
- Navaretti, G. B., Calzolari, G., Mansilla-Fernandez, J. M., and Pozzolo, A. F. (2018). *Fintech and Banking. Friends or foes?* Friends or Foes.
- Nguyen, Q. K., and Dang, V. C. (2022). "The Effect of FinTech Development on Financial Stability in an Emerging Market: The Role of Market Discipline". *Research in Globalization*, 5(100105), pp. 1-15.
- Panos, G. A., and Wilson, J. O. (2020). "Financial Literacy and Responsible Finance in the FinTech era". *Capabilities and Challenges*, 26, pp. 297–301.
- Ramzbari, N., Fazlzadeh, A., Nagdi, S., and Ahmadian, V. (2023). "Challenges Facing the Development of Fintech Business Models: A Systematic Literature Review". *Journal of Entrepreneurship Development*, 16(2), pp. 35-48. {in Persian}
- Sarraf, F., and Rahimi, R. (2023). "Fintech in the Banking Industry". *Journal of Accounting and Management Vision*, 5(74), pp. 27-41. {in Persian}
- Tang, M., Hu, Y., Corbet, Sh., Hou, Y., and Oxley, L. (2024). "Fintech, Bank Diversification and Liquidity: Evidence from China". *Research in International Business and Finance*, 67(102082), pp. 1-20.
- Thakor, A.V. (2020) . "Fintech and Banking: What do We Know? ". *Journal Financ. Intermediation*, 41, p. 100833.
- Zerucha, T. (2016). *The history of fintech. Bankless Times*. Available in: <http://www.banklesstimes.com/2016/06/27/the-history-of-fintech/>. Accessed 28 September 2016.
- Zourghi, M., and Mashhoor Al-Hosseini, M. R. (2021). *Identifying and Prioritizing Factors Affecting the Success of Fintechs in Iran (Social-Cultural and Political-Economic Factors)*. The First International Conference on the Leap of Management, Economics and Accounting Sciences, Sari. {in Persian}



Science and Technology
Policy Letters

Volume 14, Issue 4, WINTER 2025

Fuzzy Mapping Design of Factors Affecting the Effective Operation of Fintech in Financial Institutions

Ali Hasanvand¹
Mohsen Aref Nejad²

Abstract

The development of new communication technologies has affected all aspects of human life. The field of economics is no exception to this rule. The development of new technologies such as fintech has changed the way consumers access their financial affairs, and these changes have gained more speed despite the corona pandemic. The purpose of this research is to design a model of factors affecting the effective operation of fintech in financial institutions. Fuzzy mapping has been used. This research is applied in terms of purpose and descriptive-survey type. The data collection method is mixed, in the first stage, the data was collected through semi-structured interviews with experts, and in the second stage, appropriate calculations were done using the steps of the fuzzy mapping method. After identifying the factors affecting the effective implementation of fintech in financial institutions through interviews with experts (experts in the technology field of financial institutions and banks), in the next step, the sample members who were 33 experts in the field of technology in financial institutions and banks who They were selected by snowball and targeted sampling. The obtained results indicated that factors such as ease of use by users, creation of monitoring mechanisms to gain trust, training and culturalization of technology acceptance, fast and available support, and employing creative and innovative managers are effective in the effective operation of fintech.

Keywords: Financial Technologies, Financial Institutions, Fuzzy, Iran

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management and Economics, University of Lorestan, Khorramabad, Iran; hasanvand.al@lu.ac.ir.

2. Associate Professor, Department of Management, Faculty of Management and Economics, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.

نقش‌نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش‌نامه

پدیدآورندگان	علی حسنون	محسن عارف‌نژاد
نقش	نویسنده مسئول	نویسنده دوم
نگارش متن	نگارش و بازنگری متن	—
ویرایش متن و ...	ویرایش متن، پاسخ به داوران	—
طراحی / مفهوم‌پردازی	طراحی / مفهوم‌پردازی	طراحی / مفهوم‌پردازی
گردآوری داده	گردآوری داده‌ها	گردآوری داده‌ها
تحلیل / تفسیر داده	—	تحلیل و تفسیر داده‌ها
سایر نقش‌ها	—	—

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیر مالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیر مالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع منافی ندارد.

نویسنده مسئول: علی حسنون

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

شناسایی عوامل مؤثر بر تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری

 20.1001.1.24767220.1403.14.4.3.8

حسین نصیری^۱

چکیده

سیاست‌گذاری علم و فناوری یک‌باره رخ نمی‌دهد، بلکه فرایندی تدریجی، تکاملی، چندجانبه و پویا است که ذی‌نفعان متعددی با مسئولیت‌ها و اهداف متنوع در این فرایند مشارکت دارند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «چه عواملی بر تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری تأثیرگذارند؟». برای پاسخ به این پرسش، از تحلیل مضمون استفاده شد. بدین‌منظور از بین مجلات تخصصی حوزه سیاست‌گذاری علم و فناوری، دو مجله معتبر Science and Public Policy و Research Policy انتخاب شدند که حاوی بیشترین مقالات مرتبط با موضوع این پژوهش بودند. به‌منظور جست‌وجو و گزینش مقالات برای انجام تحلیل‌های نهایی، از نمودار جریان، پیشنهادشده توسط ساندلوسکی و باروسو، استفاده شد. بررسی مطالعات نشان داد که موضوع تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری از پشتوانه نظری غنی‌ای برخوردار است. مؤلفه‌هایی همچون: تنوع ذی‌نفعان، دانش تخصصی و قدرت آن‌ها، معرفی حقایق و شواهد جدید توسط ذی‌نفعان، توانایی شناختی ذی‌نفعان، بافت فرهنگی، تاریخی و ارزشی جامعه، فرصت اظهارنظر ذی‌نفعان، زمان‌بندی صحیح، نبود قطعیت، دسترسی به اطلاعات و شفافیت، سطح توسعه‌یافتگی جامعه، ساختار دولت‌ها، جهان‌بینی و ادراک ذی‌نفعان و دسترسی به منابع عوامل مؤثر بر تعاملات و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری‌اند. شکل‌گیری و تقویت این تعاملات منجر به افزایش آگاهی و یادگیری متقابل، ارتقای صورت‌بندی مسئله سیاست، افزایش اعتماد جامعه، مشروعیت‌بخشی به سیاست، دستیابی به راهکارهای خلاقانه و توسعه علم و فناوری می‌شود.

واژگان کلیدی: ذی‌نفعان، تعامل ذی‌نفعان، سیاست‌گذاری علم و فناوری، عوامل مؤثر بر تعامل ذی‌نفعان

تاریخ پذیرش: ۱۶ مهر ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۲۶ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۶ تیر ۱۴۰۲

مقدمه

است. اهمیت تعاملات ذی‌نفعان چنان است که محققان یکی از ابعاد اصلی شکست سیستم‌های فناوری و نوآوری را شکست در تعاملات می‌دانند (Llerena and Matt, 2005). مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری ثمرهایی به بار دارد: مشارکت ذی‌نفعان منجر به تحقق بهتر اهداف سیاست‌گذار و به حداکثر رساندن منافع عمومی (Xiaodong et al., 2019) و بهبود کیفیت نظام سیاست‌گذاری (Khalifa Soltani et al., 2013). تصمیماتی که بدون حمایت و مشارکت ذی‌نفعان اتخاذ می‌شود موجب از بین رفتن مشروعیت تصمیمات و افزایش بی‌اعتمادی عمومی می‌شود (Zhao et al., 2015). در پی تعاملات ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری برخی از پژوهشگران یکی از ابعاد اصلی عدالت را عدالت در تعامل مطرح می‌کنند (Cro-panzano et al., 2007).

در اسناد بالادستی علم و فناوری ایران بر مشارکت و تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری تأکید بسیاری شده است. از جمله در ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه (مصوب ۱۳۹۶) بر نقش مردم در مدیریت علمی کشور، در بند ۵-۷ سند سیاست‌های کلی علم و فناوری (مصوب ۱۳۹۳) بر نقش و مشارکت بخش‌های غیردولتی در حوزه علم و فناوری تأکید شده است؛ از مهم‌ترین نقاط هدف‌گذاری شده نقشه جامع علمی کشور، مهم‌ترین سند سیاستی علم و فناوری کشور، «میزان مشارکت دانشمندان و محققان کشور در تصمیم‌گیری امور مربوط به علم و فناوری» است. با این همه، پیرامون موضوع تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری و عوامل مؤثر بر آن، مطالعات اندکی انجام شده است. جست‌وجوی مطالعات داخلی و بین‌المللی این موضوع را تأیید می‌کند. لذا شناسایی و احصای عوامل مؤثر بر تعاملات ذی‌نفعان و انعکاس آن‌ها به محققان، سیاست‌پژوهان و سیاست‌گذاران ایرانی پرسش اصلی این پژوهش، بخشی از نوآوری این پژوهش است. همچنین «تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری چه نتایج و دستاوردهایی به همراه دارد؟» پرسش فرعی آن است. برای پاسخ به این دو پرسش، دو مجله تخصصی معتبر Science and Public Policy و Research Policy (با سابقه بیش از چهار دهه در انتشار بیشترین مقالات مرتبط با موضوع این پژوهش) انتخاب و به روش تحلیل مضمون داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شده است.

۱. مبانی نظری

تعامل ذی‌نفعان در عرصه سیاست‌گذاری، عموماً به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود. هریسون و ویکس^۱ (2013) معتقدند نمی‌توان ارتباط و تعامل ذی‌نفعان با سازمان

علم هرگز در خلأ اجتماعی تکامل پیدا نمی‌کند (Sarton, 1957) بلکه ساختی اجتماعی دارد (Boon et al., 2021) و فرایندی است که بازیگران و نهادهای متعددی در آن مشارکت دارند (Van den Hove, 2007). علم در دوران مدرن به دلیل پیوند ناگسستنی با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و سلامت جامعه، وضعیت پیچیده‌ای پیدا کرده است؛ از این رو مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های علم و فناوری در جوامع مختلف به بخش جدایی‌ناپذیر این حوزه تبدیل شده است. در گذشته فقط دانشمندان عضوی از جامعه دانش به شمار می‌رفتند، اما امروزه ذی‌نفعان اجتماعی بخش عمده‌ای از اعضای جامعه دانش‌اند (Mejlgaard, 2009). این موضوع نشان‌دهنده آگاهی از لزوم مشارکت آحاد جامعه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به علم و فناوری است (Powell and Colin, 2008)؛ زیرا این فرض پذیرفته شده است که همکاری ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری به بهبود کیفیت نظام سیاست‌گذاری کمک می‌کند (Khalifa Soltani et al., 2013). عده‌ای از محققان معتقدند که در عصر حاضر، علم و فناوری باید در پیشگاه جامعه پاسخ‌گوتر شود و تنها راه رسیدن به این امر افزایش مشارکت ذی‌نفعان و شهروندان است (Hack-ett et al., 2020) و اتخاذ هر تصمیم بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار است، لذا مشارکت آن‌ها ضرورت دارد (Taghinezhad Om-ran and Pahlavanian, 2023). جنبه‌های بسیار مهمی که مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری را ضروری می‌سازد ناشی از دو عامل چندجانبه‌بودن سیاست علم و فناوری و آگاهی از راه‌های جدید برای مشارکت ذی‌نفعان است (Dutrénit and Suárez, 2018).

مفاهیم مشارکت و تعامل از حدود دو دهه قبل در ادبیات سیاست‌گذاری علم و فناوری استفاده شد (Weingart et al., 2021). این موضوع در محافل سیاست‌گذاری علم و فناوری اروپا رواج یافت و برخی از کشورها از جمله هلند و دانمارک در گسترش رویکرد مشارکتی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های مربوط به علم و فناوری پیشگام شدند (Joss, 1999). برخی از محققان معتقدند امروزه تعامل بین سیاست‌گذاران، کارشناسان، ذی‌نفعان و عموم مردم به بخش مهمی از سیاست‌گذاری علم و فناوری تبدیل شده است (Gonçalves, 2017). هدف از مشارکت و تعامل ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری علم و فناوری، مبادله اطلاعات و تجربه (Le Feuvre et al., 2016)، افزایش یادگیری متقابل از راه تعامل بین سیاست‌گذاران، متخصصان، تولیدکنندگان و دیگر ذی‌نفعان (Dutrénit and Suárez, 2018)، تأثیرگذاری متقابل ذی‌نفعان بر یکدیگر (Greger et al., 2014) و تعقیب منافع و انسجام اجتماعی (Rowley, 2017)

سیاست‌گذاری ۲. تعیین کارکردها و نقش‌های هرکدام از ذی‌نفعان ۳. شکل‌گیری ارتباط و تعامل بهینه بین همه ذی‌نفعان (Mazarei et al., 2019). از همین‌رو برخی از محققان با نگاهی تاریخی بیان می‌کنند با توجه به اینکه گفتمان رایج از مشارکت و مشورت به درگیری ذی‌نفعان تغییر پیدا کرده است، دخالت و مشارکت ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های علم و فناوری، پیوسته تکامل یافته است (Weingart et al., 2021).

سیاست‌گذاری فرایندی پیچیده است که تحت تأثیر ذی‌نفعان و عوامل متعدد قرار می‌گیرد (Ramirez and Belcher, 2019) بنابراین بدون بررسی و شناخت این ذی‌نفعان، فرایند سیاست‌گذاری نه تنها درک نمی‌شود بلکه با شکست مواجه خواهد شد. در ادبیات تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، ذی‌نفعان آن دسته از افراد یا گروه‌هایی‌اند که برای تحقق اهداف خود به سازمان وابسته‌اند و سازمان نیز به‌نوبه خود به آن‌ها وابستگی متقابل دارد (Scholes et al., 2008) و اگر درباره ارزش‌های ذی‌نفعان و سازمان توافق کافی داشته باشد، حمایت‌های کافی از راهبردها و سیاست‌های سازمان اتفاق می‌افتد (Mampaey and Huisman, 2016). این ذی‌نفعان با انگیزه‌های متنوعی همچون تأثیرگذاری بر سیاست، پیگیری بحث سیاست، نفع شخصی (Orr, 2013) و جست‌وجوی اعتبار در فرایند سیاست‌گذاری مشارکت می‌کنند. برنو لاتور^۳ در نظریه خود از مفهوم کنشگر به جای ذی‌نفع استفاده می‌کند. به عقیده لاتور کنشگر یک مفهوم عام است که شامل عناصر انسانی و غیرانسانی می‌شود. کنشگر می‌تواند نقش بازیگر را بر عهده بگیرد (Sharifzadeh, 2017). این ذی‌نفعان بسته به میزان علاقه و قدرتشان (Ackermann and Eden, 2011) در سطوح مختلفی دسته‌بندی می‌شوند. از همین‌رو، نمی‌توان هم‌زمان به ذی‌نفعان توجه یکسانی داشت بلکه مستلزم طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس ترتیب اهمیت است (Mainardes et al., 2012). میشل، اگل و وود^۴ نیز ذی‌نفعان را بر اساس دارا بودن یک، دو یا هر سه مشخصه قدرت،^۵ مشروعیت^۶ و فوریت^۷ در هفت مورد دسته‌بندی کرده‌اند: ذی‌نفعان ساکت،^۸ ذی‌نفعان محتاط،^۹ ذی‌نفعان متقاضی،^{۱۰}

را به تعاملات و تعهدات مستقیم و یک‌طرفه محدود کرد؛ بلکه پویایی تعاملات ذی‌نفعان در یک نظام شبکه‌ای درهم‌تنیده نیز بعد دیگر آن است. در این خصوص، محققان با معرفی مفهوم تبادل تعمیم‌یافته^۱ توضیح می‌دهند که گاهی تأثیر کل روابط ذی‌نفعان بر سازمان بیشتر از مجموع اجزای آن است؛ یعنی نحوه رفتار سازمان با یک ذی‌نفع بر روابط با دیگر ذی‌نفعان نیز تأثیر می‌گذارد. هرچه تعداد این ذی‌نفعان بیشتر باشد، تعارض بین آن‌ها بیشتر است، زیرا هر ذی‌نفع احتمالاً فشارها و خواسته‌های متناقضی دارد (Krick, 2015).

تأکید بر مفاهیم تعامل و مشارکت ذی‌نفعان در عرصه سیاست‌گذاری منجر به ظهور سیاست‌گذاری تعاملی شده است. سیاست‌گذاری تعاملی^۲ فرایندی است که طی آن چندین طرف مؤثرند و با هم به یک تصمیم می‌رسند. در این میان، نهادهای دولتی با سایر مقامات یا سازمان‌های خصوصی با هدف تسهیل اجرای آن سیاست و اثربخشی بیشتر آن همکاری می‌کنند (Driessen et al., 2001). این رهیافت از سیاست‌گذاری در تمام سطوح دولتی-محلی، منطقه‌ای، استانی و ملی، سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های خصوصی و نیز در تمامی مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست استفاده میشود (Edelenbos et al., 2010; Van Tatenhove et al., 2009). این روند را می‌توان در همه دموکراسی‌های غربی مشاهده کرد. به عبارتی «گفتمان تعامل» در سیاست‌گذاری علم و فناوری در اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و افریقای جنوبی تأثیر مهمی دارد (Weingart et al., 2021).

برای مشارکت ذی‌نفعان در فعالیت‌های مرتبط با علم و فناوری دو مسیر وجود دارد: یکی مشارکت متخصصان و محققان علمی به‌منزله نماینده جامعه و دیگری مشارکت مستقیم آحاد جامعه در فعالیت‌های سیاست‌گذاری علم و فناوری. مسیر نخست با انتقاد مواجه شد، زیرا بسیاری بر این عقیده‌اند که نمی‌توان حوزه سیاست‌گذاری علم و فناوری را به نخبگان فن‌سالار واگذار کرد، این انتقادات باعث شکل‌گیری جریان‌های مشارکتی و مشورتی شد و بر بحث در مورد مشارکت عمومی در مطالعات علم و فناوری تأثیر قابل‌توجهی باقی گذاشت (Biegelbauer and Hansen, 2011). متعاقباً این مفاهیم را سیاست‌گذاران علم و فناوری به کار گرفتند و موجب شد تا همه ذی‌نفعان را به مشارکت در اقدامات مرتبط با علم و فناوری سوق دهند (Wynne, 2007). موضوع تعامل و مشارکت ذی‌نفعان در رویکردهای جدیدتر سیاست‌گذاری علم و فناوری بر اساس سه پیش‌فرض اساسی جایگاه خود را تثبیت کرده است: ۱. حضور تمامی ذی‌نفعان در

3. Bruno Latour

4. Mitchell, R. K., Agle, B. R., and Wood, D. J.

5. Power

6. Legitimacy

7. Urgency

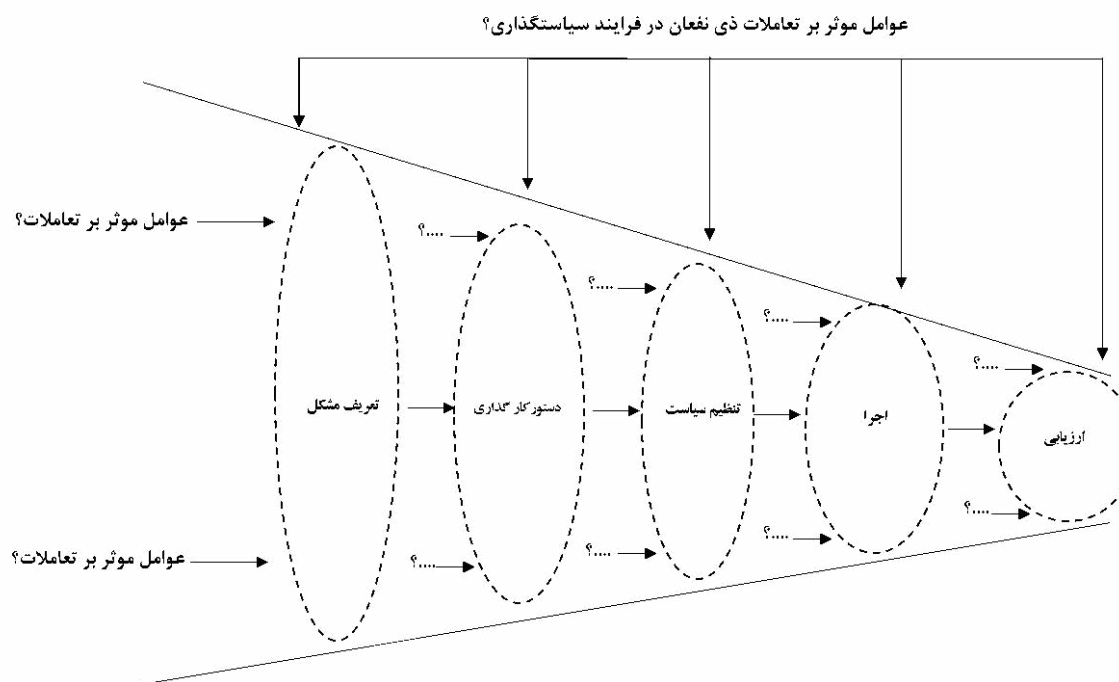
8. Dormant stakeholders

9. Discretionary stakeholders

10. Demanding stakeholders

1. Generalized exchange

2. Interactive policy-making



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش

Xiaodong et), اجرای سیاست (and Sharifzadeh, 2006, 2019), سیاست‌پژوهی، مشارکت در ارزیابی سیاست‌ها، بهبود همکاری‌های علمی، انتشار علم و فناوری در جامعه و ارائه خدمات آموزشی (Mazarei et al., 2019) بخشی از این نقش‌هاست. تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری عموماً روش‌هایی را چون جلسات گفت‌وگو، مستندسازی، همایش‌ها، شبکه‌های مجازی، رسانه‌های اجتماعی، بازدیدها، آموزش، تحقیق، رویدادهای عمومی، بروشور و مجلات، نظرسنجی‌ها، عضویت در کمیته‌ها، مصاحبه، عضویت در انجمن‌ها، جلسات فردی و تماس‌های تلفنی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به کار می‌گیرند (Gagné et al., 2022; Spaapen and Van Drooge, 2011).

۲. الگوی مفهومی

بررسی مطالعات نشان می‌دهد که ذی‌نفعان در طول فرایند سیاست‌گذاری (از مرحله تعریف مشکل، دستور کارگذاری، تنظیم سیاست، اجرا و ارزیابی) تعاملاتی با یکدیگر دارند که طبیعتاً در مراحل ابتدایی چگالی این تعاملات بسیار بیشتر است و هرچه به انتهای چرخه سیاست‌گذاری می‌رسیم، دامنه این تعاملات نیز کاهش می‌یابد. در طول این فرایند عوامل درونی و بیرونی متعددی بر آن اثرگذارند و به‌نوعی شکل تعاملات و نحوه مشارکت ذی‌نفعان

ذی‌نفعان مسلط،^۱ ذی‌نفعان وابسته،^۲ ذی‌نفعان خطرناک^۳ و ذی‌نفعان قطعی^۴ (Mitchell et al., 1997).

دانشمندان و پژوهشگران بخش دولتی و خصوصی، قوه قضائیه، مسئولان بخش دولتی، نمایندگان مجلس، صاحبان صنایع و بازرگانان، روزنامه‌نگاران، کارشناسان صداوسیما، روشنفکران، روحانیان، مردم، دانش‌آموزان و دانشجویان (Shaebani and Razeghi, 2020) را می‌توان ذی‌نفعان سیاست‌گذاری علم و فناوری به شمار آورد. اسپاپن و ون دروگ^۵ با معرفی مفهوم «تعامل سازنده»^۶ به‌منزله مفهومی که طی آن بین محققان و ذی‌نفعان مبادلاتی رخ می‌دهد ذی‌نفعان را شامل محققان، صنعت، سازمان‌های عمومی، دولت، عموم مردم می‌داند (Spaapen and Van Drooge, 2011). این ذی‌نفعان ممکن است در طول فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری، وظایف متعددی بر عهده بگیرند. تبیین نیازها و انتظارات، تدوین دستور کار برای سیاست‌گذار، نظارت و ارزیابی (Alwani

1. Dominant stakeholders
2. Dependent stakeholders
3. Dangerous stakeholders
4. Definitive stakeholders
5. Spaapen and van Drooge
6. productive interaction

را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در الگوی مفهومی (شکل ۱) فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری ترسیم شده است و نشان می‌دهد در هر مرحله عواملی از درون و بیرون بر این فرایند تأثیرگذارند. از این رو، هدف اصلی در پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها تحلیل مضمون است. با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش متن پژوهش‌های منتشر شده است، تحلیل مضمون روش مناسب است. تحلیل مضمون شیوه‌ای در روش پژوهش کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد (Lafiti et al., 2016). در این خصوص ابتدا دو مجله علمی-تخصصی با مشخصات مندرج در جدول ۱ به صورت هدفمند انتخاب شدند. اعتبار علمی، قدمت و انتشار بیشترین مقالات مرتبط با موضوع این پژوهش از دلایل انتخاب این دو مجله بود. پس از انتخاب مجلات، کلیدواژه‌های جدول ۲ به صورت برخط در تارنمای اختصاصی این مجلات جست‌وجو و مقالات مرتبط بر اساس گام‌های شکل ۲ انتخاب شدند. فرایند جست‌وجو در تارنمای مجلات و انتخاب مقالات نهایی جهت تحلیل بر اساس شکل ۲ به این شرح است:

- ۱- در جست‌وجوی اولیه، ۲۸۲ مقاله مرتبط با کلیدواژه‌های این پژوهش جمع‌آوری شد (جدول ۲).
- ۲- پس از بررسی عناوین ۲۸۲ مقاله، ۲۱۵ مقاله به دلیل عناوین غیرمرتبط از فرایند بررسی حذف شدند و ۶۷ مقاله برای بررسی چکیده به مرحله بعد منتقل شدند.
- ۳- پس از بررسی چکیده ۶۷ مقاله، ۱۸ مورد حذف و ۴۹ مقاله برای بررسی محتوا به مرحله بعد منتقل شدند.
- ۴- پس از بررسی محتوای ۴۹ مقاله، ۱۱ مورد حذف و ۳۸ مقاله برای بررسی بیشتر به مرحله بعدی منتقل شدند.
- ۵- در مرحله پایانی نیز ۵ مقاله حذف و در مجموع ۳۳ مقاله

برای انجام تحلیل مضمون انتخاب شدند. پس از استخراج مضامین از درون ۳۳ مقاله، با هدف کسب اطمینان از پایایی داده‌ها، از ضریب توافق بین کدگذاران (بر مبنای فرمول درصد پایایی) استفاده شد. پس از اتمام کدگذاری توسط محقق، ۳ مورد از مقالات به صورت تصادفی در اختیار همکار پژوهشی قرار داده شد و از وی خواسته شد تا بر اساس پرسش‌های پژوهشی این بخش از پژوهش، کدهای مرتبط را برشمرد و دسته‌بندی مجدد را انجام دهد. بر این اساس ۱۸ کد احصا شد که از این تعداد، ۷ کد بین محقق و همکار محقق مشترک بود. پایایی بین کدگذاران در این پژوهش با استفاده از فرمول مذکور، ۷۸ درصد محاسبه شد. با توجه به اینکه این میزان پایایی نزدیک به ۸۰ درصد به دست آمد، می‌توان گفت که درصد پایایی بین کدگذاران مورد تأیید است.

$$۱۰۰ \times \frac{\text{تعداد کل توافقات} \times ۲}{\text{تعداد کل کدها}} = \text{درصد پایایی}$$

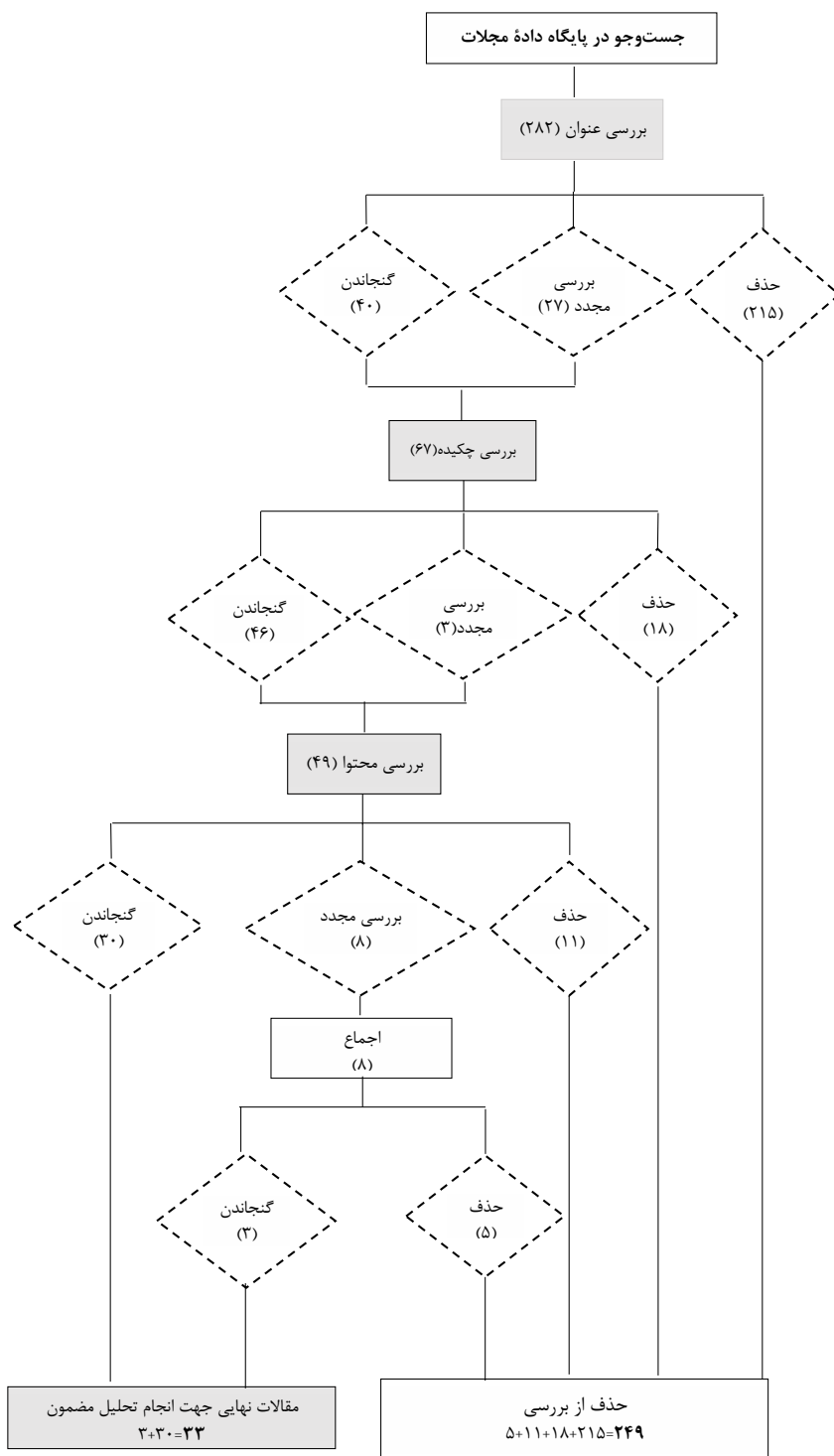
جدول ۲: واژگان کلیدی

واژگان کلیدی	ردیف
Participation	۱
Cooperation	۲
Interaction	۳
Communication	۴
Actor	۵
Citizen	۶
Consult	۷
Activist	۸
Stakeholder	۹
Negotiation	۱۰

جدول ۱: مجلات علمی انتخاب‌شده

نام مجله	سطح کیفی	ناشر	کشور	اج ایندکس	ضریب تأثیر	دوره انتشار	میزان مشابهت ^۱
Science and Public Policy	Q۱	Oxford University Press	انگلستان	۶۵	۲/۷۲۵	۱۹۷۴-۲۰۲۱	۷۴ درصد
Research Policy	Q۱	Elsevier	هلند	۲۳۸	۸/۱۱	۱۹۷۱-۲۰۲۰	

۱. <https://www.scimagojr.com/journalsearch.php?q=۲۰۹۶۰&tip=sid&clean=۰>



شکل ۲. فلوچارت مراحل انتخاب مقالات برای تحلیل مضمون (Sandelowski and Barroso, 2007)

۴. یافته‌ها

پس از مطالعه عمیق ۳۳ مقاله انتخابی^۱ و یادداشت‌برداری نکات مرتبط با پرسش اصلی پژوهش، مضامین در جدول ۳ دسته‌بندی شدند. همچنین بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده در پاسخ به پرسش فرعی پژوهش، دستاوردها و نتایج تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری در جدول ۴ دسته‌بندی شد.

۴-۱. چه عواملی در تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری اثرگذارند؟

در بررسی مطالعات انجام‌شده، عوامل مؤثر در تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری در ۱۶ مضمون دسته‌بندی شد (جدول ۳). فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری به دلیل خصوصیات فنی و عدم قطعیت علم و فناوری از دیگر حوزه‌های سیاست‌گذاری متمایز می‌شود. این خصوصیت، تعاملات ذی‌نفعان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. موضوع تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری متأثر از تنوع ذی‌نفعان، دانش تخصصی آن‌ها و قدرت توزیع‌شده در بین آن‌هاست. هریک از ذی‌نفعان با انگیزه‌ها، ارزش‌ها، باورها و ادراکات مختلف به معرفی رویکردهای جدید سیاست‌گذاری و نیز داده‌ها و شواهد تازه از مسئله سیاست، فرایند سیاست‌گذاری را به‌سوی خاصی هدایت می‌کنند.

جدول ۳: عوامل مؤثر در تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری

ردیف	عوامل مؤثر در تعاملات (مضامین فراگیر)	نمونه متن مقاله (مضامین پایه)	منبع
۱	تنوع ذی‌نفعان و مخاطبان	پذیرش هویت و درک موقعیت متفاوت هریک از ذی‌نفعان در اثرگذاری آن‌ها در فرایند سیاست‌گذاری بسیار مهم است.	(Cuppen, 2012), (Rappert, 1996), (Weill, 2003), (Degelsegger and Torgersen, 2011)
۲	دانش تخصصی ذی‌نفعان	هنگامی ذی‌نفعان با حوزه‌های سیاست علم و فناوری درگیر می‌شوند، معمولاً سعی می‌کنند مشروعیت مشارکت خود را با بروز تسلط خود بر موضوعات بسیار فنی نشان دهند.	(Parthasarathy, 2010)
۳	معرفی حقایق و شواهد جدید از زبان ذی‌نفعان	ذی‌نفعان می‌توانند حقایق جدیدی از موضوع را معرفی کنند که برخی از سیاست‌گذاران سنتی آن‌ها را در نظر نمی‌گیرند. این راهبرد به ذی‌نفعان اجازه می‌دهد تا درباره شواهد جدیدی که معرفی می‌کنند ادعای تخصص ویژه‌ای داشته باشند.	(Parthasarathy, 2010)
۴	معرفی منطق‌های جدید سیاست‌گذاری از زبان ذی‌نفعان	برخی از ذی‌نفعان تلاش می‌کنند تا مترادف یا برخلاف با هریک از رویکردهای موجود، شواهد جدیدی ارائه دهند و با شناسایی مشکلات در منطق سیاست حاکم و معرفی رویکردی جدید، سد تخصص را بشکنند.	(Parthasarathy, 2010)

۱. یادآور می‌شود که پرسش‌های دیگری نیز در این مطالعه (ازجمله موانع تعاملات ذی‌نفعان و روش‌های برقراری تعاملات ذی‌نفعان) مطرح بود که نتایج آن‌ها در نوشته‌ای دیگر منعکس شده است.

در این میان، درک فرصت‌ها و زمان مناسب برای مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری بسیار مهم است؛ در غیر این صورت تلاش ذی‌نفعان برای تعامل و اثرگذاری بر فرایند سیاست‌گذاری کم‌اثر خواهد شد. علاوه‌براین دسترسی به داده‌ها و اطلاعات، روند تعامل را تسهیل خواهد کرد، زیرا به نظر می‌رسد استفاده از داده‌ها و اطلاعات در سیاست‌گذاری به‌خصوص از منظر سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد امری مهم است. البته تعامل و مشارکت ذی‌نفعان به‌خودی‌خود امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا سطح توسعه‌یافتگی جوامع نقش اساسی در این خصوص دارند و تا زمانی که امر دموکراسی و مشارکت، در بدنه اصلی حکومت‌ها پذیرفته نشده باشد، تعامل و مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری نیز با چالش مواجه خواهد شد. برای تسهیل مشارکت و تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری به فراهم‌سازی منابع مالی و اطلاعاتی احتیاج است و این موضوع به ساختار حکومت‌ها وابسته است. به‌طورکلی تا زمانی که مسیر تعامل و مشارکت ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری علم و فناوری نهاده‌ی نشده، نمی‌توان انتظار تحقق کامل این موضوع را داشت.

ردیف	عوامل مؤثر در تعاملات (مضامین فراگیر)	نمونه متن مقاله (مضامین پایه)	منبع
۵	توانایی شناختی ذی نفعان	ذی نفعان گاهی سعی می‌کنند، با این استدلال که قوانین رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری دیوانسالارانه نامناسب و شاید حتی برای منافع عمومی زیان‌آور باشند، به مانع واقعی حوزه‌های سیاست علم و فناوری نفوذ کنند. صلاحیت شناختی و زبانی و ارائه استدلال‌های قوی نیز در این زمینه بسیار مهم است.	(Parthasarathy, 2010), (Nishizawa, 2005)
۶	استمرار فرایند ارزیابی سیاست	ارزیابی کارشناسی باید مستمر و همراه با تعامل مکرر بین مسئولان و کارشناسان باشد.	(Weill, 2003)
۷	بافت فرهنگی، تاریخی و ارزشی جامعه	الگوهای سیاستی و فرایندهای مشارکت و گفت‌وگو متأثر از بافت فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای است. علاوه‌براین گذشته تاریخی هر کشوری در توجه به مشارکت عمومی در سیاست‌گذاری در روندهای کنونی بسیار مهم است.	(Griessler et al., 2011), (Joss, 1999), (Nishizawa, 2005), (Brett-Crowther, 1980), (Fischer et al., 2004), (Carson and Martin, 2002), (Boussaguet and Dehousse, 2009)
۸	فرصت اظهارنظر ذی نفعان	اظهارنظر درخصوص حقایق، ارزش‌ها، به‌چالش کشیدن اظهارات دیگر شرکت‌کنندگان و تصمیم‌گیری در صورت اختلاف‌نظر نیازمند فرصت است.	(Nishizawa, 2005)
۹	زمان‌بندی صحیح برای مشارکت	چه زمانی باید وضع سیاست‌های علم و فناوری آغاز شود و چه زمانی باید بحث‌های عمومی (مشارکت) درباره مشکلات سیاست‌گذاری آغاز شود.	(Griessler et al., 2011), (Ablon and Golay, 2017)
۱۰	عدم قطعیت علم و فناوری	نبود قطعیت از خصوصیات بارز علم و فناوری معاصر است، مرز بین متخصصان و افراد غیرمتخصص از بین رفته است. تقریباً هرکسی می‌تواند در یک حوزه متخصص باشد؛ بنابراین هیچ نظری را نباید نامشروع به شمار آورد، بلکه باید زمینه مشارکت همه افراد را فراهم کرد.	(Degelsegger and Torgersen, 2011)
۱۱	دسترسی به اطلاعات و شفافیت	دموکراسی به این بستگی دارد که مردم بتوانند در بحث عمومی شرکت کنند. برای انجام این کار، آن‌ها باید به اطلاعات موثق دسترسی داشته باشند و بتوانند روند سیاست‌گذاری را در مراحل مختلف آن بررسی کنند.	(Mercado, 2012), (Degelsegger and Torgersen, 2011)
۱۲	سطح توسعه‌یافتگی جامعه	در کشورهای درحال توسعه، جایی که بخش قابل توجهی از جمعیت نمی‌توانند بسیاری از نیازهای اساسی خود را برآورده کنند و دسترسی محدودی به آموزش دارند، مشارکت امری دشوار است.	(Mercado, 2012),
۱۳	ساختار دولت‌ها	درحالی‌که در برخی کشورها زمینه‌ها و سازوکارهای رسمی برای مشارکت ذی نفعان در فرایند سیاست‌گذاری وجود دارد، در دیگر کشورها، مشارکت بازیگران غیردولتی هنوز به دولت وابسته است.	(Ramirez and Belcher, 2019)
۱۴	جهان‌بینی و ادراک ذی نفعان	انگیزه‌های ذی نفعان بر اساس جهان‌بینی، ادراک و علایق آن‌ها تعیین می‌شود. برای برقراری تعامل بین ذی نفعان و سیاست‌ها باید تلاش کرد ادراک ذی نفعان را تغییر داد تا تعامل مکرر و مؤثرتر امکان‌پذیر شود.	(Ablon and Golay, 2017), (Ramirez and Belcher, 2019)
۱۵	قدرت ذی نفعان	قدرت تأثیر مهمی در شکل‌دهی رابطه دانش - سیاست دارد. اینکه چگونه ادراکات ذی نفعان از دانش علمی بر فرایند سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد، به شدت به این بستگی دارد که چه کسی در تصمیم‌گیری‌ها نفوذ دارد.	(Ramirez and Belcher, 2019)

ردیف	عوامل مؤثر در تعاملات (مضامین فراگیر)	نمونه متن مقاله (مضامین پایه)	منبع
۱۶	دسترسی به منابع	مشارکت، تأثیرگذاری یا تعامل با دنیای سیاست معمولاً به منابعی به شکل پول، زمان، ارتباطات و نیروی انسانی نیاز دارد. از همین رو شرکت‌های فناوری کوچک و گروه‌های ذی‌نفع کوچک دشواری بیشتری دارند.	(Ablon and Golay, 2017)

۲-۴. تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری چه نتایج و دستاوردهایی به دنبال دارد؟

تعاملات ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری، تأثیرات مثبتی برای ذی‌نفعان و سیاست‌گذاران دارد که در این مطالعات در ذیل ده مؤلفه کلی طبقه‌بندی شدند (جدول ۴). در وهله نخست می‌توان گفت این تعاملات باعث افزایش آگاهی و ارتقای یادگیری ذی‌نفعان می‌شود و در مرتبه دوم موجب تغییر بینش آن‌ها می‌شود. همچنین برقراری تعاملات بین ذی‌نفعان، باعث می‌شود صورت‌بندی مسئله سیاست ارتقا پیدا کند و به‌نوعی مسئله با جامعیت و با ابهام کمتری در دستور کار قرار گیرد. پس از تبیین و صورت‌بندی موضوع، مشارکت ذی‌نفعان می‌تواند در ارائه راهکارهای خلاقانه نیز بسیار مؤثر واقع شود. مشارکت و تعامل ذی‌نفعان در مراحل اولیه فرایند سیاست‌گذاری،

علاوه بر مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها، اجرا و نظارت آن را نیز تضمین می‌کند و در ادامه احساس مسئولیت ذی‌نفعان در قبال سیاست‌ها را افزایش می‌دهد؛ زیرا چنانچه افرادی که در مراحل اولیه سیاست‌گذاری به کار گرفته نشوند، احتمالاً اجرای سیاست را با چالش جدی مواجه خواهند کرد. هنگامی‌که اکثریت ذی‌نفعان نظاره‌گر فرایند مشارکتی و دموکراتیک سیاست باشند، به آن اعتماد بیشتری خواهند داشت. این مشارکت گسترده ذی‌نفعان با توانمندی‌های متنوع، درنهایت توسعه علم و فناوری را به دنبال دارد؛ به عبارتی چنانچه سیاست‌گذاری علم و فناوری را بخشی مهم از فرایند توسعه بدانیم، مشارکت تعداد بیشتری از افراد موجب تکامل و تعالی آن خواهد شد، زیرا توسعه علم و فناوری به مشارکت و همکاری ذی‌نفعان وابسته است.

جدول ۴: نتایج و دستاوردهای تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری

ردیف	نتایج و دستاوردها (مضامین فراگیر)	نمونه متن مقاله (مضامین پایه)	منبع
۱	افزایش آگاهی و یادگیری متقابل	تعامل بازیگران در فرایند سیاست‌گذاری برای تبادل نظر و دانش ضروری است که در نتیجه آن بازیگران می‌توانند از دیدگاه‌های مختلف در موضوع مورد نظر تجربه کسب کنند.	(Griessler, et al., 2011), (Dutrénit and Suárez, 2018), (Varumo et al., 2020), (Cuppen, 2012)
۲	ارتقای صورت‌بندی موضوع سیاست‌گذاری	تعامل و گفت‌وگو بین ذی‌نفعان نوع ساختار بندی مشکل به عبارتی تنظیم دستور کار آگاهانه‌تر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	(Cuppen, 2012), (Ablon and Golay, 2017)
۳	تغییر بینش ذی‌نفعان	تعامل بین افراد با دیدگاه‌های مختلف می‌تواند منجر به ظهور بینش‌های جدید شود.	(Ablon and Golay, 2017)
۴	مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها	سیاست‌گذاران به‌طور فزاینده‌ای به سمت شیوه‌های مختلف مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان به‌منزله ابزاری برای مشروع جلوه‌دادن سیاست‌ها تمایل دارند.	(Griessler et al., 2011), (Degelsegger and Torgersen, 2011), (Varumo et al., 2020), (Hansen and Allansdottir, 2011)
۵	بهبود اجرای سیاست	درگیر شدن ذی‌نفعان در مراحل ابتدایی سیاست‌گذاری به‌خصوص تعریف موضوع و انتخاب راهکارهای سیاسی، اجرای سیاست را تسهیل خواهد کرد. در غیر این صورت مقاومت ایجاد خواهد شد.	(Varumo et al., 2020)
۶	بهبود فرایندهای نظارت بر سیاست	مشارکت معنادار در مراحل نظارتی فرایند علم و نوآوری تنها در صورتی می‌تواند رخ دهد که جامعه مدنی در مرحله تنظیم دستور کار همراه بوده باشد.	(Ferretti and Pavone, 2009)

ردیف	نتایج و دستاوردها (مضامین فراگیر)	نمونه متن مقاله (مضامین پایه)	منبع
۷	دستیابی به راهکارهای خلاقانه و تدوین سیاست‌های علمی و کارشناسی شده	دستیابی به راه‌حل‌های خلاقانه برای غلبه بر شکست‌های سیستمی از طریق مشارکت و تعامل ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری امکان‌پذیر است.	(Griessler et al., 2011), (Dutrénit and Suárez, 2018)
۸	افزایش اعتماد جامعه	سیاست‌گذاری مشارکتی به‌مثابه وسیله‌ای برای بازسازی اعتماد و به‌طور گسترده‌تر، برای تجدید و تکمیل دموکراسی نمایندگی به کار می‌رود.	(Rask, 2003)
۹	ارتقای مسئولیت‌پذیری تعهد و ذی‌نفعان	هنگامی‌که نوآوری نتیجه یک مسیر مشترک باشد، مسئولیت‌پذیری مشترک را نیز شامل می‌شود.	(Ferretti and Pavone, 2009)
۱۰	توسعه علم و فناوری	دانشمندان باید بیشتر با مردم صحبت کنند، زیرا این کار در توسعه علم و موقعیت آن در جامعه بسیار مهم است.	(Trench and Miller, 2012)

بحث و نتیجه‌گیری

تعامل و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست علم و فناوری، همانند دیگر حوزه‌های سیاست‌گذاری، موجب ارتقای آن خواهد شد که چهارچوب‌های نظری در مطالعات انجام‌شده از این ادعا پشتیبانی می‌کنند. همان‌طور که در الگوی مفهومی پژوهش نیز مشخص بود، برقراری تعاملات بین ذی‌نفعان در طول سیاست‌گذاری متأثر از عوامل متعددی است که می‌تواند این تعاملات را ارتقا یا موانعی پیش روی آن قرار دهد. در این میان اولین و شاید مهم‌ترین موضوع که وجه‌میزه سیاست‌گذاری علم و فناوری با دیگر حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی است، قطعیت‌نداشتن علم و فناوری است (Degelsegger and Torgersen, 2011). تحولات سریع علم و فناوری کنش ذی‌نفعان (ازجمله محققان، فناوران، دانشجویان و دانش‌آموختگان و سیاست‌مداران) این حوزه را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت هرگونه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در حوزه علم و فناوری از تحولات روز علم و فناوری یک گام عقب‌تر است.

علاوه‌براین، در هر گام از فرایند سیاست‌گذاری، ذی‌نفعان با موقعیت‌ها و توانایی‌های متفاوت مشارکت دارند (Cuppen, 2012; Rappert, 1996; Weill, 2003; Degelsegger and Torgersen, 2011). در گام‌های نخست سیاست‌گذاری، چگالی حضور ذی‌نفعان بسیار بالاست و دانشجویان، محققان، فناوران، اعضای هیئت‌علمی، رسانه‌ها، کارفرمایان، نمایندگان دولت و دیگر ذی‌نفعان هریک از زاویه دانش تخصصی (Parthasarathy, 2010) و برحسب قدرت (Belcher, 2019) و میزان دسترسی به منابع (Ablon and Go, 2017) در این فرایند کنشگری می‌کند و هرچه به مراحل انتهایی نزدیک می‌شویم این تنوع کمتر می‌شود و گروه‌هایی که

از قدرت، نفوذ و منابع بیشتری برخوردارند حضور پررنگ‌تری خواهند داشت. لذا توزیع قدرت مشخصه مهم و تعیین‌کننده‌ای در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری است. البته ساختار دولت‌ها (ibid) در این زمینه متغیری تعدیل‌کننده است و در میزان مشارکت و تعاملات ذی‌نفعان بسیار اثرگذار است. در برخی از ساختارها، قدرت صرفاً در دست عده‌ای (عمدتاً دولت) متمرکز است و دیگر ذی‌نفعان به‌خصوص بخش‌های غیردولتی و کنشگران مردمی فرصت کمتری برای اظهارنظر و اثرگذاری در فرایند سیاست‌گذاری دارند و در ساختارهای غیرمتمرکزتر عمدتاً امکان مشارکت برای همه کنشگران سیاست‌گذاری فراهم است. در کنار قدرت ذی‌نفعان که به‌شکلی وابسته به ساختار دولت‌هاست، جهان‌بینی و ادراک ذی‌نفعان (Ablon and Go, 2017; Ramirez and Belcher, 2019) از موضوعات سیاست‌گذاری نیز عاملی است که فرایند سیاست‌گذاری را جهت‌دهی می‌کند. مثلاً درباره عدالت در آموزش عالی عده‌ای از ذی‌نفعان به توزیع فرصت‌های برابر معتقدند و گروهی بر این باورند که آموزش عالی حق شایستگان است و افراد باید بر اساس شایستگی و توانمندی ذاتی از دانشگاه بهره‌مند شوند. در هر صورت جهان‌بینی و ادراک ذی‌نفعان از موضوعات سیاست‌گذاری، متأثر از نظام ارزشی، فرهنگی و تاریخی آن جامعه است (Griessler et al., 2011; Joss, 1999; Nishizawa, 2005; Brett-Crowther, 1980; Fischer et al., 2004; Carson and Martin, 2002; Boussaguet and Dehousse, 2009). به‌عنوان نمونه، گسترش فناوری‌های غیرصلح‌آمیز هسته‌ای با مبانی ارزشی برخی از کشورها در تضاد است، در صورتی‌که در دیگر کشورها چنین نیست. این نوع نگرش قاعدتاً در سیاست‌گذاری علم و فناوری و شکل تعاملات ذی‌نفعان در این حوزه‌ها تأثیر می‌گذارد.

عامل مهم دیگر، سطح توسعه‌یافتگی جوامع (Mercado, 2012) است که در آن نیازهای اولیه مردم در سطح مقبولى رفع شده باشد. اینکه افراد یک جامعه تا چه میزان نیازهای اولیه و ضروری‌شان، از جمله آموزش، تأمین شده باشد می‌تواند در میزان مشارکت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مؤثر باشد. تعامل و مشارکت ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری نیازمند توسعه سیاسی یک جامعه و لازمه این مهم آموزش است و آموزش زمانی محقق می‌شود که دیگر نیازهای اولیه رفع شده باشد. در هر صورت، در جوامع در حال توسعه که نیازهای ابتدایی جامعه در سطح مقبولى رفع نشده است، مشارکت ذی‌نفعان در هر نوع سیاست‌گذاری (در اینجا سیاست‌گذاری علم و فناوری) مشکل خواهد بود.

تعامل و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری به دلیل توانایی‌ها، تجارب و موقعیت‌های متعدد ذی‌نفعان موجب افزایش آگاهی و یادگیری متقابل (Griessler et al., 2011; Dutrénit and Suárez, 2018; Varumo et al., 2020; Cuppen, 2012) آن‌ها می‌شود. مشارکت و تعامل ذی‌نفعان با قابلیت‌های متنوع، صورت‌بندی سیاست‌گذاری را ارتقا دهد (Cuppen, 2012; Ablon and Golay, 2017)؛ بدین معنا که ذی‌نفعان با ارائه شواهدی از موضوع، زوایای پنهان آن را روشن می‌کنند و در مجموع باعث جامع‌نگری به موضوع سیاست‌گذاری می‌شوند. تغییر بینش ذی‌نفعان (Ablon and Golay, 2017) دیگر دستاورد تعاملات ذی‌نفعان است؛ این مشارکت در کنار افزایش اعتماد جامعه (Rask, 2003)، ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌هاست (Griessler et al., 2011; Degelsegger and Torgersen, 2011; Varumo et al., 2020; Hansen and Allansdottir, 2011). یافتن راه‌حل بدیع از جمله چالش‌هایی است که سیاست‌مداران می‌توانند با استفاده از ظرفیت ذی‌نفعان به راهکارهای خلاقانه (Griessler et al., 2011; Dutrénit and Suárez, 2018) دست یابند. فراهم‌سازی بستر مشارکت و تعامل ذی‌نفعان در مراحل اولیه سیاست‌گذاری، باعث بهبود اجرا و ارتقای فرایندهای نظارت و ارزیابی (Ferretti and Pavone, 2009) می‌شود و ارتقای مسئولیت‌پذیری ذی‌نفعان (Ferretti and Pavone, 2009) و در نهایت توسعه علم و فناوری (Trench and Miller, 2012) را به همراه دارد.

با وجود تأکید قوانین و اسناد بالادستی کشور، از جمله ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه (مصوب ۱۳۹۶)، بند ۵-۷ سند

در طول فرایند سیاست‌گذاری، در کنار ساختار دولت‌ها (متمرکز یا غیرمتمرکز) میزان شفافیت مسیر سیاست‌گذاری (Mercado, 2012; Degelsegger and Torgersen, 2011) بسیار مهم است. اینکه سیاست در فضایی بسته و به‌دوراز نظارت عامه اتخاذ شود یا حالتی که همه اقدامات و امکانات در صحنه تصمیم‌گیری برای ذی‌نفعان مشخص باشد، بر میزان مشارکت و تعاملات ذی‌نفعان تأثیرگذار خواهد بود. در مورد نخست ذی‌نفعان کمترین نقش را خواهند داشت و تصمیم از بالا به پایین اتخاذ و ابلاغ می‌شود؛ در مورد دوم ذی‌نفعان سیاست‌گذاری با مشارکت و تعامل با همدیگر، سیاست را انتخاب، اجرا و ارزیابی خواهند کرد و دوباره سیاست‌گذاری وارد چرخه بعدی می‌شود. در این چرخه‌ها استمرار فرایند ارزیابی سیاست (Weill, 2003) اهمیت بسزایی دارد. چنانچه سیاست یک بار برای همیشه نوشته شود، نیروهای دیگر اجرای سیاست امکانی برای تعامل و مشارکت و انعکاس نقاط قوت و ضعف سیاست را نخواهند داشت. این در حالی است که ذی‌نفعان می‌توانند با بیان حقایق جدیدتر از موضوع سیاست (Parthasarathy, 2010) و نیز رویکردها و منطق‌های جدید سیاست‌گذاری (Parthasarathy, 2010)، به چرخه‌های بعدی سیاست‌گذاری کمک مؤثری می‌کنند. ورود این موارد به فرایند سیاست‌گذاری در حجم و دامنه تعاملات ذی‌نفعان مؤثر است. به‌عنوان مثال سیاست‌گذار در برهه‌ای، با اتخاذ سیاست پرداخت مستقیم اعتبارات به اشخاص و شرکت‌های فناور، قصد حمایت از رشد و توسعه فناوری خاصی مانند هوش مصنوعی را دارد، اما اگر با گذشت زمان ارزیابی سیاست نشان دهد که این سیاست اثربخشی لازم را ندارد (یا قدرت اثرگذاری خود را از دست داده است)، در این بین ذی‌نفعان با بیان ابعاد جدیدتری از هوش مصنوعی و نیز تأکید بر رویکردهای غیرمستقیم حمایت (معافیت مالیاتی یا اعتبار مالیاتی) چرخه بعدی سیاست‌گذاری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و در این چرخه جدید آنچه تحت شعاع قرار می‌گیرد ذی‌نفعان و تعاملات آن‌هاست.

در هر مرحله از سیاست‌گذاری ذی‌نفعان می‌توانند با زمان‌بندی صحیح (Griessler et al., 2011; Ablon and Golay, 2017) مشارکت و تعامل مؤثری داشته باشند. این مهم به این دلیل اهمیت دارد که گاهی ذی‌نفعان، بدون توجه به زمان‌بندی هریک از مراحل سیاست‌گذاری، اقداماتی انجام می‌دهند که به‌نوعی از حیز انتفاع خارج است. به‌عنوان مثال تبیین موضوع و ارائه شواهد آماری از زبان ذی‌نفعان پس از اتخاذ و اجرای سیاست مؤثر نخواهد بود. یا ارزیابی سیاست و به‌تبع پیشنهاد اصلاح سیاست، بلافاصله پس از تصویب و اجرای سیاست، احتمال اثرگذاری ذی‌نفعان را به‌شدت کاهش خواهد داد.^۱

۱. نویسنده در جریان بررسی و تصویب دو قانون مهم «قانون جهش تولید دانش‌بنیان، مصوب ۱۴۰۱» و «قانون برنامه هفتم پیشرفت، مصوب ۱۴۰۳» در جلسات

کمیسیون‌های تخصصی و تلفیق مجلس شورای اسلامی در جایگاه کارشناس حضور داشت و از نزدیک شاهد چنین اتفاقاتی بود. به‌عنوان مثال پس از تصویب برنامه هفتم در کمیسیون تلفیق و ارسال آن به صحن مجلس، برخی از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها (به‌عنوان ذی‌نفع) درخواست بررسی لایحه برنامه و در نهایت ارائه پیشنهادهایی برای تصویب در برنامه داشتند. در صورتی که زمان معمول برای چنین اقدامی، قبل از ورود لایحه به مجلس یا در نهایت زمانی که لایحه در اختیار کمیسیون‌های تخصصی بود.

منابع

- Ablon, L., and Golay, A. A. (2017). "Wonks and Geeks: Examining Commercial Technology Stakeholders' perceptions of and interactions with public policy". *Science and Public Policy*, 44(4), pp. 556-564.
- Ackermann, F., and Eden, C. (2011). "Strategic Management of Stakeholders: Theory and Practice". *Long range planning*, 44 (3), pp. 179-196.
- Alwani, S. M., Sharifzadeh, F. (2006). *Public Policy Process (with revision)*, Tehran: Allameh Tabatabai University Publishing, 4th edition. {In Persian}
- Biegelbauer, P., and Hansen, J. (2011). "Democratic Theory and Citizen Participation: Democracy Models in the Evaluation of Public Participation in Science and Technology". *Science and Public Policy*, 38(8), pp. 589-597.
- Boon, W., Duisterwinkel, C., Strick, M., and Thunnissen, M. (2021). *Open Science and Stakeholder Engagement: Why, How, and What Could Be Improved?*, Netherlands: Utrecht University.
- Boussaguet, L., and Dehousse, R. (2009). "Too Big to Fly? A Review of the First EU Citizens' Conferences". *Science and public policy*, 36(10), pp. 777-789.
- Brett-Crowther, M. R. (1980). "Interactions between Science and Government in China since 1949". *Science and Public Policy*, 7(2), pp. 98-119.
- Carson, L., and Martin, B. (2002). "Random Selection of Citizens for Technological Decision Making". *Science and Public Policy*, 29(2), pp. 105-113.
- Cropanzano, R., Bowen, D. E., and Gilliland, S. W. (2007). "The Management of Organizational Justice". *Academy of management perspectives*, 21(4), pp. 34-48.
- Cuppen, E. (2012). "A Quasi-Experimental Evaluation of Learning in a Stakeholder Dialogue on Bio-Energy". *Research Policy*, 41(3), pp. 624-637.
- سیاست‌های کلی علم و فناوری (مصوب ۱۳۹۳) و نقشه جامع علمی کشور بر مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری، این مهم به شکل مطلوب عملیاتی نشده است (Fara-satkah and Maniee, 2013; Manteqi et al., 2009; No-rouzi et al., 2016). با این همه، تاکنون درخصوص عوامل مؤثر بر وضعیت موجود، مطالعه‌ای صورت نگرفته است. بنابراین، همان‌طور که گذشت، این مطالعه در پی شناسایی عوامل اثرگذار بر تعاملات و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری بوده است که به‌نوبه خود یافته‌های جدیدی را به عرصه سیاست‌گذاری و سیاست‌پژوهی معرفی کرده است. آگاهی از اهمیت تعاملات ذی‌نفعان و عوامل مؤثر بر شدت و ضعف این تعاملات، گامی مؤثر در تغییر وضعیت موجود خواهد بود. شایان ذکر است که یکی از محدودیت‌های این پژوهش، فقر مبانی نظری به زبان فارسی بود.
- ### پیشنهادهای کاربردی
- دستگاه‌های متولی سیاست‌گذاری علم و فناوری ازجمله شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و... در هر مرحله از فرایند سیاست‌گذاری، تصویب سیاست‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌ها از نظرها و دیدگاه‌های همه ذی‌نفعان استفاده کنند.
 - برای نهادهای سازش مشارکت ذی‌نفعان در فرایندهای سیاست‌گذاری علم و فناوری پیشنهاد می‌شود «آیین‌نامه جامع مشارکت ذی‌نفعان در فرایندهای سیاست‌گذاری علم و فناوری» با تأکید بر نحوه تعامل و مشارکت، زمان و شرایط مشارکت به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد.
 - تمرکززدایی در تصمیم‌گیری نظام علم و فناوری با تأکید به واگذاری تدوین و تصویب مقررات درون‌دستگاهی با هدف لحاظ‌شدن تنوع دیدگاه‌ها و رویکردهای همه ذی‌نفعان.
- ### پیشنهادهای پژوهشی
- تحلیل انگیزه‌ها و اهداف ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری؛
 - سنجش اثر عوامل شانزده‌گانه شناخته‌شده بر فرایند سیاست‌گذاری علم و فناوری ایران.

- Degelsegger, A., and Torgersen, H. (2011). "Participatory Paternalism: Citizens' Conferences in Austrian Technology Governance". *Science and Public Policy*, 38(5), pp. 391-402.
- Driessen, P. P., Glasbergen, P., and Verdaas, C. (2001). "Interactive Policy-Making—a Model of Management for Public Works". *European Journal of Operational Research*, 128(2), pp. 322-337.
- Dutrénit, G., and Suárez, M. (2018). "Involving stakeholders in policymaking: tensions emerging from a public dialogue with knowledge-based entrepreneurs". *Science and Public Policy*, 45(3), pp. 338-350.
- Edelenbos, J., Klok, P. J., and Van Tatenhove, J. (2009). "The Institutional Embedding of Interactive Policy Making: Insights from a Comparative Research Based on Eight Interactive Projects in the Netherlands". *The American Review of Public Administration*, 39(2), pp. 125-148.
- Farasatkhab. M, Maniee. R (2013), "Factors Affecting the Participation of Faculty Members in Higher Education Policy-Making and University Planning". *research and planning of higher education*, 20(4) pp. 29-53. {In Persian}.
- Ferretti, M. P., and Pavone, V. (2009). "What do Civil Society Organisations Expect from Participation in Science? Lessons from Germany and Spain on the Issue of GMOs". *Science and Public Policy*, 36(4), pp. 287-299.
- Fischer, C., Leydesdorff, L., and Schophaus, M. (2004). "Science Shops in Europe: The Public as Stakeholder". *Science and Public Policy*, 31(3), pp. 199-211.
- Gagné, V., Berthelot, S., and Coulmont, M. (2022). "Stakeholder Engagement Practices and Impression Management". *Journal of Global Responsibility*, 13(2), pp. 217-241.
- Gonçalves, M. E. (2017). *Transparency, openness and participation in science policy processes. In Interfaces between science and society*, pp. 176-184. Routledge.
- Greger, V., Balta, D., Wolf, P., and Kremer, H. (2014). *Analyzing stakeholders in complex E-government projects: Towards a stakeholder interaction model*. In Electronic Government: 13th IFIP WG 8.5 International Conference, EGOV 2014, Dublin, Ireland, September 1-3, 2014. Proceedings 13, pp. 194-205.
- Griessler, E., Biegelbauer, P., and Hansen, J. (2011). "Citizens' Impact on Knowledge-Intensive Policy: Introduction to a Special Issue". *Science and Public Policy*, 38(8), pp. 583-588.
- Hackett, E. J., Amsterdamska, O., Lynch, M., and Wajcman, J. (Eds.). (2020). *The Handbook of Science and Technology Studies*, translated by Aria Matin, Tehran: Institute of Cultural and Social Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. {In Persian}
- Hansen, J., and Allansdottir, A. (2011). "Assessing the Impacts of Citizen Participation in Science Governance: Exploring New Roads in Comparative Analysis". *Science and Public Policy*, 38(8), pp. 609-617.
- Harrison, J. S., and Wicks, A. C. (2013). "Stakeholder Theory, Value, and firm Performance". *Business Ethics Quarterly*, 23(1), pp. 97-124.
- Joss, S. (1999). "Public Participation in Science and Technology Policy-and Decision-Making Ephemeral Phenomenon or Lasting Change?". *Science and public policy*, 26(5), pp. 290-293.
- Khalifa Soltani, H., Faghihi, A., Vaezi, R. (2013), "Scientific Associations and the Scientific Decision-Making System of the Country". *Iranian Journal of Management Sciences*, 6(24), pp. 111-89. {In Persian}
- Krick, E. (2015). "Negotiated Expertise in Policy-Making: How Governments Use Hybrid Advisory Committees". *Science and Public Policy*, 42(4), pp. 487-500.
- Lafiti, M., Abdolhosseinzadeh, M., Azarfar, A. (2016). "The Design of Succession Planning Model in Public Sector Organizations with Interpretive Structural Modelling (ISM), Quarterly *Journal of Public Administration*, 4(4), pp. 33-50. {In Persian}
- Le Feuvre, M., Medway, D., Warnaby, G., Ward, K., and Goatman, A. (2016). "Understanding

- Stakeholder Interactions in Urban Partnerships". *Cities*, 52, pp. 55-65.
- Llerena, P., Matt. M (2005). *Innovation Policy in a Knowledge-Based Economy: Theory and Practice*. Springer Berlin Heidelberg.
- Mainardes, E. W., Alves, H., and Raposo, M. (2012). "A model for stakeholder classification and stakeholder relationships". *Management decision*, 50(10), pp. 1861 - 1879.
- Mampaey, J., and Huisman, J. (2016). "Defensive Stakeholder Management in European Universities: an Institutional Logics Perspective". *Studies in Higher Education*, 41(12), pp. 2218-2231.
- Manteqi, M. Hasani, A., and Boushehri, A. (2009). "Identifying the Policy Making Challenges in the National Innovation System of Iran". *Journal of Science and Technology Policy*, 2(3), pp. 87-101. {In Persian}
- mazarei, S. H., pakzad Bonab, M. and Mohseni kiasari, M. (2019). Requiem for Article; Eight Generations of Authentic Articles in the Humanities and Social Sciences. *Rahyaf*, 28(72), pp. 19-32. {In Persian}
- Mejlgaard, N. (2009). "The Trajectory of Scientific Citizenship in Denmark: Changing balances between Public Competence and Public Participation". *Science and Public Policy*, 36(6), pp. 483-496.
- Mercado, A. (2012). "Social Inclusion or Social Illusion: The Challenges of Social Inclusion, Social Participation and Social Cohesion in Venezuelan SandT Policy". *Science and Public Policy*, 39(5), pp. 592-601.
- Mitchell, R. K., Agle, B. R., and Wood, D. J. (1997). "Toward a Theory of Stakeholder Identification and Salience: Defining the Principle of Who and What Really Counts". *Academy of management review*, 22(4), pp. 853-886.
- Nishizawa, M. (2005). "Citizen Deliberations on Science and Technology and their Social Environments: Case Study on the Japanese Consensus Conference on GM Crops". *Science and Public Policy*, 32(6), pp. 479-489.
- Norouzi, E., Tabatabaeeeyan, S. H., and Ghazinoori, S. S. (2016). "Assessing the Effect of Intermediary Institutions in Addressing the Weaknesses of the NIS Functions of Iran". *Journal of Science and Technology Policy*, 9(1), pp. 15-26. {In Persian}
- Orr, S. K. (2013). *Environmental Policymaking and Stakeholder Collaboration: Theory and Practice*. Routledge.
- Parthasarathy, S. (2010). "Breaking the Expertise Barrier: Understanding Activist Strategies in Science and Technology Policy Domains". *Science and Public Policy*, 37(5), pp. 355-367.
- Powell, M. C., and Colin, M. (2008). "Meaningful Citizen Engagement in Science and Technology: What Would it Really Take?". *Science Communication*, 30(1), pp. 126-136.
- Ramirez, L. F., and Belcher, B. M. (2019). "Stakeholder Perceptions of Scientific Knowledge in Policy Processes: A Peruvian Case-Study of Forestry Policy Development". *Science and Public Policy*, 46(4), pp. 504-517.
- Rappert, B. (1996). "Citizens and Science Policy". *Science and Public Policy*, 23(4) pp. 261-264
- Rask, M. (2003). "The problem of citizens' participation in Finnish biotechnology policy". *Science and Public Policy*, 30(6), pp. 441-454.
- Rowley, T.J. (2017). "The Power of and in Stakeholder Networks". *Stakeholder Management (Business and Society 360)*, 1, Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 101-122.
- Sandelowski, M., and Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer.
- Sarton, G. (1957). *History of Science*, translated by Ahmad Aram, 1967. Tehran: Amirkabir. {In Persian}
- Scholes, K., Johnson, G., and Whittington, R. (2008). *Exploring Corporate Strategy*. USA: Financial Times Prentice Hall.
- Shaebani, M., Razeghi, N. (2020). "Scientific Citizenship: a Study of the Understanding and Public Engagement of Science and Technology". *Science and Technology Policy*, 12(2), pp. 41-53. {In Persian}

- Sharifzadeh, R. (2017). *Negotiating with Objects: Bruno Latour and Actor-network Theory*. Tehran: Nashr e Ney. {In Persian}
- Spaapen, J., and Van Drooge, L. (2011). "Introducing 'Productive Interactions' in Social Impact Assessment". *Research evaluation*, 20(3), pp. 211-218.
- Taghinezhad Omran, V., Pahlavanian, M. (2023), "A Comparative Study of the Drivers of the Formation of Citizen Science as a New Approach in Public Sector Policymaking". *Science and Technology Policy*, 16(4), pp. 39-59. {In Persian}
- Trench, B., and Miller, S. (2012). "Policies and Practices in Supporting Scientists' Public Communication Through Training". *Science and Public Policy*, 39(6), pp. 722-731.
- Van den Hove, S. (2007). "A Rationale for Science-Policy Interfaces". *Futures*, 39(7), pp. 807-826.
- Van Tatenhove, J., Edelenbos, J., and Klok, P. J. (2010). "Power and Interactive Policy-Making: a Comparative Study of Power and Influence in 8 Interactive Projects in the Netherlands". *Public Administration*, 88(3), pp. 609-626.
- Varumo, L., Paloniemi, R., and Kelemen, E. (2020). "Challenges and Solutions in Developing Legitimate Online Participation for EU Biodiversity and Ecosystem Services Policies". *Science and Public Policy*, 47(4), pp. 571-580.
- Weill, C. (2003). "Can Consultation of both Experts and the Public Help Developing Public Policy? Some Aspects of the Debate in France". *Science and Public Policy*, 30(3), pp. 199-203.
- Weingart, P., Joubert, M., and Connaway, K. (2021). "Public Engagement with Science—Origins, Motives and Impact in Academic literature and Science Policy". *PloS one*, 16(7), pp. 1-30.
- Wynne B. (2007), "Public Participation in Science and Technology: Performing and Obscuring a Political-Conceptual Category Mistake". *East Asian Science, Technology and Society: An International Journal*, 1(1), pp. 99-110.
- Xiaodong, L., Xiaoping, L., and Feng, F. (2019). "Research on Citizen Participation in the Implementation of Public Policy in Big Data Age". In *Journal of Physics: Conference Series* 1168(3), p. 032013.
- Zhao, Y., Fautz, C., Hennen, L., Srinivas, K. R., and Li, Q. (2015). "Public Engagement in the Governance of Science and Technology". In *Science and Technology Governance and Ethics*. Springer, pp. 39-51.



Identifying the Effective Factors on the Interactions of Stakeholders During the Process of Science and Technology Policy-Making

Hosein Nasiri¹

Abstract

Science and technology policy-making is not a one-time project, but a gradual, evolutionary, multilateral, and dynamic process; many stakeholders with different roles and with different goals, participate in this process. The main question of the current research is «What factors affect the interactions of stakeholders in the science and technology policy-making process?». Thematic analysis was used to answer this question. For this purpose, among the specialized journals in the field of science and technology policy, two prestigious journals, Science and Public Policy and Research Policy, with the most articles related to the subject of this research, were selected. The flow diagram proposed by Sandlovski and Barroso was used to search and select the articles for the final analysis. Based on the results of this study The review of studies showed that the issue of stakeholder interaction in the process of science and technology policy-making has rich theoretical support. Components such as the diversity of stakeholders, their specialized knowledge and power, the introduction of new facts and evidence by stakeholders, the cognitive ability of stakeholders, the cultural, historical, and value context of society, Stakeholders' opportunity to comment, the correct timing, uncertainty, access to information and transparency, the level of development of society, the structure of governments, the world view and perceptions of stakeholders and access to resources are the effective factors on the interactions and participation of stakeholders in the science and technology policy-making process. The formation and strengthening of these interactions lead to increasing awareness and mutual learning, improving the formulation of policy issues, increasing society's trust, giving legitimacy to policy, achieving creative solutions, and developing science and technology.

Keywords: Stakeholders, Stakeholders Interaction, Science and Technology Policy-Making, Factors Affecting the Interaction of Stakeholders

1. Researcher of Islamic Parliament Research Center, Tehran, Iran. hn.sbu.ac@gmail.com

نقش‌نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش‌نامه

پدیدآورندگان	حسین نصیری
نقش	نویسنده مسئول
نگارش متن	نگارش متن اصلی
ویرایش متن و ...	ویرایش و پاسخ‌دهی به کامنت‌ها
طراحی / مفهوم‌پردازی	طراح / مفهوم‌پردازی
گردآوری داده	گردآوری داده
تحلیل / تفسیر داده	تحلیل / تفسیر داده‌ها
سایر نقش‌ها	—

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گزینش دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گزینش آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: حسین نصیری

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

شناسایی ویژگی‌های مدل کسب‌وکار مؤثر بر مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها در ایران

 20.1001.1.24767220.1403.14.4.4.9

بهزاد صادقی^۱

کمال سخدری^۲

چکیده

موضوع کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر به‌عنوان یکی از انواع کسب‌وکارهای با رشد بالا در سال‌های اخیر مورد توجه محققان بوده است. پژوهش‌های پیشین تا حدودی به درک بهتر این پدیده کمک کرده‌اند، اما دانش ما درخصوص شناخت پیش‌آیندهای مؤثر بر ظهور این کسب‌وکارها اندک است. براین‌اساس، به‌منظور کمک به فهم بهتر این پدیده، پژوهش حاضر با تمرکز بر زمینه ایران، به‌دنبال شناسایی ویژگی‌های مدل کسب‌وکار است که بر مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها اثرگذارند. با اتخاذ یک رویکرد مطالعه موردی چندگانه و بر پایه بیست مصاحبه از کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی، این مطالعه، تحلیلی عمیق از ویژگی‌های مدل‌های کسب‌وکار که بر مقیاس‌پذیری کسب‌وکارهای ایرانی تأثیر می‌گذارند، ارائه می‌کند. یافته‌های پژوهش در قالب چهار مضمون کلی و ویژگی‌های ارزش پیشنهادی، ویژگی‌های خلق ارزش، ویژگی‌های تصاحب ارزش و ویژگی‌های صیانت‌پذیری از ارزش ارائه شده‌اند که به مقیاس‌پذیری کسب‌وکارهای ایرانی کمک می‌کنند. چارچوب استقرایی ما رهنمودهای ارزشمندی برای پژوهشگران، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران به‌منظور درک بهتر پدیده مقیاس‌پذیری در زمینه کسب‌وکارهای ایرانی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: مقیاس‌پذیری، رشد کسب‌وکار، مطالعه موردی چندگانه، مدل کسب‌وکار، استارت‌آپ

تاریخ پذیرش: ۴ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۴ تیر ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. دکتری کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه کارآفرینی سازمانی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، kasakhdari@ut.ac.ir

مقدمه

مطالعات نشان می‌دهند که کسب‌وکارهای با رشد بالا^۱ نقشی حیاتی در افزایش ایجاد شغل، بهبود بهره‌وری و اشاعه نوآوری‌های فناورانه و محصولات جدید ایفا می‌کنند (Du and Temouri, 2015; Burger et al., 2023). در دوره‌های مختلف این کسب‌وکارها مورد توجه محققان کارآفرینی، مدیریت استراتژیک و اقتصاد بوده‌اند (Bisztray et al., 2023; Demir et al., 2017; Daunfeldt et al., 2021). اخیراً، توجه محققان به کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر^۲ که از انواع کسب‌وکارهای با رشد بالا هستند جلب شده است و پژوهش‌های پیشین از جنبه‌های مختلفی به این پدیده پرداخته‌اند (Duruflé et al., 2017; Piaskowska et al., 2021; Mula et al., 2024). برای این بخش از این پژوهش‌ها بر اهمیت مدل کسب‌وکار در رشد و مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها تأکید کرده‌اند. به‌زعم زوت و آمیت (2024)، مدل کسب‌وکار، نقش مهمی در تعیین مسیر رشد یک شرکت دارد و دیدگاهی استراتژیک درباره چگونگی ایجاد، ارائه و جذب ارزش به شرکت‌ها ارائه می‌دهد (Zott and Amit, 2024). استروالد و پینه^۳ (2010) اشاره می‌کنند که مدل کسب‌وکار با ساختار مناسب می‌تواند به‌منزله چارچوبی قوی برای شرکت‌ها به‌منظور مقیاس‌پذیری عملیات، نفوذ به بازارهای جدید و دستیابی به رشد پایدار عمل کند. به گفته جرج و باک (2011) در زمینه مقیاس‌پذیری، یک مدل کسب‌وکار قوی می‌تواند شرکت‌ها را قادر سازد تا عملیات خود را بدون افزایش متناسب در هزینه‌ها گسترش دهند و در نتیجه به افزایش سودآوری منجر شود (George and Bock, 2011). علاوه‌براین، نقش مدل‌های کسب‌وکار فراتر از مفاهیم سطح شرکت است و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تری دارد. برای مثال، مدل‌های کسب‌وکار نوآورانه موجب تحول صنعت، تقویت نوآوری و کمک به توسعه اقتصادی می‌شوند (Amit and Zott, 2012; 2020).

با این حال، هنوز، پژوهش‌ها درخصوص کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر در مراحل ابتدایی قرار دارد (Coviello, 2019; Carucci, 2016) و عمده پژوهش‌های پیشین، صرفاً از دیدگاه نظری^۴ به این پدیده پرداخته و یا در بستر اقتصادهای توسعه‌یافته^۵

(Tourism, 2021) انجام شده‌اند و دانش ما از مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها به‌صورت عام و به‌صورت خاص در اقتصادهای نوظهور^۶ نظیر ایران (Tajeddin et al., 2023) اندک است. بازارهای نوظهور که با رشد و توسعه سریع اقتصادی مشخص می‌شوند، فرصت‌ها و چالش‌های منحصر به فردی برای شرکت‌ها دارند. این بازارها اغلب محیط‌های نظارتی، ساختارهای بازار و نیازهای مشتری متفاوتی با بازارهای توسعه‌یافته دارند (Khan et al., 2010). در حالی که فعالیت کارآفرینانه در بازارهای نوظهور در سال‌های اخیر افزایش یافته است، کارآفرینان در این اقتصادها هنوز درگیر چالش‌های جدی برای بقا و مقیاس‌پذیری کسب‌وکارهایشان هستند (Eberhart and Easley, 2018). بنابراین، به نظر می‌رسد، مدل کسب‌وکار شرکت که چگونگی ایجاد، ارائه و جذب ارزش را مشخص می‌کند، نقش مهمی در توانایی کسب‌وکارها در این بازارها برای عبور از این پیچیدگی‌ها و دستیابی به رشد و مقیاس‌پذیری دارد.

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه ایران نیز صرفاً به نقش عوامل سازمانی نظیر کیفیت تصمیم‌گیری، کیفیت تیم کارآفرینانه و موانع مقیاس‌پذیری اشاره داشته‌اند. برای مثال، حنیف زاده و همکاران (2022) در پژوهش خود، تأثیر کیفیت تصمیم‌گیری بر مقیاس‌پذیری استارت‌آپ‌های^۷ بین‌المللی را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش ایشان نشان می‌دهد تصمیم‌گیری چابک در این استارت‌آپ‌ها نقش مهمی در مقیاس‌پذیر شدن آن‌ها دارد. همچنین، حنیف زاده و همکاران (2022) در پژوهشی دیگر، نقش تیم کارآفرینانه بر مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها را بررسی کردند. یافته‌های ایشان نشان داد که خصوصیات جمعیت‌شناختی تیم بیشترین تأثیر را در مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها دارد. سلیمانی و همکاران (2023) در پژوهش خود، موانعی که کسب‌وکارهای ایرانی بر سر راه مقیاس‌پذیری خود دارند شناسایی کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که ضعف در بهبود ارزش پیشنهادی و نداشتن قابلیت‌های مالی و مدیریت هزینه از موانعی است که باعث می‌شود استارت‌آپ‌ها نتوانند وارد مرحله مقیاس‌پذیری شوند.

با همه این تلاش‌ها تاکنون پژوهشی تجربی درخصوص شناسایی ویژگی‌های مدل کسب‌وکار که بر مقیاس‌پذیری کسب‌وکارهای ایرانی اثرگذارند صورت نگرفته است. بنابراین، ما در این پژوهش با بررسی بیست کسب‌وکار ایرانی که موفق به مقیاس‌پذیری شده‌اند، به دنبال پرکردن این شکاف نظری

6. Emerging economies

۷. استارت‌آپ یک سازمان موقت است که به‌دنبال رسیدن به مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر و تکرارپذیر است. تفاوت این نوع کسب‌وکار با سایر کسب‌وکارهای نوپا در تمرکز آن بر رشد سریع و همچنین عدم قطعیت بالایی است که تجربه می‌کند (Blank and Dorf, 2020).

1. High-Growth firms

۲. طبق تعریف سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۷، شرکت‌هایی اسکیل-آپ یا مقیاس‌پذیر تعریف می‌شوند که به رشد سالانه میانگین یا گردش فروش بیش از ۲۰ درصد سالانه در یک دوره سه ساله رسیده باشند و در ابتدای این دوره نیز حداقل ده کارمند داشته باشند (OECD, 2021).

3. Osterwalder and Pigneur

4. Theoretical approach

5. Developed economies

مدل کسب‌وکار سودده^۹ تعریف می‌کنند. تحقیقات کاربردی^{۱۰} نیز مقیاس‌پذیری را فرایند رشد کسب‌وکار پس از مرحله استارت‌آپ تعریف می‌کنند (Shepherd et al., 2021). با وجود تعاریف فوق، شناخته‌شده‌ترین تعریف از مقیاس‌پذیری، تعریفی است که سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^{۱۱} ارائه کرده است. طبق تعریف سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، شرکت‌هایی کسب‌وکار مقیاس‌پذیر تعریف می‌شوند که به رشد سالانه میانگین یا گردش فروش بیش از ۲۰ درصد سالانه در یک دوره سه‌ساله رسیده باشند و در ابتدای این دوره نیز حداقل ده کارمند داشته باشند (OECD, 2021). از آنجاکه اکثر پژوهش‌های پیشین در حوزه مقیاس‌پذیری بر این تعریف تکیه کرده‌اند (Seip et al., 2022; Garcia-Tapia et al., 2023; Mula et al., 2024)، پژوهش حاضر نیز این تعریف را ملاک قرار می‌دهد.

۱-۲. مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر

مدل کسب‌وکار، توصیفی از این است که چگونه خلق ارزش کسب‌وکاری بین گروه‌ها یا شرکا در لحظه و مکان و با منابع خاص سازمان‌دهی می‌شود (Jonker and Faber., 2021). پژوهش‌های پیشین، تعاریف مختلفی را از مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر ارائه کرده‌اند. نیلسن و لاند (2017)، مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر را مدل کسب‌وکاری تعریف می‌کنند که چابک است و در رابطه با ورودی‌های اضافی که وارد کسب‌وکار می‌شود بازده تصاعدی را ایجاد می‌کند. به تعبیر یابلونسکی^{۱۲} (2016)، مقیاس‌پذیری در مدل‌های کسب‌وکار به توانایی شرکتی برای حفظ عملکرد مشابه یا بالاتر از طریق متعادل کردن اهداف ذی‌نفعان و سهام‌داران اشاره دارد. از نظر تیس^{۱۳} (2010)، مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر، طراحی یا معماری مکانیسم‌های ایجاد، تحویل و جذب ارزش را توصیف می‌کند که شرکتی برای ارائه ارزش به مشتریان و تبدیل پرداخت‌ها به سود استفاده می‌کند. ژانگ^{۱۴} و همکاران (2015) بیان می‌کنند که مدل‌های کسب‌وکار مقیاس‌پذیر با درگیر کردن کاربران، سازمان‌دهی مشارکت مشتری برای شخصی‌سازی خود و یاکین^{۱۵} و همکاران (2017) نیز، مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر،

هستیم. ساختار پژوهش پیش رو به این صورت تدوین شده است: در بخش بعدی، مروری کوتاه بر پیشینه نظری موضوع ارائه شده است. در ادامه، روش‌شناسی پژوهش شامل روش گردآوری و تحلیل داده‌ها شرح داده شده است و سپس به ارائه یافته‌ها می‌پردازیم. در نهایت، این مطالعه با بحث و نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

۱. پیشینه نظری

۱-۱. کسب‌وکار مقیاس‌پذیر

پژوهشگران مختلف با هدف نظریه‌پردازی در زمینه مقیاس‌پذیری و تفکیک آن از رشد عمومی کسب‌وکار، تعاریف مختلفی را برای کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ارائه کرده‌اند. مونتریو^۱ (2019) عنوان می‌کند کسب‌وکار مقیاس‌پذیر^۲، نوعی از کسب‌وکارهای با رشد بالاست که از صرفه‌جویی به مقیاس برای افزایش تصاعدی رشد^۳ خود استفاده کرده است. دوروفلی^۴ و همکاران (2017)، اصطلاح کسب‌وکار مقیاس‌پذیر را برای استارت‌آپ‌هایی که از مرحله اکتشافی اولیه عبور کرده‌اند، خدمت یا محصول اولیه و بخش بازار خود را پیدا کرده‌اند و در حال ورود به مرحله رشد هستند، به کار می‌برند. از نظر سیمسک و پست^۵ (2019)، مقیاس‌پذیری به توانایی شرکت برای رشد سریع، بدون محدود شدن ساختار و منابع موجود اشاره دارد. به‌زعم استمپفل و همکاران (2013)، مقیاس‌پذیری بازه‌ای است که در آن استارت‌آپ، منابع موجود و منابع دیگران را به‌گونه‌ای استفاده می‌کند که بدون ایجاد موانع زیرساختی، استخدام کارکنان و مسائل مربوط به پشتیبانی از مشتری منجر به رشد آن شود (Stampfl et al., 2013). از نظر نیلسن^۶ و همکاران (2017)، مقیاس‌پذیری، شرکای استراتژیک را به ارزش پیشنهادی ارائه شده از طریق اشتراک‌گذاری فعالیت‌ها یا اشتراک‌گذاری منابع، متصل می‌کند. گندی^۷ و همکاران (2024) مقیاس‌پذیری را تغییرات قابل‌توجه و مثبت با توجه به مسیر رشد قبلی یک کسب‌وکار تعریف می‌کنند. تیمن^۸ و همکاران (2022) مقیاس‌پذیری را رشد سریع پایدار برای ارائه

9. viable

10. Practioner research

11. Organisation for Economic Co-operation and Development

12. Jabłoński

13. Teece

14. Zhang

15. Yaqin

1. Monteiro

2. Scale-Up

3. Exponential growth

4. Duruflé

5. Simsek and Post

6. Nielsen

7. Genedy

8. Tippmann

سیستمی است که میزان فعالیت فرایند کسب‌وکار ارائه‌شده را با مقیاس‌پذیری بیشتر مدیریت می‌کند.

در میان پژوهش‌های پیشین این اتفاق نظر وجود دارد که مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر، نقش کلیدی در موفقیت کسب‌وکارهای خطرپذیر دارد (Hultberg and Pal., 2021; Täuscher and Abdelkafi., 2018). عبدالرزاق و همکاران (2021) اشاره می‌کنند که نوع مدل کسب‌وکار شرکت به‌طور قابل‌توجهی بر مسیر رشد آن و عوامل مؤثر در موفقیت آن تأثیر دارد. به‌زعم استمپفل^۱ و همکاران (2013)، هدف از ایجاد مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر، حمایت از رشد کسب‌وکار در بلندمدت و جلب‌توجه برای سرمایه‌گذاران است. کاوالو^۲ و همکاران (2023) اشاره می‌کنند که مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر یک استراتژی هک رشد^۳ است که به کسب مزیت رقابتی و درنهایت افزایش عملکرد کسب‌وکار منجر شود. به گفته بلنک و دورف^۴ (2020)، هدف اصلی استارت‌آپ، جست‌وجو برای رسیدن به مدل کسب‌وکار تکرارپذیر و مقیاس‌پذیر برای ایجاد درآمدهای تصاعدی است. مقیاس‌پذیری مدل کسب‌وکار به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که تیدار و ایسنهاردت^۵ (2021) اشاره می‌کنند که بدون مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر کسب‌وکارها به مرحله بلوغ و سودآوری پایدار نمی‌رسند. تاکنون پژوهش‌هایی درخصوص مدل‌های کسب‌وکار مقیاس‌پذیر صورت گرفته است، اما خلأ پژوهش‌های تجربی درخصوص شناسایی ویژگی‌های مدل کسب‌وکار که بر مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها اثرگذارند دیده می‌شود.

۱-۳. بازارهای نوظهور

بازارهای نوظهور، اقتصادهایی‌اند که برخی از ویژگی‌های اقتصادهای توسعه‌یافته را دارند و درحال گذار از اقتصاد کم‌درآمد و اغلب پیش‌صنعتی به‌سمت اقتصاد مدرن و صنعتی با استاندارد زندگی بالاتر هستند (IMF, 2021; Atchadé et al., 2024). بازارهای نوظهور که با توسعه سریع اقتصادی، تغییرات جمعیتی و ادغام فزاینده در اقتصاد جهانی مشخص می‌شوند، فرصت‌ها و چالش‌های منحصربه‌فردی را برای کسب‌وکارها ایجاد می‌کنند. عواملی نظیر شکست‌های نهادی (Mair and Marti., 2009)، نهادهای مالی ضعیف (Aidis et al., 2006)، سیستم‌های قانونی ناکافی و نامتقارن اطلاعاتی در بازارهای محصول (Khanna et al., 2015) از عواملی‌اند که فعالیت کارآفرینان را در بازارهای درحال ظهور با چالش

مواجه می‌کنند. ازطرفی، در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته که نهادها به‌خوبی تثبیت و استاندارد شده‌اند ترتیبات نهادی در بازارهای درحال ظهور پیچیده‌ترند (Eberhart and Easley., 2018). ضمن آنکه به‌علت تغییرات نهادی و اجتماعی گسترده و بی‌ثباتی اقتصادی (Nacar and Uray., 2016) و یا خلاهای نهادی (Khanna et al., 2015) فرهنگ، مذهب، جوامع محلی، این بازارها، به‌طور گسترده نامتجانس‌اند (Sheth, 2011). ایران نیز در جایگاه یک اقتصاد نوظهور (Tajeddin et al., 2023) به‌آرامی از رکود یک‌دهه‌ای خارج می‌شود که البته اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه آن، مانع حرکت این کشور به‌سمت اقتصادهای با درآمد بالاتر شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به شرایط محیطی متفاوتی که کسب‌وکارهای حاضر در بازارهای نوظهور نظیر ایران تجربه می‌کنند، ویژگی‌های احتمالاً متفاوتی در مدل کسب‌وکار آن‌ها می‌تواند در مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها اثرگذار باشد. درک اینکه چگونه شرکت‌ها در این محیط‌های پویا به مقیاس‌پذیری می‌رسند می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را درباره استراتژی‌ها و شیوه‌هایی که باعث موفقیت در این بازارها می‌شوند ارائه دهد.

۲. روش‌شناسی

در پژوهش حاضر از رویکرد کیفی استقرایی^۶ و به‌صورت خاص، مطالعه موردی چندگانه^۷ مبتنی بر متد تحلیل جیویا^۸ (Gioia et al., 2023) استفاده شده است. جامعه موردبررسی شامل کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی بود که به‌منظور انتخاب اعضای نمونه و انجام مصاحبه از روش نمونه‌گیری هدفمند^۹ و نظری^{۱۰} تا رسیدن به حد اشباع نظری استفاده شد. از آنجایی که در رویکرد جیویا نیاز به فرایند رفت و برگشتی بین داده‌ها و نظریه درحال توسعه است، نمونه‌گیری نظری به کار گرفته شد. درمجموع، برای این پژوهش، تعداد بیست مصاحبه با مؤسسان بیست کسب‌وکار مقیاس‌پذیر ایرانی که در سه سال گذشته میانگین حداقل رشد ۲۰ درصدی در فروش را تجربه کرده‌اند صورت گرفت که شرح مشخصات جمعیت‌شناختی آن در جدول ۱ آورده شده است.

همچنین، جهت تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، از رویکرد پیشنهادی جیویا و نرم‌افزار مکس کیودی‌ای نسخه ۲۴^{۱۱} استفاده شد (Gioia et al., 2023). این رویکرد، برای

6. Inductive qualitative approach

7. Multiple case-study

8. Gioia methodology

9. purposeful sampling

10. Theoretical sampling

11. MAXQDA Analytics 2024

1. Stampfl

2. Cavallo

3. Growth hack

4. Blank and Dorf

5. Tidhar and Eisenhardt

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	تحصیلات	سمت	صنعت مورد فعالیت	سال شروع	میانگین رشد در سه سال اخیر
۱	۳۲	مرد	کارشناسی	بنیان‌گذار	سلامت آنلاین	۱۳۹۶	۵۵ درصد
۲	۲۹	مرد	کارشناسی ارشد	هم‌بنیان‌گذار	بیمه	۱۳۹۸	۹۵ درصد
۳	۳۴	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر بازاریابی	گردشگری	۱۳۹۷	۷۵ درصد
۴	۳۶	مرد	کارشناسی	بنیان‌گذار	حمل و نقل	۱۳۹۹	۶۰ درصد
۵	۳۷	مرد	دکتری	مدیر عملیات	حمل و نقل	۱۳۹۷	۸۰ درصد
۶	۳۱	مرد	کارشناسی	هم‌بنیان‌گذار	بیمه	۱۳۹۵	۱۱۵ درصد
۷	۳۲	مرد	کارشناسی	بنیان‌گذار	عکاسی	۱۴۰۰	۵۵ درصد
۸	۲۹	مرد	کارشناسی ارشد	هم‌بنیان‌گذار	گردشگری	۱۳۹۸	۴۰ درصد
۹	۲۸	مرد	کارشناسی	هم‌بنیان‌گذار	غذا و رستوران	۱۳۹۶	۸۰ درصد
۱۰	۳۴	زن	کارشناسی ارشد	مدیر بازاریابی	آرایشی بهداشتی	۱۳۹۹	۵۰ درصد
۱۱	۳۷	مرد	کارشناسی	هم‌بنیان‌گذار	غذا و رستوران	۱۳۹۴	۱۳۰ درصد
۱۲	۳۵	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر بازاریابی	غذا و رستوران	۱۳۹۷	۱۲۰ درصد
۱۳	۳۲	مرد	کارشناسی	بنیان‌گذار	آرایشی بهداشتی	۱۳۹۹	۶۵ درصد
۱۴	۳۱	مرد	کارشناسی	هم‌بنیان‌گذار	بیمه	۱۳۹۵	۳۰ درصد
۱۵	۲۶	مرد	کارشناسی ارشد	بنیان‌گذار	سلامت آنلاین	۱۳۹۸	۷۰ درصد
۱۶	۲۸	مرد	کارشناسی ارشد	هم‌بنیان‌گذار	گردشگری	۱۴۰۰	۲۵ درصد
۱۷	۳۳	زن	کارشناسی	هم‌بنیان‌گذار	غذا و رستوران	۱۳۹۹	۳۰ درصد
۱۸	۳۱	مرد	کارشناسی	مدیر اجرایی	آموزش	۱۳۹۷	۶۵ درصد
۱۹	۳۶	مرد	دکتری	هم‌بنیان‌گذار	آموزش	۱۳۹۸	۵۰ درصد
۲۰	۳۳	مرد	کارشناسی	هم‌بنیان‌گذار	حمل و نقل	۱۳۹۵	۶۰ درصد

به منظور شناسایی الگوهای معنایی عمیق‌تر که برای توسعه تئوری از آن‌ها استفاده می‌شود، شانزده مضمون شناسایی شد. در نهایت، مرحله سوم شامل ترکیب و تجمیع مضامین به دست آمده در مرحله دوم برای تولید مقوله‌های موضوعی و معنای کلی مطالعه موردی است. خروجی این مرحله به شناسایی چهار بُعد اصلی انجامید. در نهایت، طبق ساختار پیشنهادی جیویا، یافته‌های حاصل از کدهای مرتبه اول، مضامین مرتبه دوم و ابعاد تجمیعی دسته‌بندی شدند که نمونه‌ای از این فرایند تحلیل در جدول ۲ نمایش داده شده است. شایان ذکر است که با توجه به ماهیت رفت و برگشتی این روش، هیچ کدام از مراحل گفته شده به صورت خطی طی نمی‌شوند بلکه پژوهشگران لازم است تا زمان دستیابی به اشباع نظری^۴ این مراحل سه‌گانه را به صورت مداوم تکرار کنند.

زمینه‌های پژوهشی نوظهور که به تازگی توجه محققان را جلب کرده است و دانش عمیقی در آن زمینه وجود ندارد مناسب است (Magnani and Gioia., 2023). روش جیویا شامل سه مرحله کدگذاری مرتبه اول،^۱ مضامین مرتبه دوم^۲ و ابعاد تجمیعی^۳ است. مرحله اول شامل کدگذاری و شناسایی یافته‌های مرتبه اول از پاسخ‌دهندگان است. در این مرحله، سعی می‌شود عیناً گفته‌های پاسخ‌دهندگان برچسب‌گذاری شود و بنابراین در این مرحله محقق به صورت تفسیری رفتار نمی‌کند. در پژوهش پیش رو، در این مرحله، تعداد ۴۱ کد مرتبه اول شناسایی شد. در مرحله دوم، محقق به منظور شناسایی الگوها و مضامین ثابت اقدام به طبقه‌بندی کدهای مرتبه اول و تقلیل آن‌ها می‌کند. در این مرحله،

1. First-order concepts
2. Second-order themes
3. Aggregate dimensions

جدول ۲: نمونه کدگذاری

نمونه متن مصاحبه	مفاهیم مرتبه اول	مضامین مرتبه دوم	ابعاد تجمیعی
من از روز اول می‌دونستم کشتش داره ایده‌مون. جالبه که اولین پروژه عکاسی که گرفتیم عکاسی بارداری بود که یعنی سخت‌ترین نوع پروژه هست. این باعث شد خیلی امیدوار بشیم به کارمون.	تشنه‌بودن بازار به محصول کسب‌وکار	مطلوبیت ارزش پیشنهادی	ویژگی‌های ارزش پیشنهادی
و خب این ریدیزاین کردن و بهبود دادن صفحه سمت مدرسان به خرده کار رو برامون برای اضافه شدن مدرسان بهتر و باکیفیت‌تر نسبت به قبل که ما هر مدرسی رو جذب می‌کردیم در هر حوزه بهتر کرد.	بهینه‌کردن فرایندها و حذف فرایندهای غیرضروری	استانداردسازی فرایندها	ویژگی‌های خلق ارزش
سال‌های گذشته بین سه تا شش ماه یک بار قیمت‌ها تغییر می‌کرد؛ اما امسال قیمت‌ها عملاً هر هفته کم و زیاد می‌شد که طبیعتاً منشا آن تغییرات شدید قیمت ارز بود. به همین دلیل علی‌رغم تمام دشواری‌ها شرکت ما سعی کرده است قیمت‌هایی به‌روز، منطقی و متناسب با واقعیت‌های بازار را ارائه دهد.	قیمت‌گذاری با توجه به نوسانات بازار	قیمت‌گذاری پویا	ویژگی‌های تصاحب ارزش
یا مثلاً ما همین الان دکتری داریم که از قسمت پرونده‌های پلتفرم ما خیلی راضی نیست چون فیچرها آپدیت نشدن و به عالمه فیچر جدید اومده توی بازار که مال ما نداره ولی چون روی این سیستم ۲ هزار تا پرونده داره نمی‌تونه به همین راحتی بره سمت رقبا.	جلوگیری از مهاجرت مشتریان به سمت رقبا	هزینه‌های روی‌گردانی	ویژگی‌های صیانت از ارزش

برگزاری جلسات تکمیلی اختلاف‌نظرهای جزئی بین پژوهشگران رفع گردید. جهت افزایش تأییدپذیری^۶ نیز فرایند انجام کار در اختیار چند تن از همکاران پژوهش قرار داده شد تا صحت نحوه انجام پژوهش تأیید شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مؤسسان و هم‌بنیان‌گذاران کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر، شامل ۴۱ مفاهیم مرتبه اول، شانزده مضمون مرتبه دوم و چهار بُعد تجمیعی است که شرح آن‌ها در جدول ۳ آورده شده است. طبق یافته‌های این پژوهش، ویژگی‌های مدل کسب‌وکار در کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی ذیل چهار بُعد اصلی (۱) ویژگی‌های ارزش پیشنهادی، (۲) ویژگی‌های خلق ارزش، (۳) ویژگی‌های تصاحب ارزش و (۴) ویژگی‌های صیانت از ارزش تعریف می‌شود که در ادامه به تفصیل به آن‌ها پرداخته شده است.

همچنین برای اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش از رهنمودهای لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) استفاده شد. برای این منظور، ابتدا برای افزایش اعتبار پژوهش^۲ از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان^۳ استفاده شد. براین اساس، یافته‌های حاصل از پژوهش به شش نفر از مصاحبه‌شوندگان داده شد تا نظرشان را بیان کنند. پنج نفر از این افراد میزان تطابق یافته‌های پژوهش را تأیید کردند و فقط در یک مورد اختلاف‌نظر جزئی وجود داشت که این امر نشان می‌دهد یافته‌های پژوهش از اعتبار لازم برخوردارند. همچنین برای اطمینان از قابلیت ثبات،^۴ سعی شد تا حد امکان از طولانی شدن زمان جمع‌آوری داده‌ها خودداری و از همه شرکت‌کنندگان سؤالات مشخص طبق قرارداد سؤالات پژوهش پرسیده شود. همچنین به منظور کسب اطمینان از سازگاری یافته‌ها، نویسندگان مقاله به صورت جداگانه اقدام به تحلیل داده‌ها کردند که نتایج آن سازگاری بالایی کدهای هر دو نفر^۵ را نشان می‌دهد. ضمن اینکه با

1. Lincoln and Guba
2. Credibility
3. Member checking
4. Dependability
5. Inter-rater reliability

6. Confirmability

جدول ۳: ساختار داده‌های پژوهش

ابعاد	مضامین مرتبه دوم	مفاهیم مرتبه اول
ویژگی‌های ارزش پیشنهادی	مطلوبیت	ارزش پیشنهادی بر پایه شکاف‌های بازار
		تسکین درد واقعی مشتریان
		سازگار بودن ارزش پیشنهادی با خواست مشتریان
		تطابق با ارزش‌های مشتریان
	سازگاری فرهنگی	توسعه محصولات برای مشتریان با فرهنگ‌های متفاوت
		تطابق با ساختار قوانین موجود
	سازگاری نهادی	تطابق با سیاست‌های کلان کشور
		نوآوری در مدل کسب‌وکار
	نوآوری فرایند	نوآوری در زنجیره ارزش
		قابلیت استفاده در بازارهای دیگر
	تکرارپذیری	امکان اجرا در مناطق جغرافیایی مختلف
		استانداردسازی فرایندها
ویژگی‌های خلق ارزش	استانداردسازی	استانداردسازی هنجارهای تأمین‌کنندگان
		بهینه‌سازی فرایندها
		استانداردسازی قیمت‌ها
		بهره‌گیری از سیستم‌های نرم‌افزاری
	اتوماسیون	سیستم خودکار محاسبه قیمت تمام‌شده
		برون‌سپاری فرایندهای اصلی زنجیره ارزش
	برون‌سپاری	برون‌سپاری فرایندهای فرعی زنجیره ارزش
		برون‌سپاری بازاریابی روی مشتریان
		برون‌سپاری فعالیت‌های لجستیک به شرکا
		اثر شبکه‌ای یک‌طرفه
	اثر شبکه‌ای	اثر شبکه‌ای دوطرفه
		امکان کسب درآمد از محصولات و خدمات مکمل
ویژگی‌های تصاحب ارزش	جریان‌های درآمدی تکرارشونده	استفاده از سیستم قیمت‌گذاری مبتنی بر اشتراک ماهانه
		اهرم‌کردن دارایی‌های شرکا
	هزینه‌های نهایی پایین	تبدیل ساختار هزینه‌های ثابت به هزینه‌های متغیر
		قیمت‌گذاری برحسب شرایط متغیر بازار
	قیمت‌گذاری پویا	قیمت‌گذاری داده‌محور

ابعاد	مضامین مرتبه دوم	مفاهیم مرتبه اول
ویژگی‌های صیانت از ارزش	ابهام‌آلی	پنهان کردن مزیت رقابتی
		وفاداری مشتریان به کسب‌وکار
		نبود ویژگی‌های مشابه محصول بین رقبا
		از دست دادن داده‌ها
		از دست دادن روابط
		از دست دادن زمان
	پیچیدگی تعمدی	پیچیده نشان دادن ظاهر وبسایت
		ایجاد وابستگی‌های متقابل بین اجزای مدل کسب‌وکار
		استفاده از فناوری‌های پیچیده
		استفاده از متدولوژی توسعه چابک
	عرضه سریع	طراحی کاربرمحور
		استقرار خودکار به‌روزرسانی‌های محصول

هر ایده‌ای باید ابتدا از نظر فرهنگی با زمینه ایران هم‌خوانی داشته باشد. در این خصوص یکی از مؤسسان کسب‌وکارها گفت: «خب ما از همون اول اومدیم مویه‌مو هر کاری که استارت‌آپ استرالیایی انجام می‌داد رو کپی می‌کردیم و توی پلتفرم خودمون پیاده‌ش می‌کردیم؛ اما بعدش فهمیدیم بعضی از ویژگی‌هایی که اضافه می‌کنیم اینجا برامون مشکل درست می‌کنه. مثلاً در استرالیا، زمانی که عکاس از مشتری عکس می‌گرفت پلتفرم این قابلیت رو داشت که از طریق همون سایت عکس‌ها رو به دست مشتری برسونه، اما تقریباً ۳۰ درصد از مشتریان ما به دلیل اینکه می‌ترسیدن عکس‌اشون جایی پخش بشه می‌گفتن که فقط به‌صورت حضوری عکس‌ها رو به دستشون برسونیم؛ بنابراین ما این آپشن رو مجبور شدیم تغییر بدیم.» مضمون سوم که اشاره به سازگاری نهادی دارد به این اشاره دارد که ارزش پیشنهادی کسب‌وکار به چه میزان با قوانین و مقررات کشور هم‌سویی دارد. در این راستا یکی از صاحب‌ه‌شوندگان اشاره داشت که: «ما زودتر از سایر رقبا ویژگی نسخه برخط دارویی رو پیاده کردیم و کلی هم وقت روش گذاشته بودیم، اما تقریباً یک ماه بعد از راه‌اندازی این ویژگی وزارت بهداشت ازمون شکایت کرد و گفت کار شما خلاف قانون هست و اجازه ارائه نسخه آنلاین دارویی ندارید؛ بنابراین اون موقع مجبور شدیم کار رو تعطیل کنیم و شش ماه درگیر موانع قانونی قضیه بودیم تا حلش کنیم.» مضمون چهارم درخصوص نوآوری فرایند ارزش پیشنهادی است به این معنا که

بُعد اول، ویژگی‌های ارزش پیشنهادی: این بُعد شامل آن دسته از ویژگی‌های ارزش پیشنهادی کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیری است که در مصاحبه آورده شده‌اند و متشکل از شش مضمون به شرح ذیل است:

اولین مضمون به مطلوبیت ارزش پیشنهادی اشاره دارد. صاحب‌ه‌شوندگان به این موضوع اشاره کردند که در تمام طول مسیر راه‌اندازی و رشد کسب‌وکار خود، به دنبال ارائه ارزش پیشنهادی بوده‌اند که هم برای مشتریان و هم برای خودشان مطلوبیت بالایی داشته باشد. برای مثال یکی از مدیران این کسب‌وکارها درخصوص مطلوبیت ارزش پیشنهادی برای مشتریان اشاره کرد: «ولی اون چیزی که به نظرم مهمه اینه که تو بتونی به هر شکلی اون ایده‌ت رو طوری طراحی کنی که مخاطب جذب بشه. چون مخاطب جذب بشه ممکنه شما ایده تکراری داشته باشی اما بتونی ارزش درآمد کسب کنی.» همچنین درخصوص مطلوبیت ارزش پیشنهادی برای مؤسسان کسب‌وکار، یکی دیگر از مؤسسان اظهار کرد: «ببینید شاید مهم‌تر از دستاوردهای مالی که کسب‌وکار ما می‌تونه داشته باشه، چیزی که بیشتر به من انگیزه می‌داد که ادامه بدم، اون حس مثبتی بود که من از این کار می‌گرفتم. اینکه می‌دیدم اثر اجتماعی مثبتی می‌تونم بذارم خیلی برام جذاب‌تر بود تا بحث‌های مالی قضیه.» مضمون بعدی اشاره به سازگاری فرهنگی ارزش پیشنهادی دارد. صاحب‌ه‌شوندگان در این زمینه اشاره داشتند که با توجه به فرهنگ خاص کشور ایران،

کسب‌وکار می‌شه رو مدیریت کنی. ما کلی زیرسیستم داخل شرکتمون طراحی کردیم که به‌جای اینکه بریم نیرو استخدام کنیم، کل فرایند رو خود کد برامون انجام می‌ده. برای مثال، زمانی که اشتراک مشتریان رو به اتمام هست. خود سیستم یک هفته قبلش هم بهشون پیام می‌ده و هم ایمیل می‌زنه.» برون‌سپاری فرایندها مضمون سومی است که تمامی مصاحبه‌شوندگان بر آن اتفاق نظر داشتند. به این معنا که این کسب‌وکارها به‌جای اینکه فرایندهای مختلف زنجیره ارزش را به‌تنهایی انجام دهند، سازوکاری فراهم می‌کردند که به آن‌ها امکان برون‌سپاری فرایندها روی سایر ذی‌نفعان نظیر مشتریان را بدهد. برای نمونه یکی از هم‌بنیان‌گذاران کسب‌وکارها درخصوص برون‌سپاری فرایند بازاریابی به مشتریان می‌گوید: «بین عملاً کاری که ما می‌کردیم تا به جای خوبی از ماجرا ما فقط دکتر جذب می‌کردیم و دکتری که می‌اومد خودش بیمارش رو می‌آورد یعنی اون دکتر به برندی داشت توی بازار که آدم‌ها دنبال اون دکتره بودن سرچ می‌کردن اسمش رو و ما هم سنو کرده بودیم با اون اسم می‌اومد توی پروفایلش توی سایت ما. عملاً خیلی نیاز نبود که برای جذب کاربر خیلی هزینه کنیم و به جای خوبی از ماجرا این شکلی پیش رفت.» و درنهایت، اثر شبکه‌ای چهارمین مضمون شناسایی شده درخصوص خلق ارزش اشاره به این مفهوم دارد که با افزایش مشتریان کسب‌وکار ارزش استفاده از پلتفرم برای سایر کاربران نیز افزایش می‌یابد. برای نمونه، یکی از مدیران کسب‌وکارها اشاره داشت: «خب مزیت رقابتی ما در مقایسه با رقبا قیمت پایین‌تر خدمات ماست. حالا این رو چطوری به دست آوردیم؟ ما اومدیم مدل سنتی رو کنار گذاشتیم و از مدل کسب‌وکار پلتفرمی استفاده کردیم. این باعث شد تعداد تأمین‌کنندگان ما افزایش پیدا کنه. این افزایش تعداد تأمین‌کنندگان باعث رقابتی‌تر شدن بازار شده که در نتیجه قیمتی که تأمین‌کنندگان ما در پلتفرم ما ارائه می‌دن کاهش پیدا کرده. حالا از اون‌طرف مشتریانی که وارد پلتفرم ما می‌شن هم به‌علت همین مزیت قیمتی بیشتر می‌شه. حالا دوباره چون پلتفرم ما مشتری زیادی داره، این باعث می‌شه سایر تأمین‌کنندگان هم رغبت کنن از پلتفرم ما استفاده کنن و همین‌طور این چرخه داره تکرار می‌شه.»

بعد سوم، ویژگی‌های تصاحب ارزش: این بُعد شامل آن دسته از ویژگی‌های مربوط به ساختار هزینه و درآمد مدل کسب‌وکار است که درنهایت میزان سودآوری کسب‌وکار را تعیین می‌کند و متشکل از سه مضمون به شرح ذیل است:

مضمون اول به جریان‌های درآمدی تکرارشونده اشاره دارد. طبق این مضمون، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان اشاره به پیوستگی جریان‌های درآمدی ناشی از عملیات کسب‌وکار داشتند. برای نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «سرویس‌هایی داریم از جنس سرویس‌های تکرارشونده. مثل فروشگاه‌هایی که هر روز

نوآوری ایده موردنظر چقدر مربوط به ایجاد فرایند جدید می‌شود. در این زمینه، اکثر مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که ایده آن‌ها نوآوری خاصی نداشته و قبلاً رقبای آن را انجام داده‌اند اما آن‌ها با ایجاد تغییراتی در فرایند ایجاد محصول جذابیت محصول برای مشتریان را افزایش داده‌اند. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «ایده ما جدید نیست؛ نرم‌افزار بوکینگ در همه‌جا هست فقط ما کاری که کردیم این بود که خدمت و سرویس رو بهتر و قشنگ‌تر کردیم.» و درنهایت، مضمون بعدی اشاره به ویژگی تکرارپذیری ارزش پیشنهادی دارد، یعنی ایده کسب‌وکار آیا قابلیت اجرا در سایر بازارها یا موقعیت‌های جغرافیایی را دارد یا خیر. در این خصوص، اکثر کسب‌وکارها به این موضوع اشاره داشتند که ماهیت ایده کسب‌وکارها آن‌ها به‌گونه‌ای است که برای حضور در بازارهای دیگر نیاز به تغییرات گسترده در ارزش پیشنهادی اولیه وجود ندارد. برای نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت: «اگه به کارخونه بخواد توی همون صنعت وارد به لاین کسب‌وکار حتی مشابه بشه، کلی باید تجهیزات و خط تولید جدید رو اضافه بکنه اما خب در حوزه کسب‌وکارهایی شبیه به ما چنین محدودیتی وجود نداره. ما به بار کد می‌زنیم و ممکنه n بار دیگه ازش استفاده کنیم. وقتی که تست محصولمون رو در بازار تهران انجام دادیم و موفق بود، همون رو اومدیم توی شهرستان‌ها هم اجراش کردیم و شاید یکی دو درصد نیاز به تغییر پیدا کرد.»

بعد دوم، ویژگی‌های خلق ارزش: این بُعد شامل آن دسته از ویژگی‌های مدل کسب‌وکار است که منجر به مقیاس‌پذیری هم‌زمان با خلق ارزش می‌شوند که متشکل از چهار مضمون به شرح ذیل است:

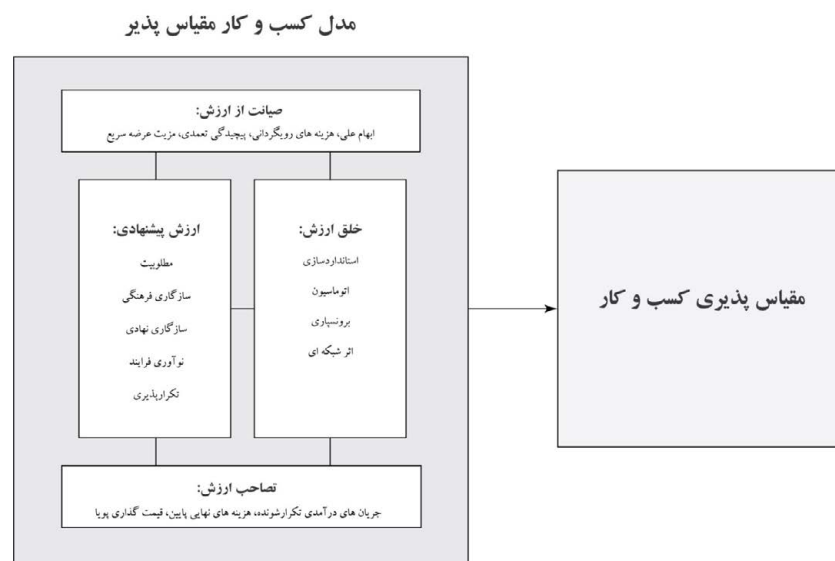
مضمون اول، به قابلیت استانداردسازی فرایندهای کسب‌وکار اشاره دارد. اینکه کسب‌وکار به چه میزان فرایندهای مختلف زنجیره ارزش خود را استانداردسازی کرده است. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: «ما دائماً پروسه‌هامون رو در حال بهبود دادیم. هیچ‌وقت یک پروسه نقطه تعالی نداره. شما هیچ انتهایی برای رشد کسب و کارتون ندارید. تمام فرایندها رو هر روز رصد می‌کنیم و سعی می‌کنیم استانداردهای لازم رو به دست بیاریم. این قضیه فقط درخصوص فرایندهای عملیاتی نیست. ما حتی روابط و فرهنگ سازمانی رو هم سعی می‌کنیم استاندارد کنیم تا از این طریق وابستگی به افراد رو در کسب‌وکارمون کاهش بدیم و خود سیستم اصل قرار داده بشه.» مضمون دوم، به اتوماسیون فرایندهای اصلی و پشتیبانی در زنجیره ارزش کسب‌وکارها اشاره دارد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان اشاره داشتند که اصل مهم در مقیاس‌پذیری موفق آن‌ها خودکارسازی فرایندهای زنجیره ارزش بوده است. برای نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «مزیت کسب‌وکارهای پلتفرمی مثل ما که مبتنی بر فناوری اطلاعات هستند اینه که شما راحت‌تر می‌تونید داده‌هایی که وارد

کسب‌وکارها گفت: «ما خیلی روی بیمارستان‌ها تمرکز کرده بودیم که رقیب‌هامون فکر می‌کردن ما داریم می‌ریم سمت بیمارستان‌ها اما داشتیم تیم مطمون رو تقویت می‌کردیم و داشتیم هی دکتر اضافه می‌کردیم ولی حواس همه این بود که ما داریم سمت بیمارستان می‌ریم و این به اتفاق خوب بود.» مضمون دوم اشاره به ویژگی هزینه‌های روی‌گردانی در مدل کسب‌وکار دارد و به معنی آن دسته از هزینه‌های مادی و معنوی است که باعث می‌شود مشتریان به سمت رقبای کوچ‌نکنند. برای نمونه، یکی دیگر از مدیران کسب‌وکارها اشاره کرد: «یه کار دیگه‌ای هم که کردیم اینه که کاربران وی‌آی‌پی مون رو یه سری امکانات بهشون می‌دیم که سوئیچ‌کردنشون خیلی سخت‌تر هست مثلاً کسانی که خیلی باارزش هستن توی پلتفرم ما اگه بخوان برن توی یه پلتفرم دیگه خیلی از اون امکانات رو ندارن و اگر بخوان اون امکانات رو بگیرن باید توی اون پلتفرم هم دوباره وقت بذارن.» مضمون سوم، ویژگی پیچیدگی تعددی در فرایندهای مدل کسب‌وکار را در بر می‌گیرد، به این معنا که با افزایش تعددی پیچیدگی محصول، احتمال اینکه رقبای میل به کپی‌کردن محصول پیدا کنند کاهش یابد. برای مثال، یکی از هم‌بنیان‌گذاران کسب‌وکارها اشاره داشت: «توی همون پنل پرسش و پاسخ یا صفحه یادگیری برخطی که داریم سعی کردیم یه جاهایی پیچیدگی اضافه کنیم که این باعث بشه رقبای فکر کنن خیلی چیز خاص و خفیه ولی شاید در حد اون چیزی که اون‌ها فکر می‌کنن نباشه.» و درنهایت چهارمین مضمون، مزیت عرضه سریع یکی دیگر از ویژگی‌های مدل کسب‌وکار در خصوص صیانت‌پذیری بود که شناسایی شد. این مضمون به این اشاره دارد که مدل کسب‌وکار تا چه میزان این امکان را فراهم می‌کند که بتوان زودتر از سایر رقبای یک محصول را به بازار عرضه کرد. در این خصوص، برای نمونه می‌توان به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: «فعلاً غیر از اینکه سرعت توسعه محصول خود را بالا ببریم کار خاص دیگری نکرده‌ایم، به‌رحال رقبای می‌توانند ببینند که ما چه کاری می‌کنیم اما اینکه زودتر از آن‌ها فیچری را به بازار ارائه کنیم باعث می‌شود تا مدتی حاشیه امن داشته باشیم.» مدل نهایی برساخته از داده‌های پژوهش در شکل ۱ مشاهده می‌شود.

لازم دارد یک سری ماشین یا کامیون، حالا در هر قالبی بره از انبارش جنس‌ها رو براش بیاره. این‌ها در دوره‌های مختلف به ما درخواست خدمات می‌دن.» مضمون دوم اشاره به هزینه نهایی پایین دارد؛ یعنی میزان تغییرات هزینه کل بر اثر افزایش تولید به اندازه یک واحد. طبق این مضمون، اکثر کسب‌وکارها به دلیل استفاده از مزیت صرفه‌جویی به مقیاس^۱، هزینه‌های نهایی خود را پایین نگه داشته‌اند. برای نمونه یکی از مؤسسان کسب‌وکارها اشاره کرد: «خب بین ماهیت مدل‌های کسب‌وکار پلتفرمی این‌طوری هست که می‌آد هزینه‌های ثابت رو به هزینه متغیر تبدیل می‌کنه. برای مثال، شما توی کسب‌وکار سنتی باید بری کلی ماشین بخری و به هر کدوم از راننده‌ها هم ماهانه حقوق بدی. در صورتی که ما اصلاً یه دونه ماشین هم از خودمون نداریم و نیازی هم نیست که به راننده‌ها حقوق ثابت ماهانه بدیم. دقیقاً برحسب تقاضای بازار هر زمان نیاز باشه پلتفرم منابع موردنیاز رو برای تأمین تقاضا تخصیص می‌ده.» مضمون بعدی به قیمت‌گذاری پویا اشاره دارد. طبق این مضمون، اکثر مصاحبه‌شوندگان اشاره داشتند از مدل‌های سنتی قیمت‌گذاری استفاده نکرده‌اند و قیمت طبق سازوکاری پویا محاسبه می‌شود. برای نمونه، مدیر بازاریابی یکی از کسب‌وکارها می‌گوید: «ما به‌صورت لحظه‌ای دیتاهای ناشی از تعامل تأمین‌کنندگان و مشتریان را دریافت و تحلیل می‌کنیم. در مناسبت‌هایی نظیر عید نوروز که میزان تقاضا برای خدمات ما کاهش پیدا می‌کند موقتاً هزینه خدمات را تا ۲۰ درصد نیز کاهش می‌دهیم تا تقاضای مشتریان را تحریک کنیم.» درنهایت، مضمون چهارم شامل جریان‌های درآمدی چندگانه است و به این اشاره دارد که کسب‌وکار چه میزان تنوع درآمدی را در پیش گرفته است. برای نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره داشت: «به‌علت شرایط به‌شدت بی‌ثبات اقتصادی در کشور ما همه تخم‌مرغ‌هامون رو توی یه سبد گذاشتیم. یهو قیمت ارز بالا می‌ره و می‌بینی تقاضا برای فلان محصولت به‌شدت کاهش پیدا می‌کنه؛ بنابراین ما سعی کردیم فیچرهایی رو به محصولمون اضافه کنیم که اگه خدایی نکرده تقاضای یه محصول کاهش پیدا کرد، پشتمون به بقیه محصولات و فیچرها گرم باشه.»

بعد چهارم، ویژگی‌های صیانت از ارزش: درنهایت، آخرین بُعد ویژگی‌های صیانت از ارزش به آن دسته از ویژگی‌های مدل کسب‌وکار اشاره دارد که باعث مصون نگه‌داشتن ارزش خلق‌شده کسب‌وکار از سایر رقبای می‌شوند که متشکل از چهار مضمون به شرح ذیل است:

مضمون اول به ابهام علی اشاره دارد. طبق این مضمون، کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی تمایل دارند منبع خلق ارزش خود را از سایر رقبای پنهان کنند. در این خصوص یکی از مؤسسان



شکل ۱: مدل نهایی حاصل از داده‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، شناسایی آن دسته از ویژگی‌های مدل کسب‌وکار در کسب‌وکارهای ایرانی بود که به مقیاس‌پذیری آن‌ها منجر شده است. براساس یافته‌های پژوهش، چهار بُعد کلی (۱) ویژگی‌های ارزش پیشنهادی، (۲) ویژگی‌های خلق ارزش، (۳) ویژگی‌های تصاحب ارزش و (۴) ویژگی‌های صیانت از ارزش در مقیاس‌پذیری کسب‌وکارهای ایرانی مؤثر بوده‌اند.

درخصوص بُعد ویژگی‌های ارزش پیشنهادی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی به مضامینی شامل مطلوبیت ارزش پیشنهادی، سازگاری فرهنگی و سازگاری نهادی، نوآوری فرایند و تکرارپذیری توجه ویژه داشته‌اند. پژوهش‌های نظری پیشین مطلوبیت ارزش پیشنهادی را یکی از ویژگی‌های ایده به شمار آورده‌اند (Davidsson and Tonelli, 2013) اما تاکنون پژوهشی تجربی درخصوص رابطه مطلوبیت ارزش پیشنهادی و مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها صورت نگرفته است. همچنین، مضمون سازگاری فرهنگی نیز از دیگر یافته‌های بدیع این پژوهش است که پژوهش‌های پیشین درخصوص مقیاس‌پذیری به آن اشاره‌ای نداشته‌اند. درباره مضمون سازگاری نهادی، این یافته هم‌سو با پژوهش استمپفل و همکاران (2013) است که سازگاری با رژیم‌های قانونی مختلف را از خصوصیات مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر ذکر کرده‌اند. درخصوص مضمون نوآوری فرایند که از دیگر یافته‌های پژوهش ما درخصوص ویژگی‌های ارزش پیشنهادی است، پژوهش‌های پیشین تأکید

زیادی داشته‌اند. برای نمونه، یافته‌های برتل^۱ و همکاران (2012) نشان می‌دهد مدل‌های کسب‌وکار نوآوری محور می‌توانند تأثیر مثبتی بر عملکرد کسب‌وکار داشته باشند و پتی^۲ و همکاران (2021) اشاره می‌کنند نوآوری مدل کسب‌وکار، رابطه میان رفتار کارآفرینانه و عملکرد کسب‌وکار را میانجی‌گری می‌کند. درنهایت، تکرارپذیری از دیگر مضمون‌های شناسایی شده درخصوص ویژگی‌های ارزش پیشنهادی در مدل کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی نیز در پژوهش‌های پیشین مورد تأکید پژوهشگران بوده است. دانفورد^۳ و همکاران (2010) تکرارپذیری را عنصر اساسی که باعث رشد سریع از طریق بین‌المللی‌سازی فعالیت‌های کسب‌وکار می‌شود بیان می‌کنند. به‌زعم اسپارا^۴ و همکاران (2010) شرکت‌هایی که از مدل کسب‌وکار تکرارپذیر استفاده می‌کنند رشد سودآوری بیشتری را تجربه خواهند کرد.

همچنین، درخصوص بُعد ویژگی‌های خلق ارزش، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی در مدل کسب‌وکار خود مفاهیمی شامل استانداردسازی، اتوماسیون، برون‌سپاری و اثر شبکه‌ای را پیاده‌سازی کرده‌اند. مضمون استانداردسازی که در این پژوهش شناسایی شد در مطالعات پیشین نیز از عناصر تأثیرگذار مهم در مقیاس‌پذیری

1. Brettel

2. Pati

3. Dunford

4. Aspara

تأکید کرده‌اند (Snihur et al., 2021). با این حال، با توجه به خلأ نهادی در بازارهای نوظهور مانند ایران که حقوق مالکیت فکری در آن‌ها ضعیف است، ما استدلال می‌کنیم که عنصر صیانت‌پذیری در مدل کسب‌وکار از مهم‌ترین ابعاد تعیین‌کننده موفقیت در کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی است. ابهام علی یکی از مضامین شناسایی شده درخصوص صیانت‌پذیری از ارزش در کسب‌وکارهای مقیاس ایرانی است که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره شده است (Birkner and Weifenbach, 2022). همچنین، هزینه‌های روی‌گردانی مضمون دیگری است که یافته‌های پژوهش ما بر آن تأکید دارد. هم‌سو با پژوهش‌های پیشین (Jin, 2015; Zhang et al., 2015)، این یافته تأکید می‌کند کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی، به‌منظور جلوگیری از مهاجرت کاربران خود به سمت پلتفرم‌های رقیب، سعی در تعبیه مکانیسم‌هایی در مدل کسب‌وکار خود داشته‌اند تا هزینه‌های عاطفی، فیزیکی و مادی مهاجرت به سمت پلتفرم رقیب را برای کاربران خود افزایش داده و در نتیجه مقیاس‌پذیری بیشتری را تجربه کنند. درخصوص مضمون پیچیدگی تعمدی در مدل کسب‌وکار و مزیت عرضه سریع نیز تاکنون پژوهش‌های انجام گرفته به چنین موردی اشاره نکرده‌اند و به نظر می‌رسد علت تعبیه این مکانیسم‌ها در مدل‌های کسب‌وکار ایرانی نبود نهادهای حمایت‌کننده از حقوق مالکیت فکری در ایران است که باعث شده کسب‌وکارهای ایرانی به سمت استفاده از این مکانیسم سوق پیدا کنند.

یافته‌های پژوهش ما به پژوهشگران ایرانی و پژوهشگران علاقه‌مند به زمینه بازارهای نوظهور بینش‌های ارزشمندی درخصوص ابعاد مهم تأثیرگذار مدل کسب‌وکار که باعث مقیاس‌پذیری کسب‌وکار می‌شوند ارائه می‌کند. پژوهشگران با شناخت این ویژگی‌ها می‌توانند به تبیین‌های بهتری برای پیش‌بینی عملکرد کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر دست پیدا کنند. همچنین، یافته‌های بخش ویژگی‌های صیانت‌پذیری مدل کسب‌وکار نشان می‌دهد که یکی از دغدغه‌های جدی مالکان کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی نبود قوانین مناسب در حوزه حفاظت از حقوق مالکیت فکری است که باعث می‌شود مؤسسان این کسب‌وکارها ویژگی‌هایی را در مدل کسب‌وکار خود ایجاد کنند تا رقبای از کپی‌برداری مزیت رقابتی آن‌ها منع شوند. بنابراین، یافته‌های ما برای سیاست‌گذاران ایرانی، اهمیت تدوین سیاست‌ها و قوانین حمایت‌کننده از حقوق مالکیت فکری به‌منظور رفع موانع موجود برای مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها را برجسته می‌کند. همچنین، کارآفرینان و سرمایه‌گذارانی که به دنبال راه‌اندازی کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر در ایران هستند، باتکیه بر یافته‌های این پژوهش، چارچوبی برای ارزیابی قابلیت مقیاس‌پذیری مدل کسب‌وکار خود در اختیار خواهند داشت.

در این پژوهش تلاش شد با اتخاذ رویکرد استقرایی تجربی،

اشاره شده است (Picken, 2017). اتوماسیون مضمون بعدی مرتبط با ویژگی خلق ارزش مدل کسب‌وکار نیز مفهومی است که بارها مورد توجه و اشاره محققان پیشین نظیر گارتنر^۱ و همکاران (2024) بوده است که معتقد بودند می‌تواند به خلق مزیت رقابتی پایدار و تسریع مقیاس‌پذیری کسب‌وکار منجر شود. همچنین، برون‌سپاری، مضمون دیگری که ذیل ویژگی‌های خلق ارزش تعریف شده، در پژوهش‌های قبلی نیز مورد اشاره قرار گرفته بود (Mussapurov et al., 2019). درخصوص مضمون اثر شبکه‌ای، پژوهش‌های پیشین به نقش اثر شبکه‌ای بر افزایش مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها اشاره کرده‌اند (Wang et al., 2022; li et al., 2023).

درخصوص بُعد ویژگی‌های تصاحب ارزش، یافته‌های ما، سه ویژگی جریان‌های درآمدی تکرارشونده، هزینه‌های نهایی پایین و قیمت‌گذاری پویا را در مدل کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر ایرانی شناسایی کرد. پژوهش‌های پیشین بر اهمیت وجود جریان‌های درآمدی تکرارشونده در کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر تأکید کرده‌اند. استروالدر و پینی^۲ (2010) وجود جریان‌های درآمدی تکرارشونده را در پایداری روند مقیاس‌پذیری کسب‌وکارها مؤثر می‌دانند. به نظر نوین^۳ (2014) جریان‌های درآمدی تکرارشونده نه فقط از ویژگی‌های مدل کسب‌وکار مقیاس‌پذیر محسوب می‌شوند بلکه به کسب‌وکارها امکان پیش‌بینی درآمدهای بلندمدت آینده را نیز می‌دهند. همچنین، درخصوص مضمون هزینه‌های نهایی پایین، پژوهش‌های پیشین اشاره کرده‌اند که کسب‌وکارهای مقیاس‌پذیر از طریق بهره‌گیری از صرفه‌جویی به مقیاس، هزینه‌های نهایی خود را به‌طور محسوسی کاهش می‌دهند (Jin Zhang et al., 2015). درنهایت، درخصوص مضمون قیمت‌گذاری پویا از دیگر ویژگی‌های تصاحب ارزش در مدل کسب‌وکار، یافته ما هم‌سو با پژوهش‌های پیشین است. از نقش‌های مهم پلتفرم‌ها کنترل قیمت‌ها برای تنظیم عرضه و تقاضا با یکدیگر است و ابزار کلیدی پلتفرم‌ها، برای انجام این تنظیمگری، قیمت‌گذاری پویا است (Banerjee et al., 2016). براین اساس ما استدلال می‌کنیم قیمت‌گذاری پویا در زمینه بازارهای نوظهور نظیر ایران که به علت شرایط بی‌ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نوسانات قیمتی بالایی را تجربه می‌کند اهمیتی دوچندان دارد.

و درنهایت، یافته‌های پژوهش ما بُعد صیانت‌پذیری از ارزش را یکی از ابعاد کلیدی در مدل کسب‌وکارهای ایرانی شناسایی کرده است. پژوهش‌های پیشین در این زمینه نیز بر اهمیت تعبیه مکانیسم‌هایی برای صیانت از ارزش خلق‌شده در مدل کسب‌وکار

1. Gartner

2. Osterwalder and Pigneur

3. Nguyen

- Atchadé, M. N., Mahoudjro, C., and De-Dravo, H. H. (2024). "A new Index to Assess Economic Diplomacy in Emerging Countries". *Research in Globalization*, 8, p. 100205.
- Banerjee, S., Johari, R., and Riquelme, C. (2016). "Dynamic Pricing in Ridesharing Platforms". *ACM SIGecom Exchanges*, 15(1), pp. 65-70.
- Birkner, S., and Weifenbach, M. (2022). "Navigating Digital Waters: Entrepreneurial Ambiguities and the Triad of Purpose in Digital Business Modeling". In *Handbook on Digital Business Ecosystems* (pp. 94-108). Edward Elgar Publishing.
- Bisztray, M., De Nicola, F., and Muraközy, B. (2023). "High-growth Firms Contribution to Aggregate Productivity Growth". *Small Business Economics*, 60(2), pp. 771-811.
- Blank, S., and Dorf, B. (2020). *The Startup Owner's Manual: the Step-by-Step Guide for Building a Great Company*. John Wiley and Sons.
- Bock, A., Opsahl, T., and Gerard, G. (2010). "Business Model Innovation and Strategic Flexibility: Effects of Informal and Formal Organization". Paper presented at *2010 Academy of Management Annual Meeting, Montreal, Canada*. <https://doi.org/No DOI for this publication>.
- Brettel, M., Strese, S., and Flatten, T. C. (2012). "Improving the Performance of Business Models with Relationship Marketing Efforts—an Entrepreneurial Perspective". *European Management Journal*, 30(2), pp. 85-98.
- Burger, A., Hogan, T., Kotnik, P., Rao, S., and Sakinç, M. E. (2023). "Does Acquisition Lead to the Growth of High-Tech Scale-ups? Evidence from Europe". *Research in International Business and Finance*, 64, p. 101820.
- Carucci, R. (2016). "Midsize Companies Should not Confuse Growth with Scaling". *Harvard Business Review*, 94(4), pp. 1-5.
- Cavallo, A., Cosenz, F., and Noto, G. (2023). "Business Model Scaling and Growth Hacking in Digital Entrepreneurship". *Journal of Small Business Management*, pp.1-28.
- Coviello, N. (2019). "Is a High-Growth Firm the Same as a 'Scale-u'". *Lazaridis Institute for the*
- ویژگی‌های مدل کسب‌وکار مؤثر بر مقیاس‌پذیری کسب‌وکارهای ایرانی شناسایی شود. با این حال، نویسندگان مقاله پیشنهادهایی را برای تحقیقات آتی ارائه می‌کنند. اول، در این پژوهش با توجه به خلأ پژوهش‌های تجربی از رویکرد اکتشافی کیفی استفاده شد. پژوهش‌های آتی می‌توانند برای اعتبارسنجی یافته‌های این پژوهش، ابعاد و مضامین شناسایی‌شده را با حجم نمونه بالاتر به صورت کمی سنجش‌پذیر کنند. همچنین، این پژوهش از کسب‌وکارهای فعال در صنایع مختلف جهت جمع‌آوری داده‌های موردنیاز استفاده کرد که به تعمیم‌پذیری بهتر یافته‌ها کمک می‌کند، اما ممکن است باعث کاهش عمق یافته‌های شناسایی‌شده شود. از این رو، پژوهش‌های آتی می‌توانند با تمرکز بر کسب‌وکارهای فعال در صنعتی خاص، پژوهش حاضر را تکرار کنند.
- منابع
- Abdul Razak, S. H., Shawtari, F. A., and Elsalem, B. A. (2021). "Ownership Type, Business Model, Market Structure, and the Performance of Takaful and Conventional Insurance Companies in Malaysia". *Cogent Economics and Finance*, 9(1), p. 1888436.
- Aidis, R., Estrin, S., and Estrin, S. (2008). *Institutions, Networks and Entrepreneurship Development in Russia: An Exploration*. William Davidson Institute Working Paper No. 833. Available in: <https://ssrn.com/abstract=924422> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.924422>.
- Amit, R., and Zott, C. (2012). "Creating value through Business Model Innovation". *MIT Sloan management review*, 53(3), p. 41.
- Amit, R., and Zott, C. (2020). *Business Model Innovation Strategy: Transformational Concepts and Tools for Entrepreneurial leaders*. John Wiley and Sons.
- Aspara, J., Hietanen, J., and Tikkanen, H. (2010). "Business Model Innovation vs Replication: Financial Performance Implications of Strategic Emphases". *Journal of Strategic Marketing*, 18(1), pp. 39-56.

- Management of Technology Enterprises*, Wilfrid Laurier University, Waterloo, Canada.
- Daunfeldt, S. O., Halvarsson, D., Gustavsson Tingvall, P., and McKelvie, A. (2021). "Do Targeted R and D Grants Towards Potential Highgrowth Firms Increase Employment and Demand for High Human Capital Workers?" *HFI Working Paper*, 23.
- Davidsson, P., and Tonelli, M. (2013). "Towards and Operable Entrepreneurship Nexus: Conceptualizing Venture Ideas and Their Characteristics". In *Annual Meeting of the Academy of Management*, 73, pp. 1-1.
- Demir, R., Wennberg, K., and McKelvie, A. (2017). "The Strategic Management of High-Growth Firms: a Review and Theoretical Conceptualization". *Long range planning*, 50(4), pp. 431-456.
- Du, J., and Temouri, Y. (2015). "High-Growth Firms and Productivity: Evidence from the United Kingdom". *Small business economics*, 44, pp. 123-143.
- Dunford, R., Palmer, I., and Benveniste, J. (2010). "Business Model Replication for Early and Rapid Internationalisation: The ING Direct Experience". *Long Range Planning*, 43(5-6), pp. 655-674.
- Durufflé, G., Hellmann, T. F., and Wilson, K. E. (2017). "From Start-up to Scale-up: Examining Public Policies for the Financing of High-Growth Ventures". *CEPR Discussion Paper*, DP12004. Available in: <https://ssrn.com/abstract=2961767>
- Eberhart, R. N., and Eesley, C. E. (2018). "The Dark Side of Institutional Intermediaries: Junior stock Exchanges and Entrepreneurship". *Strategic Management Journal*, 39(10), pp. 2643-2665.
- Garcia-Tapial, J., and Cardenete, M. A. (2023). "Start-Up or Scale-Up? An Approach through Economic Impact". *Journal of Management for Global Sustainability*, 8(1), p.10.
- Gartner, J., Maresch, D., and Tierney, R. (2024). "The key to Scaling in the Digital Era: Simultaneous Automation, Individualization and Interdisciplinarity". *Journal of Small Business Management*, 62(2), pp. 628-655.
- Genedy, M., Hellerstedt, K., Naldi, L., and Wiklund, J. (2024). "Growing Pains in Scale-ups: How Scaling Affects New Venture Employee Burnout and Job Satisfaction". *Journal of Business Venturing*, 39(2), p. 106367.
- Gioia, D. A., Corley, K. G., and Hamilton, A. L. (2013). "Seeking Qualitative Rigor in Inductive Research: Notes on the Gioia Methodology". *Organizational Research Methods*, 16(1), pp. 15-31.
- George, G., and Bock, A. J. (2011). "The Business Model in Practice and its Implications for Entrepreneurship Research". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35(1), 83-111.
- Hanifzadeh, F., Talebi, K. and Rasouljan, P. (2023). "Decision-Making in Scaling Up Internationalised Start-ups". Jafari-Sadeghi, V. and Amoozad Mahdiraji, H. (Ed.) *Decision-Making in International Entrepreneurship: Unveiling Cognitive Implications Towards Entrepreneurial Internationalisation* (Entrepreneurial Behaviour Series), Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 101-117. <https://doi.org/10.1108/978-1-80382-233-420231006>
- Hultberg, E., and Pal, R. (2021). "Lessons on Business Model Scalability for Circular Economy in the Fashion Retail Value Chain: Towards a Conceptual Model". *Sustainable Production and Consumption*, 28, pp. 686-698.
- International Monetary Fund Staff. (2021). *World Economic Outlook, April 2021: Managing Divergent Recoveries*. International Monetary Fund.
- Jabłoński, A. (2016). "Scalability of Sustainable Business Models in Hybrid Organizations". *Sustainability*, 8, p. 194. <https://doi.org/10.3390/SU8030194>.
- Jin Zhang, J., Lichtenstein, Y., and Gander, J. (2015). "Designing Scalable Digital Business Models". In *Business models and modelling*, pp. 241-277. Emerald Group Publishing Limited.
- Jonker, J., Faber, N. (2021). "Business Modelling". In *Organizing for Sustainability*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-78157-6_2
- Khanna, T., and Palepu, K. G. (2010). *Winning in*

- Emerging Markets: A Road Map for Strategy and Execution*. Harvard Business Press.
- Khanna, T., Palepu, K. G., and Sinha, J. (2015). "Strategies that Fit Emerging Markets". In *International Business Strategy*, pp. 615-631, Routledge.
- Li, J., Pisano, G., Xu, Y., and Zhu, F. (2023). "Marketplace Scalability and Strategic Use of Platform Investment". *Management Science*, 69(7), pp. 3958-3975.
- Lincoln, Y. S., and Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. sage.
- Magnani, G., and Gioia, D. (2023). "Using the Gioia Methodology in International Business and Entrepreneurship Research". *International Business Review*, 32(2), 102097.
- Mair, J., and Marti, I. (2009). "Entrepreneurship in and Around Institutional Voids: A Case Study from Bangladesh". *Journal of business venturing*, 24(5), pp. 419-435.
- Monteiro, G. F. A. (2019). "High-Growth Firms and Scale-ups: a Review and Research Agenda". *RAUSP Management Journal*, 54, pp. 96-111.
- Mula, C., Zybura, N., and Hipp, T. (2024). "From Digitalized Start-up to Scale-up: Opening the Black Box of Scaling in Digitalized Firms Towards a Scaling Process Framework". *Technological Forecasting and Social Change*, 202, p. 123275.
- Mussapirov, K., Jalkibaeyev, J., Kurenkeyeva, G., Kadirbergenova, A., Petrova, M., and Zhakypbek, L. (2019). "Business Scaling through Outsourcing and Networking: Selected Case Studies". *Entrepreneurship and Sustainability issues*, 7(2), p.1480.
- Nacar, R., and Uray, N. (2016). "The Challenge of International Market Segmentation in Emerging Markets". In *International Business: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications*, pp. 2274-2293. IGI Global.
- Nguyen, H. (2014). "How to Develop Scalable Business Model?: a Study on the Scalability of Business Model". In *Finnish ICT and software industry*.
- Nielsen, C., Lund, M., and Thomsen, P. P. (2017). "From Digital Disruption to Business Model Scalability". In *The XXVIII ISPIM Innovation Conference, Composing the Innovation Symphony. ISPIM Conference*.
- OECD. (2021). *Understanding Firm Growth: Helping SMEs scale up. OECD Studies on SMEs and Entrepreneurship*. OECD Publishing, Paris.
- Osterwalder, A., and Pigneur, Y. (2010). *Business Model Generation: a Handbook for Visionaries, Game Changers, and Challengers* (Vol. 1). John Wiley and Sons.
- Pati, R., Ghobadian, A., Nandakumar, M. K., Hitt, M. A., and O'Regan, N. (2021). "Entrepreneurial Behavior and Firm Performance: the Mediating Role of Business Model Novelty". *R&D Management*, 51(5), pp. 551-567.
- Piaskowska, D., Tippmann, E., and Monaghan, S. (2021). "Scale-up modes: Profiling activity configurations in scaling strategies". *Long Range Planning*, 54(6), p. 102101.
- Picken, J. C. (2017). "From Startup to Scalable Enterprise: Laying the Foundation". *Business Horizons*, 60(5), pp. 587-595.
- Seip, M., Van Der Heijden, A., and Bax, M. (2022). "Scale-ups and Intellectual Property Rights: the Role of Technological and Commercialisation Capabilities in Firm Growth". *International Journal of Innovation Management*, 26(04), p. 2250033.
- Shepherd, D. A., and Gruber, M. (2021). "The Lean Startup Framework: Closing the Academic-Practitioner Divide". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 45(5), pp. 967-998.
- Sheth, J. N. (2011). "Impact of Emerging Markets on Marketing: Rethinking Existing Perspectives and Practices". *Journal of marketing*, 75(4), pp. 166-182.
- Simsek, Z., and Post, C. (2019). "Scaling-up: Building, Leading and Sustaining Rapid Growth". *Journal of Management Studies*, pp. 1-6.
- Snihur, Y., Zott, C., and Amit, R. (2021). "Managing the Value Appropriation Dilemma in Business Model Innovation". *Strategy Science*, 6(1), pp. 22-38.
- Soleimani, M., rezaee, B., Naderi, N., and

- Mohamadifar, Y. (2023). "Interpretive Structural Clarification of Transitional Barriers from Start-up to Scale-up". *Journal of Entrepreneurship Development*, 16(3), pp. 66-85. doi: 10.22059/jed.2023.359963.654205
- Stampfl, G., Prügl, R., and Osterloh, V. (2013). "An Explorative Model of Business Model Scalability". *International Journal of Product Development*, 18(3-4), pp. 226-248.
- Tajeddin, M., Farashahi, M., Moghaddam, K., Simba, A., and Edwards, G. (2023). "Internationalization of Emerging Economy SMEs: a Tripod Approach". *Journal of International Management*, 29(1), 100991.
- Täuscher, K., and Abdelkafi, N. (2018). "Scalability and Robustness of Business Models for Sustainability: a Simulation Experiment". *Journal of Cleaner Production*, 170, pp. 654-664.
- Teece, D. (2010). "Business Models, Business Strategy and Innovation". *Long Range Planning*, 43, pp. 172-194. <https://doi.org/10.1016/J.LRP.2009.07.003>.
- Tidhar, R., and Eisenhardt, K. M. (2021). "Measure Twice, Cut once: Scaling Novel Business Models in the Nascent Online Fashion Industry". In *Academy of Management Proceedings* (Vol. 1, p. 12264). Briarcliff Manor, NY 10510: Academy of Management.
- Tippmann, E., Ambos, T. C., Del Giudice, M., Monaghan, S., and Ringov, D. (2023). "Scale-Ups and Scaling in an International Business Context". *Journal of World Business*, 58(1), 101397.
- Tourism, S. B. (2021). Canadian Start-Ups: Growth and Scale-Up Transitions.
- Wang, L., Rabinovich, E., and Richards, T. J. (2022). "Scalability in Platforms for Local Groceries: an Examination of Indirect Network Economies". *Production and Operations Management*, 31(1), pp. 318-340.
- Yaqin, M., Sarno, R., and Fauzan, A. (2017). "Scalability Measurement of Business Process Model Using Business Processes Similarity and Complexity". *4th International Conference on Electrical Engineering, Computer Science and Informatics (EECSI)*, 1-7. <https://doi.org/10.11591/EECSI.V4.1033>.
- Zhang, J., Lichtenstein, Y., and Gander, J. (2015). *Designing Scalable Digital Business Models*, p. 33. <https://doi.org/10.1108/S0742-332220150000033006>.
- Zott, C., and Amit, R. (2024). "Business Models and Lean Startup". *Journal of Management*, 01492063241228245.



IDENTIFYING BUSINESS MODEL CHARACTERISTICS AFFECT- ING BUSINESS SCALABILITY IN IRAN

Behzad Sadeghi¹

Kamal Sakhdari²

Abstract

The topic of scalable businesses, as a type of high-growth firms, has garnered significant attention from researchers in recent years. While previous studies have contributed to a better understanding of this phenomenon, our knowledge regarding the antecedents influencing the emergence of such businesses remains limited. To address this gap, the present study focuses on the Iranian context and aims to identify business model characteristics that impact business scalability. Adopting a multiple case study approach and based on twenty interviews with Iranian scalable businesses, this study provides an in-depth analysis of business model characteristics influencing the scalability of Iranian businesses. The research findings are categorized into four overarching themes: value proposition characteristics, value creation characteristics, value capture characteristics, and value appropriation characteristics, all of which contribute to business scalability in Iran. Our inductive framework offers valuable insights for researchers, entrepreneurs, investors, and policymakers seeking a deeper understanding of business scalability in the Iranian context.

Keywords: Scalability, Firm Growth, Multiple Case Study, Business Model, Startup

1. Doctor of Philosophy (Ph.D.) in Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. kasakhdari@ut.ac.ir

نقش‌نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش‌نامه

پدیدآورندگان	کمال سخدری	بهزاد صادقی
نقش	نویسنده مسئول	نویسنده
نگارش متن	بازنگری کلی	نگارش متن اصلی، نگارش مرور ادبیات یا پیشینه
ویرایش متن و ...	پاسخ به داوران	ویرایش متن، بازنگری جزئی
طراحی / مفهوم‌پردازی	طراحی و مفهوم‌پردازی	—
گردآوری داده	—	گردآوری داده
تحلیل / تفسیر داده	—	تحلیل داده
سایر نقش‌ها	نظارت بر رساله	—

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: کمال سخدری

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی نهادهای میانجی دانشگاه و صنعت (مورد مطالعه: مجموعه مسابقات رهنشان بنیاد ملی نخبگان)^۱

 20.1001.1.24767220.1403.14.4.5.0

بهاره آروین^۲
امیرحسین داوری^۳

چکیده

مسئله ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران موضوع تحقیقات بسیاری بوده و یکی از پرتکرارترین راهبردهای رفع آن طراحی سازوکارهای میانجی عنوان شده است. در این تحقیق، مجموعه مسابقات مسئله‌محور بنیاد ملی نخبگان موسوم به مسابقات رهنشان به منزله سازوکار میانجی با کارکرد تسهیل ارتباط و پیوند میان بازیگران حاضر در صنعت و دانشگاه با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای بررسی شده است. مسابقات رهنشان شامل ۵۴ پروژه تعریف شده توسط شرکت‌های صنعتی است که دانشجویان به میانجی مسابقات رهنشان و در تعامل با شرکت‌ها، انجام آن‌ها را برعهده گرفته‌اند. سؤال اصلی تحقیق این است که چرا و چگونه فقط در معدودی از طرح‌ها ارتباط برقرار شده و در بیشتر طرح‌ها (بیش از ۸۵ درصد) ارتباط پایداری شکل نگرفته است. به منظور پاسخ به سؤال، ۱۵ طرح از طریق روش نمونه‌گیری نظری انتخاب و با ۳۰ نفر از دانشجویان و راهبران شرکت‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته شد. نتایج در دو عنوان «روایت انجام‌دهندگان طرح» و «روایت تعریف‌کنندگان طرح» صورت‌بندی، کدگذاری و تحلیل شد. بر اساس تحلیل، سه عامل اصلی نظام انگیزشی، فرهنگ زمانی و نظام ارزش‌گذاری و چهار عامل تقویت/تضعیف‌کننده راهبری فعال، تعریف دقیق و متناسب طرح، اشتها شرکت و شکل‌گیری تعامل اجتماعی شناسایی شدند. بر پایه یافته‌های این پژوهش مشخص شد به علت نبود تناسب در سه وجه نظام انگیزشی، فرهنگ زمانی و نظام ارزش‌گذاری بین دو طرف در بیشتر طرح‌ها ارتباط برقرار نمی‌شود. در حقیقت، از علل اصلی موفق نشدن سازوکار میانجی این است که افراد با تعلق نهادی پیشینی و متمایز از یکدیگر همکاری خود را شروع می‌کنند و تطابق نداشتن این تعلق نهادی در سه وجه ذکر شده سبب ناکارآمدی سازوکار میانجی می‌شود. آنچه در مسابقات رهنشان در جایگاه سازوکار میانجی از آن غفلت شده است، حضور دو طرف با دو تعلق نهادی متفاوت و گاهی متضاد بوده است.

واژگان کلیدی: ارتباط صنعت و دانشگاه، سازوکار میانجی، مسابقات مسئله‌محور، رهنشان، تعلق نهادی

تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۹ آبان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۷ خرداد ۱۴۰۳

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی با عنوان «بررسی راهبردهای ارتباط صنعت و دانشگاه (مورد مطالعه: مجموعه مسابقات رهنشان بنیاد ملی نخبگان)

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول) bahare.arvin@modares.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

به‌رغم گذشت سالیان زیاد از آغاز مدرنیزاسیون و تشکیل نهاد صنعت و دانشگاه در ایران، متأسفانه ارتباط کارآمدی بین این دو نهاد در کشور شکل نگرفته است و پژوهش‌های بسیاری در ایران بر مسئله ارتباط نهاد صنعت و دانشگاه تأکید داشته‌اند (Mor-tazavi, 2004; Jafarinejhad et al., 2005; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007; Bagheri Nejhad, 2008; Shafiei and Yazdaniyan, 2009; Behrouzi, 2010; Tabaeiyan and Bushehri, 2010; Esmaceli et al., 2011; Jamalpour and Shafiei, 2010; Mozafari et al., 2011; Feyz and Suri 2014; Azar et al., 2023; Samadi Miyarkalaei and Samadi Miyarkalaei, 2013; Shafiei and Mousavi, 2014; Feyz and Shahabi, 2015; Yaghoubi Farani and Hatamikia, 2016; Safdari Ranjbar et al., 2016; Poroushasb, 2017; Mohammad Hashemi, 2017; Thaqafi et al., 2019; Seyednaghavi et al., 2019; Nasiri, 2021; Azizi Jafarbadi et al., 2023; Shamsoddini et al., 2024). در این حوزه، پژوهش‌های انجام‌شده در دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول رویکردی توصیفی - تبیینی دارند و محققان با نگاهی توصیفی شرایط فعلی را کنکاش و سعی می‌کنند شرایط موجود را وصف کنند، به‌گونه‌ای که با بیان وضعیت، فقدان ارتباط کارآمد را اثبات یا علت‌های آن را بیان کنند. برخی از محققان دسته اول عبارت‌اند از: مرتضوی (2004)، شافعی و موسوی (2014)، یعقوبی‌فرهانی و حاتمی‌کیا (2016)، پوروشاسب (2017) و ثقفی و همکاران (2019). تحقیقات دسته دوم بیش از هر چیز جنبه راهبردی دارند و محققان با رجوع به سازوکارهای اشاره شده در اسناد علمی، تجربه کشورهای خارجی و یا پژوهش‌های توصیفی تبیینی موجود، سعی می‌کنند راهکاری در این موضوع ارائه دهند. عمده تلاش این محققان در زمینه ارائه راهبردهایی به‌منظور بهبود ارتباط بین این دو نهاد است (Behrouzi, 2010; Samadi et al., 2013; Tabaeiyan and Bushehri, 2010; Feyz and Shahabi, 2015; Hashemi, 2017, Shamsoddini et al., 2024). گفتنی است تعدادی از تحقیقات متعلق به هر دو دسته است و هم‌زمان توصیف و تبیین می‌کنند یا به‌منظور برقراری ارتباط بین دانشگاه و صنعت راهبرد ارائه می‌دهند (Jafarinejhad et al., 2005; Samadi Mirkalei et al., 2013; Safdari Ranjbar et al., 2016; Nasiri, 2021; Azizi Jafarbadi et al., 2023).

به‌صورت خلاصه، راهکارهای ارائه‌شده درخصوص برقراری ارتباط کارآمد بین صنعت و دانشگاه را می‌شود در سه دسته کلی جانمایی کرد: ۱. راهکارهایی که بر پدیدآوردن تغییرات یا

سازوکارهایی در نهاد صنعت تأکید می‌کنند تا با علم‌محورکردن بیشتر صنعت تسهیل‌کننده این ارتباط باشند؛ ۲. راهکارهایی که بر صنعت‌محورکردن نهاد علم بیشتر تأکید می‌کنند و وجه تمرکزشان بر پدیدآوردن تغییرات در نهاد دانشگاه است؛ ۳. راهکارهایی که تأکیدشان به‌جای تغییر در هر یک از این دو نهاد بر پدیدآوردن سازوکارهای واسطه‌ای بین این دو نهاد است. در جدول ۱ خلاصه‌ای از این راهکارها آورده شده است. همان‌طور که در خلاصه راهکارهای ارائه‌شده مشهود است، یکی از پرارجاع‌ترین راه‌حل‌ها و راهکارهای پیشنهادی پژوهشگران به‌منظور حل این مسئله تشکیل نهادها و برپایی سازوکارهای واسطه‌ای یا میانجی بین دو نهاد دانشگاه و صنعت بوده است (Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007; Tabaei-yan and Bushehri, 2010; Jmalpouar and Shafiei, 2010; Shafiei and Mousavi, 2014; Seyednaghavi et al., 2019).

همچنین، در سالیان اخیر در این زمینه نهادها و سازوکارهای مختلفی در کشور به‌منظور برقراری ارتباط کارآمد بین دانشگاه و صنعت تشکیل شده است، توسعه پارک‌های علم و فناوری، شتاب‌دهنده‌های دانشگاهی و طرح شهید احمدی‌روشن بنیاد ملی نخبگان نمونه‌هایی از این اقدامات است. متأسفانه، به‌رغم پژوهش‌های متعدد در این زمینه و ارائه راهکارهای مختلف بهبود چشمگیری در این حوزه اتفاق نیفتاده است. انجام پژوهش‌های مختلف با مسئله یکسان و راهکارهای تقریباً مشابه و تکراری در بازه ۱۵ ساله اخیر اثبات این ادعاست، به‌گونه‌ای که در پژوهش‌های تکراری به‌جای فراروی، برای بار چندم، گزاره‌های پیشین را تأیید یا تکرار می‌کنند. برای نمونه، تشابه مسئله و راهکارهای پیشنهادی میان این سه پژوهشی که در سال‌های متفاوت و پس از یکدیگر انجام شده‌اند، آشکار است: صفدری‌رنجبر و همکاران (2016)، صمدی‌میرکلایی و همکاران (2013) و جعفری‌نژاد و همکاران (2005).

گویا پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی و یا ارائه راهکار جدید چندان ثمربخش نبوده و موجب تکرار چندباره یافته‌های پژوهش‌های موجود شده است. ازاین‌رو، به‌منظور حل مسئله آنچه راهگشاست، تجربه و سنجش راهکارهای موجود در عرصه عمل و بررسی علل اجرایی و عملیاتی شدن یا نشدن راهکارهای ارائه‌شده در میدان واقعیت است. درواقع، خلأ موجود در میان پژوهش‌های حاضر بررسی نظام‌مند و مستند راهکارهای به‌کارگرفته‌شده در تحقیقات انجام‌شده است. امری که تاکنون یا بدان پرداخته نشده و یا به‌صورت غیر نظام‌مند و با ارجاع به جنبه‌های اجرایی، مدیریتی و اداری طرح‌های اجراشده بوده است. موفق‌نشدن‌های مکرر و متمادی در سال‌های مختلف نیاز به نگاهی عمیق‌تر را برای ما روشن می‌سازد که بینش

جدول ۱: خلاصه راهبردهای ارائه شده به منظور ارتباط صنعت و دانشگاه

(Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007 ;Shafiei and Yazdaviyan, 2009)	برپایی و توسعه دوره‌های آموزشی تکمیلی با همکاری و هماهنگی صنعت در زمینه نیازهای مراکز صنعتی	تأکید بر صنعت‌محور کردن علم	راهکارهای ارائه‌شده به‌منظور کارآمدی ارتباط بین صنعت و دانشگاه
(Seyednaghavi et al., 2019 ;Behrouzi, 2010; Thaqafi et al., 2019)	توجه خاص به واحدهای درسی عملی (آزمایشگاهی و کارگاهی)		
(Thaqafi et al., 2019; Shafiei and Yazdaniyan, 2009)	ترتیب‌دادن بازدیدهای علمی از مراکز صنعتی		
(Shafiei and Yazdaniyan, 2009; Thaqafi et al., 2019)	فراهم کردن زمینه به‌منظور گذراندن فرصت‌های مطالعاتی استادان در صنایع کشور		
(Seyednaghavi et al., 2019; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007; Safdari Ranjbar et al., 2016)	تعریف پایان‌نامه‌ها بر اساس نیازهای صنایع و با حمایت مالی آن‌ها		
(Thaqafi et al., 2019; Shafiei and Yazdaviyan, 2009; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007; Safdari Ranjbar et al., 2016; Azizi Jafarbadi et al., 2023)	اصلاح نظام ارزیابی و ارتقای مرتبه هیئت‌علمی به‌منظور ارزش‌دهی بیشتر به فعالیت‌های تحقیقات صنعتی		
(Seyednaghavi et al., 2019; Shafiei and Yazdaniyan, 2009; Safdari Ranjbar et al., 2016)	فراهم کردن تسهیلات به‌منظور بهره‌مندی از اعضای هیئت‌علمی در صنعت و حضور فعال ایشان در هیئت‌مدیره و مراکز تصمیم‌گیری واحدهای صنعتی		
(Shafiei and Yazdaviyan, 2009; Thaqafi et al., 2019; Safdari Ranjbar et al., 2016)	حضور صنعتگران در جایگاه مدرس در دانشگاه‌ها		
(Seyednaghavi et al., 2019; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007)	رقم‌زدن سازوکارهای تشویقی درخصوص حضور دانشگاهیان در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و سازمان‌ها	تأکید بر علم‌محور کردن صنعت	
(Seyednaghavi et al., 2019; Thaqafi et al., 2019; Shafiei and Yazdaviyan, 2009)	حضور داورهایی از صنعت در جلسات پایان‌نامه‌های ارشد و دکترا به‌منظور اطلاع از آخرین یافته‌های علمی		
(Thaqafi et al., 2019)	توسعه دفاتر امور پژوهشی در سازمان‌ها		
(Shafiei and Yazdaniyan, 2009; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007)	تأسیس مراکز پژوهشی در شهرک‌های صنعتی		
(Thaqafi et al., 2019; Safdari Ranjbar et al., 2016)	معافیت‌های مالیاتی و گمرکی برای شرکت‌های دانش‌بنیان	تأکید بر نهادها و سازوکارهای واسطه‌ای	
(Seyednaghavi et al., 2019; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007; Shafiei and Yazdaviyan, 2009; Nasiri, 2021)	طراحی نظام اطلاعاتی علمی و صنعتی یکپارچه در کشور به‌منظور دسترسی صنعت و دانشگاه به اطلاعات بهنگام		
(Seyednaghavi et al., 2019; Jamalpour and Shafiei, 2010 ;Samadi Mirkalei et al., 2013)	تشکیل شورای سیاست‌گذاری و هماهنگی عرصه فناوری بین دانشگاه و صنعت		
(Seyednaghavi et al., 2019; Thaqafi et al., 2019; Samadi Mirkalei et al., 2013)	توسعه پارک‌های علم و فناوری		
(Hashemi 2017; Thaqafi et al., 2019; Jamalpour and Shafiei, 2010; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007; Samadi Mirkalei et al., 2013; Tabaeiyan and Bushehri, 2010)	برقراری پل‌های ارتباطی بین صنعت و دانشگاه نظیر انجمن‌های غیردولتی (حمایت دولتی از تشکیل نهادهای واسطه خصوصی)		
(Jamalpour and Shafiei, 2010; Foyouzat and Taslimi Tehrani, 2007)	تأسیس شرکت و یا آزمایشگاه تحقیقاتی با سهام‌داری دو طرف (دانشگاه و بخش خصوصی)		

تحول نقشی دانشگاه (Safdari Ranjbar et al., 2016). به‌رغم نگاه‌های متفاوت به چگونگی و چرایی ارتباط نهاد صنعت و دانشگاه در چهارچوب‌های مفهومی گوناگون نیاز به سازوکارهای میانجی در دوره آخر همه این نظریه‌ها با بیان‌های مختلف مشهود است و در دوران اخیر همواره یکی از تأکیدهای این نظریات بر شکل‌گیری این سازوکارها بوده است. همچنین، سازوکارهای واسطه‌ای یا میانجی هر کدام در چهارچوب مفهومی خود نامی متفاوت را برگزیده‌اند و جایگاه اختصاصی در پارادایم خود دارند؛ اما در همه آن‌ها میانجی‌بودن بین دو نهاد دانشگاه و صنعت مشترک است. برای نمونه، انکوباتور^۱ در ادبیات دانشگاه کارآفرین مشابه نهادهای میانجی‌ها^۲ در نظام ملی نوآوری و سازمان‌های پیوندی در نظریه پیچه سه‌گانه است.

در منابع مختلف، تعریف‌های توافقی‌شده درباره سازمان‌های میانجی و کارکردهای آن‌ها وجود ندارد. برهمن اساس، هاولز^۳ ادبیات نهادهای میانجی را همچنان درحال‌شکل‌گیری می‌داند (2016). همچنین، وینچ و کورتی^۴ (2007) که روی میانجی‌های فراساختاری بیشتر تحقیق کرده‌اند، معتقدند نهادهای میانجی سازمان‌هایی‌اند که در جایگاه عضوی از شبکه بازیگران یک سیستم عمل می‌کنند و تمرکزشان بر تولید نوآوری و بر پیاده‌سازی نوآوری نیست، بلکه روی توانمندسازی و ارتباط با دیگر سازمان‌هاست. استوارت و هایسال^۵ (2008) تعریف دیگری از سازمان‌های میانجی ارائه کرده‌اند: «بازیگرانی که فضا و فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند تا دیگر بازیگرانی که در جایگاه توسعه‌دهنده یا مصرف‌کننده شناخته می‌شوند، محصولات فرهنگی یا فنی درحال‌ظهور را خلق یا استفاده کنند». به‌طورکلی میانجی‌ها مراکزی‌اند که فضایی را به فضای دیگر ترجمه می‌کنند (Kanahmadloo and Sepehri, 2017). از آنجایی که مجموعه مسابقات ره‌نشان منبع مستقیم تولید دانش یا نوآوری به حساب نمی‌آید و وظیفه آن اتصال و معرفی دانشجویان به صنعت به‌منظور حل نیازهای فناورانه آنان است، می‌شود ره‌نشان را طبق دو تعریف ذکرشده سازوکار میانجی در نظر گرفت.

به‌علت نوظهوربودن ادبیات نهادهای میانجی علاوه‌بر ابهام در تعریف این نهادها درخصوص کارکردهای آن‌ها نیز نظریات مختلفی وجود دارد. به اعتقاد کلرکس و لیوویس^۶ (2009) میانجی‌های نوآوری سه کارکرد عمده دارند: ۱. پیکربندی تقاضا؛ ۲. شکل‌دهی شبکه؛ ۳. مدیریت فرایند نوآوری. همچنین،

جامعه‌شناختی راهگشای خوبی در این مسیر است. براین اساس، مسئله پژوهش حاضر درخصوص نبود بررسی تجربی و میدانی سازوکارهای میانجی در میدان عمل است، زیرا در پژوهش‌های پیشین فقط در قالب چهارچوب‌های مفهومی یا الگوهای نظری پیشنهاد شده‌اند.

به‌منظور بررسی موضوع پژوهش، یکی از طرح‌هایی که به‌تازگی در زمینه برقراری ارتباط بین دو نهاد صنعت و دانشگاه برنامه‌ریزی شده است، یعنی طرح مسابقات مسئله‌محور بنیاد ملی نخبگان (موسوم به مسابقات ره‌نشان) در این پژوهش بررسی میدانی می‌شود. فرایند کلی این رویداد در قالب حل طرح‌های صنعتی و تعریف‌شده از شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز فعال صنعتی به‌وسیله گروه‌های دانشجویی است. مجموعه مسابقات ره‌نشان در پنج حوزه فناوری طراحی شده است: ۱. ره‌نشان آب و محیط‌زیست؛ ۲. ره‌نشان هوشمندسازی و اقتصاد دیجیتال؛ ۳. ره‌نشان انرژی؛ ۴. ره‌نشان حمل‌ونقل؛ ۵. ره‌نشان زیست‌فناوری. همچنین، تاکنون با ۵۶ طرح از شرکت‌های مختلف مانند مپنا (طراحی یک طبقه توربین فشار بالا)، دیجی‌کالا نکست (نشانه‌گذاری فایل صوتی و متنی)، سل تک فارمد (طراحی سیستم کدینگ و ردیابی ویال‌های بایو بانک‌های سلولی)، کروژ (بهینه‌سازی مجموعه فن مرتبط با خنک‌کن موتور خودروی دنا) و... برگزار شده است. در سومین دوره این رویداد که در ۱۳۹۹ برگزار شد، حدود ۴۵۰۰ نفر از دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی در مقاطع کارشناسی (۶۵ درصد)، کارشناسی ارشد (۲۰ درصد) و دکترا (۱۵ درصد) در فرایندی رقابتی به حل این مسائل پرداخته‌اند. فرایند توزیع و تقسیم افراد در طرح‌های متفاوت و تشکیل گروه‌های مختلف به‌منظور حل این پروژه‌ها با مشکلات متعدد و پیچیده‌ای همراه بوده است. از این‌رو، طراحان رویداد سعی کردند با طی فرایند دوماه‌ای و توجه به عوامل مدیریتی، روان‌شناختی و فنی موجود و تشکیل گروه‌های ایدئال و کارآمد طرح‌های مذکور را اجرا کنند. در این پژوهش قصد داریم که یکی از راهبردهای ارتباط صنعت و دانشگاه را در بطن واقعیت اجتماعی خود واکاوی کنیم تا از طریق پاسخ به سؤال «چرا و چگونه فقط در معدودی از طرح‌ها ارتباط برقرار شده و در بیشتر طرح‌ها (بیش از ۸۵ درصد) ارتباط پایداری شکل نگرفته است»، دانش و فهم موجود در این زمینه را عمق بخشیم.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مرور ادبیات نظری

در زمینه ارتباط صنعت و دانشگاه و سیر تاریخی دگرگونی آن دیدگاه‌های متفاوتی هست که سه دیدگاه از پیراجاع‌ترین و مؤثرترین آن‌ها عبارت‌اند از: نظام ملی نوآوری، پیچه سه‌گانه و

1. Incubator
2. Intermediary
3. Howells
4. Winch and Courtney
5. Stewart and Hyysalo
6. Klerkx and Leeuwis

دانشگاه و صنعت» (Behrouzi, 2010)، «مدلی برای نقش نهادهای میانجی در توسعه همکاری فناورانه بین بنگاه‌ها: مطالعه موردی صنایع هوایی و فضایی ایران» (Elyasi, 2011)، «ارتباط دانشگاه، صنعت، دولت با تکیه بر نقش نهادهای میانجی: مورد پژوهی کانون هماهنگی دانشگاه، صنعت و بازار» (Mo-hammad Hashemi, 2017)، «ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه: فعال‌سازی نهادهای واسطه» (Nasiri, 2021) و «مدل فرایندی نهاد میانجی نوآوری در خلق ارزش‌های مشترک بین نهادی» (Ghods et al., 2023). در ادامه هر یک را مختصر بررسی خواهیم کرد.

طباطبایی و بوشهری (2010) در پژوهش خود پس از بررسی زیرسیستم‌های نظام ملی نوآوری «فن بازار» را در جایگاه سازوکاری جدید به‌منظور بهبود ارتباط صنعت و دانشگاه پیشنهاد می‌دهند. همچنین، به‌منظور تشکیل نهادی واسطه یا میانجی در نظام ملی نوآوری الگویی جدید ارائه می‌دهند. درحالی‌که ایده طرح‌شده به‌صورت تجربی بررسی نمی‌شود. در مقابل، رویکرد پژوهش بهروزی (2010) تجربی است. او در پاسخ به نیازهای شغلی و حرفه‌ای منطقه پارس جنوبی و به‌منظور بررسی توانایی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموختگان دانشگاه‌های ایران تحقیقی انجام داد و سعی کرد الگویی کارآمد ارائه دهد تا ارتباط کارآمد بین دانشگاه و صنعت برقرار شود. اما در این تحقیق نیز در زمینه نیازهای بخش صنعت فقط چهارچوبی مفهومی و با شش بُعد ارائه می‌شود: شخصیتی، مدیریتی، فنی، سازمانی، ارتباطی و شناختی.

در پژوهش الیاسی (2011) ارائه الگویی درخصوص جایگاه نهادهای میانجی در توسعه همکاری فناورانه بین بنگاه‌های مدنظر بوده که در آن بخش هوافضایی کشور به‌منظور مطالعه موردی انتخاب شده است. در این پژوهش با ترکیب روش‌های کمی و کیفی الگویی مفهومی طراحی شد، به‌گونه‌ای که دو متغیر عملکرد نهادهای میانجی و اثربخشی فرایند همکاری به‌ترتیب به‌منزله متغیر مستقل و وابسته انتخاب شدند. درنهایت، مؤثر بودن عملکرد نهادهای میانجی در اثربخشی فرایند همکاری تأیید می‌شود.

محمدهاشمی (2017) ضمن مرور انواع الگوها و نظریه‌های ارتباط بین دانشگاه و صنعت (الگوهای خطی نوآوری، نظام نوآوری و مارپیچ سه‌گانه) سیر دگرگونی‌ها را در تعامل سه نهاد دانشگاه، دولت و صنعت ایران و در قالب تشکیل نهادهای واسطه‌ای بررسی می‌کند. سپس، ضمن شناسایی کارکردهای اصلی نهادهای واسطه‌ای را با موردکاوی الگوهای حاکم و کارکردهای نهاد واسطه‌ای «کانون هماهنگی دانش، صنعت و بازار» از نظر کارکردها و سازوکارها بررسی نظری می‌کند.

نصیری (2021) در تحقیق خود اعتماد را اصلی‌ترین عامل

جانسون^۱ (2008) برای سازمان‌های میانجی پنج کارکرد کلی برمی‌شمارد: ۱. میانجیگری و داوری؛ ۲. پشتیبان و تأمین‌کننده منابع مالی؛ ۳. پالایشگر و مشروعیت‌بخش؛ ۴. واسطه‌فناوری؛ ۵. فراهم‌آورنده منابع و مدیریت. گروه هاوارد^۲ (2007) نیز چهار کارکرد برای میانجی‌ها برشمرده است: ۱. مشاوره؛ ۲. واسطه‌گری فناوری؛ ۳. میانجیگری؛ ۴. فراهم‌آورنده منابع، علاوه‌براین، هاووز (2016) فهرستی از ده کارکرد کلی میانجی‌ها و فعالیت‌های متصور آن‌ها ارائه کرده است: ۱. آینده‌نگاری و تشخیص؛ ۲. پایش و پردازش اطلاعات؛ ۳. پردازش، تولید و ترکیب دانش؛ ۴. دروازه‌بانی و واسطه‌گری؛ ۵. آزمایش و صحه‌گذاری؛ ۶. آموزش؛ ۷. مجوزهای رسمی و استانداردها؛ ۸. قانون‌گذاری؛ ۹. مشروعیت‌بخشی؛ ۱۰. حمایت از مالکیت فکری.

همان‌طور که مشهود است از اصلی‌ترین کارکردهای نهاد میانجی واسطه‌گری و تسهیل ارتباط است. ازاین‌رو، مسابقه ره‌نشان بنا بر نوع تعریف و فرایند خود واجد چنین کارکردی است. در این پژوهش قصد داریم از خلال مطالعه عملیاتی و اجراشده سازوکار میانجی فهم عمیق‌تری از چگونگی عملکرد و نیازهای نهاد میانجی به دست آوریم، موضوعی که با توجه به نوظهور بودن ادبیات نهادهای میانجی تاکنون به آن کم توجه شده است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر نوعی مشارکت در ادبیات سازوکارهای میانجی دانشگاه و صنعت است. در حقیقت، ادبیات شکل‌گرفته در زمینه نهادهای میانجی دانشگاه و صنعت به‌علت نوزایی به علت‌های شکست و یا موفقیت این نهادها کم توجه کرده است، به‌گونه‌ای که همچنان ادبیات این حوزه درحال شکل‌گیری است. علاوه‌براین، در ادبیات موجود بیش از هر چیزی به علت‌های برقرارشدن ارتباط بین نهاد دانشگاه و صنعت اشاره می‌شود و راهبرد را تشکیل نهادهای میانجی مطرح می‌کند. پس از ارائه راهبرد برقراری سازوکارهای میانجی، مطالعه میدانی و عملیاتی آن‌ها ضروری است.

۱-۲. مرور ادبیات تجربی

پژوهش حاضر درخصوص بررسی یک اقدام درحال انجام است (مسابقات ره‌نشان در جایگاه سازوکار میانجی) و ازآنجایی‌که این اقدام برای نخستین بار انجام می‌شود، پیشینه مطالعاتی مستقیمی درباره آن نیست. باوجوداین، تحقیقات پراکنده‌ای در زمینه مطالعه نهادهای میانجی دانشگاه و صنعت انجام شده است که نزدیک‌ترین آن‌ها به پژوهش حاضر عبارت‌اند از: «پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه در قالب نظام نوآوری: مورد مطالعه فن‌بازار» (Tabaeiyan and Bushehri, 2010)، «ارائه مدلی مناسب برای پاسخ به نیازهای بازار کار از طریق ارتباط کارآمد

1. Johnson

2. Howard Partners

صحبت شد. به همین منظور، با دبیر برگزاری مسابقه، دبیر کمیته علمی، مسئول واحد ارتباط با شرکت‌ها و تعریف پروژه و یک نفر از اعضای کمیته علمی مصاحبه عمیق شد.

در مرحله بعد، بر اساس مصاحبه و گفت‌وگو با مسئولین طرح‌ها در ستاد برگزاری و مطالعه پروپوزال طرح‌ها روایت اولیه از تمامی ۵۶ طرح اجرا شده جمع‌آوری، مکتوب و خلاصه شد. جمع‌آوری روایت‌های اولیه با هدف به دست آوردن چهارچوب مصاحبه اولیه و لحاظ تنوع طرح‌های مختلف انجام شد تا انتخاب نمونه به صورت هدفمند در مراحل بعدی انجام شود. روایت اولیه طرح‌های مختلف بر اساس این مؤلفه‌ها تقسیم‌بندی شدند: موفقیت یا موفق نشدن، میزان تداوم و پیشروی طرح، نوع طرح بر اساس سطح فناوری، تعداد افراد و چگونگی ارتباط آن‌ها، میزان مشارکت شرکت در پیشبرد طرح، سطح و توانایی علمی دانشجویان، اندازه شرکت و وجود تخصص‌های لازم. در ادامه، انتخاب نمونه‌ها به گونه‌ای بود که طرح‌های مورد مطالعه از لحاظ تقسیم‌بندی بر مبنای عوامل ذکر شده بیشترین تنوع را داشته باشند. همچنین، موفقیت یا موفق نشدن طرح آشکارا وابسته به عوامل پیش‌بینی‌پذیری مانند عوامل ذکر شده در ادبیات پیشین تحقیق نباشد. برای نمونه، طرح‌هایی که سطح فناوری طرح در آن بالا بوده است و دانشجویان صلاحیت علمی لازم را برای حل آن نداشته‌اند از فهرست بررسی حذف شدند. بر اساس تحلیل روایت اولیه، به منظور مصاحبه عمیق دو طرح انتخاب شد. سپس با توجه به مرور ادبیات انجام شده سؤال‌های نیمه‌ساختاریافته مصاحبه تدوین و فرایند واکاوی سایر طرح‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با دانشجویان و راهبران شرکت‌ها آغاز شد. برای نمونه، سؤال‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بدین قرارند:

۱- تصویر اولیه‌ای که پس از آشنایی با مسابقه ره‌نشان در ذهن شما شکل گرفت چه بود؟

۲- فرایند تعریف طرح در شرکت شما به چه صورتی بود؟
۳- تصور اولیه شما و آنچه در مسابقه مشاهده کردید چه تفاوت‌هایی داشت؟

۴- آیا رابطه شما با گروه برتر بعد از مسابقه ادامه داشت؟ الان وضعیت ارتباطی شما به چه صورت است؟

شیوه انتخاب طرح‌ها بدین صورت بود که پس از انجام دو مصاحبه درباره یک طرح (مصاحبه با دانشجو و راهبر شرکت) نتایج تحلیل و طرح بعدی برای مصاحبه (با توجه به روایت اولیه و داده‌های موجود) انتخاب می‌شد. این فرایند تا به اشباع رسیدن یافته‌ها و تکرار آن‌ها ادامه یافت. در نهایت، ۱۵ طرح (۴ طرح در حوزه انرژی، ۴ طرح در حوزه زیست‌فناوری، ۳ طرح در حوزه هوشمندسازی، ۲ طرح در حوزه حمل‌ونقل و ۲ طرح در حوزه محیط‌زیست) کامل بررسی دوطرفه شد. از طرح‌های مورد مطالعه

برقراردادن ارتباط می‌داند و تشکیل نهادهای واسطه خصوصی را همراه با توصیه‌های سیاستی به منظور قانون‌گذاری ارائه می‌دهد. در نهایت، قدس و همکاران (2023) از طریق مصاحبه با افراد گوناگون در اکوسیستم نوآوری الگویی مفهومی ارائه می‌دهند، به گونه‌ای که فرایندهای شناخت تا تحقق خلق ارزش مشترک بین نهادهای رابطه‌وسیله نهاد میانجی نشان می‌دهند. در حالی که همچنان از بررسی آن در میدان عمل و پسااجرائی شدن دور مانده‌اند.

همان‌طور که در پژوهش‌های فوق مشاهده می‌شود، هیچ یک از پژوهشگران به دنبال بررسی میدانی و عملیاتی سازوکارهای میانجی دانشگاه و صنعت و بیان دلایل شکست یا موفقیت آن‌ها نبوده‌اند. از شش پژوهش مطرح شده، سه پژوهش جنبه نظری دارد و سه پژوهش به صورت تجربی انجام شده است. در سه پژوهش نظری به سازوکاری جدید اشاره می‌شود و پیشنهادهایی به منظور تأسیس نهادهای میانجی با الگوهای متفاوت ارائه می‌شود. حال آنکه در نظر ما آنچه اهمیت دارد آن است که این سازوکارهای میانجی در بطن واقعیت‌های اجتماعی چگونه عمل می‌کنند و آیا می‌توانند کارکردهای برشمرده شده در عالم نظر را در میدان تجربه نیز به منصه ظهور برسانند یا خیر. در سه پژوهش استخراج شده از درون بررسی‌های تجربی، با وجود رویکرد تجربی، به مسئله اصلی این پژوهش (واکاوی نهاد میانجی دانشگاه و صنعت پس از شکل‌گیری) پرداخته نمی‌شود، زیرا نگاهی پیشینی و پیشنهادی دارند. در جمع‌بندی تصریح می‌شود که هیچ کدام از پژوهش‌های انجام شده یک نهاد میانجی دانشگاه و صنعت را در میدان واقعیت بررسی نکرده است، به گونه‌ای که علت‌های موفقیت یا شکست آن نهاد پس از پیاده‌سازی و اجرا بررسی نشده است. از این رو، در این پژوهش قصد داریم به منظور پرکردن این خلأ گامی برداریم.

۲. روش پژوهش

از آنجایی که سؤال اصلی تحقیق درخصوص کشف چگونگی عملکرد نهاد میانجی و چرایی موفقیت یا موفق نشدن آن است و نظر به اینکه تحقیقات کیفی برای پاسخ به سؤال‌هایی مناسب‌ترند که به چیستی و چگونگی می‌پردازند (Straus and Corbin, 1990) رویکرد اصلی این تحقیق کیفی است. همچنین، مطالعه حاضر تحقیقی - اکتشافی است و از آنجایی که در این پژوهش داده‌ها و نظریات پیشینی‌ای وجود ندارد که امکان تولید فرضیه و آزمودن آن‌ها فراهم باشد، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است.

اولین گام پژوهش، درک فرایند برگزاری رویداد و فهم مسئله‌ای است که این مسابقه در پی پاسخ‌دادن به آن طراحی شده است. از این رو، ابتدا با برگزارکنندگان اصلی مسابقه و طراحان آن درباره تاریخچه مسابقه، هدف برگزاری، فرایند و مراحل مختلف آن

۴ طرح موفق بود و بقیه موفق نبودند.

در پژوهش حاضر، محقق پس از مصاحبه با راهبران شرکت‌ها و مکتوب کردن سطر به سطر گفت‌وگوها، گفته‌های مشارکت‌کنندگان را بررسی و کدگذاری کرد. در مرحله نخست، مصاحبه با راهبران شرکت‌ها و دانشجویان در دو دسته متباین جداگانه کدگذاری شد: ۱. روایت انجام‌دهندگان طرح؛ ۲. روایت تعریف‌کنندگان طرح. روایت‌های به‌دست‌آمده و کدگذاری‌های اولیه به ستاد مرکزی و مجریان ره‌نشان ارائه و بازخوردگیری شد. در مرحله بعد، با مرور کدهای تولیدشده مرحله نخست، کدهای موجود در روایت مرتبط با هر طرح مقایسه و تحلیل شد. همچنین، با مقایسه روایت طرح‌ها با یکدیگر نظامی واحد بین آن‌ها کشف و مفهوم‌پردازی شد. در این مرحله، برخلاف مراحل قبلی که روایت انجام‌دهندگان (دانشجویان) و تعریف‌کنندگان (شرکت‌ها) جداگانه تحلیل می‌شد، هر دو روایت به‌صورت ادغام‌شده بررسی و نظریه‌پردازی شد. به‌منظور ارزیابی نتایج دوباره به ستاد برگزاری و چند نفر از صاحب‌نظران این حوزه ارائه شد.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱-۱-۳ یافته‌های توصیفی

نتایج مصاحبه با هر دسته از دانشجویان و راهبران شرکت‌ها با دو عنوان کلی «روایت تعریف‌کنندگان طرح» و «روایت انجام‌دهندگان طرح» در طرح‌های مختلف جمع‌آوری، کدگذاری، مقوله‌بندی و با ادبیات توصیفی بیان شد. سپس پس از توصیف دو روایت تعریف‌کنندگان و انجام‌دهندگان طرح‌ها، یافته‌ها تحلیل و نتایج آن در دو قسمت عوامل اصلی و عوامل تقویت/تضعیف‌کننده بیان شد.

۳-۱-۱-۳ روایت تعریف‌کنندگان طرح (شرکت)

روایت تعریف‌کنندگان طرح‌ها که حاصل گفت‌وگو با راهبران ۱۵ شرکت است در پنج مقوله دسته‌بندی و توصیف شدند: ۱. چگونگی ارتباط اولیه و انگیزه حضور؛ ۲. تعریف طرح؛ ۳. راهبری (منتورینگ)؛ ۴. خروجی و نتایج مسابقه؛ ۵. ارزیابی‌های عمومی فرایند. هر یک از این پنج دسته شامل دسته‌بندی‌هایی است که در ادامه تشریح می‌شود. در جدول ۱ خلاصه دسته‌بندی‌ها و مصاحبه ارجاع‌شده آورده شده است (برای اطلاع از توضیحات بیشتر درخصوص مضامین استنتاج‌شده در هر یک از مقوله‌های فوق و نیز نقل‌های مستقیم از مصاحبه‌ها که ناظر بر مضامین استنتاج‌شده‌اند نگاه کنید به Davari, 2021. p 105-52).

۳-۱-۱-۳ چگونگی ارتباط اولیه و انگیزه حضور

به‌رغم ارائه و معرفی یکسان ستاد برگزاری ره‌نشان برای مجموعه‌ها

و شرکت‌های تعریف‌کننده طرح، شرکت‌ها با انگیزه و تصورات مختلفی در این طرح همکاری می‌کردند. در مصاحبه با راهبران ۱۵ طرح چگونگی ارتباط اولیه ایشان با طرح و انگیزه اصلی حضورشان احصا شد و به نظر رسید انگیزه از عوامل مؤثر در موفقیت و یا موفق نشدن طرح باشد. در مجموع انگیزه‌های مختلف شرکت‌ها از حضور در رویداد در سه دسته کلی تقسیم‌بندی و مفهوم‌پردازی شدند: ۱. شرکت‌هایی که انگیزه اصلی آن‌ها جذب یک گروه مستقل برای انجام طرح‌های مشخص بود؛ ۲. شرکت‌هایی که تحت عنوان جذب نیروی انسانی در فرایند همکاری کردند؛ ۳. شرکت‌هایی که هدف اصلی آن‌ها جذب افراد و استعدادهای برتر و متناسب با موضوع کاری خود به‌صورت فردی بود. همچنین، دسته سوم با انگیزه به‌دست‌آوردن دانش فنی مرتبط با طرح نیز در مسابقات ره‌نشان شرکت کردند.

۳-۱-۱-۲ تعریف طرح

دومین قسمت از روایت هر طرح درباره فرایند تعریف طرح در درون شرکت است. شرکت‌ها پس از مواجهه اولیه با طرح و توجه آن، طرح‌های خود را برای ره‌نشان ارسال می‌کنند. شرکت‌ها با توجه به انگیزه و برداشت‌های متفاوتشان از طرح هر کدام طرح شرکت در مسابقه را متفاوت تعریف کرده‌اند. برای نمونه، راهبر طرح «طراحی و ساخت ایستگاه شارژ خودروی برقی» چنین نقل می‌کند: «ما این پروژه را قبلاً در شرکت انجام داده بودیم و چون تا حد زیادی مسلط بودیم می‌توانستیم برای ارزیابی بیچه‌ها استفاده کنیم.» درحالی‌که راهبر طرح «تولید ماده تعلیق‌شکن نفت خام» بیان می‌کند: «ما به‌دنبال ارتقای محصول و ورود به بازارهای جدید بودیم.» از این رو، طرح‌های تعریف‌شده در سه عنوان تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱. توسعه‌ای (طرحی که شرکت به دنبال ارتقای محصولات فعلی یا تولید محصولی جدید است)؛ ۲. آزمایشی (طرحی که به‌منظور سنجش دانشجویان تعریف شده است)؛ ۳. نیازفعال (طرحی که شرکت نیاز ضروری و بالفعل به دانش فنی آن دارد). در بین طرح‌های بررسی‌شده، دسته اول و سوم یعنی طرح‌های توسعه‌ای و نیازفعال سهم بیشتری از طرح‌های مطرح‌شده را به خود اختصاص دادند و از مجموع ۱۵ طرح بررسی‌شده، ۶ طرح در دسته اول، ۲ طرح در دسته دوم و ۷ طرح در دسته سوم قرار می‌گیرند.

۳-۱-۱-۳ راهبری طرح

منظور از راهبری طرح راهنمایی و منتورینگ به‌وسیله راهبر معرفی‌شده از سوی شرکت برای هدایت دانشجویان است. بر اساس طراحی انجام‌شده ستاد برگزاری مسابقه راهبران موضوع طرح را تشریح می‌کنند، به سؤال‌های دانشجویان پاسخ می‌دهند و آنان را در رسیدن به جواب مدنظر هدایت می‌کنند. از لحاظ

جدول ۱: خلاصه راهبردهای ارائه‌شده به منظور ارتباط صنعت و دانشگاه

روایت تعریف‌کنندگان طرح	چگونگی ارتباط اولیه و انگیزه حضور	جذب گروه مستقل ناظر به طرح	م ۱، م ۲، م ۳، م ۷، م ۹
		شناسایی و جذب افراد مستعد	م ۴، م ۶، م ۱۰، م ۱۵، م ۱۴
		کسب دانش فنی در طرح	م ۵، م ۸، م ۱۱، م ۱۲، م ۴، م ۱۳، م ۱۳
	تعریف طرح	طرح‌های توسعه‌ای	م ۲، م ۳، م ۱، م ۷، م ۱۳، م ۹
		طرح‌های آزمایشی	م ۱۲، م ۶
		طرح‌های نیاز فعال	م ۴، م ۱۱، م ۱۰، م ۵، م ۸، م ۱۴
	راهبری	راهبری فعال	م ۲، م ۱۱، م ۱۴، م ۷
		راهبری منفعل	م ۳، م ۱۲، م ۴، م ۶، م ۱، م ۵، م ۸، م ۱۳، م ۹
	خروجی نهایی و استفاده از نتایج مسابقه	برقراری ارتباط پایدار	م ۷، م ۲، م ۱۴
		برقراری ارتباط اولیه	م ۱۱، م ۱۵، م ۹، م ۸، م ۶
		برقرارشدن ارتباط	م ۳، م ۱۲، م ۴، م ۱، م ۱۰، م ۱۴، م ۱۳
		استاندارسازی طرح‌ها	م ۱، م ۱۴
		نبود ارتباط مستقیم	م ۲، م ۳، م ۱۲، م ۴، م ۱۰، م ۱۵، م ۹
	ارزیابی عمومی فرایندها	نبود مشارکت شرکت در تقسیم‌بندی مراحل طرح	م ۱۲، م ۱۰، م ۱۵، م ۲
		نامشخص بودن شیوه داوری	م ۳، م ۱۲، م ۴
		تقویت برند شرکت	م ۳، م ۱۲، م ۴، م ۱۱، م ۱۰، م ۱۵
		محرمانگی اطلاعات	م ۱۲، م ۴، م ۱۰، م ۱۵
		محدودیت‌های زمانی	م ۱۲، م ۴، م ۱۴
پنداره نخبگی	- م ۲، م ۱، م ۱۱، م ۱۰، م ۱۵، م ۶، م ۱۳		

در نتیجه انگیزه‌های متفاوت در تعریف مسئله انتظار شرکت‌های مختلف از خروجی مسابقه نیز متفاوت است. از این رو، خروجی‌های مسابقه در سه دسته قرار می‌گیرند: ۱. ارتباط پایدار: طرح‌هایی که شرکت تعریف‌کننده از خروجی فرایند رضایت کامل داشته و دانشجویان نیز همکاری خود را با طرح آغاز کرده‌اند و این همکاری برای مدت بسیاری ادامه داشته است (۳ طرح): ۲. ارتباط اولیه: طرح‌هایی که شرکت از خروجی فرایند رضایت داشته و دانشجویان را دعوت به همکاری کرده است؛ اما ارتباط پس از مدت کوتاهی قطع شده است (۵ طرح)؛

دستور کار شیوه راهبری در همه طرح‌ها یکسان است، اما در نگاهی عمیق‌تر راهبری طرح‌ها در دو حالت فعال (۴ طرح) و منفعل (۱۱ طرح) انجام شده است. منظور از راهبری فعال شیوه‌ای است که راهبر مسائلی مانند هدایت دانشجویان، کمک به حل مسئله، شناسایی فردی دانشجویان، استعدادیابی و... را خودجوش در دستور کار خود قرار می‌دهد. از پیش‌نیازهای این رویکرد تسلط علمی راهبر بر موضوع طرح و روحیه تربیتی - آموزشی راهبر است.

۳-۱-۱-۴. خروجی نهایی و استفاده از نتایج

۳. برقرارنشدن ارتباط: طرح‌هایی که شرکت از خروجی فرایند رضایت نداشته و در نتیجه آن همکاری‌ای نیز میان دانشجویان و شرکت آغاز نشده است (۷ طرح).

۳-۱-۱-۵. ارزیابی عمومی فرایند

مصاحبه‌شوندگان در حین بیان روایت به‌صورت ضمنی و یا مستقیم درباره ارتقا و بهبود مسابقه پیشنهادهایی مطرح کردند که تحت مفاهیم مختلف دسته‌بندی شدند. مهم‌ترین آن‌ها در ادامه می‌آید.

۳-۱-۱-۵-۱. استانداردسازی طرح‌ها

از آنجایی که طرح‌های گوناگون مراحل مختلفی دارند به زمان‌های متفاوتی نیز نیاز دارند. از این‌رو، یکسان‌سازی آن‌ها در طول مسابقه سبب ناراضی شدن تعدادی از شرکت‌ها شده و به عقیده آنان از علت‌های اصلی موفق نشدن است.

۳-۱-۱-۵-۲. محرمانگی اطلاعات

در طرح‌هایی که امکان تجاری‌سازی دارند و کسب منفعت مادی از آن‌ها مترتب است، موضوع محرمانگی اطلاعات مهم است، به‌گونه‌ای که بی‌توجهی به آن سبب بروز مشکلاتی در طی فرایند می‌شود. محرمانگی اطلاعات که در زمینه مالکیت معنوی نیز تعریف می‌شود، در تعدادی از طرح‌ها موجب بروز مشکلاتی شده است و راهبران متعددی به آن اشاره کرده‌اند.

۳-۱-۱-۵-۳. محدودیت‌های زمانی

یکی از مسائل محدودکننده همکاری با دانشجویان و یا راهبری در طول مسابقه محدودیت‌های زمانی در شرکت‌های تعریف‌کننده طرح بوده است که تعدادی از راهبران در مصاحبه‌های خود بدان اشاره کردند.

۳-۱-۱-۵-۴. پنداره نخبگی

در بسیاری از طرح‌ها مسئولان شرکت‌ها رفتارهایی از دانشجویان مواجه بوده‌اند که بیانگر «پرتوقعی» و یا «زیاده‌خواهی» آنان بوده است. تعدادی از مسئولان شرکت‌ها معتقدند دانشجویان با تصور نخبه‌بودن و یا تحصیل‌کرده دانشگاه‌های برتر بودن از شرکت انتظارات بسیار زیادی درخواست کرده که مستحق آن نبوده‌اند. همچنین، آن‌ها معتقدند این پنداره در دانشجویان دانشگاه‌های برتر کشور بیشتر است.

۳-۱-۲. روایت انجام‌دهندگان طرح (دانشجویان)

مصاحبه‌های انجام‌شده با ۱۵ نفر از سرگروه‌های گروه‌های برتر هر طرح با عنوان روایت انجام‌دهندگان در شش مقوله توصیف شدند: ۱. چگونگی ارتباط اولیه و انگیزه حضور؛ ۲. انتخاب

طرح؛ ۳. گروه‌سازی؛ ۴. راهبری (منتورینگ)؛ ۵. خروجی و نتایج مسابقه؛ ۶. ارزیابی‌های عمومی فرایند. در ادامه هر یک با شواهد استخراج‌شده از مصاحبه‌ها بیان می‌شود.

۳-۱-۲-۱. ارتباط اولیه و انگیزه حضور

دانشجویان مختلف با انگیزه‌ها و هدف‌های گوناگونی در این مسابقه شرکت کردند، به‌گونه‌ای که تفاوت انگیزه‌ها در برقراری یا برقرارنشدن ارتباط پس از مسابقه اثرگذار بوده است. در مصاحبه‌های انجام‌شده با دانشجویان و جمع‌آوری روایت حضور آنان در طرح سه نوع انگیزه و هدف اولیه برای حضور در مسابقه احصا شد: ۱. هدف و انگیزه حضور اولیه با هدف «کسب تجربه صنعتی» بوده است. بسیاری از دانشجویان شرکت‌کننده درس‌های دانشگاهی را کافی نمی‌دانستند و به دنبال اجرای یک طرح صنعتی با هدف افزایش تجربه و یادگیری در عمل بوده‌اند؛ ۲. دانشجویانی که با هدف «جذب در شرکت‌ها و استخدام» وارد فرایند مسابقه شده‌اند؛ ۳. کسانی که با هدف «ارتقای رزومه» وارد این رویداد رقابتی شده‌اند تا با کسب مقام و یا امتیاز نخبگی رزومه کاری خود را پُر بار کنند.

۳-۱-۲-۲. انتخاب طرح

بررسی روایت گروه‌های برگزیده در مسابقه نشان می‌دهد که بیشتر گروه‌های برتر مسابقه پیش‌زمینه‌ای دانشگاهی در زمینه طرح‌هایی که در حال اجرای آن بوده‌اند، داشته‌اند. کاربردی شدن پژوهش‌های دانشگاهی در این مسابقه از نقاط امیدبخش است و به نظر می‌رسد افرادی که طرح دانشگاهی مشابهی را پیش‌تر انجام داده‌اند با احتمال بیشتری جزو رتبه‌های برتر قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که از ۱۵ طرح بررسی‌شده ۱۱ طرح پیش‌زمینه دانشگاهی مشابه داشتند و ۴ طرح بدون پیش‌زمینه بودند.

۳-۱-۲-۳. راهبری (منتورینگ)

راهبری در این بخش نیز شبیه روایت تعریف‌کنندگان به دو دسته فعال و منفعل تقسیم می‌شود. از لحاظ شیوه راهبری بیشتر طرح‌ها (۱۲ طرح) در دسته راهبری منفعل قرار می‌گیرند و اکثر دانشجویان تجربه مثبتی از راهبری نداشته‌اند. به نظر می‌رسد علاوه بر مؤثر بودن روحیه فردی راهبر و سطح علمی وی شیوه راهبری متأثر از مؤلفه‌های ساختاری درون شرکت‌ها نیز اثرگذار است. برای نمونه، وجود ضرب‌الاجل‌های مهم سازمانی در قراردادهای تجاری درون شرکت ممکن است راهبر را به راهبری مسابقه بی‌انگیزه کند.

۳-۱-۲-۴. ارتباط با شرکت

مشابه قسمت روایت شرکت‌کنندگان، ارتباط با شرکت در سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. ارتباط اولیه (۴ طرح)؛ ۲. ارتباط پایدار

(۳ طرح): ۳. برقرارنشدن ارتباط (۸ طرح).

۳-۱-۲-۵. ارزیابی عمومی فرایند

مصاحبه‌شوندگان (دانشجویان) ضمن پاسخ‌گویی به سؤال‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم، پیشنهادهایی را به‌منظور ارتقا و یا بهبود مسابقه مطرح کردند: ۱. حساسیت به مالکیت معنوی و احساس دانشجویان مبنی بر سوءاستفاده شرکت: بسیاری از دانشجویان چه در حین برگزاری مسابقه و چه پس از آن احساس می‌کردند شرکت از دانش تولیدشده سوءاستفاده می‌کند و یا به مالکیت معنوی دانش تولیدشده به‌وسیله آن‌ها بی‌توجه است؛ ۲. نبود هماهنگی راهبر و کارویژه‌ها: مشابه آنچه در بخش مربوط به روایت شرکت‌ها ذکر گردید، یکی از انتقادهای مطرح‌شده

دانشجویان، آشنانبودن راهبر با کارویژه‌هایی^۱ است که به‌منظور تقسیم‌بندی مراحل مختلف اجرای مسابقه تدوین شده‌اند. نبود هماهنگی میان راهبران و طراحان سؤال‌های کارویژه‌ها سبب بروز مشکلاتی در تعدادی از طرح‌ها شده است؛ ۳. استانداردسازی: یکی از انتقادهایی که در حین بیان روایت‌ها مطرح شد برخورد یکسان و مشابه با همه طرح‌ها بود. ازجمله نمونه‌های برخورد یکسان و استانداردسازی می‌توان طراحی مراحل اجرای طرح، زمان اختصاص‌داده‌شده به هر مرحله و سؤال‌های طرح‌شده مرتبط با طرح‌ها را نام برد.

جدول ۲: استخراج و تحلیل روایت انجام‌دهندگان طرح

روایت تعریف انجام‌دهندگان	چگونگی ارتباط اولیه و انگیزه حضور	کسب تجربه صنعتی	م ۱۹، م ۱۶، م ۲۱، م ۲۸، م ۲۲
		جذب در شرکت و استخدام	م ۱۷، م ۱۸، م ۲۳، م ۲۹، م ۲۴، م ۲۰
		ارتقای رزومه	م ۲۶، م ۲۷، م ۳۰، م ۲۵
	انتخاب طرح	پیش‌زمینه دانشگاهی	م ۱۷، م ۱۸، م ۱۵، م ۲۶، م ۲۱، م ۲۵، م ۲۹، م ۳۱، م ۲۴، م ۳۰
		بدون پیش‌زمینه	م ۲۳، م ۱۹، م ۲۰، م ۲۲، م ۲۳، م ۲۶، م ۲۷، م ۲۸
	راهبری	راهبری فعال	م ۱۹، م ۲۲، م ۲۵، م ۲۶، م ۲۷، م ۳۰
		راهبری منفعل	م ۱۸، م ۱۶، م ۱۷، م ۲۱، م ۲۹، م ۲۳، م ۲۸، م ۲۴، م ۲۰
	خروجی نهایی و استفاده از نتایج مسابقه	برقراری ارتباط پایدار	م ۱۷، م ۲۹، م ۲۲
		برقراری ارتباط اولیه	م ۲۱، م ۲۳، م ۲۴، م ۳۰
		برقرارنشدن ارتباط	م ۱۶، م ۱۸، م ۱۹، م ۲۰، م ۲۵، م ۲۶، م ۲۷، م ۲۸
	ارزیابی عمومی فرایندها	حساسیت به مالکیت معنوی و احساس سوء‌استفاده	م ۱۸، م ۱۷، م ۲۷، م ۲۱، م ۲۸، م ۲۰
		نبود هماهنگی راهبر و کارویژه‌ها	م ۱۶، م ۱۹
		استانداردسازی	م ۲۱، م ۲۵

۱. اجرای هر طرح به مراحل مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود. هر مرحله که شامل سؤال‌های ناظر به بخشی از طرح است در قالب کارویژه آن مرحله به دانشجویان ارائه می‌شود.

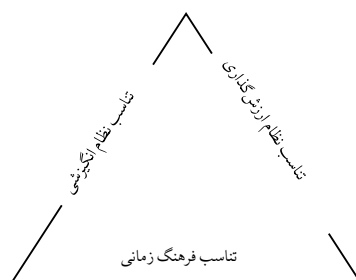
۲-۳. تحلیل یافته‌ها

بررسی میدان تحقیق نشان می‌داد که فقط معدودی از طرح‌ها در برقراری ارتباط موفق بوده‌اند و در بیشتر آن‌ها همکاری میان شرکت‌های تعریف‌کننده طرح به نمایندگی از بخش صنعت و دانشجویان به نمایندگی از دانشگاه آغاز نشده است، به گونه‌ای که بلافاصله پس از پایان مسابقه حدود ۴۰ درصد شرکت‌ها تمایل نداشتن خود را به همکاری اعلام کرده بودند (این آمار با گذشت زمان به حدود ۸۵ درصد رسیده است). روند اجرای پژوهش ما را به سمت پاسخ به این سؤال پیش برد: «چرا تعداد کمی از طرح‌ها در نهایت به برقراری ارتباط منجر می‌شوند و در بیشتر طرح‌ها ارتباط پایداری شکل نمی‌گیرد؟». از این رو، با مدنظر گرفتن پاسخ تبیینی به این سؤال دوباره مصاحبه‌ها و یافته‌های توصیفی را کنار هم گذاشتیم. در تحلیل مصاحبه‌ها و یافته‌های توصیفی ۳ عامل اصلی و ۴ عامل تقویت/تضعیف‌کننده شناسایی شد که ما را در دستیابی به فهم عمیق‌تر از پدیده مورد مطالعه رهنمون ساخت. در این تحلیل عواملی که اثربخش نبودند و یا مربوط به ضعف در اجرای فرایند بودند بررسی و حذف شدند و سایر عوامل که اثربخشی آن در کلیت فرایند برای ما محرز شده بود به صورت ضمنی در عوامل اصلی و عوامل

تقویت/تضعیف‌کننده دسته‌بندی شدند. به عبارت دیگر، عواملی مانند «نبود هماهنگی راهبر با کارویژه‌ها» که بیشتر ناشی از ضعف در فرایند اجرایی بعضی از طرح‌ها بودند و یا اثر مهمی در پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش نداشتند، فقط توصیف شدند.

۳-۲-۱. عوامل اصلی

پاسخ به سؤال چرایی برقرارنشدن ارتباط در بیشتر طرح‌ها و برقراری ارتباط در تعداد کمی از طرح‌ها در پرتو تناسب میان دو طرف انجام‌دهندگان طرح‌ها (دانشجویان) و تعریف‌کنندگان طرح‌ها (شرکت‌ها) در سه وجه شناسایی می‌شوند: ۱. نظام انگیزشی؛ ۲. فرهنگ زمانی؛ ۳. نظام ارزش‌گذاری. بنابراین، هر وقت هر سه وجه در دو طرف رابطه با یکدیگر تناسب داشته باشند، رابطه برقرار می‌شود و هر وقت این تناسب نباشد ارتباط برقرار نمی‌شود. علت آنکه در بیشتر مواقع این ارتباط برقرار نمی‌شود آن است که هر یک از مؤلفه‌های ذکر شده تنوع متفاوتی دارند و به صورت پیش‌فرض تطابق و تناسب این مؤلفه‌ها به ندرت یا به صورت تصادفی رخ می‌دهد و همین سبب می‌شود که در بیشتر طرح‌ها ارتباط برقرار نشود.



شکل ۱: سه‌گانه اصلی برقراری ارتباط

است که ما آن را با عنوان «نبودن تناسب در نظام ارزش‌گذاری» مفهوم‌پردازی می‌کنیم. در بسیاری از طرح‌ها، میزان ارزش (مادی یا معنوی) دانش تولیدشده و یا گردآوری‌شده محل اختلاف بین دانشجویان و شرکت‌ها بوده است. به گونه‌ای که دانشجویان دانش فنی تولیدشده یا جمع‌آوری‌شده را بسیار باارزش‌تر از مبالغ پیشنهادی شرکت‌ها و یا جوایز مسابقه ارزیابی کردند و حاضر به همکاری با شرکت نشده‌اند. اختلاف بر سر میزان ارزش دانش تولیدشده در بعضی از طرح‌ها به حدی زیاد بوده است که شرکت‌کنندگان از در اختیار قراردادن مستندات خود به منظور ارزیابی راهبر شرکت امتناع کردند و بیم داشتند حقوق مالکیت معنوی دانش فنی خود را از دست بدهند. درحالی‌که به باور

در این سه‌گانه (شکل ۱) تناسب نظام انگیزشی بر وجود تنوع در انگیزه‌های دو طرف تأکید می‌کند. همان‌طور که در یافته‌های توصیفی بیان شد، دو طرف این رابطه با انگیزه‌های متفاوتی همکاری خود را شروع می‌کنند، اما پس از پایان مسابقه که موقف اصلی ثمربخشی است، رابطه‌ای برقرار نمی‌شود و این مربوط به نبود تناسب انگیزه اولیه در افراد و شرکت‌ها به منظور شروع همکاری مشترک است.

مباحث مربوط به مالکیت معنوی، محرمانگی اطلاعات، ارزش دانش فنی تولیدشده و میزان حقوق و دستمزد از موضوعاتی است که به علت نبود هنجار و قواعد یکسان برای دو طرف و بروز تعارض منافع به هنگام توافق، سبب مشکلات جدی شده

نوپا در تعامل با دانشجویان کارشناسی‌ارشد شاهدی بر این تناسب است. در نهاد صنعت، رقابت مهم‌ترین مسئله است و زمان در رقابت بین بازیگران بسیار اثرگذار است. از همین رو، اهمیت، ارزش و درک زمان در نهاد صنعت بسیار جدی‌تر از نهاد دانشگاه و به‌ویژه دانشجویان است. برای نمونه، عقب‌افتادن کارها و یا تمام‌نکردن کارها در زمان مقرر در محیط دانشگاهی بسیار هزینه‌زا نیست و زیاد به آن توجه نمی‌شود، اما در محیط صنعتی تمام‌نکردن پروژه‌ای در زمان مقرر ممکن است هزینه‌های زیادی را در پی داشته باشد. در فرهنگ زمانی دانشجویان احتمال تغییر بسیار است و این تغییرات با سهولت زیادی نیز انجام می‌شود. درحالی‌که تغییر در برنامه‌های زمانی صنعت دشوار و بسیار هزینه‌بردار است.

۲-۲-۳. عوامل تقویت/تضعیف‌کننده

علاوه بر شناسایی عوامل اصلی برقراری ارتباط چهار عامل دیگر نیز با عنوان عوامل تقویت/تضعیف‌کننده شناسایی شدند:

۱. راهبری فعال؛ ۲. تعریف دقیق و متناسب طرح؛ ۳. اشتها شرکت؛ ۴. شکل‌گیری تعامل اجتماعی. منظور از راهبری فعال شیوه‌ای است که راهبر مسائلی مانند هدایت دانشجویان، کمک به حل مسئله، شناسایی فردی افراد، استعدادیابی و ... را خودجوش در دستور کار خود قرار می‌دهد. در طرح‌هایی با راهبری فعال به واسطه تعامل بسیار دو طرف احتمال تغییر نظام انگیزشی و نظام ارزش‌گذاری بیشتر می‌شود، درنتیجه احتمال برقراری ارتباط بیشتر می‌شود.

تعریف دقیق طرح و مشخص شدن خواسته‌های شرکت از طرح احتمال برقراری ارتباط را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، نبود تعریف دقیق و متناسبی از طرح موجب می‌شود دو طرف فهم مشترکی درباره طرح نداشته باشند. درنتیجه دانشجویان در مسیرهایی حرکت می‌کنند که مدنظر شرکت نیست. همچنین، در بعضی از سفارش‌ها طرح‌های تعریف‌شده از لحاظ فنی - علمی متناسب با بازه زمان مسابقه و سطح علمی دانشجویی نبوده و درنتیجه شرکت نیز از خروجی و مستندات دانشجویان رضایت نداشته است.

از عوامل تعدیل‌کننده تفاوت در نظام ارزشی دو طرف که بیشتر در کاهش انتظارات دانشجویان اثرگذار است، اشتها شرکت تعریف‌کننده طرح است. بر پایه روایت‌ها، دانشجویان در مواجهه با شرکت‌هایی با برند مطرح و یا فناوری‌های سطح بالا پنداره نخبگی کمتری از خود نشان می‌دهند، به گونه‌ای که دانشجویان شرکت‌کننده در این طرح‌ها انتظارات کمتری دارند. در مقابل، انتظارات سایر شرکت‌کنندگان در طرح‌های تعریف‌شده از شرکت‌های متوسط و یا نوپا بیشتر است.

شکل‌گیری تعامل اجتماعی نیز مؤلفه‌ای نوظهور است که

شرکت دانش فنی تولیدشده ارزشی بابت مالکیت فکری و معنوی ندارد، زیرا شرکت در حال حاضر سطوح بالاتری از دانش فنی تولیدشده به‌وسیله دانشجویان را در اختیار دارد. تفاوت در نظام ارزش‌گذاری فقط محدود به دانش فنی تولیدشده در طول مسابقه نبوده است و در بعضی از طرح‌ها چگونگی ارزش‌گذاری ادامه فعالیت دانشجویان در همکاری با شرکت نیز محل اختلاف بوده است. یکی دیگر از موضوعاتی که در ذیل عنوان «نبودن تناسب در نظام ارزش‌گذاری» می‌شود بدان پرداخت بحث «محرمانگی» اطلاعات است. برخلاف موضوعات قبلی، معمولاً دانشجویان به موضوع محرمانگی اطلاعات بی‌اعتنا هستند. علاوه بر این، تفاوت در نظام ارزش‌گذاری در تعیین میزان حقوق و دستمزد در شرکت‌هایی که قصد جذب و استخدام داشته‌اند مشکلاتی پدید آورده است، به گونه‌ای که از نظر مسئولان آن شرکت‌ها حقوق درخواستی دانشجویان متناسب با ارزش کار آنان نبوده است. علت این پدیده که به‌زعم ما از مهم‌ترین مسائل ارتباط صنعت و دانشگاه نیز هست، آن است که دو طرف از دو نهاد مختلف شروع به همکاری کرده‌اند و هنجارها و شیوه‌های ارزیابی‌شان متفاوت از یکدیگر است. در حقیقت، هنجارها و قواعد دو نهاد صنعت و دانشگاه درباره مسائل مالکیت معنوی، محرمانگی و شیوه اعتبارسنجی دانش فنی با هم متفاوت است. هنگامی که دانشجویی وارد میدان جدیدی می‌شود که هنجارها و قواعد قبلی او فاقد ارزش است، نمی‌تواند خود را با قواعد میدان جدید منطبق کند. البته این مسئله هم‌زمان برای طرف صنعت نیز درست است. برای نمونه، در دانشگاه دانش تولیدشده به‌وسیله اجتماع علمی و با میزان ارجاع ارزش‌گذاری می‌شود و پاداش آن به‌وسیله سرمایه‌نمادین یا اعتبار به فرد تولیدکننده دانش اعطا می‌شود. انحصار دانش مذموم و اشتراک‌گذاری آن ارزشی هنجاری است. درحالی‌که در صنعت محرمانگی اولویت است و دانش با میزان ثروت‌آفرینی‌اش ارزیابی می‌شود. از این رو، محرمانگی نیز بسیار اهمیت می‌یابد. فردی که از نهاد اول همکاری‌ای را با نهاد دوم آغاز می‌کند نمی‌تواند ارتباط پایداری با طرف مقابل برقرار کند، زیرا با نگاه و هنجاری وارد گفت‌وگو شده است که از اساس با هنجارها و بینش طرف مقابل متفاوت است.

«تناسب فرهنگ زمانی» درباره تفاوت اهمیت و ساختار زمان در دو طرف ارتباط است. در شرکت‌های صنعتی زمان از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجرای هر طرح است و زمان اتمام طرح بسیار مهم است، به گونه‌ای که بی‌توجهی به آن خسارت‌های سنگینی را به شرکت‌ها وارد می‌کند. درحالی‌که زمان در دسترس دانشجویان به‌منظور همکاری و همچنین درک اهمیت این مقوله در دوره و شرایط متفاوت دانشجویان تغییر کرده است. از این رو، فقط در مواقعی ارتباط برقرار می‌شود که این دو مقوله نزد دو طرف در وضعیت مشابهی قرار بگیرند. برای نمونه، طرح‌های شرکت‌های

انتظارات بیشتری را در ذهنش برای حمایت و جبران ارزش تولیدی خودش متصور است و طبیعتاً در ارتباطات بعدی نیز با مشکلاتی از این جنس مواجه خواهد شد.

سؤال مهم‌تری که در پی این اتفاق به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا رهنشان موفق عمل نکرده است. به بیان دقیق‌تر و متناسب با ادبیات تولیدشده در این تحقیق چرا سه‌گانه نظام ارزش‌گذاری، فرهنگ زمانی و نظام انگیزشی به‌ندرت در تناسب با یکدیگر قرار می‌گیرند. در پاسخ باید گفت پدیده مهمی که رهنشان در طراحی فرایند خود بدان توجه نکرده است، تفاوت ماهوی این دو نهاد است که به‌طور طبیعی بیشتر در میان اعضا و ساختار هر یک از این دو نهاد بازتولید می‌شود. رهنشان در معرفی دو طرف به یکدیگر موفقیت نسبی کسب کرده است و به بیان کلرکس و لوویس (2009) توانسته است که شکاف اطلاعاتی میان این دو نهاد را پر کند، به‌گونه‌ای که پس از مسابقه شرکت‌ها از توانمندی‌های دانشجویان مطلع می‌شوند و افراد مستعد را شناسایی می‌کنند. در مقابل، دانشجویان نیز با مسائل و شرکت‌های صنعتی آشنا می‌شوند. اما این آشنایی و پرشدن شکاف اطلاعاتی ارتباط پایداری را در بیشتر طرح‌ها برقرار نمی‌کند.

آنچه سبب برقرار نشدن ارتباط میان دانشگاه و صنعت شده و رهنشان در جایگاه یک سازوکار میانجی از آن غافل بوده است را «تعلق نهادی» می‌نامیم. هر یک از دو نهاد دانشگاه و صنعت هنجار، قواعد و ساختار متفاوتی دارند، به‌گونه‌ای که حضور و کنش در هر یک از این دو نهاد مستلزم رعایت این قواعد و هنجارهاست؛ هنجارهایی که به‌مرور برای بازیگران نیز درونی می‌شود، به‌گونه‌ای که هر کدام مطابق این هنجارها رفتار می‌کنند؛ چیزی که ما آن را «تعلق نهادی» می‌نامیم. در حقیقت، زیست و کنش در دانشگاه گونه‌های متفاوتی از نظام ارزش‌گذاری، نظام انگیزشی و فرهنگ زمانی را تولید می‌کند که عموماً در تضاد با آن چیزی است که در صنعت مقتضی است. در این میان، هر یک از دو طرف نیز در همکاری و برقراری ارتباط بنای کنش بر همان تعلق نهادی خود را دارند. در نتیجه آن‌طور که نتایج این مسابقه نیز نشان می‌دهد به‌ندرت ارتباط شکل خواهد گرفت.

آنچه رهنشان در جایگاه یک سازوکار میانجی باید بدان توجه کند حضور دو طرف با تعلق نهادی متفاوت و گاهی متضاد است. رهنشان سازوکاری میانجی است که کارکرد تسهیل‌کنندگی در پیوند بازیگران را بر عهده دارد و باید بیش از هر چیز دیگری به چگونگی همکاری مشترک این دو نهاد با دو تعلق نهادی مختلف بیندیشد، به‌گونه‌ای که تناسب در سه وجه فرهنگ زمانی، نظام ارزش‌گذاری و نظام انگیزشی با احتمال بیشتری برقرار شود. موضوعی که به انجام پژوهش‌های مستقلی نیازمند است.

تعدادی از راهبران شرکت‌ها روی آن تأکید می‌کردند. شاید بشود علت آن را به همه‌گیری کرونا و برگزاری مجازی تمام فرایند مسابقه ارجاع داد، زیرا در برگزاری مجازی تعاملات انسانی به‌صورت کارآمد و مؤثر شکل نگرفتند. گفتنی است که این مؤلفه فقط محدود به برگزاری مجازی مسابقه نمی‌شود و در درون خود بر شکل‌گیری هر چه بیشتر روابط اجتماعی تأکید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به‌منظور تبیین فرایند مسابقات مسئله‌محور رهنشان به چهارچوبی رسیدیم که به‌منظور بیان خلاصه مطالب لازم است دوباره به کلان‌مسئله اصلی بازگردیم. مسئله پژوهش از ارتباط صنعت و دانشگاه آغاز و به سازوکار و نهادهای میانجی در جایگاه یکی از راهبردهای برقراری این ارتباط محدود شد. پرسش محوری تحقیق این بود که رهنشان در تمامیت خود در جایگاه سازوکار میانجی چگونه عمل کرده است، تا چه میزان در دستیابی به اهداف خود به‌منزله نهاد میانجی موفق بوده است و عوامل مؤثر موفقیت یا شکست آن چیست.

پس از حضور در میدان تحقیق، بررسی نتایج کمی مسابقه، گفت‌وگو با دانشجویان و شرکت‌های تعریف‌کننده طرح مشخص شد سازوکار میانجی در جایگاه راه‌حلی به‌منظور برقراری ارتباط بین دو نهاد به‌شدت امکان تبدیل شدن به نهادی ثانویه را دارد. منظور از «نهاد ثانویه» این است که سازوکاری که به‌منظور برقراری ارتباط بین دو نهاد با هنجارهای متفاوت ایجاد شده بود موجب برقراری ارتباط نشد و با کژکارکردی به‌وجودآمده فاصله بین این دو نهاد را نیز بیشتر کرد، به‌گونه‌ای که برقراری ارتباط میان دو طرف (دانشگاه و صنعت) سخت و پیچیده‌تر شده است. به‌عبارت دیگر، سازوکار میانجی خود به یک مانع تبدیل شده است، نهاد واسطه مانع! به‌گونه‌ای که ۸۵ درصد طرح‌ها به سرانجام نرسیده‌اند و هزینه‌های چندین میلیاردی برگزاری این رویداد نتیجه نداده است و در حقیقت نتیجه‌اش برعکس هدف اولیه آن بوده است.

وضعیت استاندارد که در مسابقات رهنشان به‌منظور اجرای طرح و برقراری ارتباط بین دو نهاد تدوین شده است به‌علت تنوع هنجارها و انگیزه‌ها فقط در طرح‌های محدودی به نتیجه خواهد رسید. برقرار نشدن ارتباط پس از صرف هزینه‌های مالی، زمانی و نیروی انسانی زیاد در دو طرف ذهنیت بدبینانه‌ای را در هر یک از دو طرف شکل می‌دهد. این ذهنیت شکل‌گرفته ارتباط‌های محتمل بعدی را در قالب‌های دیگر نیز مخدوش یا مختموم می‌کند و به تعبیر دقیق‌تر «فاصله شناختی» دو طرف را بیشتر می‌کند. دانشجویی که برچسب «نخبگی» و «کسب مقام برتر» را در مسابقات بنیاد ملی نخبگان با خود حمل می‌کند، درحالی که این برچسب به همکاری یا نقش‌آفرینی صنعتی منجر نشده است،

منابع

- Industry and University Journal*, 5(17-18). {In Persian}
- Feyz, D., and Suri, A. (2014). "Investigating the Impact of Internal University Factors on Industry Relations". *Industry and University Journal*, 7(23-24). {In Persian}
- Foyoudzat, I., and Taslimi Tehrani, R. (2007). "A Sociological Analysis of the Relationship between University and Industry in Contemporary Iran". *Journal of Humanities*, 53. {In Persian}
- Ghods, K., Sarabadani, A., Ghazinoory, S. (2023). "The Process Model of the Mediating Institution of Innovation in the Creation of Shared Inter-Institutional Values". *Management Research in Iran*, 27(3), pp. 57-77. {In Persian}
- Howard Partners (2007). *The Role of Intermediaries in Support of Innovation*. Report prepare for the Department of Industry, Tourism and Resources, Australia.
- Howells, J. (2016). "Intermediation and the Role of Intermediaries in Innovation". *Research policy*, 35(5), pp. 715-728.
- Jafarnjad, A., Mahdavi, A., and Khalighi-Soroush, F. (2005). "Evaluation of Barriers to Industry-University Relations and Proposed Implementation Strategies". *Management Knowledge Quarterly*, 18(1). {In Persian}
- Jamalipour, H., and Shafiei, M. (2010). "Successful Cases of University and Industry Interaction". *Journal of Industry and University*, 7(3). {In Persian}
- Johnson, W. H. (2008). "Roles, resources and benefits of intermediate organizations supporting triple helix collaborative R&D: The case of Precarn". *Technovation*, 28(8), pp. 495-505.
- Kanahmaloo, R., and Sepehri, A. (2017). "Connecting Demand and Supply: The Role of Intermediation in Public Procurement of Innovation". *Science and Technology Policy Letters*, 7(3), pp. 85-104. {In Persian}
- Klerkx, L., and Leeuwis, C. (2009). "Establishment and Embedding of Innovation Brokers at Different Innovation System Levels: Insights from the Dutch Agricultural Sector". *Technological Forecasting*
- Azar, A., Gholamrezaei, D., Danaei Fard, H., and Khodadad Hosseini, H. (2013). "Analysis of University-Industry Relation in Higher Education Policies of the Fifth Development Plan Using System Dynamics". *Journal of Industrial Management Perspective*, 3(1), pp. 79-115. {In Persian}
- Azizi Jirabadi, A., Sarmast, A., and Askarian, M. (2023). "An Assessment of Academic Research in Addressing National Challenges and Benchmarking Problem-Oriented Research". *Center for Parliamentary Research*. {In Persian}
- Bagheri Nejhad, M. (2008). "University- Industry Relationship System for Technology Development in Iran: Mechanisms and Policy Implications". *Journal of Science and Technology Policy*, 1(1). {In Persian}
- Behrouzi, M. (2010). "A Suitable Model for Meeting Labor Market Needs through Effective Industry-University Cooperation". *Industry and University Journal*, 2(3), pp. 63-74. {In Persian}
- Davari, A. (2021). "An Examination of Industry-University Cooperation Strategies (Case Study: Rahnesan Competitions of the National Elites Foundation)". Master's Thesis. Tehran, Iran: Tarbiat Modares University. {In Persian}
- Elyasi, M. (2011). "A Model for the Role of Intermediary Institutions in Developing Technological Cooperation between Firms: A Case Study of Iran's Aerospace Industry". Doctoral Thesis. Allameh Tabataba'i University, Tehran. {In Persian}
- Esmaeili, M., Yamani Doozi Sorkhabi, M., Haji Hosseini, H., and Kiamanesh, A. (2011). "A Survey on Relationship between Engineering Colleges of Tehran's Public Universities and Industry, within the Framework of National Innovation System". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 17 (1). {In Persian}
- Feyz, D., and Shahabi, A. (2015). "Modeling the Role of Knowledge and Industry Coordination Centers in Developing University-Industry Relations with a Systems Dynamics Approach".

- and Social Change*, 76(6), pp. 849-860.
- Mohammad Hashemi, Z. (2017). "The Relationship among University, Industry and Government with Emphasis on the Role of Intermediary Institutions, Case Study: Coordination Centers of Knowledge, Industry and Markets". *Rahyaf*, 27(66), pp. 75-88. {In Persian}
- Mortazavi, S. (2004). "The Relationship between the University and Industry". *Studies in Education and Psychology*, 5(1), pp. 95-118. {In Persian}
- Mozafari, F. A., Padashi asl, K., Shamsi, L., and Boudaghi, A. (2011). "The Evaluation of Role and Status of Interdisciplinary in Relationship of University – Industry". *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 4(1), pp. 25-40. {In Persian}
- Nasiry, H. (2021). "University-Industry-Society Relations (1): Activating Intermediary Institutions". *Center for Parliamentary Research*. Available in: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1650002> {In Persian}
- Poroushasb, S. (2017). "Investigating the Triple Helix relationships of university, industry, and government in applied research projects in Iran". *Rahyaf*, (67).
- Safdari Ranjbar, M., Tvakoli, M., Salami, S. (2016). "Scientific and Technological Collaboration between University and Industry (Historical Trend, Goals, Challenges and Mechanisms)". *Quarterly journal of Industrial Technology Development*, 14(27). {In Persian}
- Samadi Miyarkalaei, H., and Samadi Miyarkalaei, H. (2013). "Theories and Models of Relationship between Industry and University in Knowledge-Based Economy". *Technological Growth*, 35(9). {In Persian}
- Shamsoddini, M., Miri, M., Najjaran Toosi, H., and Taheri, A. (2024). "Identifying and Modeling the Dimensions of the University's Relationship with the External Environment from the Perspective of Ecosystem Thinking with the Grounded Theory Method and ISM". *Science and Technology Policy Letters*, 14(1), pp. 85-112. {In Persian}
- Seyednaghavi, M., Poorbehroozan, A., and seraji, R. (2019). "Identifying the of Weak Relationship between University and Industry and Providing Solutions for Improving this Relationship". *Majlis and Rahbord*, 26(99), pp. 35-61. {In Persian}
- Shafiei, M., and Mousavi, S. A. (2014). "Content Analysis of Barriers, Opportunities, and Strategies for Developing Industry-University Cooperation in Fifteen Tripartite Congresses". *Innovation and Value Creation Quarterly*, 1(3). {In Persian}
- Shafiei, M., and Yazdaniyan, V. (2009). "Conceptual Development of Industry-University Collaboration: From Practical-Oriented to the Structural-Oriented Approaches". *Industry and University Quarterly*, 1(1). {In Persian}
- Stewart, J., and Hyysalo, S. (2008). "Intermediaries, Users and Social Learning in Technological Innovation". *International Journal of Innovation Management*, 12(03), pp. 295-325.
- Strauss, A. L., and Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research* (E. Afshar, Trans.). Ney publisher. {In Persian}
- Tabaian, S. K., and Bushehri, A. (2010). "Promoting Industry-University Collaboration within the National Innovation System: A Case Study of Technology Market". *Industry and University Journal*, 2(3-4). {In Persian}
- Thaqfi, M., Bani Hashemi, S. A., and Mohammadzadeh, S. (2019). "Evaluation of Barriers to University-Industry Cooperation in Achieving the Goals of the Sixth Development Plan". *Industry and University Quarterly*, 11(39-40). {In Persian}
- Winch, G., and Courtney, R. (2007). "The Organization of Innovation Brokers: An International Review". *Technology Analysis and Strategic Management*, 19(6), pp. 747-763.
- Yaghoubi Farani, A., and Hatamikia, N. (2016). "Barriers of University-Industry Collaboration (An Academia's Perspective)". *Higher Education Letter*, 8(32), pp. 31-51. {In Persian}



A Study of Key Factors Affecting the Effectiveness of University-Industry Mediating Institutions: The Case of the National Elite Foundation's 'Rahneshan' Competition Series

Bahare Arvin¹

Amir Hossein Davari²

Abstract

The problem of the relationship between industry and academia in Iran has been widely researched, and one of the most common strategies to address this issue is the creation of mediation mechanisms. This study, using the grounded theory method, examines a problem-based competition series by the National Elite Foundation, called «Rahneshan,» serving as a mediating mechanism to facilitate communication between industry and academia. The Rahneshan competitions consist of 54 projects defined by industrial companies, which students undertake through its mediation.

The main research question was why and how communication was successfully established in only a few projects, while in most cases (over 85%), no stable interaction was formed. To explore this, 15 projects were selected through theoretical sampling, followed by 30 semi-structured interviews with students and company leaders. The results were formulated, coded, and analyzed under two main themes: «Performers» Narrative» and «Project Definers» Narrative.»

Based on this analysis, three primary factors—»motivational system,» «time culture,» and «valuation system»—along with four reinforcing or weakening factors—»active leadership,» «accurate and appropriate project definition,» «company reputation,» and «the formation of social interaction»—were identified. The findings indicate that due to mismatches in the three key aspects (motivational system, time culture, and valuation system) between the two sides, communication was not established in most cases. In essence, one of the primary reasons for the failure of this mediation mechanism is that individuals engage in cooperative relationships while maintaining their prior and differing institutional affiliations. This misalignment in institutional frameworks across the three key aspects renders the mediation mechanism ineffective.

What has been overlooked in the Rahneshan competitions as a mediation mechanism is the presence of parties with differing, and at times conflicting, institutional affiliations.

Keywords: Industry and University Relationship, Intermediary, Problem-Based Competition, Rahneshan, Institutional Affiliation

1. Department of Sociology, Humanities Faculty, Tarbiyat Modares University,, Tehran, Iran; bahare.arvin@modares.ac.ir

2. M.A in Sociology, Tarbiyat Modares University, Tehran, Iran.

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

پدیدآورندگان	بهاره آروین	امیرحسین داوری
نقش	نویسنده مسئول	نویسنده
نگارش متن	مرور و ویرایش نهایی متن / بازنگری کلی بر اساس نظر داوران	نگارش متن اصلی
ویرایش متن و ...	ویرایش متن و کامنت‌دهی / پاسخ به داوران	بازنگری جزئی بر اساس نظر داوران / پاسخ به داوران
طراحی / مفهوم‌پردازی	مفهوم‌پردازی	مفهوم‌پردازی
گردآوری داده	راهنمایی و نظارت بر گردآوری داده	انجام مصاحبه
تحلیل / تفسیر داده	راهنمایی و نظارت بر تحلیل داده	کدگذاری و تحلیل متن مصاحبه‌ها
سایر نقش‌ها	راهنمایی و مدیریت پروژه	انجام پروژه

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: بهاره آروین

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

بررسی سیر تاریخی اثرگذاری برنامه‌ریزی فضایی بر سیاست‌گذاری‌های صنعتی در کشورهای منتخب صنعتی و ایران

 20.1001.1.24767220.1403.14.4.6.1

اسماعیل ملک اخلاق^۱

احمد نیاززاده^۲

سعید شادمان^۳

چکیده

آمایش سرزمین و تلفیق آن با سیاست‌های توسعه‌ای و صنعتی به صورت جدی از اواسط قرن بیستم میلادی مورد توجه قرار گرفت و بر برنامه‌ریزی فضایی به عنوان مفهومی فراتر از سیاست‌گذاری بخشی برای کسب برابری و عدالت فضایی تأکید شد. در این میان، گرچه حرکت کشورهای همچون آلمان، بریتانیا و کره جنوبی در مسیر برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی متأثر از سیاست‌های دولت‌های حاکم در مقاطع زمانی مختلف بوده، این روند همواره با انسجام و پیوستگی ادامه داشته است. در ایران، با وجود آغاز برنامه‌ریزی فضایی از دهه ۱۹۶۰ و تقریباً هم‌زمان با کره جنوبی، «سیاست توسعه صنعتی» با موفقیت چندانی همراه نبوده است که وقایع تاریخی همچون انقلاب سال ۱۹۷۹ و جنگ هشت ساله با عراق در کنار موقعیت ژئوپلیتیکی کشور و تحمل تحریم‌های شدید اقتصادی در این امر تأثیرگذار بوده‌اند. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تطبیقی تاریخی به دنبال بررسی اثرگذاری برنامه‌ریزی فضایی بر توسعه صنعتی و پیوند این دو مقوله با سیاست‌گذاری صنعتی است تا از این رهگذر بتوان از تجارب دیگر کشورها در برنامه‌ریزی‌های آتی فضایی-صنعتی ایران بهره گرفت.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی فضایی، توسعه صنعتی، آمایش سرزمین، سیاست‌گذاری صنعتی

تاریخ پذیرش: ۲۳ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ تیر ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۲۴ بهمن ۱۴۰۲

۱. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

۲. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول): ahmadniazade@webmail.guilan.ac.ir

۳. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

مقدمه

متکی باشد. درواقع، بسیاری از اقتصاددانان توسعه‌ای اولیه بر مداخلات دولت‌ها به‌منزله «عاملی مفقوده» در سیاست‌گذاری صنعتی تأکید داشتند و معتقد بودند توسعه احتمالاً تنها با تمرکز بر نیروهای بازار به دست نمی‌آید (Shapiro, 2007). همچنین واژه «توسعه» عموماً بر تحرک‌بخشی و خلق منابع به‌منظور بهره‌ورسازی بیشتر نواحی و ساکنان آن‌ها (ارزش استفاده)^۱ اشاره دارد که در اقتصاد بازار می‌تواند به‌منزله ارزش مبادله^۲ باشد (Dunford, 2017). توسعه حرکت مکان‌ها و ساکنان آن‌ها از سطوح پایین‌تر به بالاتر است و در این فرایند، افراد هم‌بازیکردند و هم‌ذی‌نفع. بنابراین، سیاست صنعتی دیگر رویکردی مجزا نیست و با راهبردهای منطقه‌ای و توسعه‌ای رقابت می‌کند و در موضعی تقابلی با سیاست‌های رقابتی، تجاری، منطقه‌ای و مالیاتی قرار می‌گیرد (Aiginger and Rodrik, 2020). در ایران به‌ضرورت برنامه‌ریزی فضایی در سال‌های میانی دهه ۱۳۴۰ شمسی و در قالب «سیاست توسعه کشور» توجه شده است، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله و مسائل اقتصادی ناشی از آن، اجرای این برنامه با مشکلاتی مهم مواجه شد. در دهه ۱۳۷۰، لزوم اجرای برنامه‌ریزی فضایی مجدداً احساس شد که همین موضوع نگاه به این مقوله در چهارچوبی جدید و در قالب تعاملی ملی منطقه‌ای را در پی داشت. در مطالعه حاضر، با پیگیری سیر تحولات تاریخی کشورهای منتخب و ایران، اثرگذاری برنامه‌ریزی فضایی بر سیاست‌گذاری‌های صنعتی بررسی می‌شود و از این رهگذر به توفیقات یا ناکامی‌های کشورهای مورد مطالعه در حوزه‌های مذکور نگاهی می‌شود. گرچه محققان برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری صنعتی را به‌طور مجزا بارها بررسی کرده‌اند، اثرات متقابل این دو مقوله و تحلیل تاریخی آن‌ها چندان موردتوجه نبوده است. در همین راستا، دو پرسش مطرح است:

۱. چگونه دولت‌ها بر تدوین و اجرای برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری صنعتی تأثیر می‌گذارند؟
۲. تجارب کشورهای موفق در زمینه تدوین و اجرای برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی چگونه می‌تواند در دیگر کشورها نیز استفاده شود؟

۱. مبانی نظری پژوهش

نویسندگان مقاله حاضر در پی بررسی سیر تاریخی اثرگذاری برنامه‌ریزی فضایی بر سیاست‌گذاری صنعتی در کشورهای کره جنوبی، آلمان، بریتانیا و ایران به روش تحلیل تطبیقی - تاریخی‌اند. در گذشته تحلیل مقایسه‌ای - تاریخی را نویسندگانی همچون

امروزه برنامه‌ریزی فضایی و چگونگی اجرای آن از موضوعات مهم در توسعه کشورها از ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی برشمرده می‌شود و همراهی نهادهای سیاست‌گذار در انجام آن ضروری است. گرچه در دهه‌های اخیر برنامه‌ریزی فضایی در نتیجه تغییر اولویت‌های سیاست‌گذاری و افزایش نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی با معضلاتی مواجه بوده، در عمل ظهور رویکردهای راهبردی جدید در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی افزایش ظرفیت حاکمیتی این مقوله را در پی داشته است (Walsh and Allin, 2012). درواقع، در نظام‌های برنامه‌ریزی جهانی «برنامه‌ریزی فضایی» برچسبی برای توصیف جنبه‌های فراگیر ملی، منطقه‌ای، راهبردی و حتی فرایندهای برنامه‌ریزی ملی است (Tewdwr-Jone, et al., 2010). برنامه‌ریزی فضایی همچنین پوششی است که به فعالیت دولت‌ها در تأثیرگذاری بر شیوه‌های توسعه سرزمینی اشاره دارد، بدین معنی که این برنامه‌ریزی متمایل به تلاش برای شکل‌دهی محیط، به‌ویژه در رابطه با توزیع آتی جمعیت و فعالیت‌ها و منابع شهرها و مناطق گوناگون در پاسخ به خواسته‌های جامعه یا منافع مشخص است (Waterhout et al., 2013). تغییر مسیر به سوی برنامه‌ریزی فضایی، انعکاس آرمان مکان‌سازی پایدار، انسجام بیشتر اشتغال، مسکن و زیرساخت‌ها و دربرگیری تعداد بیشتری از ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری برای توسعه پایدار است. برنامه‌ریزی فضایی درصدد وسعت‌بخشی به افق‌های برنامه‌ریزی فراتر از سیاست‌گذاری‌های بخشی و تمرکز بر موقعیت کلی سرزمین و فرصت‌های جامع توسعه است (Tomaney et al., 2019). از سوی دیگر، این برنامه‌ریزی ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی مجدد عملکرد شهرها و مناطق مختلف در دستیابی به رشد اقتصادی درون‌زا و شکوفایی و اشتغال به شمار می‌آید و بدین منظور نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر و کمتر برخوردار را شناسایی می‌کند (UN-Habitat, 2015). حرکت به سمت برابری و عدالت فضایی روندی پیوسته و مداوم و دربرگیرنده بازیگران مختلف است و همان‌گونه که فالودی (2000) می‌گوید، برنامه‌ریزی فضایی عمدتاً نوعی یادگیری متقابل با شمولیت بازیگران متعدد است که در آن نهاد مسئول باید به مدیریت تمامی کنشگران اعم از دولتی و خصوصی قادر باشد. از سوی دیگر، «سیاست صنعتی» صرفاً درخصوص صنعت یا تولید نیست و چنین عنوانی ممکن است گمراه‌کننده و حتی ابهام‌انگیز باشد. بنابراین، دیگر گزینه‌ها همچون «سیاست‌های توسعه‌ای مؤثر»، «سیاست‌های تغییر ساختاری» یا «سیاست‌های نوآورانه» نیز به کار می‌رود (Aiginger et al., 2020). سیاست‌گذاری صنعتی در بسیاری از کشورها به سوی بازسازی در حرکت است و به‌ندرت می‌توان مورد موفقی را یافت که صرفاً بر نیروهای بازار

1. Use Value

2. Exchange Value

لیندبلوم^۱ (1959)، لَسول^۲ (1970) و هال^۳ (1993) در حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، عمومی و سیاسی به کار بردند و پژوهش کنونی به دنبال بهره‌گیری از این شیوه در بررسی سیاست‌گذاری‌های صنعتی است.

۱-۱. برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین

ازجمله مقولات مرتبط با برنامه‌ریزی فضایی، موضوع «آمایش سرزمین» است که به فرایند تصمیم‌گیری با هدف تحقق‌بخشی به اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط‌زیستی از طریق برپایی چشم‌اندازهای فضایی و به‌کارگیری مجموعه‌ای از اصول سیاست‌گذاری و ابزارها و سازوکارهای نهادی و مشارکتی روی می‌آورد (UN-Habitat, 2015). همچنین آمایش سرزمین را می‌توان دانش مهندسی تدابیر توسعه در قلمروهای سرزمینی دانست که دربردارنده سه مأموریت اصلی آینده‌نگاری، سیاست‌گذاری و فرصت‌سازی توسعه سرزمین است (National territorial plan- ning policy document, 2021). توسعه منطقه‌ای و اثرگذاری آن بر نابرابری‌های منطقه‌ای با محوریت مدل‌های موجود را دانفورد (2006) به‌خوبی بیان کرده است. برهمین‌اساس، «مدل‌های نئوکلاسیک»، توسعه منطقه‌ای را وابسته به «منابع برون‌زای طبیعی» می‌داند و جابه‌جایی سرمایه و نیروی کار و اثرگذاری آن بر موهبت‌های طبیعی را مجاز برمی‌شمرد. در این مدل‌ها روابط اجتماعی اهمیتی ندارند و بر این باورند که سازوکار بازار موجب استفاده کامل و مؤثر از منابع می‌شود. ازجمله این مدل‌ها می‌توان به «رشد سولو»^۴ اشاره کرد که جایگزین مدل کینزی هارود-دومار^۵ شد و در پی تشریح رشد اقتصادی از طریق انباشت سرمایه، رشد جمعیت یا نیروی کار و افزایش بهره‌وری بود. دسته دیگر مدل‌های نئوکلاسیک حرکت سرمایه به نواحی کم‌درآمد و انتقال نیروی کار به ناحیه‌های برخوردار از درآمد بالاتر را موجب برابری درآمد هر شخص می‌دانستند. ازجمله نظریه‌های مدرن‌سازی که موضوعات اجتماعی را در نظر دارد می‌توان به نظریه مراحل رشد روستو^۶ و نمونه‌های جدیدتری همچون مدل‌های نئولیبرال جهانی‌سازی و توسعه و «الگوی پرواز غازها»^۷ به رهبری ژاپن در منطقه آسیای شرقی اشاره کرد. از سوی دیگر، مدل‌های توسعه درون‌زا بر حمایت از صنایع نوپا و جایگزینی واردات و توسعه خودمحور و محلی تأکید دارند. بنابراین، رشد می‌تواند از سرریز اجتماعی مرتبط با پیشرفت دانش و نتایج پژوهش و توسعه ناشی شود. طی دهه‌های

۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، طیفی از مدل‌های مفهومی به‌منظور ترسیم نظام‌های تولید جغرافیایی ارائه شد که مقولات فضایی همچون مناطق صنعتی، نواحی تولیدی خاص، خوشه‌ها، فضاها، صنعتی، قطب‌های فناوری و پارک‌های علمی را در بر می‌گرفت.

۱-۲. پیشینه پژوهش

اهمیت برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری صنعتی در توسعه، محققان بسیاری را به پژوهش در این خصوص ترغیب کرده است. در این میان، بخشی از تحقیقات صورت‌گرفته با اتخاذ رویکردی تطبیقی با بررسی مقایسه‌ای اقدامات کشورهای گوناگون درباره برنامه‌ریزی فضایی و صنعتی انجام شده است که خلاصه برخی از آن‌ها به این شرح است.

اشمیت و بیولر^۸ (2007) در مقاله‌ای با عنوان «فرایند برنامه‌ریزی در ایالات متحده و آلمان: یک بررسی تطبیقی» روند برنامه‌ریزی فضایی در دو کشور آلمان و ایالات متحده را بررسی می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که در آمریکا حرکت به سوی برنامه‌ریزی، عموماً در نتیجه قانون‌گذاری تدریجی و افزایش فشارهای عمومی صورت می‌پذیرد درحالی‌که در آلمان، تمرکززدایی یکی از اشکال برنامه‌ریزی فضایی در پاسخ به تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که در اثر فشار بر نظام موجود و از طریق بازسازی اقتصادی و یکپارچگی اروپا شکل می‌گیرد.

واترهوت^۹ و همکاران (2013) «فرایندهای نئولیبرالیسم و برنامه‌ریزی فضایی در فرانسه، انگلستان و هلند» را در مقاله‌ای با همین عنوان بررسی کردند. نویسندگان این پژوهش عقیده داشتند جهانی‌سازی، اروپایی‌سازی و فردگرایی موجب تسریع نئولیبرالیسم می‌شود که تضعیف موقعیت سیاسی برنامه‌ریزی و تغییر اهداف و فرایندهای برنامه‌ریزی فضایی را در بر دارد. آن‌ها همچنین معتقد بودند گرچه انگلستان از پیشگامان سیاست‌گذاری نئولیبرال برشمرده می‌شود، تجارب فرانسه و آلمان نشان‌دهنده دستیابی به ارزش افزوده در فرایندهای شهری و توسعه منطقه‌ای در نتیجه تمرکز بر توسعه فضایی با محوریت کیفیت است.

سوفی^{۱۰} (2017) نیز سیاست‌های توسعه‌ای دو کشور چین و ایران را در مطالعه‌ای با محوریت حوزه‌های علمی-فناوری و صنعتی-فناوری بررسی کرد و نتیجه گرفت که در روند دستیابی به رشد سریع فناوری در اقتصادهای متأخر، کنترل فعالانه و هدایت بازار توسط دولت الزامی است. سوفی همچنین عقیده دارد دولت چین فعالانه در پی کمک به بنگاه‌های دولتی و غیردولتی برای کسب قابلیت‌های فناورانه قدم برمی‌دارد، درحالی‌که یادگیری فناورانه در ایران بیشتر در حوزه سیاست‌گذاری دانش و فناوری

1. Lindblom

2. Lasswell

3. Hall

4. Solow

5. Harrod-Domar

6. Rostow

7. Flying Geese Paradigm

8. Schmidt and Buehler

9. Waterhout

10. Soofi

است و دولت فعالانه، متمرکز و مستقیم به توسعه اقتصادی و فناوریانه بنگاه‌ها نمی‌پردازد.

یاقچی و آردیانی (2018) نیز به بررسی تطبیقی-تاریخی «برنامه‌ریزی توسعه ملی، سیاست صنعتی و معضلات رشد پایدار در کشورهای اندونزی و مالزی» پرداختند که بر اساس آن در سیاست صنعتی مالزی و اندونزی، اولویت‌های راهبردی دولت‌ها تأثیر مهمی دارد و در هر دو کشور اهداف اقتصادی تحت تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی است. در مالزی تبعیض مثبت مالایی‌ها و سیاست‌های توانمندسازی اقتصادی و در اندونزی سیاست رشد قشر فقیر و تمرکز بر توسعه کشاورزی، نمونه‌هایی از ارتباط بین عوامل سیاسی و اجتماعی در سیاست‌گذاری اقتصادی‌اند.

به بررسی‌های تطبیقی با محوریت برنامه‌ریزی فضایی در ایران نیز توجه شده است که از آن میان می‌توان به دو مورد اشاره کرد: قاضی و طاهری (2014) در مطالعه‌ای تطبیقی برنامه‌های آمایشی کره جنوبی و ایران را بررسی کردند. بر اساس نظر نویسندگان، علی‌رغم برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران و طرح‌ها و مطالعات گوناگون، تاکنون موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه حاصل نشده و بسیاری از مسائل مهم از چشم مسئولان و برنامه‌ریزان دور مانده است.

میرغلامی و همکاران (2019) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی فضایی ایران با مصر، عربستان، ترکیه و مالزی» چنین نتیجه می‌گیرند که در بحث برنامه‌ریزی کلان، هریک از این پنج کشور دارای افق برنامه‌ریزی پیوسته با رویکرد غالب اقتصادی، مشارکت‌پذیری پایین و شریعت‌پذیری گفتمانی‌اند و ایران در مقایسه با چهار کشور دیگر، از لحاظ نظری مشابه مصر و عربستان و در سایر مؤلفه‌ها همچون دیگر کشورهای مورد مطالعه عمل می‌کند و از نظر اجرا و نظارت نیز از آن‌ها عقب‌تر است.

در مجموع، تحقیقات انجام‌شده در ایران در زمینه برنامه‌ریزی فضایی و ارتباط آن با سیاست‌گذاری صنعتی عموماً میزان موفقیت این برنامه‌ها را بررسی کرده‌اند و سیر تحولات آن‌ها و بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق چندان مورد توجه محققان نبوده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در بحث اثرگذاری برنامه‌ریزی فضایی بر سیاست‌گذاری صنعتی، مطالعه اقدامات کشورهای پیش‌گام در این امر و بهره‌گیری از اقدامات و تجارب آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، نویسندگان مقاله حاضر با اتخاذ نگاهی تحلیلی-تاریخی با رویکردی تطبیقی در پی بررسی تأثیرات برنامه‌ریزی فضایی بر توسعه صنعتی در کشورهای کره جنوبی، آلمان، بریتانیا و ایران بوده‌اند. دو کشور آلمان و بریتانیا را می‌توان از نمونه‌های موفق برنامه‌ریزی فضایی-صنعتی در اروپا برشمرد و کره جنوبی نیز از دستاوردهای مهمی در اجرای این برنامه‌ها در آسیا برخوردار است. در روش تحلیلی-تطبیقی، پژوهشگر با استفاده از منابع ثانویه به بررسی و مقابله اطلاعات موجود می‌پردازد و بر همین اساس برداشت‌ها و تفسیرهای خود را ارائه می‌دهد. بدین منظور، مجموعه‌ای از مقالات منتشرشده در مجلات پراستناد حوزه برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری (صنعتی) به انضمام گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی همچون «برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل»^۱، گزارش‌های «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»^۲، گزارش‌های وزارتخانه‌های دولت فدرال (آلمان)، «کمیته توسعه منطقه‌ای ریاست‌جمهوری کره جنوبی» و... از دهه ۱۹۶۰ تاکنون بررسی و تحلیل شده است که جزئیات برخی از آن‌ها که در سطح ملی و بین‌المللی تهیه شده‌اند در جدول ۱ شرح داده شده است.

جدول ۱: برخی از گزارش‌های ملی و بین‌المللی بررسی شده

عنوان گزارش	سازمان تهیه‌کننده	سال تهیه
تغییر پارادایم در سیاست‌های منطقه‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای جدید	کمیته توسعه منطقه‌ای ریاست‌جمهوری کره جنوبی	2009
سیاست صنعتی و توسعه آمایشی: درس‌هایی از کره جنوبی	سازمان توسعه و همکاری اقتصادی	2012
خط‌مشی‌های بین‌المللی در برنامه‌ریزی سرزمینی و شهری	سازمان سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل	2015
مفاهیم و راهبردهای توسعه فضایی در آلمان؛ دبیرخانه وزارتخانه‌های مسئول در برنامه‌ریزی فضایی	وزارت حمل‌ونقل و زیرساخت دیجیتال فدرال	2016
راهبرد صنعتی ملی ۲۰۳۰؛ خط‌مشی‌های راهبردی در سیاست‌های آلمان و اروپا	وزارت امور اقتصادی و انرژی فدرال (آلمان)	2019
پژوهش‌های اقتصادی سازمان همکاری‌های اقتصادی	سازمان توسعه و همکاری اقتصادی	2020

1. UN-Habitat

2. OECD

جدول ۲: مقایسه داده‌های اقتصادی چهار کشور مورد مطالعه (منبع: بانک جهانی)

ردیف	نام کشور	جمعیت	نرخ رشد جمعیت (درصد)	سرنانه تولید ناخالص داخلی (دلار)	رشد سالیانه سرنانه تولید ناخالص داخلی (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)	نرخ تورم (درصد)
۱	کره جنوبی	۵۱,۶۲۸,۱۱۷	-۰/۲	۳۲,۴۲۲	۲/۶	۲/۸	۵/۱
۲	آلمان	۸۳,۷۹۷,۹۸۵	۰/۷	۴۸,۷۱۸	۱/۸	۳	۶/۹
۳	بریتانیا	۶۶,۹۷۱,۳۹۵	-۰/۱	۴۶,۱۲۵	۴/۳	۳/۶	۷/۹
۴	ایران	۸۸,۵۵۰,۵۷۰	۰/۷	۴,۶۷۰	۳/۸	۱۱	۴۳/۵

۳. بررسی تحلیلی مقابله‌ای چهار کشور کره جنوبی، آلمان، بریتانیا و ایران

۳-۱. کره جنوبی، آلمان، بریتانیا و ایران در یک نگاه

به‌منظور ارائه تصویری روشن‌تر از وضعیت کشورهای مورد مطالعه، در جدول ۲ برخی از جدیدترین شاخص‌های اقتصادی منتشرشده درخصوص آن‌ها برگرفته از داده‌های بانک جهانی در سال ۲۰۲۲ ارائه می‌شود.

۳-۲. برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی در کره جنوبی

۳-۲-۱. تجربه کره جنوبی در برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌های صنعتی

در مراحل آغازین توسعه اقتصادی کره جنوبی، برنامه‌ریزی فضایی یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری برای ساختن زیرساخت‌های فیزیکی توسعه شهری و صنعتی بود. از دهه ۱۹۶۰ تا سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ به دلیل وجود یک نظام متمرکز سیاسی و حاکمیت دولتی اقتدارگرا، اتخاذ رویکردی «بالا به پایین» در سیاست‌گذاری امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شد، اما شرایط از دهه ۱۹۹۰ و با روی کار آمدن دولتی دموکراتیک دستخوش تغییر شد (Kim, 2001). در حرکت کره جنوبی به سوی جامعه‌ای دموکراتیک، نگرانی درخصوص کارایی به‌تدریج به‌تمرکز بر عدالت و توسعه منطقه‌ای متوازن تبدیل شد و هم‌زمان با محوریت بیشتر عدالت، سیاست توسعه منطقه‌ای از رویکردی «مکان‌خشی»^۱ به «مکان‌محور»^۲ تغییر یافت (Kim, 2020). تجربه کره جنوبی در اجرای سیاست‌های توسعه صنعتی با تمرکز بر توسعه منطقه‌ای، موفقیت‌ها و شکست‌هایی را در بر داشته است که کشورهای درحال توسعه می‌توانند از آن استفاده کنند (Yusifov, 2018).

این کشور در دهه ۱۹۶۰ در شهرنشینی و اقتصاد رشد ملموسی داشت و ساختارهای اقتصادی-جغرافیایی آن دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفت. شاید به همین دلیل بانک جهانی در گزارش توسعه جهانی خود در سال ۲۰۰۹، تجربه کره جنوبی در اجرای سیاست‌های توسعه منطقه‌ای را یکی از نمونه‌های موفق توسعه قلمداد کرد (Jang, 2009). کره جنوبی با ترکیبی از سیاست‌های صنعتی و نوآورانه، مدیریت مؤثر رانت‌های اقتصادی، صرف هزینه در ارتقای سرمایه‌های انسانی و زیرساخت‌ها و همراه کردن بخش خصوصی، موفقیت‌های زیادی را در توسعه صنعتی کسب کرده است، اما وقتی از راهبردهای توسعه سرزمینی و مداخله دولت در دستیابی به الگوهای توسعه متوازن صحبت به میان می‌آید، شاید کاربرد «موفقیت قابل ملاحظه»، به‌ویژه در سال‌های ابتدایی اجرای سیاست‌های توسعه صنعتی در این کشور، جای تأمل داشته باشد (OECD, 2012).

۳-۲-۲. روند توسعه صنعتی در کره جنوبی

توسعه صنعتی در کره جنوبی در ابتدا دربرگیرنده سیاست‌های تجاری‌گزینشی در اعمال محدودیت بر واردات و ارائه مشوق‌های صادراتی بود و نرخ تسعیر به‌گونه‌ای مدیریت می‌شد که به سود صادرات محصولات ملی باشد. همچنین دولت بر مهندسی معکوس و آموختن رویه‌های متداول دیگر کشورها تمرکز کرد و از دهه ۱۹۷۰ سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی با هدف تأسیس مؤسسات تحقیقاتی دولتی برای حمایت از توسعه توانمندی‌های داخلی انجام داد. البته موفقیت کره جنوبی در اجرای سیاست‌های صنعتی لزوماً به دستیابی به فرصت‌های برابر در تمامی استان‌ها منتهی نشد و با توجه به سیاست این کشور در توسعه صادرات، مناطق پایتخت^۳ و نواحی ساحلی تحت تأثیر فرایند صنعتی‌سازی قرار گرفت و تمرکز بر مناطقی خاص، افزایش قابل‌توجه جمعیت

1. Place-neutral

2. Place-based

۳. Capital Region؛ شامل سنول، کلان‌شهر اینچئون و استان گیونگ‌گی

جدول ۳: رویدادهای توسعه صنعتی و منطقه‌ای در کره جنوبی طی دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۹۰

دوره زمانی	رویدادهای حائز اهمیت
دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰	- تمرکز بر صادرات، صنعتی‌سازی و توسعه اقتصادی - توسعه صنایع صادرات‌محور در شهرهای بزرگ همچون سئول، بوسان و دانه‌گو و افزایش فراوان جمعیت در این مناطق
دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰	- توسعه پارک‌های صنعتی و توسعه صنعتی در مناطق مختلف و کاهش ناتوانی در تولید صنعتی - حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان و تغییر رویکرد از شیوه‌های مبتنی بر سرمایه به روش‌های مبتنی بر نوآوری و تأکید بر تحقیق و توسعه، نوسازی و نوآوری در پارک‌های صنعتی
دهه ۱۹۹۰	- آغاز روند نزولی استخدام در صنایع تولیدی در سال ۱۹۹۱ - گذر از اقتصاد مبتنی بر تولید سنتی به اقتصادی دانش‌بنیان و تأکید بر دستیابی به فناوری‌های پیشرفته و شیوه‌های نوآورانه - تسریع در فرایند صنعت‌زدایی پس از بحران اقتصادی سال ۱۹۹۷ به دلیل آزادسازی بازارها و اتخاذ سیاست‌های نولیب‌رال

حمایت از توسعه در سایر مناطق با اتخاذ رویکردی «پایین به بالا» و توجه بیشتر به نگرانی‌های اجتماعی و محیطی معطوف بوده که البته رفاه اقتصادی کامل را در پی نداشته است (OECD, 2020). کره جنوبی از سال ۲۰۰۸ رقابت‌های منطقه‌ای را یکی از اولویت‌های خود تعیین کرده و بسته سیاست‌گذاری پیچیده‌تری را برای حمایت از توسعه منطقه‌ای با تمرکز بر یک مقیاس فضایی متنوع ارائه کرده است. در جدول ۴ تغییرات سیاست‌گذاری منطقه‌ای در کره جنوبی طی سال‌های اخیر مشهود است.

شهری از ۲۰ درصد به ۸۰ درصد طی سال‌های ۱۹۵۰-۲۰۱۰ را در پی داشت (OECD, 2012). از سوی دیگر، حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سئول و گیونگ‌گی^۱ رقم می‌خورد که نشان‌دهنده ناتوانی در صنعتی‌سازی بود. رویدادهای مرتبط با صنعتی‌سازی و توسعه منطقه‌ای در کره جنوبی را می‌توان با توجه به کیم (2020) به شرح جدول ۳ خلاصه کرد. در سال‌های اخیر، تفکر غالب در کره جنوبی، به جای رویکردی کنش‌گرایانه، بر کاهش تمرکز بر مناطق پایتخت و

جدول ۴: تغییر الگو در سیاست‌گذاری منطقه‌ای در کره جنوبی: از رشد متوازن به رقابت‌پذیری
منبع: توسعه صنعتی و آمایش سرزمین؛ درس‌هایی از کره جنوبی (OECD, 2012)

الگوی سیاست‌گذاری سنتی	الگوی سیاست‌گذاری جدید
تأثیر سیاست‌گذاری منطقه‌ای	ریشه‌کن‌سازی مسائل فضایی مطرح‌شده به واسطه توسعه اقتصادی
اهداف/ مقاصد	بهبود راندمان ناشی از مقیاس تولید
اجرا	بر اساس ابتکار عمل‌های دولت مرکزی
سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری برابر در تمامی مکان‌ها
اولویت‌های سیاست‌گذاری	رشد اقتصادی
	ارتقای توسعه اقتصادی
	برانگیختن رقابت و افزایش کیفیت زندگی
	بر اساس ابتکار عمل‌های دولت‌های محلی و بخش خصوصی
	سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و نواحی رقابتی
	تقویت توانمندی‌های نوآورانه

صنعتی منطقه‌ای^۲ را به منظور توسعه خوشه‌های صنعتی^۳ در خارج از مناطق پایتخت معرفی کرد (برای مثال توسعه صنعت نساجی در دانه‌گو، صنعت کفش در بوسان، صنایع الکترونیکی و فتولتائیکی در گوانجو و ماشین‌آلات در استان گیونگنام).^۴

تغییر الگوی سیاست‌گذاری در کره جنوبی از رشد متوازن به رقابت، مستلزم تعدیلاتی در چگونگی حاکمیت، تخصیص منابع و آمیخته سیاستی بوده است. در همین راستا، وزارت تجارت، صنعت و انرژی این کشور طی سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۳ «برنامه ارتقای

2. Regional Industrial Promotion Program (RIPP)

3. Industrial Clusters

4. Gyeongnam

1. Gyeonggi

۳-۲-۳. تمرکززدایی در کره جنوبی

دولت این کشور در فرایند جدید توسعه خود، تخصص‌گرایی منطقه‌ای بر اساس ویژگی‌های هر منطقه، تمرکززدایی، استقلال و همکاری‌های منطقه‌ای برای توسعه مشترک را از اهداف خود قرار داد و مفهوم «منطقه اقتصادی» را معرفی کرد. بر همین اساس، شانزده استان و کلان‌شهر در قالب ۵+۲ منطقه اقتصادی به‌منزله واحدهای سیاست‌گذاری طبق هویت جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی گروه‌بندی شد. در برنامه توسعه منطقه اقتصادی^۱ که از پنج بخش برنامه‌ریزی به شرح صنعت، علم/فناوری/منابع انسانی، فرهنگ/گردشگری، زیرساخت‌ها و نهادها تشکیل شده، همکاری بین استان‌ها و کاهش ناهمگونی اقتصادی موردتوجه قرار گرفته است (Jang, 2009). به‌منظور نیل به توسعه صنعتی، هر یک از مناطق اقتصادی دو صنعت «پیشران» را انتخاب کردند که در هرکدام بر شتاب‌بخشی، توسعه و تجاری‌سازی محصولات جدید تمرکز می‌شود.

۳-۳. برنامه‌ریزی صنعتی و توسعه صنعتی در آلمان

۳-۳-۱. تجربه آلمان در اجرای برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌های صنعتی

آلمان کشوری دارای حکومت فدرال است که ایالت‌های آن تحت یک حکومت مرکزی^۲ متحد شده‌اند. نظام حکومتی آلمان در سه سطح شهری، ایالتی و فدرال برنامه‌ریزی شده و وظایف هرکدام در قانون اساسی این کشور^۳ مشخص شده است. اصل اساسی به‌گونه‌ای است که تمامی ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری شرکت کنند و با اتخاذ هر دو رویکرد «پایین به بالا» و «بالا به پایین» قوانین را مطابق با نیازهای مردم و کشور تصویب کنند (VASAB, 2022). پس از جنگ جهانی دوم، برنامه‌ریزی فضایی در آلمان با کینزی‌گرایی فضایی و هدف کاستن از توسعه نامتوازن و دستیابی به «برابری منطقه‌ای» انجام شد و طرح‌های فضایی دولتی گوناگون هم‌سو با الگوهای هم‌شکل و ملی آمایش سرزمین و برابری حیات اقتصادی سیاسی به کار گرفته شد. در آلمان غربی، نظریه مکان مرکزی^۴ را والتر کریستالر به‌مثابه یک طرح آمایش سرزمین متمرکز مطرح کرد و قانون برنامه‌ریزی فضایی در سال ۱۹۶۵ ارائه شد که در مقام مجموعه‌ای از راهبردهای فضایی دولتی، متوازن‌سازی توسعه فضایی از طریق روش‌های مداخله‌ای غیرمستقیم همچون ارتقای مصرف جمعی یا اجرای سیاست‌های صنعتی با هدف توسعه اقتصادی در مناطق روستایی و حاشیه‌ای را دنبال می‌کرد (Brenner, 1997). طی

تمرکززدایی در کره جنوبی را می‌توان یکی از گسترده‌ترین سیاست‌های این‌چنینی در جهان برشمرد، اما تأثیرگذاری و منافع این رویکرد گاهی مبهم است. باید توجه داشت توسعه منطقه‌ای متوازن تنها از طریق سیاست‌های بازتوزیعی دست‌یافتنی نیست، همان‌گونه که کره جنوبی، برخی شرکت‌ها و نهادهای عمومی را به نقل مکان از مناطق پایتخت تشویق یا مجبور کرد (Kim, 2020). درواقع، ارتقای همگرایی و توسعه منطقه‌ای متوازن باید همراه با اصلاحاتی در توسعه مستقل منطقه‌ای صورت پذیرد و اعمال مداخلات هدفمند فضایی و ارائه معیارهای حداقلی در تمامی مناطق نیز برای کسب یکپارچگی ضروری است. از سوی دیگر، پیشرفت کره جنوبی در توسعه مستقل منطقه‌ای عمدتاً، به دلیل وجود ظرفیت‌های منطقه‌ای ناکافی و ضعف در استقلال، کند پیش می‌رود که نشان می‌دهد این امر در ابتدا مستلزم ظرفیت‌سازی در سطوح محلی و منطقه‌ای است (OECD, 2012). در روند توسعه منطقه‌ای متوازن، اتخاذ رویکردی مکان‌خشی یا مکان‌محور نیز به سطح توسعه یا موقعیت نهادی کشورها وابسته است. برای مثال، کشوری با درآمد پایین و فاقد منابع طبیعی خدادادی باید توجه بیشتری به رشد مؤثر با رویکردی عمدتاً مکان‌خشی (برای دستیابی به برابری اجتماعی و نه صرفاً فضایی) داشته باشد و کشوری با درآمد متوسط و دارای نظام شهری و منطقه‌ای کمابیش متنوع می‌تواند از رویکردی مکان‌محور (با محوریت مکان و ساکنان) منتفع شود (Kim, 2020). هدف اصلی «برنامه توسعه ملی متوازن» در کره جنوبی دستیابی به توازن در توسعه تمامی مناطق بوده است، اما این برنامه در مراحل اولیه بر اساس راهبرد نوآوری منطقه‌ای پایه‌ریزی شد و سپس راهبرد «خوشه‌های منطقه‌ای» مایکل پورتر به‌مثابه خط‌مشی اصلی سیاست‌گذاری برگزیده شد (Jang, 2009). بر اساس نظر پورتر (1998) خوشه‌ها، تمرکز جغرافیایی شرکت‌ها و نهادهای مرتبط در یک حوزه خاص‌اند و طیفی از صنایع مرتبط و سازمان‌های بااهمیت در رقابت همچون دانشگاه‌ها، اتاق‌های فکر، تأمین‌کنندگان آموزش‌های حرفه‌ای و انجمن‌های تجاری را در بر می‌گیرند. توسعه و ارتقای خوشه‌ها و برپایی نظام‌های نوآورانه موجب افزایش توان رقابتی و قابلیت نوآوری شرکت‌های واقع در آن‌ها می‌شود (Sternberg and Litzenberger, 2004).

۳-۲-۴. توسعه منطقه‌ای در کره جنوبی

در دهه دوم قرن بیست‌ویکم، کمیته توسعه منطقه‌ای ریاست‌جمهوری کره جنوبی هدف نهایی خود را «خلق مناطق رقابتی همراه با اشتغال بیشتر و کیفیت زندگی بهتر» تعریف کرد. بنابراین، موضوع اساسی از «توازن» به «رقابت» تغییر یافت و

1. Economic Region Development Plan

2. Bund

3. Grundgesetz

4. Central Place Theory

ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن و رقابت روبه‌افزایش در بازارهای نوظهور آسیایی، اروپای شرقی و امریکای جنوبی، در یافتن راه‌های کسب قدرت تأثیر بسیاری داشته است. درخصوص آلمان، به‌عنوان مثال، می‌توان به ایالت باواریا اشاره کرد که از زمان جنگ جهانی دوم، تغییرات مهمی در ساختار اقتصادی خود داشته است و در دهه‌های اخیر از ساختاری مبتنی بر کشاورزی به ایالتی مدرن و دارای رفاه تبدیل شده است (Nam, 2000). در اجرای برنامه‌ریزی فضایی، تمامی مناطق و نواحی باید از فرصت توسعه مستمر به شیوه‌ای رقابتی و پایدار برخوردار باشند، بنابراین ارائه مشوق‌های بیشتر برای حصول رشد منطقه‌ای، افزایش کیفیت مکانی و بهبود خودسازماندهی منطقه‌ای امری مهم تلقی می‌شود و هدف اصلی همچنان افزایش رقابت‌پذیری منطقه‌ای و بهره‌گیری مؤثرتر از زیرساخت‌های حمل‌ونقل با فراهم آوردن نظام پایدار و یکپارچه جهانی است.

۳-۴. نوآوری در توسعه فضایی و صنعتی

در آلمان امروز، مناطق غیرکلان‌شهری و روستایی که دارای ظرفیت‌های اقتصادی و نوآورانه‌اند نیز در رشد اقتصادی سهم دارند و از تأثیر توسعه‌ای و تدارکاتی مهمی در مناطق تحت‌نفوذ خود برخوردارند. درواقع، برنامه‌ریزی برای تقویت این مکان‌ها از لحاظ صنعتی، نوآوری و فناوری در چهارچوب راهبرد توسعه فضایی انجام می‌شود و از ابتکارعمل‌ها با هدف رشد تدریجی مناطق دارای قابلیت حمایت می‌شود. البته، برخی نواحی صنعتی قدیمی همچنان با عقب‌ماندگی در توسعه جمعیتی و ظرفیت‌های اقتصادی دست‌به‌گریبان‌اند که این موضوع به دلیل قرارگیری در مکان‌های حاشیه‌ای، کمبود اشتغال و داشتن ساختارهای صنعتی منسوخ است که این مناطق نیز باید با رشد تدریجی منابع منطقه‌ای و قابلیت‌های درون‌زا و پیوند با نواحی دارای ظرفیت‌های اقتصادی بیشتر توسعه یابند و به نقاط اتکا تبدیل شوند (Federal Ministry of Transport and Digital Infrastructure, 2016). ظرفیت و حاکمیت صنعتی و فناوریانه اقتصاد، معضل مهمی در مسیر موفقیت اقتصاد آلمان در آینده به شمار می‌آید و این کشور باید توانایی تاب‌آوری در رقابت‌های جهانی در تمامی حوزه‌های اساسی را داشته باشد (Federal Ministry for Economic Affairs and Energy, 2019). به‌طورکلی، اقداماتی همچون تحقیق و توسعه، برپایی بنگاه‌های کوچک و متوسط و اجرای سیاست‌های صنعتی مبتنی بر زیرساخت‌ها، تأثیر مهمی در اشتغال‌زایی و به‌روزرسانی ساختار صنعتی و توسعه اقتصادی و فناوریانه در آلمان داشته است (Nam, 2000).

۳-۵. چشم‌انداز صنعتی آلمان تا سال ۲۰۳۰

بر اساس گزارش راهبرد صنعتی ملی آلمان، هدف از «راهبرد صنعتی ملی ۲۰۳۰» بازپس‌گیری قابلیت‌های اقتصادی و فناوریانه

دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و بر اثر بحران فردگرایی^۱، الگوی فضایی توسعه سرمایه‌داری در آلمان ظاهر شد و با توجه به افزایش رقابت دولت‌ها در اروپا، این کشور به مکانی برای سرمایه‌گذاری ارتقا یافت. در دهه ۱۹۹۰، مناطق کلان‌شهری به معیار جدیدی برای افزایش توسعه اقتصادی مبدل شد و سپس راهبردهای فضایی جدید دولتی با تحرک‌بخشی به توسعه درون‌زا و پرداختن به مسائل اقتصادی-اجتماعی هر مکان و تمرکز مجدد بر توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری، در پی حل مشکلات مرتبط با توسعه نامتوازن شدید این کشور برآمدند.

اولین دور نئولیبرالاسیون در فرایند فضایی دولت آلمان پس از اتحاد دو آلمان در سال ۱۹۸۹ صورت پذیرفت. سپس برنامه‌ریزی فضایی غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر منطقه‌ای در کلان‌شهرهای اروپا رواج یافت و این مناطق «موتور توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی» شناخته شد. در دهه ابتدایی قرن بیست‌ویکم، اقتصاد آلمان نیز به‌شدت تحت تأثیر بحران اقتصادی قرار گرفت و رشد اقتصادی و توسعه نامتوازن فضایی این کشور مجدداً از سال ۲۰۰۹ از سر گرفته شد (Miessner, 2018).

۳-۲. نئولیبرالیسم در آلمان

نئولیبرالیسم به شیوه‌های جدید تنظیم‌گری اقتصادی-اجتماعی اشاره دارد و تغییر جهت از سیاست‌های توزیعی، ملاحظات رفاهی و ارائه مستقیم خدمات با اتخاذ رویکردی بازارمحور و وابسته به بازار به‌منظور رسیدن به رشد اقتصادی و تجدیدساختار رقابتی را در بر می‌گیرد (Waterhout, et al., 2013). اصول نئولیبرالیسم از بسیاری جنبه‌ها تصریح مجدد بحث‌های اقتصادی کلاسیک لیبرال است؛ اینکه جامعه تحت منطق بازار و رهبری دولت عملکرد بهتری از هر منطق دیگری دارد. بنابراین، دستیابی به بازار باز عاری از اصطکاک و رفع موانعی که موجب اختلال در تجارت می‌شود از اهداف مهم ایدئولوژی نئولیبرال به شمار می‌آید (Purcell, 2009). در آلمان، تفکر نئولیبرال از دهه ۱۹۸۰ وارد علم سیاست شد، اما باوجود اتحاد دو آلمان، سیاست‌گذاری فضایی دیگر موضوعی اضطراری تلقی نمی‌شد و بر دستیابی به برابری در ایالت‌های فدرال قدیمی و جدید تأکید می‌شد. شاید به همین دلیل نئولیبرالیسم در آلمان همچون انگلستان و هلند ریشه نگرفت (Miessner, 2018).

۳-۳. افزایش رقابت در برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی

یکپارچگی اقتصادی اروپا و جهانی‌سازی بازارها، کشورها را به افزایش رقابت‌پذیری و سازماندهی مجدد مجاری لجستیکی و توزیعی وادار می‌کند. در این میان، رقابت شدید فناوریانه بین

رشد بی‌رمق تولید و سطوح درآمدی پایین در مقایسه با مناطق مرکزی و جنوبی دست‌به‌گریبان بوده‌اند و استمرار این تفاوت‌ها «مسائل منطقه‌ای» بسیاری را برای این کشور در پی داشته است. بنابراین، تأثیرگذاری در روند رشد منطقه‌ای از طریق جذب سرمایه‌گذاری در مناطق روبه‌زوال صنعتی و معدنی شمال و غرب (در قیاس با مناطق جنوبی و نواحی صنعتی مرکزی) کاملاً احساس می‌شد (Wood, 1994). برای حل این مشکل، دست‌کم از سال‌های جنگ جهانی دوم، سیاستی رسمی مبتنی بر انتقال یا تأسیس شعبات جدید شرکت‌های تولیدی در مناطق با نرخ بیکاری بالا قوت گرفت. گرچه افزایش مهاجرت نیروی کار، راه‌حل کاملی برای از میان برداشتن ناتوانی منطقه‌ای به نظر نمی‌رسید، پیش‌بینی می‌شد این سیاست نتایج سریع‌تری را در دستیابی به توازن در پی داشته باشد (Needleman and Scott, 1964). عمده اقدامات انجام‌شده برای سامان‌بخشی به برنامه‌ریزی فضایی در بریتانیا طی سال‌های منتهی به دهه ۱۹۹۰ (بر اساس وود ۱۹۹۴) به شرح جدول ۵ بوده است.

و افزایش رقابت‌پذیری و رهبری صنعتی در سطوح ملی، اروپایی و جهانی در تمامی حوزه‌های مرتبط است. قدرت کنونی آلمان در رقابت‌های بین‌المللی عمدتاً مبتنی بر صنعت است که حدود ۲۳ درصد ارزش‌افزوده ناخالص این کشور را به خود اختصاص می‌دهد و از این رو در میان کشورهای اتحادیه اروپا پیشرو است. طبق این گزارش، آلمان در ابتدا به یک تحلیل مستقل، جامع و بی‌رحمانه از نقاط قوت و ضعف خود در مقایسه با تمامی اقتصادهای اتحادیه اروپا نیازمند است و سپس باید به معضلات اساسی موجود در سیاست‌گذاری اقتصادی توجه شود که در این میان تقویت نقاط قوت و اجرای فرایند هم‌ترازی در مناطق گوناگون بسیار مهم است.

۳-۴. برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی در بریتانیا

۳-۴-۱. تجربه بریتانیا در اجرای برنامه‌ریزی فضایی و

سیاست‌های صنعتی

مناطق حاشیه‌ای بریتانیا سال‌ها با نرخ بیکاری و مهاجرت بالا،

جدول ۵: اقدامات انجام‌شده در بریتانیا در زمینه ساماندهی برنامه‌ریزی فضایی تا دهه ۱۹۹۰

دوره زمانی	رخداد های حائز اهمیت
پس از جنگ جهانی دوم	- تأسیس/ انتقال شعبات شرکت‌های تولیدی در/ به مناطق با نرخ بیکاری بالا
سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۷۰	- تدوین اسناد آمایش سرزمین به‌منزله چهارچوب سیاست‌های منطقه‌ای توسط وزارت امور اقتصادی در دولت کارگر - تداوم اقدامات این وزارتخانه در دهه ۱۹۷۰ و اعطای مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری در «نواحی مورد حمایت» همراه با اعمال محدودیت بر رشد مناطق پرونق
اوایل دهه ۱۹۸۰	- کاهش برنامه کمک‌های بین منطقه‌ای و لغو نهادهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای همچون شورای برنامه‌ریزی اقتصادی منطقه‌ای به دلیل شرایط سخت اقتصادی و ناکامی در کاهش تفاوت‌های موجود در اشتغال منطقه‌ای
دهه ۱۹۹۰	- خصوصی‌سازی صنایع ملی و سازمان‌دهی مجدد نهادهای دولتی بر اساس معیارهای بخش خصوصی (البته این امر می‌توانست موجب از بین رفتن کمک‌های دولتی به نواحی محروم و دورافتاده‌تر شود و نابرابری به بار آورد).

و حمایت از هر طرح به قضاوت درباره قابلیت آن در اشتغال‌زایی بستگی می‌یافت. در دهه ۱۹۹۰ و با اعمال «قدرت‌سپاری»^۱ تجدید ساختار عمده‌ای در دولت بریتانیا روی داد که در نتیجه آن بر «برنامه‌ریزی فضایی» تأکید شد. برنامه‌ریزی فضایی با یکپارچه‌سازی سیاست‌های توسعه‌ای و کاربری اراضی با سیاست‌ها و برنامه‌های مکان‌محور تلاش می‌کرد در توسعه صنعتی تأثیرگذارتر باشد. گرچه در دهه ابتدایی قرن حاضر به نظر

پس از کاهش میزان اشتغال طی سال‌های دهه ۱۹۷۰، تلاش برای یافتن راه‌حل‌های بیشتر در دهه ۱۹۸۰ سرعت گرفت. فرضیات پیشین اساساً مبتنی بر عقاید کینزی درباره دخالت دولت در متقاعد کردن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و آغاز توسعه از طریق سرمایه‌گذاری دولتی بود. البته، سیاست فضایی دهه ۱۹۸۰ را نمی‌توان کاملاً عاری از دخالت‌های دولت دانست و راهبرد تأثیرگذاری در هزینه‌های عمده عمومی همچنان به قوت خود باقی ماند. روگردانی از سیاست‌های منطقه‌ای، کاهش تعداد «نواحی مورد حمایت» و توجه به مناطق محروم را در پی داشت

1. Devolution

اسکفینگتون^۲ مشاهده کرد (Baker et al., 2007). اخیراً، مقوله ذی‌نفعان و مشارکت عموم به یکی از مؤلفه‌های پایدار و مقبول در فرایند برنامه‌ریزی و به‌طورکلی سیاست‌گذاری عمومی تبدیل شده و تقویت مفاهیم جدیدتر «حاکمیت» در برابر نگرش‌های سنتی درباره دولت را در پی داشته است. مشارکت ساکنان محلی و ذی‌نفعان اصلی یکی از راه‌های اطمینان‌یابی از برآوردن نیازهای افراد و تأثیرگذاری سیاست‌هاست. یکی از مدل‌های مرسوم مشارکت از اواخر دهه ۱۹۶۰، مدل «نردبان مشارکت» آرنستاین^۳ است که با هدف دستیابی به «کنترل» به کار می‌رود و با بالا رفتن شهروندان از پله‌های نردبان، قدرت آن‌ها افزایش می‌یابد (Na-din, 2007). گرچه برخی از بخش‌های فرایند برنامه‌ریزی بسیار فنی است و مشارکت و کنترل آن‌ها به دست عموم مردم مشکل به نظر می‌رسد، برخی مفسران مدل آرنستاین را بازبینی کرده‌اند تا بتواند مشارکت گروه‌های ذی‌نفع را در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منعکس کنند. درواقع، ذی‌نفعان را می‌توان افراد دارای «منفعت» برشمرد که از آن جمله سیاست‌گذاران، بهره‌مندان از خدمات، تنظیم‌کنندگان، برنامه‌ریزان، دولت و عموم مردم و سازمان‌های داوطلبانه‌اند. بنابراین دستیابی به انسجام در برنامه‌ریزی بدون «درگیرکردن» ذی‌نفعان در دستیابی به «جوامع سیاست‌گذاری» چندان آسان نیست. انسجام در سیاست‌گذاری از طریق رویکرد برنامه‌ریزی فضایی مستلزم درک چگونگی عملکرد دیگر بخش‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر در دستیابی به نتایج توسعه‌ای است (ibid).

۳-۵. برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی در ایران

۳-۵-۱. تجربه ایران در اجرای برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌های صنعتی

پیشینه برنامه‌ریزی فضایی در ایران به سال ۱۳۴۵ و مطالعات «مؤسسه پژوهشی دانشگاه تهران» بازمی‌گردد، گرچه در آن زمان عبارت «برنامه‌ریزی فضایی» مرسوم نبود و در گزارش مذکور از «سیاست توسعه کشور» استفاده شد (Taghvaei et al., 2017). طی دوران پیش از انقلاب، در برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷-۱۳۵۱) برای نخستین بار به ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای پی برده شد و عمران ناحیه‌ای به یکی از فصول برنامه مذکور تبدیل شد. در برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۲-۱۳۵۶) به «غنای کشور از لحاظ درآمد سرشار نفت» و ازمیان‌برداشتن تنگنای مالی توجه شد و در گزارش شرکت فرانسوی ستیران در سال ۱۳۵۶، آینده ایران در دو افق ۱۳۷۱ و ۱۳۹۱ ترسیم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تجربه پیشین در برنامه‌ریزی فضایی

می‌رسید این برنامه‌ریزی به دوران شکوفایی خود رسیده باشد، با تغییرات رخ داده در دولت‌های حاکم، این روند فروکش کرد. در سال ۲۰۱۹ شواهدی نشان می‌داد برنامه‌ریزی فضایی مجدداً ظاهر شده است و تلاش‌های برخی مقام‌های شهری در انگلستان برای خلق چهارچوب‌های برنامه‌ریزی فضایی را می‌توان دومین موج این برنامه‌ریزی در بریتانیا برشمرد (Tomaney, et al., 2019).

۳-۴-۲. برنامه‌ریزی فضایی راهبردی و توسعه صنعتی در بریتانیا

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، سیاست صنعتی ابزاری مهم برای تقویت اقتصاد بریتانیا برشمرده می‌شد و این باور ضمنی وجود داشت که دولت‌ها از طریق مداخلات صنعتی راهبردی می‌توانند به بهبود عملکرد اقتصادی کمک کنند، اما در چهار دهه اخیر به تدریج از این دیدگاه کنش‌گرایانه فاصله گرفته شده است. از اوایل دهه ۱۹۸۰، دولت‌ها از مداخلات آشکار خود کاستند و عمدتاً به غلبه بر «ناکامی‌های بازار» توجه کردند و بدین ترتیب اشکال تنولیرال توسعه صنعتی در جامعه سیاست‌گذاری عمومی بریتانیا جا گرفت (Brown and Mason, 2012). در دهه ۱۹۹۰ و با قوت‌گرفتن قدرت‌سپاری و سهم‌کردن سطوح پایینی حاکمیت در روند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی فضایی از توانمندی بیشتری برخوردار شد. برنامه‌ریزی راهبردی فضایی طی دهه‌های اخیر موضوعی «جنجالی» در سیاست‌گذاری بوده و به سرعت به‌عنوان مدلی تأثیرگذار در یکپارچه‌سازی اصلاحات و الگوی برنامه‌ریزی، تحت حاکمیت تنولیرال موردتوجه قرار گرفته است (Clifford and Morphet, 2015). در دوران «حزب کارگر جدید»، برنامه‌ریزی راهبردی فضایی با تفکرات مختص به فن‌سالاری هم‌خوانی داشت و دموکراسی نیز اجتماع مدنی را می‌پذیرفت که پذیرای تأثیر بازار بود، اما بر تنظیمگری دولت نیز تأکید می‌کرد. پس از تشکیل دولت ائتلافی به رهبری دیوید کامرون و نیک کلگ در سال ۲۰۱۰، شرایط دستخوش تغییرات گسترده‌ای شد و وزرای حزب محافظه‌کار این نظام برنامه‌ریزی را بازدارنده سرمایه‌گذاری بین‌المللی و مانع گسترش بنگاه‌های داخلی و اشتغال‌زایی و کسب‌وکارهای جدید و ابزاری برای «نه» گفتن به توسعه توصیف کردند (Tomaney, et al., 2019).

۳-۴-۳. مشارکت ذی‌نفعان در روند برنامه‌ریزی فضایی در بریتانیا

سابقه مشارکت ذی‌نفعان، از جمله عموم مردم، در فرایند برنامه‌ریزی در بریتانیا را می‌توان دست‌کم از اواخر دهه ۱۹۶۰ و انتشار گزارش

2. Skeffington Report

3. Arnstein's Ladder of Participation

۱. New Labour؛ دوره زمانی اوایل دهه ۹۰ تا سال ۲۰۱۰ در بریتانیا تحت رهبری تونی بلر و گوردون برون

کند و پس از تصویب شورای عالی سرزمین، آن را از سال دوم به اجرا درآورد (Law on the Sixth Five-Year Economic, Social, Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran). در همین راستا، سازمان برنامه‌بودجه و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، مسئولیت تدوین اسناد فوق را بر عهده گرفتند و «سند آمایش سرزمین» شامل سند ملی و اسناد استانی آمایش سرزمین در اسفند ۱۳۹۹ به تصویب شورای عالی آمایش سرزمین رسید. ماده ۴ سند مذکور به «راهبردها و سیاست‌های سرزمینی» اشاره دارد که بخشی از آن به این شرح است:

- ایجاد و ارتقای پیوندها و مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با کشورهای منطقه و جهان با تأکید بر مرکزیت شهر تهران و شهرمنطقه‌های سطح یک به‌عنوان همکار تهران در تعاملات بین‌المللی؛

- تنوع‌بخشی به اقتصاد، متناسب با مزیت‌ها، قابلیت‌ها و تخصص‌های سرزمین؛

- ساماندهی استقرار صنایع کشور و شکل‌دهی به زنجیره فعالیت‌های صنعتی از طریق کاربرد توسعه خوشه‌ای در شهرک‌ها و نواحی صنعتی و معدنی و توسعه صنایع کوچک و متوسط با تأکید بر استقرار در مناطق مرزی؛

- تمرکززدایی و تغییر الگوی شبکه‌ی شهری سرزمین از تک‌مرکزی به چندمرکزی و چندسطحی با استفاده از تعادل فضایی در سرزمین و تمرکززدایی از مناطق کلان‌شهری.

سند ملی آمایش سرزمین البته با نقدهایی مواجه بوده است. ذاکری (2022) مهم‌ترین نکات و نقدها پیرامون مبانی نظری و روش‌شناسی این سند را این‌گونه برمی‌شمرد: بی‌توجهی به مفاهیم اساسی همچون تولید، نوآوری و اشتغال؛ انتقادهای جدی به مبنای نظری مورد استفاده و انتزاعی و مبهم بودن سیاست‌های پیشنهادی؛ نبود تحلیل‌های آینده‌نگری و آینده‌پژوهی کافی؛ نگاه مطلق‌گرایانه و غفلت از برشمردن آمایش به‌منزله جزئی از فرایند برنامه‌ریزی و ابزاری برای دستیابی به چشم‌انداز؛ نامشخص بودن راهبرد توسعه صنعتی و بی‌توجهی به الگوی صنعتی‌شدن در کشور.

۴. یافته‌های پژوهش

در تحقیق حاضر تحولات صورت‌گرفته درخصوص برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری صنعتی در کشورهای کره جنوبی، آلمان، بریتانیا و ایران از نیمه دوم قرن بیستم تا زمان حاضر با رویکردی تطبیقی-تحلیلی بررسی شد که رویدادهای عمده در هر یک از کشورها را می‌توان در قالب نمودارهای ۱ تا ۴ خلاصه کرد.

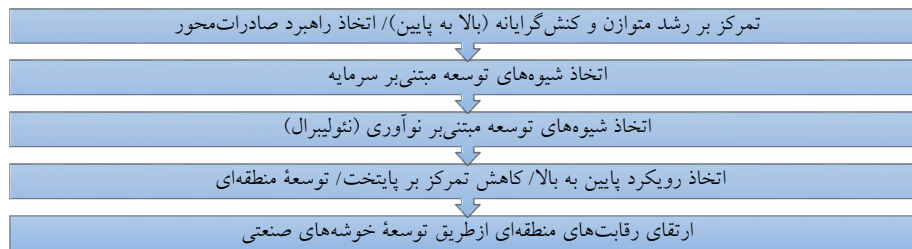
مسکوت ماند و اجرای آن در قالب برنامه اول توسعه (۱۳۶۲-۱۳۶۶) نیز به دلیل تداوم جنگ تحمیلی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن همچنان متوقف ماند. برنامه‌ریزی فضایی مجدداً در قالب مطالعات آمایش سرزمین از سال ۱۳۷۶ در چهارچوبی جدید و تعاملی ملی-منطقه‌ای آغاز شد که این حرکت را می‌توان نوعی احساس نیاز به دستگاه‌های جامع‌نگر، دورنگر و راهبردی دانست که نه تنها به روابط غیربخشی و بین منطقه‌ای توجه می‌کند، روابط بخشی-منطقه‌ای را نیز با خود همراه دارد (Zali, Persian Gulf Studies Center). به‌طورکلی، تسلط هفت‌دهه‌ای برنامه‌ریزی بخش‌نگر بر «توسعه سرزمینی»، ایران را با چالش‌هایی چون تمرکزگرایی فزاینده، نابرابری‌های ناروا، بحران آب و تخریب فزاینده محیط‌زیست و کاهش زیست‌پذیری قلمروهای مختلف مواجه ساخته است که نبود چاره‌جویی برای خروج از این وضعیت می‌تواند نظام سیاسی و اقتصادی کشور را با بحران بقا مواجه سازد (Sameni and Zebardast, 2022). در سال‌های اخیر، برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر اسناد چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و سازمان برنامه‌بودجه با محوریت اقتصاد، مسئولیت برنامه‌ریزی را با هماهنگی وزارتخانه‌ها و نهادها و سازمان‌ها بر عهده داشته است (Mirgholami et al., 2019).

۳-۵-۲. نابرابری فضایی در ایران

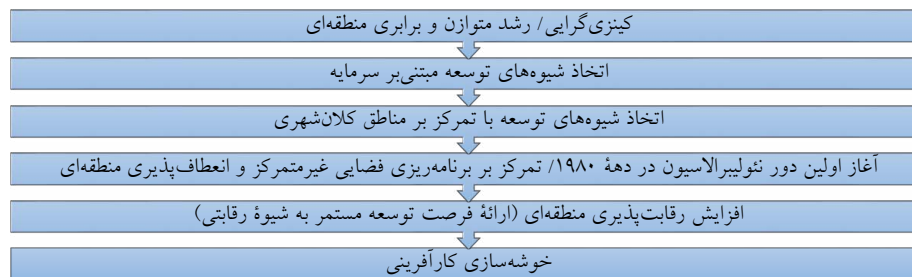
در سال‌های اخیر، نابرابری فضایی در ایران از موضوعات موردتوجه محققان بوده است. به‌عنوان مثال، ذاکری (2014) با بررسی ۱۰۷ پژوهش مرتبط با نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران به این نتیجه می‌رسد که وجود نابرابری بین استان‌های کشور، به‌ویژه در مقایسه با تهران، امری واضح است که از دلایل آن می‌توان به تمرکزگرایی شدید، نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها و سرمایه فیزیکی و انسانی اشاره کرد. پژوهش مذکور همچنین نشان می‌دهد در توسعه‌یافتگی استان‌های مرکزی و مرزی کشور ناتجانسی شدیدی هست که ممکن است تضعیف وحدت ملی را در پی داشته باشد. از سوی دیگر، اتکا بر ساختارها و نهادهای متمرکز، تداوم رویکرد برنامه‌ریزی متمرکز و بخشی، بی‌توجهی به ابعاد فضایی برنامه‌ها و برنامه‌ریزی از بالا به پایین موجب بروز بی‌عدالتی‌هایی در ایران شده است (Dadashpoor, and Sho-jae, 2022).

۳-۵-۳. سند ملی آمایش سرزمین

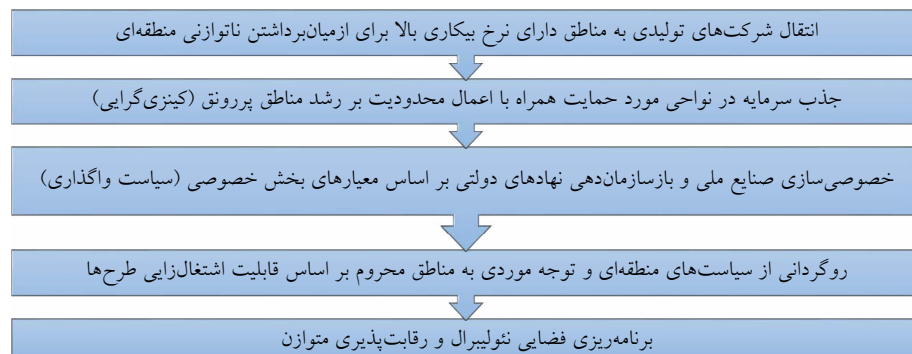
با توجه به اهمیت برابری در امر توسعه، بر موضوعات «توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر» در بخش ۵ برنامه ششم توسعه تأکید شد و در جز «۱» بند «الف» ماده (۲۶) قانون مذکور دولت موظف شد در سال اول اجرای قانون برنامه ششم، سند آمایش سرزمین ملی و استانی را تهیه



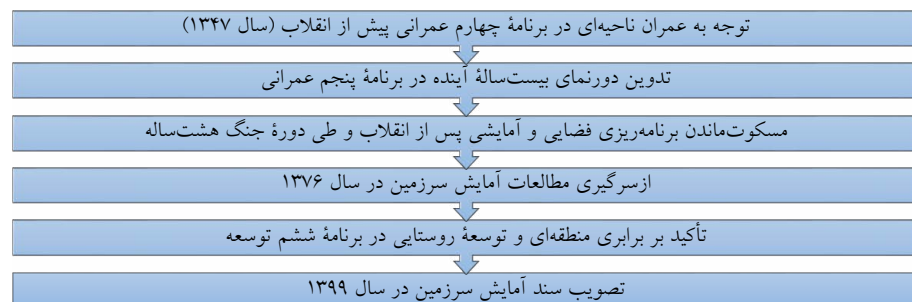
نمودار ۱: روند پیشرفت کره جنوبی در سیاست‌گذاری صنعتی با محوریت برنامه‌ریزی فضایی از دهه ۱۹۶۰



نمودار ۲: روند پیشرفت آلمان در سیاست‌گذاری صنعتی با محوریت برنامه‌ریزی فضایی از پایان جنگ جهانی دوم



نمودار ۳: روند حرکت بریتانیا در سیاست‌گذاری صنعتی با محوریت برنامه‌ریزی فضایی از پایان جنگ جهانی دوم



نمودار ۴: روند حرکت ایران در سیاست‌گذاری صنعتی با محوریت برنامه‌ریزی فضایی از دهه ۱۳۴۰ (۱۹۶۰)

دولت‌های کره جنوبی، آلمان و بریتانیا در اتخاذ سیاست‌های صنعتی متناسب با مقتضیات دوره‌های زمانی مختلف اشاره کرد. بر همین اساس، گرچه در کشورهای مذکور از نیمه دوم قرن بیستم شاهد حاکمیت دولت‌ها و احزاب بعضاً مخالف بوده‌ایم، برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی پیوسته ادامه یافته است و دولت‌های هر سه کشور با اتخاذ سیاست‌هایی همچون ننولیرالیسم، خوشه‌سازی صنعتی، رقابت‌پذیری منطقه‌ای و... در پی کاهش نابرابری و افزایش عدالت صنعتی، اقتصادی و اجتماعی بوده‌اند.

پاسخ به پرسش دوم: درباره چگونگی بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق در تدوین و اجرای برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی، در ابتدا باید اشاره کرد که به‌کارگیری تجربیات موفق دیگر کشورها در سیاست‌گذاری‌های فضایی-صنعتی امری تردیدناپذیر است. گرچه سیاست‌های توسعه‌ای باید مطابق با ضروریات زمانی و مکانی هر کشور تدوین و اجرا شود، مهندسی معکوس و آموختن رویه‌های متداول دیگر کشورها در برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی موضوعی حائز اهمیت است که حتماً سیاست‌گذاران باید به آن توجه کنند. تجاربی همچون «مشارکت ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی فضایی» در آلمان و بریتانیا، «ارتقای مفاهیم رقابت‌پذیری منطقه‌ای» در قالب «مناطق اقتصادی» در کره جنوبی یا «بهره‌گیری از سیاست‌های صنعتی و نوآورانه و مدیریت رانت‌های اقتصادی» از جمله مواردی است که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های صنعتی دیگر کشورها نیز استفاده شود.

نتیجه‌گیری

بررسی تحولات برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری صنعتی در کشورهای پیشگام این حوزه در قالب مطالعات تحلیلی-تطبیقی و آگاهی از اقدامات و دستاوردهای آن‌ها در روند توسعه صنعتی می‌تواند در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای دیگر نیز راهگشا باشد. آلمان، بریتانیا و کره جنوبی، که نمونه‌های موفق اروپایی و آسیایی در برنامه‌ریزی فضایی و توسعه صنعتی‌اند، با اتخاذ سیاست‌های ننولیرال، تمرکز بر توسعه منطقه‌ای، برپایی پارک‌های صنعتی، تأکید بر نوآوری، ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای و اهمیت‌دهی به مشارکت ذی‌نفعان، گام‌های مهمی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی برداشته‌اند. در ایران باوجود آغاز سیاست‌های فضایی-صنعتی هم‌زمان با کره جنوبی، حرکتی ناپیوسته را در تدوین و اجرای این برنامه‌ها شاهد بوده‌ایم که بی‌تردید وقایعی همچون انقلاب اسلامی و جنگ هشت‌ساله در این امر تأثیرگذار بوده است. همچنین باید به قرارگیری ایران در منطقه خاورمیانه به‌منزله یکی از کانون‌های مهم تحولات و تغییرات سیاسی-اجتماعی جهان اشاره کرد، ضمن اینکه در چند

همان‌گونه که در نمودارها دیده می‌شود، تجربه کشورهای مورد مطالعه در تحقیق حاضر در زمینه برنامه‌ریزی فضایی-صنعتی، دست‌کم به هفت دهه پیش بازمی‌گردد. در سه کشور کره جنوبی، آلمان و بریتانیا، برنامه‌ریزی فضایی متأثر از کینزی‌گرایی و ننولیرالیسم، در سال‌های اخیر به سمت خوشه‌سازی صنعتی و افزایش رقابت‌پذیری مناطق حرکت کرده است. در کره جنوبی گرچه فرایند برنامه‌ریزی فضایی و تلفیق آن با سیاست‌گذاری صنعتی در برخی موارد (به‌خصوص در مراحل ابتدایی) ناتوانی‌هایی را در پی داشته، این کشور با محوریت دولت و بهره‌گیری از تجارب کشورهای پیشگام، به موفقیت‌های قابل‌اعتنایی در توسعه صنعتی دست یافته است. در آلمان نیز که یکی از اقتصادهای بزرگ دنیا است، تلاش برای کاستن از نابرابری فضایی و رسیدن به توازن منطقه‌ای پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد و این روند با محوریت برنامه‌ریزی فضایی غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیری منطقه‌ای و افزایش رقابت‌پذیری منطقه‌ای متأثر از یکپارچگی اقتصادی اروپا و جهانی‌سازی بازارها ادامه دارد. امروزه بر نوآوری در توسعه فضایی و صنعتی، در تمامی مناطق دارای ظرفیت‌های اقتصادی و نوآورانه آلمان اعم از مناطق غیرکلان‌شهری و روستایی تأکید می‌شود و این کشور بازپس‌گیری قابلیت‌های اقتصادی و فناوریانه و افزایش رقابت‌پذیری و رهبری صنعتی در سطوح ملی، اروپایی و جهانی را از اهداف خود تا سال ۲۰۳۰ تعیین کرده است. بریتانیا نیز پس از پایان جنگ جهانی دوم در پی توسعه صنعتی با تأکید بر تأسیس شرکت‌های تولیدی یا شعبات آن‌ها در مناطق دارای نرخ بیکاری بالا برآمد. برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری صنعتی در بریتانیا طی نیمه دوم قرن بیستم و سال‌های متعاقب آن برگرفته از سیاست‌های احزاب کارگر و محافظه‌کار و دولت‌های ائتلافی و با تأکید بر کینزی‌گرایی و دخالت دولت در توسعه صنعتی، قدرت‌سپاری، یکپارچگی سیاست‌های توسعه‌ای و برنامه‌های مکان‌محور صورت گرفت. در ایران برنامه‌ریزی فضایی به دو دوره پیش از انقلاب اسلامی و پس‌از آن تقسیم می‌شود. پیش از انقلاب اسلامی «سیاست توسعه کشور» عمدتاً در قالب برنامه‌های چهارم و پنجم عمرانی مطرح شد که چندان فرصت اجرا نیافت. پس از انقلاب نیز مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ هشت‌ساله مجال برای برنامه‌ریزی فضایی باقی نگذاشت. در دهه ۱۳۷۰، برنامه‌ریزی فضایی در قالب مطالعات آمایش سرزمین و در چهارچوبی ملی-منطقه‌ای آغاز شد و سپس به شکل برنامه‌های چهارساله توسعه بر آن تأکید بیشتری شد.

بنابراین برای پرسش‌های مطرح‌شده در بخش مقدمه پاسخ‌های مطرح‌شدنی چنین است.

پاسخ به پرسش اول: درباره تأثیر دولت‌ها در تدوین و اجرای برنامه‌ریزی فضایی و سیاست‌گذاری صنعتی باید به تأثیر حیاتی

اهتمام کافی دولت‌ها در اجرای برنامه‌های فضایی صنعتی، فاصله میان ایران و کشورهای پیشرو در زمینه توسعه منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، همچنان روبه افزایش باشد.

منابع

- Aiginger, K., and Rodrik, D. (2020). "Rebirth of Industrial Policy and Agenda for the Twenty First Century". *Journal of Industry, Competition and Trade*, 20. pp. 189-207.
- Baker, M. Coaffee, J., and Sherriff, G. (2007). "Achieving Successful Participation in the new UK Spatial Planning System". *Planning, Practice and research*, 22 (1). pp. 79-93.
- Brenner, N. (1997). State territorial restructuring and the production of spatial scale: Urban and regional planning in the Federal Republic of Germany, pp. 1960-1990. *Political Geography*, 16 (4), pp. 273-306.
- Brown, R., and Mason, C. (2012). "Raising the Batting Average: Re-orientating Regional Industrial Policy to Generate More High Growth Firms". *Local Economy*, 27 (1). pp. 33-49.
- Clifford, B., and Morphet, J. (2015). "A Policy on the Move? Spatial Planning and State Actors in the Post-devolutionary UK and Ireland". *The Geographical Journal*, 181 (1). pp. 16-25.
- Dadashpoor, H., and Shojaei, D. (2022). "Spatial inequality and the center-periphery relationship in Iran: The provision of a theoretical model using Lynham Theorizing Method". *Town and Country Planning*, 14 (1), pp. 25-59. {in Persia}
- Dunford, M. (2017). *Regional development models. The international Encyclopedia of Geography, people, the earth, environment and technology*. In D. Richardson, N. Castree, M. F. Goodchild, A. Kobayashi, W. Liu and R. A. Marston (Eds). John Wiley and Sons, Ltd. <https://doi.org/10.1002/9781118786352>.
- Dunford, M. (2006). "Regional development models". *International Encyclopedia of Human Geography*, 9. pp. 192-201.

دهه گذشته اعمال تحریم‌های گوناگون بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از سوی ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و حتی سازمان ملل تأثیرات بسیار سوئی در اجرای برنامه‌های توسعه صنعتی کشور داشته است. در ایران، به موضوع برنامه‌ریزی فضایی طی سال‌های اخیر در قالب تدوین اسناد ملی و استانی آمایش سرزمین بیشتر توجه شده است، اما اقدامات انجام‌شده همچنان در مراحل ابتدایی است و با اجرایی‌شدن فاصله دارد. البته، از دو دهه پیش، سیاست‌گذاران صنعتی کشور به ایجاد خوشه‌های صنعتی برای ساماندهی و تجمع فعالیت‌های صنایع تولیدی کوچک و متوسط توجه کردند و در حال حاضر نیز بالغ بر ۵۰۰ خوشه صنعتی در کشور وجود دارد. گرچه در اجرای سیاست خوشه‌های صنعتی بهره‌گیری از تجارب کشورهای همچون آلمان و کره جنوبی می‌تواند راه‌حلی را در بر داشته باشد، ارتقای زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، بهبود ارتباطات بین‌بنگامی، هماهنگی نهادهای اجرایی و پشتیبان، برپایی نظام‌های نوآورانه به منظور افزایش توان رقابتی و قابلیت نوآوری شرکت‌ها، بهره‌گیری از سرمایه‌های فیزیکی و انسانی و... از مواردی است که نباید از آن غفلت کرد. موضوع دیگر درباره استفاده از تجارب دیگر کشورها در امر سیاست‌گذاری صنعتی، میزان سازگاری سیاست‌های پیشنهادی با اقتضائات زمانی و مکانی و پذیرش آن‌ها در میان نخبگان اقتصادی یک کشور است. برای مثال، حرکت در مسیر نئولیبرالیسم در روند توسعه صنعتی ایران (همچون آلمان، بریتانیا و کره جنوبی) با اختلاف‌نظرهای مهمی در میان نخبگان اقتصادی مواجه است که این امر کاربست چنین مقوله‌ای را با مشکل روبه‌رو می‌سازد، ضمن اینکه امروزه به اثربخشی نئولیبرالیسم در سطح جهانی نیز تردید می‌کنند. به‌ر تقدیر، اقداماتی همچون تشکیل مناطق اقتصادی به‌منزله واحدهای سیاست‌گذاری و موتورهای توسعه بر اساس هویت جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی از جمله مواردی است که می‌تواند در ایران نیز به کار گرفته شود، موضوعی که در سند آمایش سرزمین نیز عمدتاً با تمرکز بر ارتقای گردشگری ذکر شده است و اجرای آن با تمرکز بیشتر بر ارتقای استعدادهای موجود در مناطق مرزی میسر است. همچنین ساختن مناطق رقابتی با در نظر گرفتن قابلیت‌های صنعتی، علمی، فناوری و زیرساختی و تعریف صنایع «پیشران» در آن‌ها به منظور شتاب‌بخشی به توسعه و تجاری‌سازی محصولات و خدمات، می‌تواند از گزینه‌های آتی در برنامه‌ریزی فضایی-صنعتی باشد. درنهایت باید در نظر داشت گرچه برای تدوین سند آمایش سرزمین و به‌طور کلی برنامه‌ریزی فضایی در ایران تلاش‌های فراوانی شده است، اجرایی‌شدن این برنامه‌ها در ابتدا مستلزم بازبینی مستمر و فاصله‌گیری از مفاهیم انتزاعی و روی آوردن به عمل‌گرایی بیشتر و هماهنگی تمامی نهادها و سازمان‌های مرتبط است. درواقع، به نظر می‌رسد در نبود

- Faludi, A. (2000). The performance of spatial planning. *Planning Practice and Research*, 15 (4). Pp. 299-318.
- Federal Ministry of Transport and Digital Infrastructure. (2016). Concepts and Strategies for Spatial Development in Germany. Secretariat of the Standing Conference of Ministers responsible for Spatial Planning.
- Federal Ministry for Economic Affairs and Energy. (2019). *National Industrial Strategy 2030; Strategic guidelines for a German and European Policy*. FMEAE Public Relations Division.
- Ghazi, S., and Taheri, M. (2014). "A comparative study of Iran and South Korea's territorial plans". *Journal of Sociological Studies of Iran*. 4, (12). pp. 31-40. {in Persian}.
- Hall P. A. (1993). "Policy paradigms, social learning and the state: The case of Economic Policy-making in Britain". *Comparative Politics*, 25 (3) pp. 275-96.
- Jang, J. H. (2009). "Regional Development Policy in Korea; Past, Present and Future". *Journal of the Economic Geographical Society of Korea*, 12 (4). Pp. 576-596.
- Kim, Y. W. (2001). National Territorial Planning at the Turn of the 21st Century. *GeoJournal* 53, pp. 5-15.
- Kim, W. B. (2020). "Korea's Regional Development Policy: Understanding Its Context and Drawing Implications for International Development Cooperation". In S. H. Park, H. B. Shin and H. S. Kang (Eds.) *Exporting Urban Korea? Reconsidering the Korean Urban Development Experience*. (pp. 35-57). London, Routledge.
- Lasswell, H. D. (1970). "The Emerging Conception of the Policy Sciences". *Policy Sciences*, 1, pp. 3-14. doi.org/10.1007/BF00145189
- Law on the Sixth Five-year Economic, Social, Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran. (2017-2021). {in Persian}
- Lindblom, C. E. (1959). "The Science of muddling through". *Public Administration Review*, 19. pp. 79-88.
- Mirgholami M., Pourjafar M., and Misaghi S. M. (2019). "A comparative evaluation of Spatial planning system of Iran, Egypt, Saudi Arabia, Turkey and Malaysia". *MJSP 2019*, 23 (3). Pp. 1-41. {in Persian} Available in: <http://hsmmsp.modares.ac.ir/article-21-23800-fa.html>.
- Nadin, V. (2007). "The Emergence of the Spatial Planning Approach in England". *Planning Practice and Research*, 22 (1). pp. 43-62.
- Nam, C. W. (2000). "Decentralized Industrial Policy in Germany. Case study: Bavaria". *European Planning Studies*, 8 (2). Pp. 201-209.
- National territorial planning policy document (of Iran). (2021). Planning and Budget Organization.
- Needleman, L., and Scott, B. (1964). "Regional Problems and Location of Industry Policy in Britain". *Urban Studies*, 1(2). pp. 153-173.
- OECD (2012). *Industrial Policy and Territorial Development: Lessons from Korea*. Development Centre Studies. Paris: OECD Publishing.
- OECD (2020). *OECD Economic Surveys, Korea*. Paris: OECD Publishing.
- Porter, M. E. (1998). *Clusters and the New Economics of Competition*. Boston: Harvard Business Review. pp. 77-90.
- Presidential Committee on Regional Development (PCRD) (2009). *Paradigm Shift in Regional Policy and New Regional Policy*. Seoul: PCRD.
- Purcell, M. (2009). "Resisting Neoliberalization: Communicative Planning or Counter-hegemonic Movements?". *Planning Theory*, 8. pp. 140-165.
- Sameni, A., and Zebardast, E. (2022). "Feasible Pathology of Land Use in Iran, Case Study: The Fourth Round of Land Use Studies". *Majlis and rahbird Scientific Quarterly Journal*, Online Publication. {in Persian} doi.org/10.22034/mr.2022.5403.5159
- Schmidt, S., and Buehler, R. (2007). "The Planning Process in the US and Germany: A Comparative Analysis". *International Planning Studies*, 12 (1). pp. 55-75.
- Shapiro, H. (2007). "Industrial Policy and Growth. United Nations Department of Economic and

- Social Affairs". *DESA Working Paper*, 53.
- Soofi, A. S. (2017). "A Comparative Study of Chinese and Iranian Science and Technology, and Techno-industrial Development Policies". *Technological Forecasting and Social Change*, 122. pp. 107-118.
- Sternberg, R., and Litzenberger, T. (2004). "Regional Clusters in Germany-their Geography and Their Relevance for Entrepreneurial Activities". *European Planning Studies*, 12 (6), pp. 767-791.
- Taghvaei, M. BeikMohammadi, H. Zali, N., and Kasaei, M. (2017). "An Implementation Approach to Spatial Planning in Iran, Case Study: The South Alborz Macregion". *Journal of the Malaysian Institutue of Planners*, 15 (3). pp. 13-26.
- Tewdwr-Jones, M. Gallent, N., and Morphet, J. (2010). "An Anatomy of Spatial Planning: Coming to Terms with the Spatial Element in the UK Planning". *European Planning Studies*, 18 (2). pp. 239-257.
- Tomaney, J. Natarajan, L. Ilie, E., and Hamiduddin, I. (2019). "Towards a second generation of spatial planning in the UK?". *The Journal of Town and Country Planning Association*, 88 (11). pp. 457-461.
- UN-Habitat (2015). International Guidelines on Urban and Territorial Planning. *Nairobi, United Nations Human Settlement Program*.
- Vision and Strategies Around the Baltic Sea, Country Fiche on Terrestrial Spatial Planning, Germany (2022).
- Walsh, C., and Allin, S. (2012). "Strategic Spatial Planning: Responding to Diverse Territorial Development Challenges: Towards an Inductive Comparative Approach". *International Planning Studies*, 17 (4), pp. 377-195.
- Waterhout, B. Othengrafen, F., and Sykes, O. (2013). "Neo-liberalization Processes and Spatial Planning in France, Germany and the Netherlands: An Exploration". *Planning, Practice and Research*, 78 (1), pp. 141-159.
- Wood, P. (1994). "The Transformation of Spatial Planning in the UK". *L'Espace géographique*, 23 (1). pp. 65-73.
- Yağci, M., Ardiani, N. (2018). "National Development Planning, Industrial Policy, and Sustainable Growth Challenges in Indonesia and Malaysia: A Comparative Historical Analysis". In M. Yülek (ed). *Industrial Policy and Sustainable Growth. Sustainable Development. Springer, Singapore*.
- Yusifov, S. (2018). "Regional development policies of Korea and policy suggestions for Azerbaijan". *World Economy Brief*, 8 (16). pp. 1-10.
- Zakeri, Z. (2014). "A collection of regional territorial planning in Iran (1): A meta analysis of regional inequality in Iran". *Majlis Research Center*, 14039. {in Persian}
- Zakeri, Z. (2022). "A Collection of Regional Territorial Planning in Iran (10): An Investigation and Critique of National Territorial Planning Policy Document". *Majlis Research Center*, 18168. {in Persian}
- Zali, Nader. The Position of Territorial Planning in the Planning System of Iran. Persian Gulf Studies Center. Available in: <http://www.persiangulfstudies.com/fa/pages/682> {in Persian}



Investigating historical impacts of spatial planning on industrial policymaking in selected industrial countries and Iran

Esmail Malek Akhlagh¹

Ahmad Niazade²

Saeed Shadman³

Abstract

Territorial planning and its incorporation with developmental and industrial policies were seriously deliberated in the mid-twentieth century and spatial planning was subsequently accentuated as a concept transcending sectoral policies to attain balance and spatial equality. Although advancements made by Germany, Britain and the Republic of Korea in spatial planning and industrial development have always been affected by diverse policies of the ruling governments in various periods of time, the progression has been coherent and uninterrupted. In Iran, despite spatial planning having commenced concurrent with South Korea in the 1960s, it has not achieved considerable success due to historic events such as Islamic Revolution, eight-year war with Iraq and also for its geopolitical situation and economic sanctions imposed on it. Therefore, notable spatial inequalities can still be perceived. The current research, taking a historical comparative view, aims at exploring impacts of spatial planning on industrial development and connecting the two subjects with industrial policymaking so that experiences gained by the aforementioned countries can be employed in future spatial-industrial plans in Iran.

Keywords: Spatial Planning, Industrial Development, Territorial Planning, Industrial Policymaking

1. Business Management Department, University of Guilan, Iran.

2. Business Management Department, University of Guilan, Iran. ahmadniazade@webmail.guilan.ac.ir

3. Business Management Department, University of Guilan, Iran.

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

پدیدآورندگان	اسماعیل ملک اخلاق	احمد نیاززاده	سعید شادمان
نقش	نویسنده	نویسنده مسئول	نویسنده
نگارش متن	نگارش متن اصلی	نگارش متن اصلی / مرور ادبیات	مرور بر ادبیات
ویرایش متن و ...	بازنگری کلی	ویرایش متن / بازنگری کلی	—
طراحی / مفهوم پردازی	طراحی / مفهوم پردازی	طراحی / مفهوم پردازی	—
گردآوری داده	گردآوری داده ها	گردآوری داده ها	—
تحلیل / تفسیر داده	تفسیر داده ها	تفسیر داده ها	تفسیر داده ها
سایر نقش ها	—	—	—

ب) اعلام تعارض منافع

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می باشند که ممکن است به طور ناعادلانه ای بر تصمیم گیری آن ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله ساز می شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می کنند که رابطه مالی یا غیر مالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرنت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیر مالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه ای، اندیشه ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرنت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهام دارند.

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می رساند نویسندگان مقاله هیچ گونه تعارض منافی ندارد.

نویسنده مسئول: احمد نیاززاده

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

شیوه‌نامه نگارش مقالات در نشریه سیاست‌نامه علم و فناوری

فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری پذیرای مقالات تحقیقی پژوهشگران و صاحب‌نظران است. مقالات باید به زبان فارسی و در موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری فصلنامه باشد. رعایت دقیق نکات زیر در تدوین مقاله از شرایط پذیرش مقالات برای داوری است.

اصول کلی

۱. مقاله ارسالی نباید در نشریات فارسی یا انگلیسی زبان داخل و خارج کشور منتشر شده باشد.
۲. مقاله نباید هم‌زمان به سایر نشریات ارسال شده باشد.
۳. مقاله حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر در ۲۵ صفحه در نرم‌افزار مایکروسافت Word 2010 حروف‌چینی شود.
۴. حاشیه صفحات از بالا ۳ سانتی‌متر و از پایین و چپ و راست ۲/۵ سانتی‌متر تنظیم شود.
۵. متن مقاله به صورت تک‌ستونی تنظیم شود.
۶. فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر (Single) باشد.

ترتیب قسمت‌ها

- صفحه اول شامل عنوان کامل فارسی، چکیده فارسی و واژگان کلیدی.
- صفحه دوم به بعد شامل مقدمه، مبانی نظری، روش‌شناسی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری و فهرست منابع.
- ترجمه انگلیسی عنوان، چکیده انگلیسی و واژگان کلیدی در انتهای مقاله، بعد از فهرست منابع، آورده شود.
- لطفاً در صفحه اول زیر عنوان مقاله، نام نویسندگان و مشخصات آن‌ها نوشته نشود. نام‌های کامل نویسندگان، به ترتیب، در فایل تعهدنامه نوشته و ارسال شود.
- لطفاً نام نویسنده مسئول (ارسال‌کننده مقاله از طریق سامانه) را با علامت * مشخص کنید. از ذکر عناوینی نظیر دکتر، مهندس و... در ابتدای نام افراد خودداری کنید.
- فایل تعهد را می‌توانید از طریق وب‌سایت نشریه دانلود نمایید.

اصول نگارش مقاله

نوع و اندازه قلم در قسمت‌های مختلف مقاله طبق جدول زیر تهیه شود:

عنوان	قلم (فونت)	اندازه	سبک
عنوان فارسی	BTitr	۱۶	Bold
عنوان انگلیسی	Time New Roman	۱۴	Bold
عناوین اصلی (چکیده، مقدمه، مبانی نظری، روش‌شناسی تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، نتیجه‌گیری و منابع)	BLotus	۱۴	Bold
عناوین فرعی	BLotus	۱۳	Bold

عنوان	قلم (فونت)	اندازه	سبک
عناوین فرعی فرعی	BLotus	۱۲	Bold
متن مقاله و چکیده فارسی	IRLotus	۱۲	Normal
کلمات انگلیسی به کاررفته در متن مقاله	Time New Roman	۱۰	Normal
عنوان جدول و شکل‌ها، زیرنویس جدول‌ها	IRLotus	۱۰	Bold
متن جدول‌ها	IRLotus	۱۱	Normal
چکیده انگلیسی	Time New Roman	۱۱	Normal
زیرنویس فارسی	IRLotus	۹	Normal
زیرنویس لاتین	Times New Roman	۸	Normal
منابع فارسی	IRLotus	۱۰	Normal
منابع لاتین	Times New Roman	۱۰	Normal

• عنوان

عنوان مقاله باید کوتاه و برگرفته از محتوای مقاله باشد و بیشتر از ۱۱ کلمه نباشد و در آن از کلمات اختصاری استفاده نشود.

• چکیده فارسی و انگلیسی

چکیده باید شامل اطلاعات کوتاه و دقیق و بیانگر موضوع تحقیق، اهداف، روش و نتایج مطالعه باشد. در متن چکیده از ذکر مقدمات و کلیات خودداری شود و به موضوعات اصلی پرداخته شود. طول چکیده در مقاله کمتر از ۸۱ کلمه و بیشتر از ۲۱۱ کلمه نباشد. چکیده باید مستقل و در یک پاراگراف باشد. از اشاره به منابع در چکیده خودداری شود. چکیده انگلیسی باید برگردان دقیق چکیده فارسی باشد.

• شماره‌گذاری عناوین

عناوین اصلی و فرعی مقاله، جز چکیده و مقدمه و نتیجه‌گیری، باید شماره‌گذاری شوند و ابتدا شماره عنوان اصلی و سپس شماره عناوین فرعی و فرعی‌تر آورده شود (مثال: ۲-۳). استراتژی ایران).

• واژگان کلید

پس از چکیده، سه تا پنج کلمه مهم و پربسامد مقاله برای واژگان کلیدی نوشته شود. بهتر است از واژه‌هایی انتخاب شود که در عنوان مقاله نیامده باشند. واژه‌ها با ویرگول (،) از هم جدا شوند.

• مقدمه و مبانی نظری

مقدمه باید شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت انجام، سؤال‌ها و فرضیه‌ها باشد و در آن به پیشینه پژوهش‌های مرتبط ارجاع داده شود. در بخش پایانی نیز هدف از انجام پژوهش به وضوح ذکر گردد.

• روش انجام پژوهش

در این بخش، نحوه اجرای پژوهش شامل نوع و روش تحقیق، روش‌های ارزیابی، جامعه آماری، طرح آماری و نحوه تجزیه آماری داده‌ها توضیح داده شود. مطالب مندرج در این بخش در چند پاراگراف و بدون تیتربندی تنظیم شود.

• یافته‌ها

نتایج حاصل از پژوهش را می‌توان به صورت جدول و شکل ارائه کرد و فقط تحلیل نتایج را در متن آورد. اطلاعات جدول‌ها و شکل‌ها باید طوری باشد که خواننده، بدون مراجعه به متن، بتواند به اطلاعات کافی برای درک جدول دست یابد. چنانچه در هر قسمت از مقاله

به جدول و یا شکلی اشاره شده است، بلافاصله و در انتهای همان پاراگراف، جدول یا شکل مربوطه درج شود.

• شکل و نمودار

- عنوان شکل و نمودار، بعد از ذکر کلمه «شکل» یا «نمودار»، شماره آن‌ها و دونقطه شروع می‌شود. (شکل ۳:) عنوان‌ها باید در زیر شکل یا نمودارها و وسط چین باشند.
- شکل و نمودارها، در داخل متن و در جایی که به آن‌ها ارجاع داده شده درج گردند و در متن مقاله باید به همه آن‌ها ارجاع داده شود.
- ذکر واحد کمیت‌ها در شکل و نمودارها الزامی است و تمامی مطالب و اطلاعات آن‌ها باید به فارسی نوشته شود.
- نمودارها و شکل‌ها می‌توانند رنگی و یا سیاه و سفید ارسال شوند، اما رنگ‌ها و جزئیات آن‌ها باید در چاپ سیاه و سفید قابل تشخیص باشد.
- بعد از هر شکل و نمودار یک سطر خالی قرار دهید.

• جدول

- در تنظیم جداول نباید از خطوط افقی و عمودی استفاده کرد، مگر در بالا و پایین سطر اول جدول و پایین آخرین سطر آن.
- عنوان جدول در بالای آن قرار می‌گیرد و با کلمه جدول، شماره آن و دونقطه شروع می‌شود.
- تمامی مطالب و اطلاعات جدول باید به فارسی نوشته شود. برای بیان توضیحات اضافی در مورد هر جدول، می‌توان به ترتیب از علائم اختصاری در متن جدول استفاده کرد و با نشان دادن آن‌ها در زیر جدول و نوشتن توضیح، اطلاعات لازم را در اختیار خواننده قرار داد.

• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

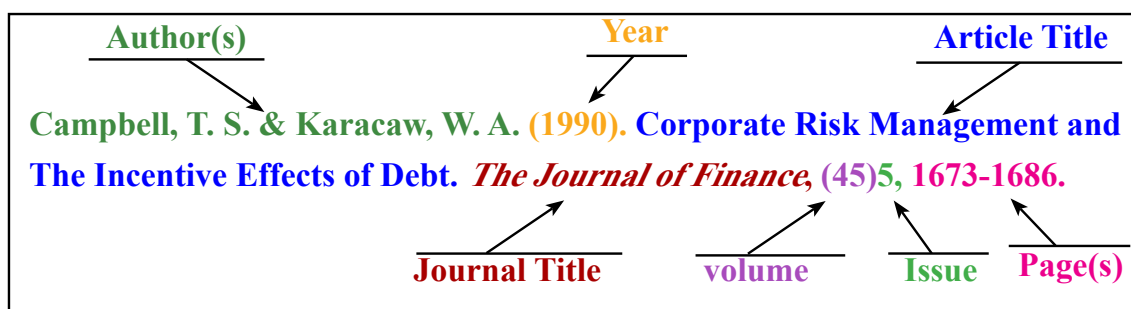
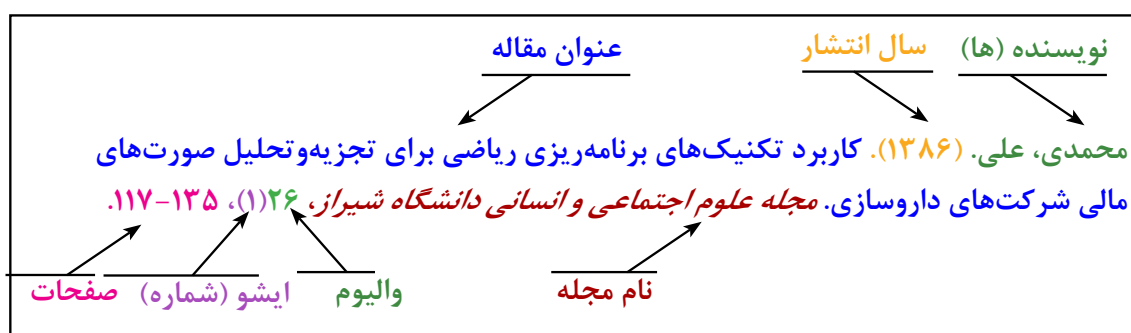
- آوردن بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پس از متن اصلی مقاله الزامی است. نتیجه‌گیری کلی از مقاله در حد یک تا دو پاراگراف باشد. این بخش مستقل است و باید بدون مراجعه به سایر بخش‌های مقاله گویای مهم‌ترین یافته‌ها باشد.

• منابع

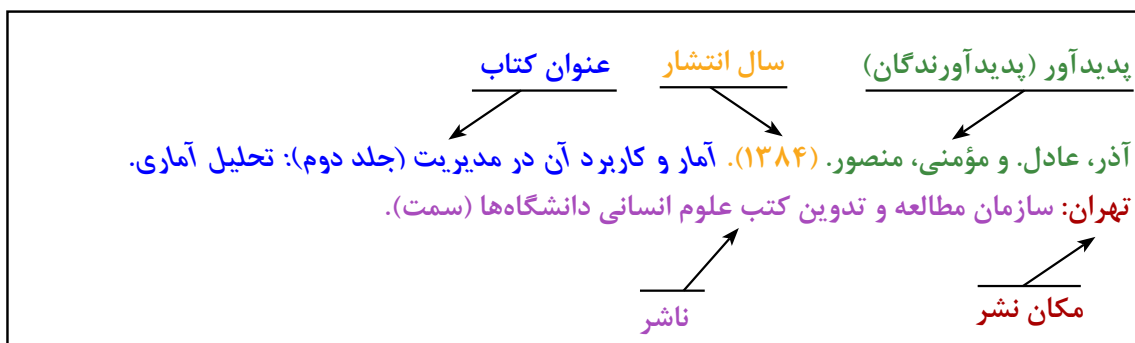
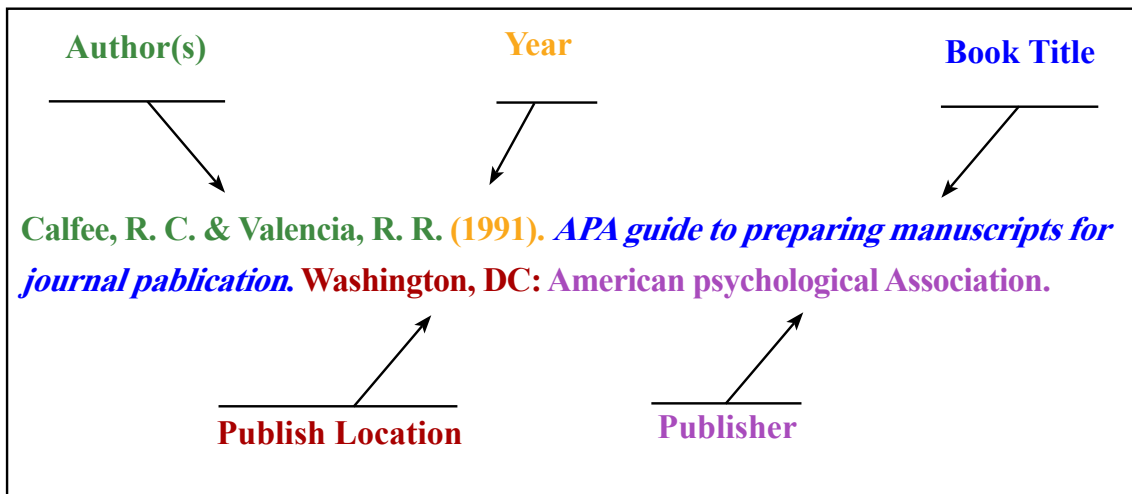
برای ارجاع به منابع از استاندارد APA و سیستم ارجاع‌دهی هاروارد تبعیت کنید.

مثال:

ارجاع به مقالات:



ارجاع به کتاب‌ها:



ارجاع به پایان‌نامه و رساله:

نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (سال). عنوان به صورت ایرانیک. (مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری). نام دانشگاه، نام کشور.
 مثال:
 احمدی مقدم، ابراهیم. (۱۳۸۶). استراتژی نیروی مقاومت بسیج در جنگ آینده. (دکتری). دانشگاه عالی دفاع ملی، ایران.